

تحسین قبل از نشر کتاب مبارزه با جرایم جدی در جوامع بعد از جنگ و ستیزه

جوامع معاصر با آفت جرایم خشن مواجه است، ولی بنابر موجودیت ساختارهای فعال و کارای اجتماعی، آنها از عهده مبارزه با این جرایم بدر می آیند. در این زمینه میتوان از سیستم های مربوط به تنفیذ قانون، نظام عدلی - قضایی، خرنوالی و سیستم های اصلاحی، بطور خاص تذکر بعمل آورد. ولی مهم تر از این، حقیقت نیروهای تقویتی مربوط به روال عادی زنده گی یعنی قرار داد اجتماعی نوشته نشده است که جامعه را باهم نگهدارد. در جوامع جنگ زده و متأثر شده از جنگ یا جوامعی که نواز جنگ و ستیزه رهایی مییابند، خشونت یک قاعده زنده گی و یک وسیله کمک خودی و همچنان یک شیوه تلقی میگردد که مردم از طریق آن با هم مرادده میکنند. هر دو یعنی میزان و اندازه و همچنان سطح جدی بودن جرایم خشن افزایش یافته، قرارداد اجتماعی گره نخورده و مستحکم نمی باشد. چنین جوامعی نه تنها امنیت و ثبات شانرا در معرض خطر درمییابند، بلکه مساعی برای احیای نظم، دیموکراسی و حاکمیت قانون را که بدون آنها روال عادی زنده گی اعاده شده نمی تواند، نیز با موانع قابل ملاحظه مواجه میبینند. تجارب کشور های مختلف در محیط های بعد از جنگ و ستیزه نشان میدهد که ادارات داخل دولت و همچنان خود دولت ها در مجموع حین تلاش برای جستجوی وسایل اساسی مبارزه با خشونت و جرایم بی ثبات کننده به عوض احیاء دوباره چرخ، بیشتر مشتاق آن اند تا در زمینه صرف کمک کنند. آن مؤسسات و دولت های زیرک و هوشیار خواهند بود که به این رساله مراجعه کنند. زیرا این رساله یک ترکیب گرانبهای از مسایل متنهابهی مطروحه، تمرکز عملی و داشته های تجربی را به پالیسی سازان و ماهرین مربوط پیشکش مینماید. این رساله که در نتیجه تجارب درخشان تهیه شده واقعا یک وسیله مفید محسوب میگردد.

— **چیریف باسیونی (Cherif Bassiouni)** استاد برجسته تحقیق در بخش حقوق و رئیس انستیتوت بین المللی قانون حقوق بشری پوهنخی حقوق پوهنتون DePaul

این رساله ابداعی در دست آنانیکه در زمینه تجدید ساختارهای جوامع بعد از جنگ و ستیزه با چالش هایی مواجه باشند، یک وسیله ارزشمندی خواهد بود. مطالب این رساله به وسیله ماهرین با تجربه و دانشمندان برجسته باهم یکجا شده اند. رساله مذکور توضیح میدهد که کدام شیوه های برخورد از کارآیی لازم برخوردار بوده و کدام شیوه ها برخوردار نه بوده اند. برعلاوه، مسایل مربوط به انواع منابع مقتضی را مورد بحث قرار داده و نمونه های عملی فراوان و همچنان مأخذ مربوط را فراهم میسازد.

مؤلفین این کتاب، مثل سایر اشخاصی که در این عرصه کار کرده اند، میدانند که تأمین حاکمیت قانون، هسته هر دولت معاصر را میسازد. این امر به ادارات مربوط توانایی آنرا میبخشد تا بطور مؤثر فعالیت نموده و تمام اتباع برای التیام زخم ها و رنج های شان راه های لازم را جستجو کنند. بدون حاکمیت قانون جامعه فعالیت کرده نمی تواند این کتاب باید روی میز هر رئیس هیأت نماینده گی و مأمور بین المللی بی که با مسایل مربوط به امر بازسازی جوامع متأثر شده از جنگ و ستیزه، سروکار دارند، قرار داشته باشد.

— **جکویس پاول کلین (Jacques Paul Klein)** آمر سابق بخش عملیات ملل متحد در کروشیا، بوسنیا و هرزیگوینا و لایبیریا

از دیر زمانی من در این مجادله هستم که جرایم جدی و سازمان یافته یکی از مشکلات بسیار جدی بی محسوب میگردد که ما در جهان امروزی با آن مواجه میباشیم. هشتاد فیصد تنش ها و مخاصمات جهان، جنبه داخلی دارد و جرایم، عمده ترین مشخصه این گونه تنش ها شمرده میشود.

حد اقل یک گروه کوچک از افراد دلیر با مساعدت تزلزل ناپذیر انسیتیوت صلح ایالات متحده، متخصصین و کارشناسان مربوط به جرایم فراملیتی و جرایم جدی را به این امر ترغیب کرده اند تا درس های آموخته شده در جریان کار خویش، شیوه ها و تخیبک های را که آنها بکار میبرند و همچنان ارزش ها، ساختارها، سیستم ها و مهارت هایی را که برای جلوگیری مؤثر از جرایم جدی حایز اهمیت شمرده میشوند، توضیح نمایند. آنها همه باهم تا اکنون چنان یک مخزن دانش و معلومات را در زمینه ایجاد نموده اند که قبل از آن هیچگاهی بشکل گسترده به دسترس قرار نداشته است.

رساله مبارزه با جرایم جدی نتیجه سالها کار صبورانه و پرتلاش محسوب میگردد و پیامد آن یک سهمگیری واقعی در زمینه ارتقای ظرفیت مربوط به تنفیذ قانون و تنظیم امور تشکیلاتی مربوط میباشد. در حالیکه ماهرین مربوط از سراسر متن این کتاب با ارزش برای بهبود کارشان یادداشت های خواهند نوشت، تصمیم گیرنده گان سیاسی نیز باید برای ضرورت پلانگذاری طویل المدت و جهت کسب اطمینان از اینکه منابع مالی، بشری و تجهیزات جهت انجام وظیفه بازسازی جوامع بعد از جنگ و ستیزه به قدر کافی وجود دارد، این کتاب را به عنوان یک یاددانی یادداشت با خود داشته باشند.

— ریچارد مونک (Richard Monk) کمشنر اسبق بخش گروه کاری پولیس بین المللی سازمان ملل متحد

رساله مبارزه با جرایم جدی، یک تحلیل جامع، اندیشمندانه و معتبری را از ستراتیژی هایی ارائه میدارد که برای برخورد با جرایم جدی در شرایط جوامع بعد از جنگ و ستیزه طرح گردیده. رساله مذکور با استفاده گسترده از مثال های تجارب تازه بعد از جنگ و ستیزه و یک طرز برخورد مؤثر، یک منبع با ارزش محسوب میگردد که باید افرادی چون پالیسی سازان، دانشمندان و ماهرین آنرا مطالعه کنند.

— جنرال اردوی امریکا، دیوید اچ پیتریس (David H. Petraeus) کسی که در عراق، بوسنیا و هایتی خدمت کرده است.

بارها ما با نیروهای نظام مداخله نمودیم، ولی از آنجاییکه ما میخواستیم جنگ و ستیزه را خاموش کنیم، ما در زمینه رفع عوامل بنیادی رویارویی و مقابله ناکام ماندیم و نیروهای نظامی ما در بوسنیا، کوسوو، افغانستان و عراق باقی ماندند. ما در زمینه تعدیل امنیت نظامی که به زور اسلحه به دست آمده به امنیت مدنی که از طریق تأمین حاکمیت قانون به آن نایل میشویم ناکام ماندیم. این کتاب برای آنانی که جهت رفع خلای موجود میان ختم جنگ و بجا گذاشتن یک جامعه مدنی پایدار مسؤلیت تشکیل مؤسسات و ساختارها را بدوش دارند، رهنمود های خوبی را فراهم مینماید. خواندن این کتاب برای افرادی چون پالیسی سازان و همچنان ماهرین عرصه مربوط لازمی شمرده میشود.

— جنرال اوپیرت سمیت (General Rupert Smith) معاون اسبق قوماندانی عالی ناتو هنگام بحران

کوسوو و قوماندان اسبق ملل متحد در سرايوو

مبارزه علیه

جرایم جدی

در جوامع بعد از
جنگ و ستیزه

مبارزه علیه جرایم جدی در جوامع بعد از جنگ و ستیزه

یک رساله
برای پالیسی سازان
و ماهرین مربوط

ایدیت شده به وسیله
کولیت روش (Colette Rausch)

نویسنده گان
الین بانیر (Elaine Banar)، کریستین فینل (Kristen Fennel)،
ادالبرت گراس (Adalbert Gross)، میشل ای. هارتمن (Michael E. Hartmann)،
دیورا ایسر (Deborah Isser)، اندریو مکی (Andrew McKay)،
ووین اوکونور (Vivienne O'Connor)، دیوید سی. رالسون (David C. Ralston)
و کولیت روش (Colette Rausch)

مطبعه انستیتیوت صلح ایالات متحده

واشنگتن دی. سی

نقاط نظری که در این کتاب ارائه گردیده، صرفاً متعلق به نویسنده گان است. نقاط نظر مذکور الزاماً بازتاب دهنده نظریات انستیتیوت صلح ایالات متحده نمی باشد.

انستیتیوت صلح ایالات متحده
1200 17th Street NW, Suite 200
Washington, DC 20036-3011

وقف شده به وسیله انستیتیوت صلح ایالات متحده.
تمام حقوق مربوط محفوظ میباشند.

بار اول چاپ شده در سال 2006

چاپ شده در ایالات متحده آمریکا

از کاغذی که در این چاپ از آن استفاده شده حداقل مقتضیات معیارهای ملی آمریکا برای علوم معلوماتی را برآورده میسازد - دوام کاغذ برای مواد چاپی کتابخانه ANSI Z39.48-1984.

کتلاک کتابخانه کانگرس - در معلومات و مدارک چاپی

مبارزه علیه جرایم جدی در جوامع بعد از جنگ و ستیزه: رساله برای پالیسی سازان و ماهرین امور مربوط / ایدیت شده به وسیله کولیت روش (Colette Rausch)، تحریر شده توسط ایلاینی بانر (Elaine Banar) و دیگران...

به شمول فهرست مأخذ و ضمیمه

مبارزه علیه جرایم جدی در جوامع بعد از جنگ و ستیزه: رساله برای پالیسی سازان و ماهرین امور مربوط / ایدیت شده توسط کولیت روش (Colette Rausch)، تحریر شده توسط ایلاینی بانر (Elaine Banar) و دیگران...

p. cm

شامل فهرست اصطلاحات و مأخذ

شماره ستندرد بین المللی کتاب-13: 4-95-1-929223-978 (کاغذ پستی اخباری)

شماره ستندرد بین المللی کتاب-10: 1-95-1-929223-1 (کاغذ پستی اخباری)

1. جلوگیری جرایم. 2. بازسازی بعد از جنگ. 3. ساختار صلح

الف. کولیت، روش. بد بانر ایلاینی

HV7431.C65762006

dc22—364.4

فهرست مطالب

xi	پیش‌گفتار. پدی‌اشدون (Paddy Ashdown)
xiii	دیباچه و سپاسنامه
xv	نویسنده گان و نویسنده گان همکار
3	1. مقدمه
3	جرایم جدی یا وخیم و اثرات آنها روی جوامع بعد از جنگ و ستیزه
3	مفهوم "جرایم جدی"
5	منشأ و عواملی که زمینه‌های ارتکاب جرایم جدی و خطرناک را فراهم میسازد
6	اثرات جرایم جدی
9	طرح تدوین و تکامل تدریجی این کتاب
10	مقصد و هدف این کتاب
12	اصول رهنمودی
17	2. راه اندازی یک ارزیابی
17	یک ارزیابی چه است و چرا حایز اهمیت میباشد
18	حدود و ساحات ارزیابی
19	ارزیابی ماهیت مشکل جرایم جدی
19	انواع جرایم جدی
19	انگیزه‌ها و کتلیست‌های جرایم جدی
20	مرتکبین جرایم جدی
21	عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی
21	ظرفیت و چالش‌ها در سکتور عدلی جنایی
21	چهار چوب قانونی
23	ظرفیت پولیس
25	ظرفیت نظام عدلی
27	ظرفیت سیستم محاسب

- 28 ظرفیت و چالش های مربوط در خارج از سکتور عدلی جنایی
- 29 نیت و اراده سیاسی مقامات
- 29 عکس العمل ها و توقعات مردم عامه
- 30 راه اندازی یک ارزیابی
- 30 کی باید ارزیابی مورد نظر را انجام دهد؟
- 32 روش یا میتودولوژی ارزیابی
- 39 3. اصلاحات در چهارچوب حقوقی
- 39 چهارچوب حقوقی در کشورهای بعد از جنگ و ستیزه
- 39 اهمیت درک چهارچوب حقوقی
- 41 کمبود ها در چهارچوب حقوقی چگونه بالای تحقیقات
مربوط به جرایم جدی و تعقیب عدلی آن اثر میگذارد
- 42 تشخیص چهارچوب حقوقی
- 51 نوع تعدیلاتی که ممکن لازم باشد تا در چهارچوب
حقوقی صورت گیرد
- 54 تعدیل چهارچوب حقوقی
- 55 مراقبت مخفی و سایر اقدامات مراقبتی
- 57 اقدامات جهت محافظت شاهدان
- 61 معافیت از تعقیب عدلی یا کاهش
مجازات برای شاهدان همکار
- 63 ضبط و مصادره عواید و وسایل مربوط به ارتکاب
جرایم عواید و وسایل مربوط به ارتکاب جرایم
- 67 طرز العمل های موثر تبادل مجرمین
- 69 نقش کمک های متقابل حقوقی در زمینه تحقیقات
مربوط به جرایم جدی
- 73 4. اصلاحات تشکیلاتی
- 74 ریفورم های پولیس: وضع نمودن وظایف جدید
- 75 اصول بنیادی
- 76 عناصر تکنیکی و منابع
- 77 وظایف اختصاصی پولیس
- 80 هماهنگی و همکاری داخل ادارات

80	ساختار های قضایی و گزینه ها برای محاکمه قضایی مربوط به جرایم جدی
82	میکانیزم های خاص جهت تعقیب عدلی و قضاوت قضایا
95	اصول عمومی پی که در میکانیزم های اختصاصی در نظر گرفته میشود
97	تعقیب عدلی یک قضیهء مربوط به جرایم جدی به وسیله یک کشور ذریبط
99	ریفورم هایی که به مسایل مربوط به حق وکالت مدافع، دسترسی به وکالت مدافع و دسترسی وکالت مدافع به شواهد میپردازند
100	حق داشتن وکیل مدافع
101	محدودیت ها بالای حق دسترسی داشتن به وکالت مدافع
103	حق وکیل مدافع مبنی بر دسترسی او به شواهد مربوط در یک قضیه
103	ریفورم محابس جهت رسیده گی به جرایم جدی
106	تدابیر امنیتی جهت محافظت پرسونل و ادارات
107	مقتضیات طرح یک پروگرام محافظت حاضر باش
107	شیوه های ایجاد تیم های محافظت حاضر باش
108	پرسونل مقتضی یک تیم محافظت حاضر باش
108	ساحات قابل اندیشه و نگرانی در زمینه اجرای یک پروگرام محافظتی حاضر باشی
109	پروگرام های محافظت شاهدان
113	5. استراتیژی های مربوط به رسیده گی به جرایم جدی
114	استخبارات جنایی
115	پروسهء استخبارات
117	مقایسهء اطلاعات استخباراتی با شواهد
117	شریک ساختن اطلاعات استخباراتی
120	ایجاد واحد های استخباراتی جنایی جهت رسیده گی به جرایم جدی
122	استراتیژی های تعیین اهداف

124	کمپاین‌های آگاهی عامه
127	نقش نیروهای نظامی بین‌المللی در مبارزه علیه جرایم جدی
133	انتقال از نیروهای نظامی بین‌المللی به پولیس ملکی
137	6. مشارکت بین‌المللی
138	ملاحظات عمومی
141	اهدای صلاحیت
142	انواع پادرمیانی یا دخالت
143	تعیین نوع کمک
145	ارزیابی نیازمندی‌ها
146	عوامل یا فکتورهای مربوط به کشور میزبان
147	تعهد و منابع
148	مسائل مربوط به توزیف پرسونل بین‌المللی
148	استخدام و طول مدت گماشتن
150	انتخاب پرسونل شایسته و واجد شرایط
152	منابع کمکی
153	احساس مسولیت و حسابدگی
155	مواد خواندنی و منابع مزید
155	حاکمیت قانون و اصلاحات قضایی
157	حقوق بشر
158	عملیات صلح‌جویانه
161	حفظ نظم و امن عامه
162	محاسب و تدابیر اصلاحی
163	مبارزه با فساد اداری
	مبارزه با جرایم سازمان‌یافته،
164	نقل و انتقال غیرقانونی و تروریزم
166	معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی
166	صفحات اینترنتی مفید
171	فهرست اصطلاحات

پیشگفتار

پدی اشدون (Paddy Ashdown) نماینده عالی اسبق در بوسنیا و هرزیگوینا

وقتی من در سال 2002 برای بار اول به عنوان نماینده عالی جامعه جهانی و نماینده خاص اتحادیه اروپا وارد بوسنیا هرزیگوینا شدم، این امر به من آشکار گردید که بزرگترین تهدیدی که صلح و امنیت را در آن زمان به خطر مواجه میساخت عبارت از تسلط جرایم سازمان یافته در کشور بود. از آنرو اولویت کاری من آن بود تا میکانیزم هایی را ایجاد نمایم که با این آفت مبارزه نمایند. ما تلاش ورزیدیم تا یک چهارچوب حقوقی جدید را رویکار سازیم، یک محکمه معتبر و مستقلى را تشکیل نماییم تا کار رسیده گی به قضایای حساس را پیش ببرد و یک نیروی پولیس را ایجاد نماییم که قابلیت مقابله با جرایم سازمان یافته را داشته باشد.

کاش این کتاب یعنی "مبارزه علیه جرایم جدی در جوامع بعد از جنگ و ستیزه: رساله برای پالیسی سازان و ماهرین امور مربوط"، برای من زمانی که به بوسنیا و هرزیگوینا مواصلت ورزیدم، میسر میبود. دانش و تجربه که در صفحات این کتاب نهفته است میتواند برای ما بسیار ارزشمند باشد، زیرا ما در صدد تأمین حاکمیت قانون در آن کشور بودیم تا آن کشور در استقامت جایگاه شایسته آن در خانواده اروپا اتلانتیک، کمک کنیم اما تا وقتی که این کتاب چاپ شد، در زمینه موضوعات که به آن میپردازد، مواد نوشته شده بسیار اندکی در آنجا وجود داشت و تقریباً هیچ چیزی موجود نه بود که تجارب دست اول ماهرین امور مربوط را با داشته های نظری بی که سابقه نداشت یکجا کند.

مبارزه با آنچه نویسنده گان این کتاب آنرا "جرایم جدی" می نامند، بشمول جرایم سازمان یافته، خشونت های قومی یا مذهبی و انواع دهشت افگنی، که میتواند تأمین یک صلح پایدار بعد از جنگ و ستیزه را به شکست مواجه سازد، مقتضی یک سلسله معلومات اختصاصی، اراده سیاسی و زمان میباشند. چیزی که گنگوری "جرایم جدی" را از انواع جرایم سازمان یافته و جنایت های خشنی که در تمام کشور ها به ملاحظه میرسد، متمایز میسازد، عبارت از سطح تخریبی بالقوه است که به یک ماشین اجتماعی از قبل آسیب پذیر تحمیل مینماید. هنگام دوره کاری ام به حیث نماینده عالی، در مرحله اول چیزی را که من آموختم در باره تهدیدی بود که به وسیله اینگونه فعالیت های جنایی در کشور های بعد از جنگ و ستیزه مطرح میگردد. این امر اکثراً به رهبران و نخبه گان زمان جنگ که بعد از جنگ نیز صاحب قدرت و اختیار باقی می مانند، همچنان آثانی که از حمایت آنها برخوردار اند، ارتباط میگیرد. این رابطه و پیوند سیاسی - جنایی مشکل موجود را دشوار تر میسازد و از این رهگذر این امر حایز اهمیت زیاد است که مستقیماً با آنها مواجه شویم. برای انجام مؤثر این امر، پالیسی سازان و ماهرین امور مربوط تنها به عزم و اراده، تصمیم گیری و حمایت سیاسی نیاز ندارند، بلکه آنها نیازمند وسایل و منابع لازم نیز میباشند.

مساعی بین المللی جهت آوردن ثبات در کشور های که از جنگ و ستیزه بیرون آمده اند در دهه اخیر به سرعت چند برابر شده و اکنون تجارب زیادی در این زمینه وجود دارد که میتوان از آن مستفید شد. برای تأمین حاکمیت قانون در جوامع بعد از جنگ و ستیزه هیچگاهی کدام شیوه برخورد که بطور ساده از خود ابداع شده و تجارب مساعی گذشته در جاهای دیگر نادیده گرفته شود وجود داشته نمی تواند. از آنرو نباید با تجارب از تجارب گذشته، وظیفه جامعه بین المللی

برای تأمین صلح را بدون موجب پیچیده ساخته و با بی پروایی آینده جوامع و مردمی را که از جنگ و ستیزه سر بیرون آورده اند، به خطر مواجه سازیم. این کتاب حاوی درس های بسیاری است که در جاهای چون: افغانستان، بوسنیا، عراق، کوسوو، لایبیریا و سیرالیون آموخته شده و همچنان حاوی مثال هایی از تجارب مربوط به مبارزه علیه جرایم جدی در کشورهای چون ایتالیا، انگلستان و ایالات متحده امریکا نیز میباشد.

یکی از این درس ها آن است که با مشکلات تشکیلاتی باید بیدرنگ مقابله نمود؛ گزینه ها با گذشت زمان بهبود نمی یابند. در رابطه به قضیه بوسنیا و هرزیگوینا، پیوند ها میان جرایم سازمان یافته و فساد اداری رسمی بطور خاص بسیار نیرومند است و بطور قابل ملاحظه از توانایی کشور جهت پیوستن دوباره به روند عادی اروپایی میکاهد. میان آنانی که از مرتکبین جرایم جنگی حراست میکنند، به قاچاق اموال و انسان دست میزنند و یک سلسله اعمال نامشروع دیگر را مرتکب میشوند، پیوند های نزدیک وجود دارد. این یک حقیقت است، تلاش های که این چنین فعالیت ها را محدود سازد در ابتدای ذیدخل شدن جامعه بین المللی در قضیه صورت نگرفت و این امر حضور ما را در منطقه بطور قابل ملاحظه طولانی ساخت.

پالیسی سازان و ماهرین مربوط آینده، به این کار که نخستین کار در نوع خود میباشد، عطف توجه خواهند نمود تا آنها را در تلاش های شان جهت تبدیل نمودن شرایط عدم موجودیت جنگ به یک صلح تحت قانون، کمک نماید. مدارک کتبی به وسیله مردمانی که خود در مبارزه علیه جرایم جدی ذیدخل بوده اند، بینش و طرقی را عرضه میدارد که تنها از کار عملی در ساحه منشأ گرفته و گزیده شده میتوانند. در عین زمان، نویسنده گان این کتاب بخوبی از مقتضیات اساسی پالیسی های آگاهی دارند که با طرح و اجرای یک ستراتیژی سروکار داشته باشد که بمقصد آن تقلیل سطح جرایم جدی تا اندازه باشد که مؤسسات دیموکراتیک داخلی در مقابل آن بطور مؤثر مبارزه نموده بتوانند.

من از مساعی انستیتیوت صلح ایالات متحده امریکا بخاطر جمع آوری و نشر این کتاب و همچنان فعالیت های متعدد دیگر آنها که بخاطر کمک با پالیسی سازان و ماهرین امور مربوط در کار آنها جهت تأمین صلح پایدار بعد از جنگ و ستیزه بعمل آورده اند، تقدیر و تمجید مینمایم. انستیتیوت مذکور یک خدمت با ارزشی را در زمینه تبدیل درس های آموخته شده در ساحه به وسایل جهت احیاء مجدد حاکمیت قانون در شرایط بعد از جنگ و ستیزه، انجام میدهد.

من همچنان از کار آئنده مردان و زنان نیز تمجید مینمایم که دانش و معرفت شانرا در این کتاب شریک ساخته اند. قضات، دانشمندان، افسران پولیس و افسران اردو، خرنوالان، وکلای مدافع، وزارت خانه های حکومت و حقوق دانان بخش حقوق بشر: همه با هم یک منبع بسیار با ارزشی را برای آنانی که آنرا در جریان کار خود گام به گام با شریک ساختن عین عزم و اراده ساختن جهان صلح آمیز تر و صلح قانونی تر تعقیب خواهند نمود، به وجود آورده اند.

سپاسنامه

تدوین این کتاب در سال 2002 وقتی پی ریزی گردید که پروگرام حاکمیت قانون انستیتوت صلح ایالات متحده یک تیم کوچکی از ماهرین را که در مساعی مربوط به مبارزه علیه جرایم جدی در کوسوو و ذیدخل بودند، گرد آورد. من برای همیشه از اعضای گروه کاری پی ریزی طرح کتاب "جرایم جدی" هریک David Elaine Banar, Adi Gross, Michael Hartmann, Andrew Mackay, Ralston که از نظریات و تصور آنها این کتاب پی ریزی گردید و احساسات و استقامت آنها این کتاب را به پایه اكمال رسانید، سپاسگذارم. تجارب آنها در زمینه جرایم جدی و آگاهی آنها از عواقب ویران کننده و ناگواری که این جرایم میتوانند در جوامعی نو سر برآورده از جنگ و ستنیزه داشته باشد، آنها را بدان واداشت تا ساعت های بی شمار وقت گرانبهای شانرا بطور داوطلبانه وقف تدوین و گردآوری این کتاب نمایند.

میخواهم همچنان از Kristen Fennel, Debbie Isser, و Vivienne O'Connor، که با مهربانی استخدام در این گروه به صفت نویسنده را پذیرفتند، تشکر نمایم. بدون تجربه و علاقمندی شدید آنها و قابلیت آنها بحیث نویسنده گان، کار تدوین این کتاب به جلو رفته نمی توانست. من از Vivienne نه تنها بخاطر مهارت های خلاق او که کمک نمود تا این کتاب تنظیم گردد، اظهار امتنان مینمایم، بلکه همچنان بخاطر تحفه دوستی او نیز ممنون هستم.

ایدیتور بخش انکشاف ما Nigel Quinney سزاوار یادآوری خاص است. موصوف به جزء از خانواده کتاب "جرایم جدی" ما مبدل گردیده و کار با نامبرده یک تجربه فوق العاده شمرده میشود. بخاطر گفتن عبارات بذله گونه که مرا به خنده و امیداشت و همچنان بخاط تشویق او خصوصاً زمانی که پنداشته میشد مساعی ما به جایی نخواهد رسید او را میتوان همیشه به خاطر داشت. همچنان میخواهم بخاطر کمک بی شایبه و تشویق خانم Neil Kritz آمر پروگرام حاکمیت قانون و معاون همکار رئیس انستیتوت صلح ایالات متحده تمجید بعمل آورم. Chrissy Hoffman و Christian De Vos بترتیب همکار سابقه دار پروگرام و همکار تحقیق در بخش پروگرام حاکمیت قانون، همیشه (صرف برای یک وظیفه دیگر) حاضر بودند. اگرچه این یک وظیفه دیگر به چندین وظیفه تبدیل میشد. Kurt Basseuner معلومات سیاسی با ارزشی را فراهم و از پروسه تدوین کتاب حمایت نمود که من بخاطر آن بسیار ممنون هستم.

در مدت زمان سه سال و در کار تدویر جلسات بیشمار، بیشتر از چهل متخصص امور مربوط در زمینه تدوین و گردآوری مطالب این کتاب سهم گرفتند. آنها از یک طیف وسیع افرادی با سابقه های تخصصی بسیار گوناگونی نماینده گی میکردند که در آن دانشمندان، متخصصین امور مربوط به قوانین، افسران پولیس، پرسونل اردو، قضات، خارنوالان، وکلای مدافع، کارشناسان امور مربوط به استخبارات، محاسب و پرسونل امنیتی، مشاورین پولیس، مدافعین حقوق بشر و نماینده گان سازمان های بین المللی، شامل بودند. به همین ترتیب سلسله کشور

هایی که آنها در آن در زمینه مبارزه علیه جرایم جدی کار نموده بودند، نیز قابل توجه است که از آن جمله میتوان از افغانستان، بوسنیا، بروندي، کمبودیا، جمهوری دیموکراتیک کانگو، تیمور شرقی، ایسلوادور، هایتی، عراق، لایبیریا، نیپال، صربیا و جزایر سلومن، یاد کرد. به هر کسی که در کار تدوین این کتاب سهم گرفته تشکرات گرم و صمیمانه خود را ابراز مینمایم. علاقه مندی شما برای شریک ساختن تجارب و معلومات علمی تان با ما، به این کتاب یک عمق و پهنای بخشیده که در غیر آن نیل به آن امکان پذیر نبود.

من همچنان از آن ادارات و شعبات ملل متحد و حکومت مختلف ممنون هستم که به کارمندان شان اجازه دادند تا در جلسات ما شرکت ورزیده و یا به طرق دیگر در انکشاف این رساله سهم گرفتند. در این امر سازمان ها و اداراتی چون: دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم ملل متحد، دفتر کمشنری عالی حقوق بشر، هیأت نماینده گی ملل متحد در کوسوو، اداره امور عدلی و قضایی امریکا در واشنگتن، دفتر خانونالی امریکا در ساحه شرقی نیویارک، اداره پولیس - North Rhine Westphalia، جرمنی، اداره عدلی و قضایی باری در ایتالیا، وزارت عدلیه لایبیریا، اداره پولیس گریتربوخن آلمان، ستره محکمه اداره خود گردان فلسطین، ستره محکمه فیجی و پوهنخی حقوق جنایی و مطالعات مربوط به امور امنیتی پوهنتون ماربور سلووانیا، شامل بودند.

قطعه 52 پیاده اردوی برتانيا که میزبان دو جلسه آزمایشی در مقر آن در Edinburgh Castle سکاتلند بود، مستحق تمجید خاص میباشد.

سرانجام میخواهم از Calvin Dunn و Patrick که شام های بی پایان حوصله کردند و روز های اخیر هفته در خانه در حالیکه من با کمپیوترم نشسته و فکرم راجع به جرایم مشغول بود، تشکر نمایم.

هر کسی که در زمینه تدوین این کتاب کار نموده، آرزومند بوده تا این کتاب برای آنانی که برای تأمین یک صلح پایدار تلاش مینمایند، یک وسیله عملی و مفیدی باشد. ما امیدوار هستیم که تلاش مذکور سهمی را ولو کوچک در زمینه ایجاد یک دنیای که در پرتو حاکمیت قانون رهبری شود و یک صلحی که طولانی تر از اندازه رنگی باشد که در این صفحات بکار گرفته شده، ادا کند.

کولت روش

انستیتیوت صلح ایالات متحده امریکا

اظهار سپاس و تشکر خاص برای نسخه دری "مبارزه علیه جرایم جدی در جوامع بعد از جنگ و ستیزه"

میخواهم از محمد صدیق وردگ، که "مبارزه علیه جرایم جدی در جوامع بعد از جنگ و ستیزه" را به دری ترجمه کردند، به طور خاص تشکر و اظهار امتنان نمایم. همچنان مدیون مساعدت های مرکز ترجمه ترانسپرفیکت، با قدردانی خاص از مایکل گانسوینکت (Michelle Ganswindth)، می باشم، که در خواندن پروف، تصحیح و نشر این کتاب همکاری نموده اند. در اخیر، ارزو دارم تا از مرکز چاپ و نشر شمشاد در کابل، افغانستان جهت کمک و مساعدت شان در چاپ این کتاب به وقت و زمان آن، سپاسگزاری نمایم.

نویسنده گان و نویسندگان همکار

ایدیتر

کولت روش (Colette Rausch) معاون رئیس بخش پروگرام حاکمیت قانون انستیتیوت صلح ایالات متحده آمریکا میباشد. خانم مذکور قبل از پیوستن به این انستیتیوت، در هیأت نماینده گی اروپا در کوسوو در سازمان امنیت و همکاری کار میکرد. در ابتدا به حیث آمر بخش حاکمیت قانون و بعداً به حیث رئیس بخش حقوق بشر و حاکمیت قانون خدمت می نمود. خانم روش همچنان به حیث مشاور مقیم اداره قضایی ایالات متحده در هنگری خدمت نموده است. موصوف در آنجا روی تشکیل یک گروه کاری مربوط به جرایم کار کرده و بعداً در سال 1998 - 1999 در بوسنیا خدمت نموده است. نامبرده در سالهای 1999 - 2000 مدیر بخش پروگرام قضایی برای اروپای مرکزی و شرقی بود و پروژه های مربوط به انکشاف حقوق جنایی و همچنان پروژه های آموزشی در البانیا، بوسنیا، کرواتیا، کوسوو و مقیدونیا را طرح نموده است. قبل از این موصوف در دفتر خارتوالی ایالات متحده در لاس ویگاس، نیوادا به حیث خارتوال فدرال ایفای وظیفه نموده است.

نویسنده گان

الین بانیر (Elaine Banar) آمر بخش ایتلاف دارایی ها در دفتر خارتوالی ایالات متحده در ولسوالی شرقی نیویارک میباشد. خانم موصوف قبلاً معاون آمریت بخش گروه کاری مربوط به مواد مخدر و جرایم سازمان یافته بود. او در سال 2001 به حیث مشاور حقوقی خاص در بخش مسایل مربوط به جرایم سازمان یافته هیأت نماینده گی سازمان ملل متحد در کوسوو و خدمت نموده و در آنجا سرگروپی گروهی را بعهده داشت که قوانین مربوط به جرایم جنایی را طرح مینمود تا به جرایم جدی و جرایم سازمان یافته رسیده گی شود. موصوف در طرح نخستین پروگرام محافظت از شاهدان در بالکان نقش مفیدی را بازی نموده و در زمینه تنظیم مساعدت مالی آمریکا و انگلستان برای ایجاد محل مصون برای شاهدانی که در معرض خطر جدی قرار داشتند، سهیم بود. بین سالهای 2002 و 2004 موصوف یک عضو تیم بین المللی آموزشی DOD/DOS در ارتباط مسایل مربوط به تنفیذ قانون بود. تیم مذکور مسایل مربوط به عملیات مخفی و تسلیم دهی کنترل شده را به ارگان های پولیس در منطقه بالتیک تدریس مینمود.

کریستین فینل (Kristen Fennel) از سال 1999 - 2001 در اداره دولتی مربوط به مواد مخدر و مسایل مربوط به تنفیذ قانون U.S. Department of State's Bureau for International Narcotics and Law Enforcement Affairs (INL) کار نموده است. موصوف در زمینه طرح و اجرای پروگرام های مربوط به حاکمیت قانون و مساعدت پولیس در کوسوو، بوسنیا، البانیا، اندونیزیا و تیمور شرقی کمک نموده است. وی در جریان این مدت امور مربوط به تنظیم و مدیریت پروسه پلانگذاری سطح کاری داخل ادارات فدرال را جهت طرح

مجموعه از پروگرام های هماهنگ شده جهت تشکیل دوباره یک سیستم قضایی فعال در کوسوو، معاهده داشت. سپس موصوف در تنظیم امور مربوط به پروگرام قضایی کوسوو که از جانب INL منظور شده بود، خدمت نمود.

ادالبرت گرواس (Adalbert Gross) یک افسر پولیس سابقه دار ایالت شمالی Rhine-Westphalia جرمنی است. موصوف در سالهای 1997 - 1998 به حیث آمر بخش انکشاف پولیس محلی در گروه کاری پولیس بین المللی ملل متحد (IPTF) در سراپوو، بوسنیا و هرزیگوینا، کار نموده و مسؤلیت تنظیم امور مربوط به ساختار های پولیس محلی، ارزیابی پرسونل، اجرای امور مربوط به تعلیم و تربیه پولیس، صدور تصدیق نامه های پولیس محلی را مطابق به توافقنامه صلح دایتون Dayton در آنجا معاهده داشت. از آن به بعد، در سال 1999 نامبرده به حیث کمیسار پولیس در تمرینات ناتو بنام جنگجوی سکند ناوی Viking شرکت ورزید و در سال 2001 - 2002 به حیث معاون کمیسار پولیس در مؤسسه UNMIK در کوسوو توظیف گردید.

میشل ای هارتمن (Michael E. Hartmann) اولین خازنوالی عامه بین المللی بود که از طرف سازمان ملل متحد در کوسوو مقرر گردید. (ماه فبروری 2000 - ماه جولای 2005). مسؤلیت های نامبرده شامل ازایه معلومات و استدلال دعاوی در برابر ستره محکمه کوسوو و تحقیق و تعقیب عدلی موارد مربوط به نسل کشی، جرایم جنگی، تروریزم، فساد اداری، قتل های با انگیزه های سیاسی و جرایم مربوط به نفرت و دشمنی قومی، میشد. قبل از این موصوف به حیث سرگروپ در پروگرام ارزیابی نظام عدلی و قضایی UNMIBH و همچنان بحیث نماینده ساحوی مرکز بین المللی ملل متحد برای جلوگیری از جرایم در بوسنیا خدمت کرده است. نامبرده در سال 2003، یک همکار با تجربه انستیتیوت صلح ایالات متحده بود. هارتمن در حال حاضر از جانب اداره دولتی ایالات متحده INL دفتر پروگرام کمک به سکتور عدلی و قضایی، به حیث مشاور در لوی خازنوالی افغانستان کار میکند. نامبرده طی سالهای 1983 - 1998 به حیث یک معاون خازنوال ولسوالی در سانفرانسسکو، کلفورنیا کار مینمود.

دیبرا ایسر (Deborah Isser) از ماه اگست سال 2004 بحیث مشاور ارشد مسایل مربوط به حاکمیت قانون در بخش پروگرام حاکمیت قانون انستیتیوت صلح ایالات متحده کار مینماید. قبل از این خانم موصوف به عنوان مشاور ارشد در دفتر نماینده عالی در بوسنیا و هرزیگوینا ایفای وظیفه مینمود. کار خانم نامبرده در آنجا روی ریفورم های اقتصادی و تلاش در جهت مبارزه علیه فساد اداری و جرایم سازمان یافته متمرکز بود. در سال 2000 و 2001 وی بحیث مشاور خاص در هیأت نماینده گی ایالات متحده در سازمان ملل متحد خدمت کرد. نامبرده همچنان عضو گروه مسؤل تصفیه حساب طلبات ملل متحد ذمت ایالات متحده آمریکا بود.

آندریو مکی (Andrew McKay) قوماندان جزو تام 52 پیاده اردوی بریتانیا دارای تجارب زیادی در خصوص شرایط بعد از جنگ و ستیزه میبشد. موصوف در اداره مرکزی نیروهای متحده اروپا (SHAPE) در امر پلانگذاری ستراتژییک و عملیاتی برای IFOR, SFOR و KFOR در کوسوو سهیم بود. همچنان وی در سراپوو مؤظف گردید تا مرکز مشترک پلانگذاری انتخابات را تشکیل و بعداً امور مربوط آنرا پیش ببرد. در سال های 2001 و 2002 واحد مشورتی مربوط به امور امنیت و عدالت را در کوسوو تشکیل و رهبری نمود. مکی همچنان از طرح یک پروگرام برای مصونیت شاهدان، تشکیل دفتر مربوط به جرایم سازمان یافته در کوسوو و اداره امور قضایی کوسوو نظارت نموده است. نامبرده در سال 2004 تیم کمک به تعلیم و تربیه پولیس

مدنی را در بغداد تشکیل و سپس رهبری امور مربوط آتراد بدوش گرفت. در این اواخر جزو تام 52 پیاده اردوی بریتانیا ایفای یک نقش رسمی را در عرصه اصلاحات سکتور امنیتی عهده دار شده و مکی در حال حاضر یک حامی SSR اردوی بریتانیا می باشد.

ووین او کونور (Vivienne O'Connor) در مرکز حقوق بشر آیرلند بحیث افسر و هماهنگ کننده قوانین نمونه وی برای پروژه های حقوق جنایی بعد از جنگ و ستیزه می باشد که مشترکاً به وسیله مرکز مذکور و انستیتوت صلح ایالات متحده آمریکا به پیش برده میشود. رشته تخصصی خانم مذکور شامل قوانین بین المللی بشری و حقوق تطبیقی جنایی و طرز العمل های مربوط، همچنان قوانین مربوط به عملیات تأمین صلح و خاصاً مسایل مربوط به حاکمیت قانون می باشد. خانم مذکور لکچر های را در باره قوانین بین المللی حقوق بشر در پوهنتون کانوی آیرلند، در مرکز حقوق بشر آیرلند و در پوهنتون میلبورن جایکیه موصوف در سال 2003 از آن به عنوان یک سفر علمی بازدید بعمل آورد، ارایه نموده است.

تورنجرال دیوید سی. رالسون (David C. Ralston) بیش از 30 سال در اردوی امریکا خدمت نموده است. موصوف در حال حاضر بحیث جنرال و آمر توچی و آمر مکتب مربوط در اردوی امریکا در Fort Sill, Oklahoma خدمت میکند. تجارب عملیاتی پیشین او شامل ایفای وظایف لوی در ستیز نیرو های کوسو برای عملیات و استخبارات می باشد. وی در کوسو مسؤلیت عملیات نظامی و هماهنگی عملیات میان اردو و پولیس را بعهده داشت. نامبرده همچنان در کوسو بحیث هماهنگ کننده جزو تام اول Calvary خدمت نموده و به کشور های متعدد اروپایی سفر های کاری و عملیاتی داشته است.

نویسنده گان همکار

توماس بارفیلد (Thomas Barfield) یک انتروپولیسیست (انسان شناس) اجتماعی است که در صفحات شمال افغانستان و همچنان برای مدت کوتاه کار های تحقیقی را در ایالت ژنگیانگ Xinjiang چین و در ازبکستان بعد از شوروی کار های مهم انتروپولوجیکی را در ساحه انجام داده است. موصوف مؤلف پنج کتاب بشمول عرب های آسیای مرکزی افغانستان چاپ شده در سال 1981 و افغانستان: یک اطلس از طرز معماری بومی محلی چاپ شده در سال 1991 می باشد. وی در حال حاضر آمر بخش انتروپولوژی پوهنتون بوستون می باشد. توماس قبل از این عهده دار ریاست انجمن مطالعات اروپا و آسیا و همچنان رئیس انستیتوت امریکایی مطالعات افغانستان بود.

کورت دبلیو. باسونیر (Kurt W. Bassuener) در بخش سیاسی دفتر نماینده عالی در بوسنیا و هرزگوینا به حیث یک تحلیلگر ستراتیژیک ایفای وظیفه میکند. نامبرده همچنان یک همکار سابقه دار و معاون مؤسس انجمن پالیسی های مربوط به دیموکراتیزه کردن است. عهده های گذشته موصوف و پروژه های که در آن کار نموده شامل معاونیت بنیان گذار و معاونیت ریاست انستیتوت مربوط به پالیسی های دیموکراتیزه کردن، معاون رئیس در بخش امور دولتی در کمیته بین المللی نجات (IRC)، پروگرام افسر در انستیتوت صلح ایالات متحده در بخش امور مربوط به بالکان، معاون رئیس شورای عمل بالکان و همچنان تحلیل گر پالیسی در انستیتوت بالکان می باشد.

هودسون بنزو (Hudson Benzu) در حال حاضر در سیرالیون بحیث کمیسار پولیس مدنی ملل متحد کار میکند. موصوف در سال 1977 کار خود را به حیث عضو پولیس زمبیا شروع نمود. در آنجا موصوف تا رتبه معاون کمیساری پولیس ارتقا نمود. نامبرده در سمت های چون قوماندان مکتب اکادمی پولیس، افسر ارشد څارنوالی، افسر ارشد استخبارات، قوماندان یک قطعه رزمی و قوماندان در پنج حوزه پولیس، کار نموده است. موصوف در سال 1994 - 1995 بحیث مشاور پولیس، با UNOSOM II در سومالیا ایفای وظیفه نموده است.

رابرتو کورتنی (Roberto Courtney) یک څارنوال است که در عرصه مرافعه خواهی مدنی بین المللی وکالت مدافع کارمندان اداری و قوانین مربوط محیط زیست، کار میکند. نامبرده بحیث مشاور برای دول مختلف و همچنان بحیث عضو جوامع مدنی ملی و بین المللی کار نموده و مطالب گسترده از موصوف در باره موضوعات مربوط به اداره، پالیسی های انتخاباتی و مبارزه علیه فساد اداری نشر شده است. موصوف در حال حاضر رئیس اجرائیه مؤسسه نیکاراگوایی بنام Etica y Transparencia که یک گروه نظارتی در بخش مبارزه علیه فساد اداری و نظارت قضایی میباشد، کار میکند. این گروه از جانب جیمی کارتر رئیس جمهور سابق امریکا بحیث یکی از بهترین گروه های مدنی در جهان شناخته شده بود.

فیلیپ دلا تور کورال (Felipe De La Torre-Corral) با بخش مبارزه علیه جرایم سازمان یافته و حاکمیت قانون در دفتر سازمان ملل متحد برای مواد مخدر و جرایم (UNODC) کار میکند. موصوف در این ظرفیت پروژه هایی را که به مقصد ایجاد چهار چوب های قانونی و ارتقای ظرفیت ادارات دولتی جهت مقابله با اختطاف و مصونیت شاهدان طرح شده بودند، هماهنگ ساخته است. قبلاً موصوف در امور مربوط به فراهم نمودن تسهیلات برای ایجاد ساختار های قانونی جهت واگذاری خدمات عامه به سکتور خصوصی در کشور اصلی اش یعنی اکوادور سهم گرفته است. وی همچنان در عصری ساختن امور مربوط به وزارت محیط زیست و اداره خدمات پستی اکوادور نقشی را بعهدہ داشته است.

کرسٹین دی ووس (Christian De Vos) محصل سال سوم پوهنځی حقوق پوهنتون امریکایی و اشننگتن (WCL) میباشد. موصوف قبلاً برای سازمان عفو بین المللی و انجمن تحقیقات مربوط به علوم بشری در افریقای جنوبی در رابطه به عدالت انتقالی، قانون بین المللی جنایی و حوزه قضایی عمومی کار نموده است. وی در حال حاضر بحیث معاون محقق در پروگرام حاکمیت قانون انستیتیوت صلح ایالات متحده کار میکند. موصوف همچنان عهده مدیریت مسؤل یک نشریه مرکز حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه را بنام گزارش های مختصر حقوق بشر، بعهدہ دارد.

میشل ج. دزیدزیک (Michael J. Dziedzic) پروگرام آفیسر بلند رتبه مرکز عملیات برای صلح و ثبات در شرایط بعد از جنگ و ستیزه در انستیتیوت صلح ایالات متحده است. قبل از پیوستن او به این انستیتیوت، میشل یک ډگرمن متقاعد قوای هوایی ایالات متحده بحیث یک همکار سابقه دار نظامی انستیتیوت در بخش مطالعات ستراتژیکی ملی و پوهنتون دفاع ملی بود. حین دوره خدمت در قوای هوایی بحیث استاد در اکادمی قوای هوایی امریکا USAF و کالج جنگ ملی National War College، همچنان یک پلانگذار ستراتژیکی نظامی در دفتر نماینده گی ملل متحد در کوسوو و بحیث یک پلانگذار سیاسی - نظامی در وزارت دفاع امریکا در پنتاگون خدمت کرده است.

فیدلما دونلون (Fidelma Donlon) بحیث معاون شعبه ثبت و راجستر در محکمه جرایم جنگی و جرایم سازمان یافته بوسنیا و هرزگوینا کار میکند. خانم مذکور این مسؤلیت را بعهدہ دارد تا اطمینان حاصل شود کہ طی مراحل مسایل مربوط بہ جرایم جنگی و سایر جرایم جدی مقتضیات معیارهای ملی و بین المللی را از رهاگذر طی مراحل قانونی و محکمه عادلانه برآورده میسازد. وی قبلاً بحیث آمر شعبه مؤسسات جنایی و اصلاحات تعقیب عدلی در دفتر نماینده عالی در بوسنیا و هرزگوینا خدمت کرده است. خانم نامبرده واجد شرایطی است کہ در آپرلیند بہ حیث مشاور حقوقی کار نماید.

جج چارلس ایردمن (Judge Charles Erdmann)، یک قاضی اسبق ستره محکمه مونتانا میباشد کہ برای دفتر نماینده عالی (OHR) از سال 1998 تا 2000 در بوسنیا و هرزگوینا کار کرده است. موصوف در آنجا در ابتدا در زمینه تشکیل شعبه مبارزه علیہ فساد اداری دفتر نماینده عالی کمک نموده، بعداً بحیث آمر بخش حقوق بشر و حاکمیت قانون دفتر عالی نماینده گی تعیین گردید. در سال های 2000 - 2001 موصوف بہ حیث قاضی ارشد در محکمه انتخابات بوسنیایی ایفای خدمت نمود. موصوف در سال 2000 - 2002 روی مسایل مربوط بہ اصلاحات عدلی و قضایی در بوسنیا و سربیا کار کرد. موصوف در ماه اکتوبر سال 2002 در محکمه استیناف نظامی امریکا مقرر شد.

لاری گوالتنی (Larry Gwaltney) در کمپنی Moore & Van Allen، PLLC در کارلوت کارولینای شمالی بحیث معاون مشاور حقوقی ارشد کار میکند. قبلاً موصوف آفیسر در دفتر مشوره های قضایی اردوی امریکا کار نموده و همچنان در کوسوو و افغانستان نیز مؤظف شده است. نامبرده مقالات متعددی را در باره بکارگیری نیرو های نظامی در شرایط بعد از جنگ و ستیزه بہ رشته تحریر درآورده و همچنان روی پروژه های مختلف در پروگرام حاکمیت قانون در انستیتیوت صلح ایالات متحده کار کرده است.

ایزابیل هایٹ (Isabel Hight) در شعبه عملیات حفظ صلح ملل متحد بحیث آفیسر پالیسی اصلاحات کار میکند. خانم موصوف در سیستم های اصلاحی با عرضه خدمات در بخش ظرفیت عملیاتی و مدیریت عالی در محاسب و ادارات مرکزی کار نموده و همچنان نقش های را در عرصه پالیسی، آموزش و انکشاف از سال 1978 بدین سو ایفا نموده است. وی در سال 2000 بحیث آمر خدمات محاسب در تیمور شرقی بہ سیستم ملل متحد پیوسته و الی سال 2002 تیم ملل متحد را کہ ایجاد مجدد سیستم زندان ها را کمک میکرد، رهبری نمود.

کریستیاناهوفمن (Christiana Hoffman) در سال 2003 بہ پروگرام حاکمیت قانون انستیتیوت صلح ایالات متحده پیوست. او همچنان روی قوانین نمونه وی پروگرام برای پروژه های عدالت جنایی بعد از شرایط جنگ و ستیزه کہ با همکاری مرکز حقوق بشر آپرلند اداره و پیش برده میشود، کار میکند. قبل از پیوستن او بہ انستیتیوت، او درجه ماستری خود را در رشته روابط بین المللی از مرکز روابط بین المللی پوهنتون کینت Kent لندن کسب کرد. مسایل مربوط بہ جنسیت اجتماعی یا جندر و همچنان جنگ و ستیزه های خشن مرکز توجه تحقیقات خانم مذکور را تشکیل میدهد.

الیکس اینز (Alex Innes) برای مدت بیش از ده سال در محیط های پرخطر بحیث آمر محافظت و متخصص امور امنیتی برای دولت کانادا و ملل متحد کار نموده است. او مدت دو سال را بحیث

آفیسر محافظتی و مشاور امنیتی با هیأت اداری مؤقت ملل متحد در کوسوو سپری نمود. در آن ظرفیت، موصوف در طرح طرز العمل های محافظتی برای هیأت نماینده گی ممد واقع گردید.

گوران کلمینیچ (Goran Klemencic) در پوهنخی محاکمات جنایی و مطالعات امنیتی پوهنتون Maribor سلوانیا استاد و مشاور سازمان های مختلف بین المللی در امور مربوط به اصلاحات در زمینه حقوق جنایی و قانون تطبیق جنایی میباشد. او قبلاً در وزارت داخله سلوانیا بحیث پولیس و همچنان در کمیسیون جلوگیری از فساد اداری و به همین ترتیب برای شورای اروپا بحیث مدیر پروژه و مشاور امور مربوط به جنایات سازمان یافته، فساد اداری و اصلاحات در حقوق جنایی و پولیس در دیمو کراسی های نوظهور، کار نموده است.

اگنیزکا کلونوویکا میلارت (Agnieszka Klonowiecka-Milart) دومین قاضی بین المللی بود که از طرف سازمان ملل متحد برای کوسوو تقرر یافت و فعلاً در ستره محکمه خدمت مینماید. او در در مورد قضایای مربوط به موارد قتل های دسته جمعی، جرایم جنگی، دهشت افگنی، فساد اداری، قتل و جرایم ناشی از تنفر قومی، در چهار چوب UNMIK فیصله هایی صادر نموده است. خانم مذکور قبل از این با اداره UNMIBH سازمان ملل متحد بحیث آمر تیم پروگرام ارزیابی سیستم قضایی و با وزارت عدلیه پولند در ریاست همکاری های بین المللی، خدمت کرده است. قبل از شمولیت به سیستم عدلی و قضایی پولند، موصوف حقوق جنایی و طرز العمل های مربوط را در پوهنتون Maria Curie Sklodowska تدریس مینمود.

پیتر کورنیک (Peter Korneck) بحیث خرنوال بین المللی با مؤسسه UNMIK مربوط ملل متحد کار میکند. طی سال 2001 - 2003 موصوف آمر بخش مشورتی حقوق جزایی گروه کاری پولیس بین المللی در بوسنیا - هرزیگوینا بود. قبل از آن در محاکم نامبرده بحیث یک خرنوال بین المللی با UNMIK در محاکم ولسوالی پریستیا، پیک و میتروویکا و همچنان بحیث یک آفیسر سیستم قضایی با UNMIBH کار میکرد. کورنیک در بخش نظام عدلی جرمنی جاییکه کار موصوف روی جرایم بین المللی سازمان یافته و تروریزم متمرکز بود، بیش از 25 سال تجربه دارد.

نیل کریتز (Neil J. Fritz) یکی از معاونین همکار رئیس انستیتوت صلح ایالات متحده است و رهبری پروگرام حاکمیت قانون آنرا بعهدده دارد. تحقیقات و تألیفات او روی مسایل مربوط به حاکمیت قانون در شرایط بعد از جنگ و ستیزه و اینکه جوامع چگونه با میراث گذشته تخطی های حقوق بشری رفتار میکنند، متمرکز میباشد. وی در رابطه به جنایات جنگی و تخطی های دسته جمعی در کشورهای متعدد مشوره های فراهم نموده و کنفرانسهایی را تنظیم نموده است. در 1990 - 1991 به اساس تقاضای کمیسیون قانون اساسی روسیه، موصوف دو تجدید نظر ماهرانه را روی مسوده قانون اساسی روسیه انسجام بخشید و در این اواخر بسیار نزدیک در رابطه به پرسوه طرح قانون اساسی عراق مشورت های لازم را ارایه داشته است.

ج کینت لوری (J. Kenneth Lowrie) معاون رئیس بخش جرایم سازمان یافته و جرایم مربوط به اخاذی و باج گیری اداره عدلی ایالات متحده است. او از سال 1969 با اداره عدلیه مصروف خدمت بوده و بحیث خرنوال قوای ضربتی علیه جرایم سازمان یافته در دیترویت و شیکاگو خدمت نموده است.

مارکو ماریا موناکو (Marco Maria Monaco) در عرصه حقوق جنایی و طرز العمل های مربوط آن تخصص دارد که مقالات بیشماری را در باره آن نوشته است. موصوف بحیث آموزگار و هماهنگ کننده پروژه های متعددی که به ابتکار انجمن امریکایی مربوط قوانین اروپای مرکزی، اداره عدلی امریکا و انستیتیوت مطالعات عالی در عرصه علوم جنایی راه اندازی میگردد، کار نموده و در آنجا روی اصلاحات عدلی، قوانین و طرز العمل های جنایی در البانیا، ازمنستان، بوسنیا و مقدونیا بذل توجه نموده است. موصوف در حال حاضر در روم بحیث یک وکیل مدافع بر حال ایفای وظیفه مینماید.

اسد مبارک (Assad Mubarak) قاضی ستره محکمه در اداره خود گردان فلسطین، عضو شورای عالی قضایی فلسطین و رئیس اداره تعلیمات قضایی شورای عالی قضایی میباشد که با مشارکت انستیتیوت حقوق پوهنتون Birzeit فعالیت میکند. نامبرده همچنان عضو کمیته رهبری فلسطین برای تقویت نظام قضایی فلسطین بوده، علاوه عهده کمشنر کمیسیون مرکزی انتخابات فلسطین را نیز بدوش دارد. در گذشته او بحیث لوی خرنوال کرانه غربی و همچنان به عنوان نماینده فلسطین در کنفرانس اتحادیه عرب که راجع به تبادل متخلفین دایر گردیده بود، شرکت ورزیده است.

ماریا نیستید (Maria Nystedt) در زمینه تحلیل معلومات استخبارات جنایی اعم از عملیاتی و ستراتیژیکی از تجربه قابل ملاحظه برخوردار میباشد. خانم مذکور بحیث تحلیل گر معلومات استخباراتی در خدمات استخباراتی جنایی ملی سویدن و در دیوان محاکماتی بین المللی جنایی سازمان ملل متحد که برای یوگوسلاویای سابق دایر گردیده و همچنان در یورو پول Europol کار نموده است.

بروس اوهر (Bruce Ohr) از سال 1999 به حیث رئیس بخش رسیده گی به تخلفات و جنایات سازمان یافته اداره عدلی و قضایی امریکا کار میکند. از سال 1991 الی سال 1999 در اداره خرنوالی در بخش جنوبی نیویارک بحیث معاون خرنوال و از سال 1998 الی سال 1999 بحیث آمر شعبه مربوط به رسیده گی به جرایم دسته های جنایتکار کار کرده است. از سال 1988 – 1991 موصوف در ایالت سان فرانسیسکو عضو کمپنی حقوقی بنام Orrick, Herrington & Sutcliffe بود.

بروس "اوسی" اوسوالد (Bruce "Ossie" Oswald) در پوهنچی حقوق پوهنتون میلپورن استاد است. موصوف همچنان عهده ریاست همکار مرکز حقوق نظامی حوزه آسیای جنوبی را بدوش دارد. ساحات تحقیق و تدریس که مورد علاقه موصوف قرار دارد عبارت از رشته های حقوق جنایی، حقوق بشری بین المللی، حقوق بشر و حقوق عملیات تأمین صلح، اند. او بحیث آفیسر امور حقوقی در اردوی منظم استرالیا خدمت نموده و در رندا، یوگوسلاویای سابق، تیمور شرقی و عراق خدمات عملیاتی را فرا گرفته است.

میشل پلitzر (Michael Platzer) برای مدت 34 سال با ملل متحد در سمت ها و سطوح بسیار مختلف کار کرده است. موصوف در دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد به عنوان آفیسر مسؤل بخش اصلاحات حقوق جنایی و حاکمیت قانون که شامل پروگرام جهانی مبارزه علیه فساد اداری میگردد، ایفای وظیفه نموده است. نامبرده همچنان عضو گروه کاری سرمنشی عمومی در بخش تأمین حاکمیت قانون بود. او پروژه های مربوط به اصلاحات

حقوق جنایی و تأمین صلح را در سراسر کشور های اروپای شرقی و افریقا طرح و یا اداره نموده است.

دیوید ری‌دین (David Reddin) در سال 1984 به بخش خدمات حقوقی اردوی بریتانیا استخدام و متعاقباً در جرمنی، قبرس، آیرلند شمالی و انگولا خدمت نمود. از سال 1995 تا 1997 در بوسنیا بحیث مشاور حقوقی محل قوماندۀ گروه واکنش سریع متحدین خدمت نموده است. در سال 1998 موصوف بحیث مشاور حقوقی قوماندانی قطعۀ KFOR بریتانیا در کوسوو مقرر و در سال 2002 عهده مشاوریت حقوقی قوای بین المللی کمک به امنیت (ISAF) مربوط ناتو را در افغانستان احراز نمود. نامبرده در سال 2002 از اردوی بریتانیا تقاعد نمود.

علی سلیم (Ali Saleem) در نیپال با دفتر کمشنر عالی حقوق بشر ملل متحد کار میکند، جاییکه موصوف ضمناً برای پروگرام انکشافی ملل متحد نیز کار کرده است. قبل از این نامبرده بحیث انسجام دهنده پروژه ها و آفیسر رابط در کمیسیون آسیایی حقوق بشر و مرکز آسیایی منابع حقوقی مستقر در هانگانگ، ایفای وظیفه مینمود. او همچنان در دفتر مربوط به هیأت نماینده گی ملل متحد در بوسنیا و هرزیگوینیا، در بخش عملیات حفظ صلح اداره انکشافی ملل متحد در تیمور شرقی و در دفتر کمشنر عالی حقوق بشر در ژنیو نیز خدمت کرده است.

گوییپ سیلسی (Giuseppe Scelsi) در سال 1982 به حیث قاضی مدنی و جنایی در اداره عدلی و قضایی باری در ایتالیا جاییکه موصوف تا امروز بحیث معاون حوزوی خرنوالی در بخش مبارزه علیه مافیا کار میکند، آغاز به کار نمود. او با همکاری دفتر اروپایی مبارزه با جعلکاری اتحادیه اروپا و مجلس سنا و کمیسیون جرایم سازمان یافته مافیایی ولسی جرگه جمهوری ایتالیا اجرای وظیفه نموده است. موصوف در پوهنتون باری تدریس نموده و در گروه کاری مربوط مسایل مربوط به قاچاق انسان، خدمت نموده است.

گوویند پرساد تپا (Govind Prasad Thapa) یک مفتش عمومی متقاعد پولیس نیپال است. دوره خدمت پولیسی او بیش از سی سال است که در جریان این مدت، موصوف تحقیقات متعددی را در رابطه به جرایم سازمان یافته موفقانه انجام داده و ستراتیژی هایی را برای بهبود نظام عدلی و جنایی طرح نموده و در تأسیس مراکز زنان و اطفال در محدوده نیروی پولیس مساعدت نموده است. او همچنان بحیث مشاور در دفاتر متعدد ملل متحد و (بشمول UNHCHR و UNICEF)، اداره انکشاف بین المللی انگلستان، واحد مشورتی حقوق بشر و اداره خوب، همچنان سازمان بین المللی مهاجرت، ایفای وظیفه نموده است.

هورست تایمن (Horst Tiemann) آمر اداره Greater Bochum پولیس جرمنی است. این یک سمتی است که نامبرده از سال 1999 آنرا احراز نموده است. موصوف از تجربه بیش از 35 سال در بخش پولیس جرمنی برخوردار بوده و در عرصه های مختلف بشمول بازجویی و تحقیق جرایم جدی، آموزش و استخدام تیم های SWAT و مذاکره کننده گان مربوط بحران ها و همچنان تنظیم عملیات پولیس در ساحات زیست اقلیت های قومی کار و فعالیت نموده است. نامبرده در سال 1996 بحیث قوماندان منطقوی و رئیس پروژه های خاص در گروه کاری پولیس بین المللی (IPTF) در بوسنیا و هرزیگوینیا کار نموده که به پاس خدمات شایسته اش، در این عرصه به اخذ مدال خدمت ملل متحد نیز نایل گردیده است.

کاترین ولز (Catherine Volz) برای مدت 16 سال برای ملل متحد کار نموده که در جریان آن دول مربوط را در زمینه الحاق به کنوانسیون های بین المللی در زمینه کنترل مواد مخدر کمک نموده است. از جمله میتوان از کنوانسیون مبارزه علیه جرایم سازمان یافته انتقالی و پروتوکول های مربوط آن و همچنان از کنوانسیون ملل متحد راجع به مبارزه علیه فساد اداری یاد آوری نمود. خانم نامبرده در حال حاضر آمریت نماینده گی میثاق ها و امور حقوقی مواد مخدر و جرایم ملل متحد (UNODC) را به عهده دارد. موصوف از سال 1980 - 1989 بحیث خرنوال ارشد در اداره عدلی امریکا کار کرده است.

ابلا گادیگبکیو ویلیامز (Abla Gadegbeku Williams) کار خود را بحیث افسر پولیس که وظیفه کتابداری را به عهده داشت آغاز نمود. خانم موصوف حقوق دان است و در حال حاضر بحیث معاون کمشتر امور مربوط به مهاجرت و تابعیت کار میکند. قبل از این موصوف بحیث معین وزارت عدلیه در امور قانونی در لایبیریا خدمت مینمود. نامبرده همچنان به مسایل اداری و شکایات مربوط جهت دریافت شواهد و مدارک قابل تعقیب عدلی رسیده گی نموده و آنعه قضایی که از جانب دولت لایبیریا جهت تعقیب عدلی راجع میشود، در زمینه مشوره های حقوقی را به لوی خرنوال لایبیریا، فراهم مینمود. خانم مذکور همچنان عهده معاونیت رئیس انجمن قانون دانان از قشر انان را در لایبیریا به عهده دارد که از حقوق زنان، اطفال و تهی دستان دفاع مینماید.

قاضی گیراد وینتر (Justice Gerard Winter) یک از اعضای ستره محکمه کشور فیجی است. موصوف یک قانون دان نیوزیلاندی است که از تجارب قابل ملاحظه در عرصه حقوق بین المللی در منطقه بحر آرام آسیای جنوبی و کشورهای اروپای شرقی برخوردار میباشد. موصوف در وظایف متعدد اصلاحات حقوقی به شمول پروژه اصلاح قوانین نمونه وی ملل متحد در باره حقوق جنایی بعد از جنگ و ستیزه سهم گرفته است. نامبرده همچنان بحیث سکرتر بخش حقوق جنایی انجمن بین المللی حقوق دانان و به همین ترتیب انجمن حقوق دانان نیوزیلاند خدمت کرده است.

مبارزه علیه

جرایم جدی

در جوامع بعد از
جنگ و ستیزه

فصل اول

مقدمه

اهداف این فصل عبارت اند از:

- توضیح اینکه منظور از اصطلاح "جرایم جدی" چیست و بحث روی اثرات جرایم جدی بالای جوامع بعد از جنگ و ستیزه
- شرح تدوین و تکامل تدریجی این رساله
- بحث در باره مقاصد این رساله و مخاطبان مورد نظر آن
- توضیح بعضی اصول رهنما بمنظور برخورد با جرایم جدی در جوامع بعد از جنگ و ستیزه

جرایم جدی یا وخیم و اثرات آنها روی جوامع بعد از جنگ و ستیزه

مفهوم جرایم جدی

جوامع بعد از جنگ و ستیزه اکثراً با یک نوع ازهم پاشیده گی نظم و قانون توأم میباشند. این امر منجر به انواع گوناگون و متعدد فعالیت های جنایی میگردد. چنین فعالیت ها تقریباً همواره از رهگذر اثر آن بالای یک فرد یا جامعه بصورت کل "جدی" میباشند. به گونه مثال، یک قتل مسلماً برای خانواده قربانی جدی تلقی میگردد. اگرچه از نقطه نظر این کتاب یک قتل شاید در چهار چوب تعریف یک جرم جدی تصنیف نه شود، مگر اینکه خصوصیات معینی وجود داشته باشد. در این جلد اصطلاح "جرم جدی" (یا "جرایم جدی یا وخیم") یک معنی جداگانه دارد و آن به وسعت پیامد های جرم در جامعه که در آن ارتکاب یافته است مربوط میگردد. یک جرم وخیم و جدی از نقطه نظر این کتاب یک عمل یا اعمال جرمی تلقی میگردد که میتواند اثرات بی ثبات کننده عمیقی را در جامعه بعد از جنگ و ستیزه در قبال داشته باشد. بطور اخص ارتکاب جرایمی که امنیت عمومی مردم و روند تأمین صلح و نظم در جامعه بعد از جنگ و ستیزه را به مخاطره انداخته، مساعی مربوط به اصلاحات اقتصادی، حقوقی و سیاسی را به خطر مواجه ساخته و روحیه اعتماد عامه بر مؤسسات عدلی و قضایی جوان را به از بین رفتن تهدید کند.

از آنجاییکه جرایم جدی از نظر اثراتی که آنها از خود بجا میگذارند معین میشوند، این ممکن نیست که یک لست قطعی جرایم جدی را که در هر کشور بعد از جنگ و ستیزه به وقوع پیوندد، برشمرد. هر کشور دارای خصوصیات بخصوص خودش میباشد از آنرو اثر یک نوع فعالیت جنایی خاص در یک کشور نیز احتمالاً دارای خصوصیات منحصر به خودش میباشد. عواملی که در تعیین کردن یک عمل جرمی به حیث یک جرم جدی باید مدنظر گرفته شوند شامل: ماهیت عمل جرمی، تأثیر اجتماعی آن، متهم ارتکاب جرم، قربانی جرم و شرایطی که آن عمل در آن ارتکاب یافته میشوند. نظر به وضعیت خاص یک کشور معین، جرایم جدی میتواند شامل تبهکاری های مالی، اقتصادی و خیانت های مربوط به فساد اداری باشند (طور مثال رشوه خواری، تطهیر پول (پول های غیر قانونی را قانونی ساختن)، سوء استفاده از مقام، اختلاس و جوه عامه و طفره رفتن از پرداخت محصول گمرکی و مالیات)؛ قاچاق و انتقال اموال (مانند: مواد مخدر، اسلحه، مواد نفتی و سگرت) و جرایم علیه افراد یا دارایی ها (مانند: قتل، قاچاق انسان، اختطاف، اعمال دهشت افگنی، حریق کردن عمدی و سرقت و وسایل نقلیه). بر علاوه، ماهیت جرایم و خیم و جدی میتواند به مرور زمان تحول پذیرد. در بعضی حالات استفاده از خشونت بمنظور مقاصد سیاسی ممکن است در مراحل اولیه بعد از ستیزه عواقب بی ثباتی را به دنبال داشته باشد. به هر حال، جرایم مالی و فساد اداری عمیق در دولت میتواند به مرور زمان به عنوان بزرگترین تهدید در برابر روند تأمین صلح بروز نماید. در هر صورت، جرایم جدی باید بر بنیاد یک زمینه و یک اساس معین زمانی تعریف شوند.

تعریف اصطلاحات مهمی که در این کتاب مورد استفاده قرار گرفته

از نقطه نظر این کتاب این چهار اصطلاح به طرق ذیل بکار رفته اند:

برای این قاعده آنست که وقتی اصطلاح دولت بکار برده میشود (مثلاً در فصل سوم) در رابطه به امضاً یا تصویب میثاق های بین المللی میباشد. در این مورد "دولت" به یک نهادی اطلاق میگردد که در سطح بین المللی برسمیت شناخته شده و دارای یک هویت حقوقی باشد. طوریکه به وسیله قانون بین المللی عامه تعریف میگردد عبارت از نهادی است که از صلاحیت امضاً و تصویب میثاق های بین المللی برخوردار میباشد.

• **عملیات صلح جویانه:** به وضعیتی اطلاق میگردد که در آن فعالین جانب سوم، بشمول نیرو های نظامی بین المللی، پولیس ملکی، سازمان های بین المللی و منطوقی و نیروهای همکار خارجی یا فراهم کننده گان کمک در شرایط بعد از تنش عملیات میکنند. اصطلاح "عملیات صلح جویانه" مترادف اصطلاحاتی چون: "عملیات کمک به تأمین صلح"، "عملیات تأمین صلح و ثبات"، "مأموریت تأمین صلح"، "عملیات حفظ صلح" و "عملیات تأمین ثبات و بازسازی" میباشد، که به طور عموم به وسیله سازمان ها و فراهم کننده گان کمک و معاونت در شرایط بعد از جنگ و ستیزه بکار برده میشوند.

• **جرایم جدی:** اعمال جرمی اند که میتوانند اثرات بی ثبات کننده عمیقی را در جامعه بعد از جنگ و ستیزه با خود داشته باشند. (جهت تعریف کاملتر، متن اصلی ملاحظه گردد.)

• **بعد از جنگ و ستیزه:** به وضعیتی اطلاق میگردد که جنگ یا تنش خشن رسماً متوقف شده باشد. این وضعیت معمولاً با عقد یک موافقتنامه صلح یا پا در میانی یک جانب سوم تحت قیمومیت سازمان ملل متحد یا کدام توافق برسمیت شناخته شده بین المللی دیگر مشخص میشود. اما، کاربرد اصطلاح "بعد از ستیزه" بدان معنی نیست که ستیزه خشن به کلی ختم شده است. اگرچه تنش ممکن است از لحاظ رسمی متوقف شده باشد ولی تنش مذکور ممکن است در بعضی سطوح هنوز به قوت خود موجود باشد.

• **کشور:** محلاتی بشمول قلمرو ها، مناطق تحت الحمایه یا زیر قیمومیت و ولایات یا بخش های فرعی جغرافیایی را دربر میگیرد که الزاماً آنطوریکه به وسیله قانون بین المللی عامه تعریف میشود، کشور خوانده نمی شوند. یک استثناء

این کتاب به آن فعالیت های جرمی توجه مبذول میدارد که در زمان بعد از جنگ و ستیزه به وقوع می پیوندند و نه روی آن جرایم که در جریان جنگ و ستیزه ارتکاب مییابند، (مانند جرایم جنگی و سایر قصاصات های مربوط آن.) با آنها، بعضی از میکانیزم ها و ساختارهایی در این کتاب مورد بحث قرار میگیرند که ممکن است جهت پرداختن به جرایمی که هنگام جنگ و ستیزه و بعد از آن صورت میگیرند، ارتباط داشته باشند. از جمله اقدامات مربوط به مصونیت شاهدان، امنیت بیشتر فعالین مربوط به بخش عدلی و قضایی، بکارگیری دیوان محاکماتی خاص یا سیستم محول ساختن دوسیه های قضایای مربوط و استخدام فعالین بین المللی جهت پیشبرد امور مربوط به دوسیه هایی قضایای مورد نظر، قابل تذکراند.

منشأ و عواملی که زمینه های ارتکاب جرایم جدی و خطرناک را فراهم میسازد

ریشه های جرایم جدی و خطرناک ممکن است در آن تنش ها و عوامل عینی موجود باشد که باعث بروز خود تنش گردیده است. (به طور مثال، ملت گرایی، تنش های قومی و مذهبی، آرزو و هوای کسب قدرت، کنترل روی منابع) این عوامل میتوانند با وجود عقد یک موافقتنامه صلح یا آغاز عملیات برای تأمین صلح ادامه یابند. بطور متبادل یا علاوه، جرایم جدی میتواند از فعالیت های مربوط به ستیزه و تنش منشأ گیرند (مانند منفعت های گزاف و قاچاق) که هنگام برخورد های

مسلحانه جهت کمک به تمویل آن و یا نفع بردن از آن ارتکاب می یافت. وقتی برخورد مسلحانه پایان مییابد، این چنین فعالیت ها بصورت خود به خودی یا اتوماتیک متوقف نمی شوند. برعلاوه آنهایی که از جنگ و ستیزه نفع میبردند و از طریق ذیدخل شدن در فعالیت های جنایی در جریان تنش نفع میبردند، اکثراً از بی ثباتی که در نتیجه ارتکاب جرایم جدی در دوره بعد از جنگ و ستیزه بروز میکند، نیز نفع میبرند.

به احتمال زیاد این گونه فعالیت ها، هنگام که یک خلای قدرت و امنیت عامه موجود باشد، آزادانه صورت میگیرند. در صورت عدم موجودیت مؤسسات و نهاد های مؤثر جهت جلوگیری از جنایتکاری و مسؤل شناختن مرتکبین مربوط، احتمال آن وجود دارد که شبکه های جنایی رونق یافته و در بعضی موارد خلای موجود را از طریق ایجاد ساختار های متوازی قدرت چون

گروپ های پارلمانی و جرایم سازمان یافته در آیرلند شمالی

اجرای موافقتنامه سال 1998 آیرلند شمالی موسوم به جمعه خوب (Good Friday) بنابر دلایلی به مشکلات مواجه گردید. فقدان اعتماد متقابل میان جوانب، با نقض تعهدات به وسیله گروپ های پارلمانی هر دو طرف منازعه تشدید شد. کمیسیون مستقل نظارت (IMC) در سال 2004 به وسیله حکومت انگلستان و آیرلند به این منظور ایجاد گردید تا تعهدات اعضای پارلمان را در قبال احترام به پروسه دیموکراتیک و ختم خشونت و سایر فعالیت های غیر قانونی، مورد ارزیابی قرار دهد. کمیسیون مذکور محک ها و معیارهایی را جهت برآورده شدن وضع و گزارش های منظم پیشرفت کار نشر مینماید. در گزارش ماه جنوری سال 2006، کمیسیون مذکور (IMC) اظهار داشت که گروپ های پارلمانی در سطوح مختلف در فعالیت های غیرقانونی ذیدخل میباشند. بعضی از جمهوری خواهان د رجرایم سازمان یافته، بشمول قاچاق مواد غذایی، تطهیر پول و غارتگری، شدیداً ملوس میباشند. به همین ترتیب بعضی حامیان دولت در فعالیت های جنایی سازمان یافته چون: کاروبار مواد مخدر، راه گیری و اخاذی، تولید و فروش اموال جعلی، تطهیر پول و دزدی ذیدخل میباشند. "به هر ترتیب، پروسه گذار مستلزم شرکت گروه های انفرادی یا جمعیت ها خواهد بود" گزارش IMC نتیجه گیری میکند که "برای این اصل که حاکمیت قانون باید مسلط باشد، رقیق شدنی وجود ندارد."

گروه‌های حفاظتی آشوبگر و ملیشیه ها پر کنند. در مواردی که حتی ساختار های قدرت دولتی وجود داشته باشد، مأمورین و مقامات دولتی و فعالین مربوط ممکن فاقد اراده سیاسی برای پرداختن به مسایل مربوط به جرایم جدی و خطرناک بوده و یا شاید خود آنها بخشی از شبکه های جنایی را تشکیل داده یا تحت نفوذ آنها باشند.

اثرات جرایم جدی

جرایم جدی از یک تهدید در برابر تأمین صلح بعد از جنگ و ستیزه و حفظ نظم و امنیت عمومی مردم نماینده گی کرده و مساعی در جهت اصلاحات اقتصادی، حقوقی و سیاسی را با موانع جدی مواجه میسازد. جرایم جدی همچنان میتواند به نا آرامی های گسترده عامه و ترمد آشکار منجر گردد. احتمال این امر خاصاً در آن مواردی بیشتر است که جرایم به وسیله افرادی متعلق به یک گروه قومی یا سیاسی علیه گروه های دیگر ارتکاب می یابند.

خشونت قومی در کوسوو Kosovo

در ماه می سال 2000، سه تن از صرب های کوسوو، بشمول یک پسر چهار ساله، در بیرون یک دوکان خورا که فروشی در روستای سیرنیکا (Cernica) واقع در جنوب شرق کوسوو با فیر گلوله به قتل رسیدند. این واقعه قتل، در روز های بعدی با یک سلسله حملات علیه صرب های کوسوو دنبال گردید که طی آن بمب های دستی و نوع نوشیدنی الکولی بنام Molotov به خانه های صرب ها پرتاب گردید. چنین پنداشته میشود که این حملات بخشی از تلاش های هماهنگ البانیایی های کوسوو بود تا ساکنین صربیی منطقه را بکشند یا آنها را تهدید و از کوسوو برانند و به همین ترتیب تا مهاجرین را بترسانند و مانع بازگشت آنها شوند.

جرایم خشن چون قتل، الزاماً باعث بی ثباتی نمی شود. اگر چه وقتی آنها در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه همانند این وضعیت صورت گیرد، به وسیله تنش های قومی تقویت شده و میخوانند آن تنش ها را شعله ور سازد، از آنرو آنها تقریباً بطور یقینی در کنگوری جرایم جدی و خطرناک دسته بندی میشوند.

نیپال در مرحله گذار

به دنبال پیروزی نهضت طرفدار دیموکراسی در ماه اپریل 2006 در زمینه محدود ساختن قدرت مطلقه پادشاه کشور و به دنبال آتش بس حکومت جدید و شورشیان ماویست، این ملت همالیایی احتمالاً بسوی یک دیموکراسی جامع و عام شمول پیش میرود. در این ضمن هنوز بعضی موانع جدی وجود دارد. جلوگیری از فعالیت های مجرمین بمنظور برهم زدن مرحله گذار به هیچ وجه مانع کوچک محسوب نمیکرد.

در حالیکه حکومت جدید تلاش می ورزد تا شورشیان ماویست را شامل حکومت ساخته و زمینه زنده گی عادی شانرا بطور کل در جامعه فراهم نموده و کنترل مردم را بر اردوی شاهي نیپال تأمین نمایند، ممکن است یک خلای امنیتی به وجود آید. خطر جنایتکاران که در خلای مذکور افزایش مییابد، به این واقعیت استوار است که نیروی پولیس مربوط به

خدمات ملکی که ده سال را در مبارزه با یک شورش سپری کرده و اکنون به فقدان منابع مادی و آموزش های لازم جهت رسیده گی به موارد جرایم جدی مواجه میباشند. بسیاری گروه های جنایتکار که در نیپال فعالیت دارند، با فعالیت های غیر قانونی مربوط به اسلحه، مواد مخدر و قاچاق انسان سروکار دارند. علاوه بر این عناصر ماویست از خشونت گسترده طی ده سال شورش کار گرفته اند. امید اوری این است که ماویست ها اسلحه شانرا تسلیم نموده و به حکومت و جامعه از طریق پروسه صلح ملحق شوند در این صورت چنین فعالیت ها متوقف خواهند شد. اگر چه پولیس و ناظرین نگرانی شانرا در این مورد ابراز داشته اند که بعضی عناصر ماویست و همچنان گروه های جنایتکار، به کار قاچاق و اخاذی و غصب ادامه خواهند داد، و بدین ترتیب کشور را بی ثبات و مانع پروسه تأمین صلح خواهند شد.

بی قانونی و تمرد در هایتی

هایتی بازی نموده است. در ماه اپریل سال 2004 به اساس فیصله نامه شماره 1542، شورای امنیت سازمان ملل متحد دفتر مربوط به مأموریت تأمین ثبات در هایتی تأسیس و زمام امور را از نیروهای مؤقت چند ملیتی که دو ماه قبل از آن به وسیله شورای امنیت گماشته شده بود، تسلیم شد. رین پریوال (Rene Preval) که در ماه فبروری 2006 به حیث رئیس جمهور انتخاب شد با وظیفه خطرناک و دشوار زدودن جنایتکاری و تهدیدی که کشور را فلج ساخته است مواجه می‌باشد. موصوف در این زمینه از مساعدت و حمایت سازمان ملل متحد برخوردار می‌باشد.

با وصف مواصلت نیروهای بین المللی در ماه فبروری سال 2004 به هایتی، وضعیت امنیتی کشور ناپایدار باقی مانده است. گروه‌های مسلح و تریاک سالاران با معافیت و مصونیت فعالیت می‌کنند، شماری از بندرها به وسیله عناصر جنایتکار کنترل میشوند، بعضی ساحات کشور از حیظه کنترل دولت خارج هستند، اختطاف‌ها برای دریافت پول معمول است؛ چنین به نظر می‌رسد که نیروهای پولیس هایتی به عوض مبارزه با مشکل بی قانونی اکثر در آن سهیم اند، نظام عدلی و قضایی به مشکل کار میکند. سازمان ملل متحد یک نقش فعالی را در مساعی مربوط به مبارزه علیه جرایم جدی و احیاً امنیت در

ارتکاب جرایم جدید، بدون احساس مسؤولیت سیاسی یا قانونی منجر به از دست دادن اعتماد مردم بر ادارات عامه به شمول پولیس و نظام عدلی و قضایی میگردد. در صورتیکه ملاحظه گردد پولیس و سیستم عدلی و قضایی و یا سایر نهاد های عامه از مرتکبین جرایم جدی حمایت می‌کنند و یا علیه آنها بطور مؤثر مبارزه نمی‌کنند، این امر می‌تواند به اعتبار دولت نزد عامه مردم لطمه جدی وارد کند. این خلای اعتبار سیاسی در باره ادارات و فعالین بین المللی که با کار مبارزه با جرایم جدی سروکار دارند، نیز صدق میکند. یأس و ناامیدی در رابطه به قابلیت مقامات دولتی جهت خنثی نمودن این جرایم میتواند به اتکای مردم به ساختارهای متوازی قدرت چون ملیشیه‌ها

منتج گردد، زیرا چنین تصویری به وجود خواهد آمد که آنها میتوانند مردم را از اثرات جرایم جدی حفاظت کنند (با وصف اینکه ملیشیه‌ها خود در ارتکاب جرایم جدی ذیدخل اند). انحراف عواید دولتی به وسیله جرایم جدی و خطرناک چون قاچاق، یا سطح گسترده فساد اداری، قابلیت دولت را برای عرضه خدمات عامه به مردم با تهدید جدی مواجه ساخته و میتواند نا رضایتی و ناامیدی مردم از دولت را بطور غیر مستقیم تقویت بخشد. جرایم جدی همچنان ممکن است هر دو یعنی، فعالین داخلی و خارجی را از سرمایه گذاری یا ایجاد تشبثات دلسرد ساخته و بدین ترتیب مساعی برای بازسازی کشور را بیشتر پیچیده و دشوار سازد.

قاچاق در لایبیریا

در دوران جنگ طولانی داخلی در لایبیریا، جنگجویان وفادار به رئیس جمهور اسبق چارلس تیلور (Charles Taylor) و شورشیان وابسته به اتحادیه لایبیریایی‌ها برای مصالحه و دیموکراسی که از حمایت دولت گینه (Guinea) برخوردار بود و نهضت دیموکراسی برای لایبیریا که از طرف ایورین حمایت میشد، در فعالیت های گسترده جنایی ذیدخل بودند. قاچاق اسلحه، قاچاق انسان، مواد مخدر و منابع ملی، همچنان چور و چپاول، بکارگیری اطفال به حیث سربازان و تحمیل کارهای اجباری، این همه نمونه‌های سازمان یافته جنگ‌ها بود. بسیاری از این فعالیت‌ها امروز نیز دوام دارد، زیرا جنگجویان سابقه تغییر شکل داده و خود را به حلقه‌های مربوط به جرایم سازمان یافته تنظیم نموده و بدین ترتیب از کشور ضعیف شده برای عملیات جنایتکارانه بین المللی شان بهره برداری میکنند. محکمه خاص سیرالیون که از حمایت سازمان ملل متحد برخوردار بود، در ماه مارچ سال 2003 علیه چارلس تیلور بخاطر ارتکاب جرایم جنگی و سایر جرایم مربوط به جنگ و ستیزه اعلام جرم نموده و موصوف را مورد تعقیب عدلی قرار داده و چنین اقامه دعوی نمود که موصوف و نیروهای مربوط او در تلاش شان برای کنترل اکثر منابع الماس کشور مرتکب تجاوزهای جنسی، بند بند جدا کردن افراد و قتل ده‌ها هزار مردم بی‌گناه شده‌اند.

قاچاق مواد مخدر و جنگ سالاران افغان

اداره میشود. قاچاق مواد مخدر یک منبع بزرگ تمویل برای جنگ سالاران افغان و ملیشیه های مربوط آنها که میخواهند به فعالیت های خشونت بار شان در سراسر افغانستان ادامه دهند، محسوب میگردد. عقیده بر این نیز هست که از این پول ها گروه های دهشت افکن نیز تمویل میشوند. آنها یی که در کار مبارزه با قاچاق مواد مخدر کار میکنند ادعا دارند که مأمورین آغشته به فساد اداری، از افسران پولیس تا والیان ولایات با قاچاق بران دست دارند و اینکه لست آنهایی که در کار و بار مواد مخدر ذیدخل اند تا بالا یعنی تا سطح دولت افغانستان میرسد.

به دنبال اضمحلال و فروریختن رژیم طالبان در اواخر سال 2001، کشت کوکنار در افغانستان بصورت دراماتیک افزایش یافت. در سال 2004 در مقایسه به یک سال قبل آن، کشت مذکور 64 فیصد افزایش یافت. سازمان ملل متحد تخمین میکند که افغانستان در حدود 90 فیصد تریاک جهان را تولید میکند که بیشتر آن در سرک ها و کوچه های اروپا و روسیه بشکل هیروین مصرف میشوند. تجارت تریاک به یک جزء لاینفک اقتصاد سیاسی افغانستان مبدل گردیده است. هوشدار های سازمان ملل متحد حاکی از آن است که افغانستان در لبه تبدیل شدن به یک "دولت مواد مخدر" قرار دارد که به وسیله قاچاقبران

با در نظر داشت ضروریات اکید در جوامع بعد از تنش و فقدان ظرفیت های لازم برای مقابله با انواع جرایم جدی که در فوق توضیح شد، در بعضی موارد تمایلی وجود داشته است تا رسیده گی به این مشکل به تعویق انداخته شود. پالیسی سازانی که در رابطه به زمان پرداختن به این مشکل نگران اند، عقیده دارند که مقابله با مسایل مربوط به جرایم جدی و خطر ناک در کوتاه مدت به سطح بی ثباتی خواهد افزود، خاصاً وقتی پیوندی میان جرایم جدی و فعالین مقتدر گوناگون که حمایت آنها جهت پیروزی پروسه صلح لازمی است، وجود داشته باشد. با همه اینها مشکل زدودن جرایم جدی در جوامع بعد از جنگ و ستیزه به مرور زمان به یک پدیده بغرنج تری مبدل میگردد. انتظار یک سال یا دو سال بعد از عقد پیمان صلح یا آغاز عملیات برای تأمین صلح، به سندیکا ها یا اتحادیه های مجرمین سازمان یافته یا گروه های تروریستی فرصت و زمینه آنرا مساعد میسازد تا بطور عمیق تر در دولت و اقتصاد کشور نفوذ نموده ریشه های شانرا مستحکم سازند. در صورت فراهم شدن چنین فرصتی و فضایی که آنها سنگر های شانرا مستحکم سازند، جرایم جدی اکثراً نه تنها کشور میزبان بعد از جنگ و ستیزه را بلکه سایر دول و کشور ها را نیز تهدید خواهد نمود.

فساد اداری در بوسنیا و هرزیگوینا

از امضای موافقتنامه صلح دایتون (Dayton) در ماه دسامبر 1995، بوسنیا و هرزیگوینا بعد از جنگ، زمینه های مساعدی را برای فساد اداری فراهم ساخته است. احزاب ملی گرا از کمپنی های فراهم کننده اموال و خدمات مورد ضرورت عامه، بهره برداری سؤ نموده اند، خاصاً مبالغ هنگفت آنها را اختلاس کرده اند. در ماه مارچ سال 2003 یک بازرس حسابی بین المللی کمپنی های انرژی برق بوسنیا، افشا نمود که یک مؤسسه فراهم کننده انرژی برق بنا بر مدیریت نا درست، تضاد منافع، دزدی و غفلت، روزانه نزدیک به نیم ملیون مارکه قابل تسعیر که برابر با 300000 دالر امریکایی میشود، ضرر میکند. در نتیجه مردم بوسنیا از رهگذر فراهم نمودن خدمات ناکافی، نا درست و گران قیمت متحمل رنج های زیادی شده اند، در حالیکه عقیده بر آن است که وجه مالی منحرف شده جهت حمایت از مجرم جنگی فراری رادوان کارازیچ (Radvan Karadzic) بکار گرفته شده است.

طرح تدوین و تکامل تدریجی این کتاب

در سال 2002 انستیتوت صلح امریکا یک تیم کوچکی از خارتولان را، که مستقیماً در مساعی مربوط به مبارزه علیه جرایم جدی در حوزه بالکان ذیدخل بودند، تشکیل داد. با توجه به درس‌های آموخته شده از آن تجربه، تیم مذکور روش و منابع لازم را جهت پرداختن به مسایل مربوط به جرایم جدی در محیط‌های بعد از جنگ و ستیزه به یک شیوه استراتژیک و سیستماتیک ارزیابی نموده و آغاز به طرح و تدوین یک کتابی نمودند که معلومات لازم را برای آنچه پالیسی‌سازان و ماهرینی فراهم خواهد نمود که در آینده با این گونه مسایل سروکار دارند.

گروه مذکور کار خود را با تمرکز توجه روی کوسوو آغاز نمود. جایکه اعضای مختلف تیم مذکور در اتخاذ و اجرای اقدامات مربوط به مبارزه علیه جرایم جدی ذیدخل بودند. از آنجاییکه بوسنیا یک استراتژی بسیار جامع مبارزه علیه جرایم جدی را وضع نمود، با توجه به مدل یا نمونه کوسوو، گروه مذکور در صدد آن گردید تا این تجربه را نیز با تجارب گذشته در این زمینه توأم سازد. گروه فوق‌الذکر همچنان سایر محیط‌ها و کشور‌های بعد از جنگ و ستیزه را طی یک تلاشی مورد توجه قرار دادند، تا این کتاب را در انواع بسیار گسترده محیط‌ها و کشور‌ها به عنوان یک وسیله مراجعه و مأخذ، ممدتر و مفیدتر سازند. بدین ترتیب این کتاب نه تنها صرفاً درس‌های آموخته شده و مثال‌های بوسنیا و کوسوو را باهم تلفیق میدهد، بلکه همچنان درس‌های آموخته شده و تجارب اندوخته شده از افغانستان، برون‌دی، کمبودیا، جمهوری دیموکراتیک کانگو، هایتی، عراق، کوسوو، لائیریا، نیپال، آیرلند شمالی، صربیا، سیرالیون و جزایر سولومان را نیز باهم یکجا میسازد. به همین ترتیب این کتاب همچنان تعدادی از عوامل متغیر چون نوع و اندازه جرایم جدی، ماهیت آنها و همچنان اندازه تعهدات بین‌المللی و به همین ترتیب صلاحیت‌ها، ظرفیت و اراده دول‌میزبان و همچنان جامعه بین‌المللی برای مبارزه علیه جرایم جدی را مورد ارزیابی قرار میدهد.

در یک سلسله جلسات مقدماتی و ارزیابی که در جریان سه سال متواتر بعمل آمد، بیش از چهل تن از ماهرین با تجارب مبارزه علیه جرایم جدی در محیط‌های بعد از جنگ و ستیزه و یا کشور‌های که با مشکل جرایم جدی مواجه اند، در زمینه تدوین و انکشاف این کتاب سهم گرفتند. این کارشناسان شامل قضات، خارتولان، وکلای مدافع، افسران پولیس، ماهرین بخش استخبارات، محاسب و پرسونل امنیتی، پرسونل نظامی، مشاورین پالیسی، حامیان حقوق بشر و نماینده‌گان سازمان‌های مربوط بین‌المللی و منطقوی بودند. این پرسوسه جامع و همه‌شمول یک جنبه جدانپذیر تدوین این کتاب بود. طرح و اجرای پروگرام‌های مربوط به جرایم جدی در شرایط بعد از جنگ و ستیزه در ساحه، یک کوششی است که با چالش‌ها توأم میباشد که بعضی از آنها قراراتی اند: باید یک طرزبرخورد و شیوه عملی در یک محیطی طرح گردد که مشخصه آن قدرت زیاد سیاسی میان اشخاص انفرادی و ادارات مربوط میباشد، یک امتزاج مغلق از شخصیت‌ها و منافع، یک وضعیت امنیتی شکننده و منابع ناکافی جهت اجرای مؤثر پروگرام‌ها. با در نظر داشت آگاهی عمیق و دست اول ماهرین مذکور از چالش‌های که در زمینه رسیده‌گی به جرایم جدی در چنین شرایطی وجود دارد، نویسنده‌گان این کتاب زیاد تلاش ورزیدند تا از سرمایه تجارب آنها استفاده کنند. نویسنده‌گان همچنان تحقیقات علمی و نوشته‌های را که بیانگر هردو یعنی معلومات تحلیلی و پرگماتیزم معقول بود، کاویدند. با انجام این کار نویسنده‌گان در جستجوی آن شدند تا به مشکل فقدان ارتباط و هماهنگی میان دانشمندان و ماهرین مربوط و همچنان میان انواع مختلف ماهرین عرصه حقوق جنائی، فایق آیند تا بتوانند یک کتابی را تدوین نمایند که بتواند معلومات رشته‌های مختلف علمی را باهم تلفیق دهد.

مقصد و هدف این کتاب

در نظر است تا این کتاب یک مأخذی باشد برای آن عده پالیسی‌سازان و ماهرینی که عهده دار طرح ستراتیژی‌ها برای مبارزه علیه جرایم جدی در محیط‌های بعد از جنگ و ستیزه میباشند. این کتاب به معرفی و اجمال مسایل کلیدی مربوط به ارزیابی و رسیدگی به جرایم جدی پرداخته یک ارزیابی و وسایل و میتود های را که در این تلاش مفید باشد فراهم نموده استدلال‌های موافق و مخالف برخورد های مختلف را مورد بحث قرار داده و شمار زیادی از مثال‌های عملی را ارائه و مأخذ را برای مواد اضافی فراهم میسازد. این باید برای هر دو، یعنی برای فعالین داخلی و خارجی مربوط به ارزیابی یک جامعه بعد از جنگ و ستیزه، قابل استفاده بوده و باید معین سازد که کدام ریفورم‌ها و ستراتیژی‌های سیاسی، حقوقی و اقتصادی و کدام منابع بشری و مادی جهت مبارزه علیه جرایم جدی مورد نیاز اند. بطور اخص این کتاب باید مورد علاقه مقامات مربوط پارلمان یا نهاد تقنینی جامعه بعد از جنگ و ستیزه، وزارت عدلیه یا وزارت داخله آن و همچنان مورد علاقه سازمان‌های بین‌المللی یا منطقوی و همچنان پرسونل خارجی فراهم‌کننده کمک، وزارت‌های خارجه جانب سوم و به همین ترتیب دفاتر مربوط به انکشاف که با جوامع بعد از جنگ و ستیزه در زمینه پرداختن به مشکل جرایم جدی کار میکنند مورد علاقه باشد. اگرچه کتاب بمقصد استفاده در جوامع بعد از جنگ و ستیزه اختصاص یافته، ولی جنبه‌های متعدد آن همچنان میتواند در وضعیت‌های که تا هنوز موافقتنامه‌های صلح عقد نگردیده و یا هنوز به معرض اجراء قرار نگرفته و یا در مناطقی که هنوز پادرمیانی و ذیدخل بودن بین‌الملل لازم باشد، مفید ثابت گردد. این مطلب بخصوص از فصل دوم که در آن اهمیت انجام ارزیابی‌ها مورد بحث قرار گرفته، به خوبی اثبات میگردد. ارزیابی‌هایی نخست باید زمانی راه‌اندازی شوند که یک جنگ و ستیزه هنوز ادامه دارد. بنام یک ستراتیژی جهت مقابله با جرایم جدی میتواند طرح و به ساده‌گی با توقف رسمی عملیات جنگی به معرض اجراء قرار گیرد.

از آنجاییکه این کتاب بطور خاص جهت پرداختن به فعالیت‌های جنایی جدی تدوین گردیده، از آنرو تجهیزات پروگرام‌ها و طرز برخورد‌های را که ممکن جهت تعیین گسترده قانون در شرایط بعد از جنگ و ستیزه لازم باشد، مورد بحث قرار نمیدهد. با آن‌هم بسیاری از وسایل و میتود‌های که در فصل‌های آینده توضیح خواهد شد، به خوبی میتواند جهت رسیدگی به مشکل بسیاری از سائر جرایم معمول و همچنان در زمینه طرح ستراتیژی‌های تصور عمومی حاکمیت قانون مفید باشند. سائر ابعاد مبارزه با جرایم جدی که در این کتاب به آن پرداخته نشده عناصری اند که به خارج از سیستم حقوق جنائی به ریفورم‌ها، قوانین مدنی و پروگرام‌های مربوط به مبارزه علیه فساد اداری نگاه میکند. اگرچه اینها باید عناصر بنیادی هر گونه ستراتیژی منسجم جهت رسیدگی به

جرایم جدی باشد با آن‌هم آنها در خارج از ساحه این کتاب که روی سیستم‌های حقوق جنائی و عکس‌العمل آن در برابر جرایم جدی متمرکز بوده باقی میمانند. خواننده‌گانی که میخواهند راجع به مسایل گسترده حاکمیت قانون معلومات حاصل نمایند تشویق میگرددند تا به بخش "مطالعات آینده و منابع" که در اخیر این کتاب گنجانیده شده مراجعه کنند.

درک اهمیت جرایم جدی: سازمان ملل متحد و کشورهای

شورای امنیت ملل متحد قبلاً از خطری که هایتی از رهگذر جرایم جدی به آن مواجه است آگاه بود. فیصله نامه شماره 867 سال 1993 شورای امنیت که به اساس آن بخشی از نیروهای کمی‌آغاز ماموریت ملل متحد در هایتی شکل گرفت و تا سال 1996 در آنجا مصروف انجام عملیات بود به صراحت نگرانی خود را "در باره اوج‌گیری خشونت‌ها با انگیزه سیاسی... در زمان مرحله مهم‌گذار سیاسی ابرازی دارد."

از آنجاییکه مسایل مربوط به جرایم جدی در مرکز توجه این کتاب قرار دارد، ولی راجع به آن موضوع یک طرز برخورد همه جانبه را اتخاذ می نماید. بسیاری از مطالب نوشته شده در این ساحه، تنها یک یا دو جز متشکله موضوع مبارزه علیه جرایم جدی را مورد غور و رسیده گی قرار می دهد. در عوض این کتاب اجزای متشکله گوناگون سیستم حقوق جنایی را با هم پیوند و ارتباط می دهد. باید گفته شود که ما ادعا نمی کنیم که این کتاب یک رساله جامع مبارزه با جرایم جدی را به خواننده گان پیشکش می کند و نه هم ادعا داریم که این کتاب به عنوان یک کتاب رهنمای عملیاتی و تخنیکی شامل همه جزئیات برای آن عده کارمندان تامین حاکمیت قانون است که وظیفه بازجویی و تحقیق جرایم جدی را به عهده دارند. باید جلد های متعدد در باره هر یک از عناوین که در این کتاب به آن پرداخته شده نوشت، نویسنده گان سعی به خرچ داده اند که معلومات مفصل را فراهم نمایند تا این کتاب را مفید و قابل استفاده سازند اما نه به اندازه که این از حدود یک کتاب قابل دسترس به یک دایره المعارف مبدل گردد.

نویسنده گان به خوبی میدانند، که این امر در بسیاری حالات نه منطقی و نه ممکن است تا رهنمود های مفصل تجویزی و پیشنهادی در باره هر یک از جنبه های مبارزه علیه جرایم جدی ارایه گردد. با در نظر داشت اینکه هر وضعیت خصوصیات خود را دارا میباشد، آنهای که مسئولیت طرح ستراتیژی برای یک محیط خاص را بعهده دارند باید این کتاب را بعنوان یک نقطه آغاز کار تلقی نمایند، نه بیشتر از آن. وقتی آنها این کتاب را مرور کردند، بعد از آن در مشوره با کارشناسان و ماهرین مربوط، خواننده گان باید خود بازجویی و تحقیق مزید را بعهده گرفته و تحلیل های را قبل از طرح و اجرای یک ستراتیژی مربوط به جرایم جدی بعمل آورند. مثال های زنده گی واقعی که در این کتاب فراهم گردیده میتواند خواننده گان را در زمینه تعیین این امر کمک کند که شرایط که آنها به آن مواجه اند تا کدام اندازه به ستراتیژی های وضع شده در سایر موارد قابل تطبیق و جوابگویی است.

تمام آنهایی که در طرح و تدوین این کتاب ذیدخل بودند، میدانند که دول اندکی وجود دارند که از منابع و ظرفیت های لازم جهت پرداختن به اولویت های رقیب در ساحات بعد از جنگ و ستیزه برخوردارند. حتی کشور های دارای منابع خوب نیز این امر را دشوار میبایند تا بسیاری از شیوه ها و طرز برخورد های را که در این کتاب مطرح گردیده اجرا نمایند. دلیل معقول برای بحث روی مجموعه کامل وسایل بالقوه و ریفورم ها آن نیست که به پالیسی سازان پیشنهاد گردد که در تمام عرصه ها و در همه ساحات بطور همزمان داخل اقدام شوند، که این امر همیشه نامکن است. اما برای تشویق پالیسی سازان با چنین یک دورنمای گسترده این امر را بسیار سهل خواهند یافت تا یک پلان کاری را طرح نمایند که با آنها نشان دهد که چطور به اهداف کلی شان نایل خواهند آمد.

فصل بعدی یعنی فصل دوم روی این موضوع متمرکز میباشد که اولین مرحله جین طرح یک ستراتیژی مؤثر ضد جرایم جدی چه خواهد بود؛ دانستن ماهیت مشکل و ارزیابی ظرفیت ها برای مبارزه با آن فصل دوم رهنمودی را در باره حدود و میتودولوژی چنین یک ارزیابی فراهم میسازد. فصل سوم چهارچوب حقوقی را بشمول اقدامات طرز العملی یا قانونی که بطور خاص در مبارزه علیه جرایم جدی حایز اهمیت شمرده میشوند، مورد بحث قرار میدهد. این فصل همچنان استنباط های مربوط به منابع اجرای چنین قوانین را مورد غور و رسیده گی قرار میدهد. فصل چهارم به موضوع مربوط به اصلاحات تشکیلاتی جهت بازجویی، تحقیق، تعقیب عدلی و احکام قضایی عادلانه و مؤثر جرایم جدی میپردازد. اصلاحات تشکیلاتی مورد نظر شامل اصلاحات مربوط به ادارات پولیس، خارتوالی، قضات و محاکم، وکلای مدافع و امور مربوط به محابس میگردد. فصل مذکور همچنان پروگرام های مربوط به محافظت بسته و مصونیت شاهدان را مورد بحث قرار میدهد. فصل پنجم ستراتیژی های مختلف را بشمول آنهایی که میخوانند سطح مؤثریت بازجویی و

تحقیق جرایم جدی را ارتقا بخشند، مورد ارزیابی قرار میدهد. به همین ترتیب به معلومات جمع آوری شده استخباراتی، هدف قرار دادن مرتکبین جرایم جدی، کمپاین‌های آگاهی عامه، همچنان نقش نیروهای نظامی بین‌المللی در مبارزه علیه جرایم جدی پرداخته و آنرا مورد غور و بررسی قرار میدهد. فصل ششم موضوع استفاده از کمک‌های خارجی را در مبارزه علیه جرایم جدی در یک جامعه بعد از جنگ و ستیزه ارزیابی میکند. این فصل بطور اخص انواع مختلف کمک‌ها و مساعدت‌ها، رهنمودها در باره گزینش و انتخاب، مسایل مربوط به آموزش و استفاده از اصل جوابگویی و مسئولیت‌پذیری پرسونل بین‌المللی و همچنان مسایل مربوط به کار با فعالین ملی بشمول انکشاف پایدار ظرفیت‌های داخلی را مورد بحث قرار میدهد. کتاب با یک لست حاشیوی مدارک گوناگون از کتاب‌ها و مقالات گرفته تا اسناد رسمی، میثاق‌ها و صفحات اینترنتی که خواننده‌گان را بطور مستقیم یا غیر مستقیم در زمینه پیدا نمودن مطالب گسترده در مورد موضوع مشکل مبارزه با جرایم جدی کمک مینماید، پایان مینماید.

اصول رهنمودی

اصول رهنمودی ذیل باید همیشه حین طرح و تدوین ستراتیژی‌های مبارزه علیه جرایم جدی در جوامع بعد از جنگ و ستیزه در نظر گرفته شود. این اصول از تجربه عملی ماهرین مربوط و پالیسی‌سازانی که در جریان ترتیب این کتاب با آنها مشوره صورت گرفته، استنتاج گردیده که در سراسر کتاب با دقت و بصورت مفصل شرح خواهد شد. ترتیبی که آنها در اینجا معلوم میگردد اهمیت مربوط آنها را نشان نمی‌دهد بلکه در عوض ترتیب صرفاً نمایانگر پیشرفت معمول عملیات از مرحله پلانگذاری الی تطبیق می‌باشد.

در تعیین اهداف باید واقع بین بود

مهم است تا بدانیم که جرایم جدی ممکن هرگز در جامعه بعد از جنگ و ستیزه و یا در حقیقت در هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بصورت کلی ریشه کن گردد. حتی کشور‌های با ثبات و دارای منابع کافی با مشکل جرایم جدی بشمول جرایم سازمان یافته و تروریزم مواجه می‌باشند. در جوامع بعد از جنگ و ستیزه هدف باید کنترل معضله جرایم جدی باشد تا تاثیر بی‌ثبات‌سازی آن کاهش یابد. در سطح برنامه‌ریزی نیز باید واقع بینی در نظر گرفته شود و در عوض جستجوی انتخاب مناسب، ماهرین مربوط و پالیسی‌سازان باید شناسایی نمایند که با در نظر داشت منابع موجود و زمان تعیین شده کدام کارها عملی می‌باشند.

درک ضرورت تعهد طویل‌المدت

پروگرام‌های کوتاه مدت و "با عجله ترتیب شده" موثر شمرده نمی‌شوند. یک دید و روش طویل‌المدت توأم شده با ستراتیژی کلی بعد از جنگ و ستیزه یک امر لازمی پنداشته می‌شود. باید به پروگرام‌ها و راه‌حل‌های بسیار خاص، دارای اقدامات موقتی و بدون در نظر داشت شرایط خاص جامعه بعد از جنگ و ستیزه به دیده شک و تردید نگریست.

مبارزه با جرایم سازمان یافته: یک چالش دراز مدت است

جرم معرفی نمود ولی پیگرد قانونی آن بخاطر هماهنگی نا کافی میان نهاد های تحقیق کننده بحیث یک مشکل باقی ماند. تنها با ایجاد دفتر ضد مافیا در سال 1992، ایتالیا تدوین یک ستراتیژی پیچیده را آغاز نمود تا فرصت کاربرد روش های پر خرج تحقیقات جنایی، تامین ارتباط میان فعالیت های دفتر څارنوالی ملی با مساعی تحقیقات محلی و ایجاد سیستم ایتالیوی محافظت شاهدان فراهم گردد. با وجودیکه فعالیت های مربوط به مبارزه با جرایم قابل ملاحظه بوده است، تجربه ایتالیا با تزئید فعالیت مافیا در سطح فعالیت های مبارزه علیه جرایم بحیث یک چالش دایمی صرف نظر از کم و یا زیاد بودن منابع کشور تاکید می ورزد.

در حالیکه مبارزه علیه جرایم سازمان یافته معمولاً با میراث جنگ و ستیزه پیچیده ترمی گردد ولی یقیناً این امر به جوامع بعد از جنگ و ستیزه محدود نمی باشد. در حقیقت، کشور های مانند ایالات متحده آمریکا و ایتالیا مبارزات طولانی را در راستای مبارزه با جرایم سازمان یافته انجام داده اند. در ایتالیا، دولت هنوز هم با سازمان ها و فعالیت های مافیایی مواجه می باشد که در سال های اخیر به یک شبکه بین المللی (خصوصاً با ظهور مافیای البانیایی که در داخل کشور به فعالیت های قاچاق مواد مخدر، اسلحه و سگرت دست میزند، تقویت یافته است. در آغاز سالهای 1980، ایتالیا فعالیت گروه های مافیایی را جهت محو سازمان های جنایتکار بحیث

اطمینان از موجودیت منابع کافی

برنامه های که جرایم جدی را مورد رسیده گی قرار می دهند پر خرج بوده و ضرورت به متخصصین بسیار ماهر تکنیکی دارد. پولیس، څارنوالان، قاضیان و پرسونل زندان ها باید تماماً شناسایی، بازرسی و آموزش داده شود. یک مجموعه کادر های ورزیده و کلای مدافع باید انکشاف داده شود. علاوه بر آن با رجویی و تحقیق قضایای مربوط به جرایم جدی نیاز به چندین سال دارد، مهمتر از همه این امر مقتضی منابع کافی بشمول پرسونل آموزش دیده و هزینه مورد ضرورت می باشد.

درک جنبه های وسیعتر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جرایم جدی

جرایم جدی فقط یک مشکل جنایی نمی باشد. با در نظر داشت ستراتیژی های مبارزه علیه جرایم جدی، مهم است تا نه تنها جوانب حقوقی این مشکلات مورد رسیده گی قرار گیرد بلکه روی موضوعات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که سبب جنایت می گردد و عواملی که آنرا و خیم ترمی سازد نیز توجه مبذول گردد. برنامه، که مشکلات جرایم جدی را بحیث یک موضوع کاملاً جنایی رسیده گی نماید حتی در بهترین صورت آن ناکام خواهد بود، در بدترین صورت ممکن نتایج منفی و غیر موثر ناآگاهانه را در بر داشته باشد. طور مثال، مسئله قاچاق مواد مخدر یک مسئله انکشافی است و نمی تواند صرفاً به آن از دید جرایم جنایی نگرست. در افغانستان، سکتور زراعت متکی به کشت مواد مخدر می باشد. دهاقین افغان این وابستگی اقتصادی را الی دریافت معیشت بدیل ترک نمی گویند.

اطمینان از موجودیت میکانیزم‌های کافی پاسخگویی

قبل از تطبیق هر نوع ستراتیژی باید از جوابگویی و نظارت کافی نهاد های مسئول بازجویی، پیگیری و محاکمه افراد متهم جرایم جدی اطمینان حاصل گردد. جوابگویی بمعنی موجودیت طرز العمل‌ها برای اخذ شکایات و ادعای سو رفتار یا سو استفاده از صلاحیت بوده و موجودیت این میکانیزم‌ها برای بازجویی و تحقیق عاجل و عادلانه و قضاوت درست در مورد شکایات می باشد. میکانیزم‌های جوابگویی همانند یک محکمه عادلانه خدمت نموده و ضمانت از طی مراحل مناسب میباشد که از عادلانه بودن سیستم بازجویی و تحقیق جرایم جدی و همچنان از موجودیت سیستم های کنترولی اعمال قدرت اطمینان میدهد. مسئله جوابگویی خاصاً در جوامع بعد از جنگ و ستیزه که از سو استفاده قدرت و حقوق متاثر می باشند، مهم تلقی می گردد.

طرح و تطبیق یک روش برای مبارزه علیه جرایم جدی در چهار چوب یک ستراتیژی و وسیع حاکمیت قانون

حتی وقتی شرایطی پرسونل و وسایل اختصاصی را برای جهت مبارزه علیه جرایم جدی ایجاد کند، مساعی آنها می تواند با خصوصیت و شرایط سیستم عدلی موجود تقویت و یا تضعیف گردد. علاوه بر آن، با در نظر داشت محدودیت منابع مالی و انسانی در محیط بعد از جنگ و ستیزه، تلاش جهت مبارزه علیه جرایم جدی و اقدامات جهت تقویت حاکمیت قانون در مجموع، احتمالاً برای عین کارمندان و وجوه مالی رقابت نماید. در نتیجه، روش مبارزه علیه جرایم جدی باید با ستراتیژی و وسیع حاکمیت قانون که سیستم عدلی کشور را بشمول سیستم عدلی، بازجویی، دفاع، زندان‌ها، پولیس، اصلاحات نظام عدلی، و ساختارهای مربوط حقوقی که بشمول کنترل مالی را مورد رسیده گی قرار می دهد، یکجا گردد. ستراتیژی باید از ابتدا شامل ایجاد ساختارهای تشکیلاتی مرتبط و درست پلان شده باشد.

احترام و حراست از حقوق محکمه عادلانه و طی مراحل مقتضی قضایای مربوط

این کتاب وسایل و روش هایی را مورد بحث قرار می دهد که قدرت قابل ملاحظه را به فعالین سیستم عدلی میدهد و اکثراً در امر مبارزه علیه جرایم جدی بکار برده می شوند. لازمی است تا اطمینان حاصل گردد که اسناد تقنینی و ماهرین مربوط حقوق جنایی یعنی کسانی که تطبیق کننده قوانین می باشند از محکمه عادلانه و طی مراحل مناسب در مورد متهمین و مظنونین حراست نماید. بدون حراست کافی، اعتبار و عادلانه بودن طرز العمل‌ها می تواند زیر سوال آمده و راه های احتمالی برای سو استفاده باز باقی ماند.

بوجود آوردن ظرفیت پایدار

هدف برنامه های مبارزه با جرایم جدی باید ایجاد ظرفیت طویل المدت و پایدار باشد. از اینکه جرایم جدی تهدید کننده ثبات، بازسازی و تلاش های دیموکراسی در جامعه بعد از جنگ و ستیزه می باشد، ضرورت مبارزه با جرایم جدی بصورت طولانی بعد از گذشت حالت جنگ و متوقف شدن کمک های خارجی باقی می ماند. بدین لحاظ ضروری است که ظرفیت در سطح اداره و سطح بشری بوجود آورده شود. روش های پراکنده و وارد شده که در مطابقت با شرایط نمی باشد بسیار به ندرت پایدار باقی می ماند. ارتقای ظرفیت، مقتضی سرمایه گذاری کافی در امر ارتقای مهارت ها و توانمند سازی پرسونل اجرا کننده برنامه های مبارزه علیه جرایم جدی می باشد. [14](#)

فصل دوم

راه اندازی یک ارزیابی

اهداف این فصل قرار آتی میباشند:

- بحث روی اهمیت و حدود یک ارزیابی که جهت طرح یک ستراتیژی مبارزه با جرایم جدی بکار برده شود
- فراهم نمودن پیشنهادات درباره این که چطور میتوان یک ارزیابی را راه اندازی نمود، بشمول توصیه ها درباره پرسونل، معیاد و میتودولوژی مربوط

یک ارزیابی چه است و چرا حایز اهمیت میباشد.

یک ارزیابی عبارت از پروسه جمع آوری معلومات، راه اندازی یک تحلیل و فراهم ساختن توصیه هایی میباشد که یک نفر پالسی ساز میتواند بعداً از آن در طرح یک ستراتیژی مربوط به مبارزه علیه جرایم جدی استفاده کند. حین راه اندازی یک ارزیابی این امر ضروری پنداشته میشود تا ماهیت خاص وضعیت جرایم جدی و ظرفیت جامعه بعد از جنگ و ستیزه و همچنان خواست و اراده سیاسی را معلوم نمود تا بدان پرداخته شود. علاوه از این، این امر نیز مهم است تا منابع موجود و همچنان خلاها در ظرفیت، موانع در مقابل پیشرفت و عرصه های کلیدی برای بهبود امور مربوط را تعیین نمود. فقدان یک ارزیابی خوب احتمالاً مساعی مربوط به مبارزه علیه جرایم جدی را به تعویق خواهد انداخت. یک ارزیابی میتواند از حدی یک تحلیل مختصر تا یک سروی عمیق را دربرگیرد. این امر مربوط به عواملی چون عمق دانش آنانی که این ارزیابی را برامی اندازند، اندازه محدودیت های وضعیت امنیتی یک کشور، که دسترسی به بعضی ساحات را محدود میسازد، میسر بودن منابع بشری و مادی مورد ضرورت راه اندازی یک ارزیابی و همچنان دسترسی به فعالین مربوط یک کشور و سطح همکاری آنها میگردد.

یک ارزیابی خوب تمام سیستم عدلی جنایی را در مجموع، بشمول چهار چوب حقوقی، نظام قضایی، خرنوالی، پولیس، وکلای مدافع، محابس، تعلیم و تربیه حقوقی یا هر گونه ساختار عنعنوی یا قبایلی عدلی را دربر میگردد. اگرچه توقع نمی رود که جزء اخیر یک منبع مناسب جهت پرداختن به امور مربوط به جرایم جدی باشد، ولی با آنهم جزء مذکور از رهگذر سروی موجودیت تمام ساختار های ذیدخل در نظام قضایی مربوط به مسایل جرمی مهم شمرده میشود. علاوه از این

یک ارزیابی خوب عوامل سیاسی، اقتصادی و کلتوری را نیز در نظر میگیرد که روی وضعیت جرایم جدی اثرگذار بوده یا به آن ارتباط داشته باشد. در نتیجه یک ارزیابی معلومات اساسی لازم را فراهم مینماید که از آن اهداف واقعی و یک ستراتیژی که به مسایل مربوط به جرایم جدی میپردازد، بشمول تعیین اولیت ها، زمان بندی و تسلسل اقدامات، میتواند طرح و استنباط گردد. تنها بعد از توجه به این تصویر گسترده میتوان بطور خاص روی موضوع پرداختن به مسایل جرایم جدی توجه معطوف گردد. کمک این معلومات اساسی میتوان تحلیل ها و تشخیص ها را جهت تعیین اقدامات مناسب ضروری برای مقابله با مشکلات ناشی از جرایم جدی، با در نظر داشت منابع و ظرفیت (هر دو یعنی بشری و تشکیلاتی) یک جامعه، همچنان خصوصیات حقوقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن، به عهده گرفت.

یک ارزیابی باید با ارایه تجاویز صریح در زمینه این که کدام تغییرات معین در نظام عدلی جنایی جهت مبارزه مؤثر با جرایم جدی لازم است، منتج گردد (و اگر لازم پنداشته شود تغییرات مقتضی در سیستم های سیاسی و اقتصادی نشان دهی گردد). ارزیابی همچنان باید نشان دهد که کدام کمک های خاص بین المللی مورد نیاز است. معلوماتیکه از این ارزیابی بدست میاید (و همچنان از ارزیابی های بعدی که مطابق ضرورت به راه انداخته میشود) باید در پروسه پلان گذاری جهت عملیات علیه جرایم جدی در نظر گرفته شود. در یک محیط جنگ و ستیزه، جاییکه جامعه بین المللی حضور دارد این گونه معلومات در کنفرانس های دونران مربوط حایز اهمیت زیاد میباشد، زیرا دونران معمولا مساعادت های مشخص و پلان شده را ترجیح میدهند. طور مثال، معلومات مورد نظر میتواند در زمینه طرح پروگرام های حراست از شاهدان بکار گرفته شود یا جهت ایجاد واحد های پولیس خاص یا گروه کاری امور مربوطه به تحقیق یا هم جهت درخواست سهم گیری های خاص بین المللی بمنظور تقویت ظرفیت نهاد های دولتی کشور بعد از جنگ و ستیزه بکار برده شود تا تحقیق و محاکمه قضایی مربوط به جرایم جدی صورت گرفته بتواند.

حدود و ساحات ارزیابی

ارزیابی متذکره تحلیل ها و معلومات مربوط را در ساحات ذیل قبل از ارایه توصیه ها راجع به منابع خاص، وسایل، پرسونل و تخنیک های مورد ضرورت مبارزه علیه جرایم جدی جمع آوری و تحلیل نماید:

- ماهیت مشکل جرایم جدی.
- فکتور های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مربوط
- ظرفیت (پرسونل و تشکیلات) و همچنان چالش ها در داخل سکتور عدلی جنایی بشمول چهار چوب حقوقی، پولیس، نظام قضایی و سیستم محاسب
- ظرفیت (پرسونل و تشکیلات) و همچنان چالش ها در خارج از سکتور عدلی جنایی بشمول اراده و خواست سیاسی مقامات و همچنان طرز برخورد و توقعات عامه در مورد جرایم جدی و سکتور عدلی جنایی

بخش‌های ذیل، ساحات مورد نظر را به تفصیل بیشتر مورد بحث قرار می‌دهد: ارزیابی‌ها از نظر ماهیت خود یک علم دقیق و کامل نیست. آنها عناصر ذهنی فراوان دارند از آنرو برای آنانیکه رهبری یک ارزیابی را بعهده دارند، این امر حایز اهمیت شمرده میشود تا اهداف را بطور واقعی تعیین نموده و چالش‌هایی را که احتمالاً آنها بدان مواجه میشوند درک و مطلوب آنست تا آنها از تجربه راه اندازی ارزیابی‌ها برخوردار باشند.

ارزیابی ماهیت مشکل جرایم جدی:

یک ارزیابی‌بی از ماهیت مشکل جرایم جدی ضروری است تا درک گردد که مبارزه با آن چقدر مهم است. پروسه ارزیابی الزاماً دارای ماهیت تکراری است زیرا ماهیت و حدود این مشکل به مرور زمان از طریق معلومات استخباراتی و تحلیل‌ها آشکار میگردد. ارزیابی مورد نظر باید انواع خاص جرایم را که ارتکاب می‌یابند، انگیزه‌های که در عقب این جرایم قرار دارند و همچنان مشخصات و اثرات آن، مرتکبین و پیوند‌های آنها با فعالین سیاسی، نیمه نظامی، استخباراتی و سایر فعالین و محیط اجتماعی و اقتصادی مربوط که جرایم جدی در آن شیوع می‌یابد، تشخیص نمایند.

انواع جرایم جدی

ارزیابی انواع خاص جرایم جدی که در یک جامعه وجود دارند، باید شامل تصمیم‌گیری در باره نکات آتی باشد:

- چرا، چی وقت و در کجا جرم مورد نظر سازماندهی یا طرح شده است
- تسهیلات، تشکیلات، منابع مالی و مامورین رسمی عامه یا پرسونل که میخواهند به جسارت‌های جنایی کمک یا مرتکب آن شوند.
- در رابطه با قاچاق اموال و اشخاص، مسیرهای خاص قاچاق و انواع اموال یا اشخاص قاچاق شده
- حدود و اندازه عملیات نامشروع و غیر قانونی در آن سوی سرحدات
- انواع عملیات تطهیر پول‌های سیاه که بکار گرفته میشود
- اثر محلی، منطقی و بین‌المللی جرایم جدی

انگیزه‌ها و کتلست‌های جرایم جدی

یک تحلیل از انگیزه‌هایی که در عقب فعالیت‌های جنایی قرار دارند میتواند نشان دهد که این فعالیت‌ها به یک کشمکش اجتماعی گسترده رابطه ندارد. از جانب دیگر یک تحلیل میتواند آشکار سازد که یک فعالیت جرمی بخشی از یک پروگرام گسترده است که یک یا چند هدف زیرین را تعقیب میکند: تمویل جنبش‌های خشن بوسیله عناصر افراطی که با شرایط یک توافقنامه صلح یا تدابیر مربوط به تقسیم قدرت موافق نیستند؛ پناه دادن به فراریان جرایم جنگی؛ به تحلیل بردن اعتبار ملی یا بین‌المللی به وسیله آنانی که با یک دولت مخلوع متحد شده، و آنانی که در آرزوی واژگون کردن نظام جدید هستند، تحریک مزید جنگ و ستیزه (بطور مثال از طریق خشونت قومی هدفمند یا انجام حملات بالای مناطق دارای میراث‌های کلتوری یا مذهبی) یا جاییکه خطر گروه‌های جنایت‌کار سازمان یافته وجود داشته باشد، بقا یا گسترش سطح رسیدن

آنها به ماحول سیاسی و تشبثات مشروع، جهت تشخیص فکتورهای تحریک کنند و کتلت های احتمالی مهم است تا نکات آتی مورد ارزیابی قرار گیرند:

- کی از تأمین صلح نفع میبرد و کی میبازد
- آیا عوایدی که از وجوه مالی مربوط به جرایم کسب میگردد ممانعت های را در جهت تأمین صلح به وجود می آورند، که میتواند در خشونت، ترور یا فعالیت های نیمه نظامی ذیدخل باشد.
- اندازه که جرایم به کشمکش های بنیادی یا حل نشده ارتباط میگیرد یا میتواند یکی از وظایف اهداف بدست نیامده جنگ باشد.
- موجودیت یک حزب یا گروهی که از توافقنامه صلح بیرون مانده باشد و ممکن است یک تهدیدی را به صلح و ثبات متوجه سازد.
- موجودیت عدم اعتماد، اختلاف و نزاع در میان گروه های قومی یا مذهبی.
- موجودیت گروه ها یا اشخاص انفرادی مسلح چون جنگجویان نااستخدام شده سابقه، که اکنون بنا بر نبودن راه دیگر جهت امرار معیشت به جرایم رو آوردند.
- وقتی رژیم گذشته متلاشی شد، آیا در نتیجه آن یک خلای قدرت بوجود آمد و از آنرو مبارزه برای کسب قدرت تشدید یافت.
- در صورتی که کارهای غلط گذشته (بشمول جرایم جنگی) مورد رسیدگی قرار نگیرد احتمالی امنی رخ خواهد داد.
- چگونگی ظرفیت بالقوه برای عدم ثبات بنا بر مسایل مربوط به مهاجرین (طور مثال موجودیت کمپ های مهاجرین، منازعات روی ملکیت و مسایل مربوط به اسکان مجدد).

مرتکبین جرایم جدی

جهت توضیح کامل ماهیت تهدیدی که جرایم جدی به وجود می آورد، این امر مهم شمرده می شود تا فهمیده شود که مرتکبین این جرایم کی ها اند (اشخاص انفرادی خاص، رهبران و یا گروه ها)؛ آیا آنها با فعالین سیاسی و سایر قدرتمندان و نیروهای پولیس و اردو، رابطه دارند؟ به همین ترتیب باید پیوند ها میان افراطیون سیاسی، گروه های ملیشیا، روشنفکران فعال و سازمان های جنایی در کشور، هویت و منصوب بودن آنها را که در این فعالیت ها ذیدخل اند، و همچنان راجع به نفوذ و کنترولی که جنایتکاران بالای مقامات دولتی و فعالین مربوط دارند، مدارک و معومات استخباراتی را جمع آوری کنند.

عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

ارزیابی‌ها اکثراً تنها روی اجزای متشکله انفرادی سیستم عدلی جنایی (قوانین، زیربناهای مربوط، تجهیزات، پرسونل، امور مربوط به آموزش و غیره)، متمرکز میشوند. اگرچه این مسایل جهت طرح نمودن یک ستراتیژی مؤثر، حایز اهمیت زیاد است، ولی در زمینه جرایم جدی، باید ساحت وسیع‌تری را احتوا نماید. علل ریشه‌استنتاج‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جرایم باید فهمیده شده و در نظر گرفته شوند. یک ستراتیژی مربوط به جرایم جدی به تنهایی نمی‌تواند به سکتور عدلی جنایی متمرکز باشد و همچنان بار امور مربوط به رسیده‌گی و پرداختن به جرایم جدی نمی‌تواند تنها بدوش پولیس، قضات و خانونالان انداخته شود. نقص و درمانده‌گی در زمینه درک زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به معنی نقص و کمبود در طرح راه‌حل‌های مؤثر خواهد بود. بطور مثال، در صورتیکه منافع عمیق و ریشه‌یی، نظام قضایی و پولیس را کنترل نماید، در این صورت مساعی در جهت مبارزه علیه جرایم جدی از طریق پروگرام‌های آموزشی و ساختن زیربناها، نتایج اندکی به بار خواهد آورد. در عوض ضروری خواهد بود تا اولاً ساختارهای تشکیلاتی چون پروسه‌هایی که از طریق آن قضات و پولیس ارزیابی، انتخاب و مسؤل شناخته میشوند اصلاح گردد و در صورتیکه جرایم در اقتصاد، زندگی سیاسی یا کلتوری یک جامعه جا گرفته باشد (بطور مثال، مورد کشت خشخاش در اکثر نقاط افغانستان و یا پدیده قاچاق در شماری از شاروالی‌های بوسنیا)، شیوه‌های تنفیذ قانون به تنهایی کافی نخواهد بود. از بنیرو ارزیابی مورد نظر باید عوامل اجتماعی و اقتصادی چون ارزیابی آن حدودی که فعالیت‌های جنایی در نظام اجتماعی جامعه مستقر شده و جلو اقتصاد آن را بدست گرفته، مورد ارزیابی قرار دهد. در بعضی موارد بازار سیاه بر اوضاع اقتصادی مسلط میباشد. ارزیابی باید فرصت‌های موجود و بالقوه را برای مردم گسترش دهد تا معیشت زندگی را بدون شرکت در جرایم جدی تأمین نماید. این امر نیز حایز اهمیت است تا تشخیص گردد که چه کسانی دسترسی به غذا، سرپناه و مواد مصرفی اولیه چون (برق و آب) را کنترل مینمایند و آیا اینکه جنگ سالاران یا ملیشیا‌ی شخصی در مساعی برای کسب روابط شخصی میتوانند در صورت کمبود این‌ها، راه‌های دسترسی بدیل را عرضه کنند.

ظرفیت و چالش‌ها در سکتور عدلی جنایی

یک ارزیابی از سکتور عدلی جنایی که شامل کارایی چهار چوب حقوقی و ظرفیت پولیس، نظام قضایی و سیستم محاسب جهت مبارزه مؤثر علیه جرایم جدی، باید صورت گیرد. طوریکه در ذیل ارایه گردیده ساحت خاص تحقیق و بررسی باید شامل منابع، تجهیزات، پرسونل، تعمیرات و همچنان زیربناها، بحیث عواملی که بالای مؤثریت سیستم عدلی جنایی اثرگذار است باشد. (بطور مثال فساد اداری، امنیت پرسونل عدلی-قضایی، شاهدان، تعمیرات، فقدان تسهیلات آموزشی، انحصار سیاسی)؛ مشکلات تشکیلاتی (بطور مثال نزاع بر سر قدرت و فقدان هماهنگی)، و محدودیت‌هایی سیستماتیک (مثلاً چهار چوب حقوقی نا کافی یا ساختارهای نا مؤثر).

چهار چوب قانونی

چهار چوب حقوقی یک کشور ستون فقرات سیستم جنایی عدلی را تشکیل میدهد. این چهار چوب معین می‌سازد که سلوک جنایی چیست، طرز العمل‌های را که به وسیله آن امور مربوط به تحقیق، محاکمه و استیناف خواهی پیش برده میشوند تجویز نموده، حدود صلاحیت‌ها و مقامات پولیس، خانونالان و قضات را معین ساخته و محدودیت‌های صلاحیت دولت و حقوق

لست ارزیابی چهار چوب حقوقی

ارزیابی چهار چوب حقوقی باید شامل بررسی و تحقیق ساحات ذیل باشد:

✓ قانون قابل اجرا چیست

✓ در صورتیکه بخش های از قانون مورد منازعه باشد، اگر چنین باشد، در صورتیکه آنها بوسیله جامعه بطور کل یا بخشی از آن بنا بر محتویات آن، بنا بر رژیم که آنها را اجرا میکند، یا بنا بر این دلیل که این قوانین در زمان قدرت رژیم سرکوب گر، چگونه اجرا یا از آن تخطی صورت میگرفت، قابل قبول نباشد

✓ در صورتیکه کشور یک جانب میثاق های بین المللی یا منطقی حقوق بشر یا هر نوع میثاق های بین المللی یا منطقی مربوط به قوانین جزایی (چون کنوانسیون بین المللی درباره حقوق مدنی و سیاسی و دو پروتوکول منضمه آن، کنوانسیون ملل متحد در باره مبارزه علیه جرایم سازمان یافته انتقالی و سایر میثاق های که در صفحات 49-47 فصل سوم لست گردیده)، است

✓ در صورتیکه کشور یک جانب از چنین میثاق ها باشد، آیا قوانین دولت مورد نظر این امر را تصریح میکند که میثاق های مذکور ضمانت اجرای خودی دارد یا این که آنها نیازمند اسناد تقنینی اجرایی برای تحقیق آن میباشد

✓ در صورتیکه کدام تناقض میان قوانین بین المللی و داخلی موجود باشد، کدام نهاد قانونی ترجیح دارد و اگر کدام یک از آنها چنین تناقضات را حل نماید، به کدام نهاد حق تقدم داده میشود

✓ موجودیت طرز العمل های مربوط جهت کمک به مساعدت های حقوقی دو جانبه، همکاری بین المللی و میثاق های مربوط به مبادله مجرمین

✓ آیا چهار چوب حقوقی با معیارها و نورم های بین المللی (چون حق محکمه عادلانه و طی مراحل مقتضی و مناسب دوسیه های مربوط) مطابقت دارد

✓ آیا چهار چوب حقوقی فعالیت های جنایی موقت را بطور کافی مورد رسیده گی قرار میدهد (مثلاً محرمیت و اقدامات تخنیکی مربوط به تحقیق، معافیت و حراست شاهدان)

✓ آیا قوانین و مقررات بشکل تحریری، وجود داشته، نشر شده و برای فعالین بخش قوانین، حقوق و عامه مردم قابل دسترسی میباشد

✓ قوانین و مقررات به کدام زبانها موجود است

✓ آیا قضات، خرنوالان، وکلای مدافع و پولیس در زمینه چهار چوب قانونی معلومات کافی دارند

✓ موجودیت یک چهار چوب (عرفی، قبیولی یا عنعنوی) که مسایل مربوط به جرایم فعالیت های جنایی را حل و فصل نماید. در صورتیکه چنین چهار چوب وجود داشته باشد سطح مؤثریت و پذیرش آن تا کدام اندازه است

✓ در صورتیکه قوانین کتبی وجود داشته ولی از جانب جمعیت حقوقی مربوط رعایت نمی گردد، آیا کدام مجموعه گاهی پیگیری شده، اگر چنین شده آن قوانین کدام بودند و چی وقت اجرا شدند

متهمین را تعیین میکند. در این زمینه چهار چوب حقوقی به قانون جزأ و قانون طرز العملها اجرایی محدود نه شده، بلکه همچنان شامل قانون اساسی، طرز العمل های معیاری عملیات، قوانین مربوط به پولیس، خرنوالان و نظام قضایی و همچنان اسناد تقنینی مدنی و اداری قابل اجرا در مورد فعالیت های جنایی چون ضبط داراییها، جریمه ها، ثبت و راجستر سلاح و پروگرام های خطرناک مواد مخدر، میشود. چهار چوب حقوقی همچنان شامل مکلفیت های ناشی از میثاق ها و کنوانسیون های بین المللی و همچنان طرز العمل های مبارزه علیه جرایم و حقوق بشر میشود. (فصل سوم چهار چوب حقوقی را به تفصیل شرح میکند.)

نارسیایی در زمینه ارزیابی کافی چار چوب حقوقی کوسو

وقتی کمپاین ناتو در کوسو به یک کار نهایی و سترگ بازسازی که یک ولایت کوچک با آن مواجه بود، متوجه گردید، دو نران بین المللی، سازمان‌های غیر دولتی، و سازمان ملل متحد، ارزیابی‌های متعددی را به راه انداختند، که بسیاری از آنها روی نظام قضایی کوسو متمرکز بود. از اینکه ضروری بود تا ماهیت متنازع چهار چوب حقوقی کوسو درک گردد، این ارزیابی‌ها مکرراً نادیده پنداشته شدند. این اشتباه اکثر به اتلاف منابع و تأخیر در اصلاحات منجر گردید. بطور مثال، اشتباه در شناخت پیامد های پیچیده و نا متوقع سیاسی پذیرفتن چهار چوب حقوقی بی چون چهار چوب سال 1999 (که با رژیم استبدادی سلوبودان میلوسویچ Milosevic Slobodan در بلگراد گره خورده بود و از آنرو برای مردم البانیایی نژاد کوسو قابل قبول نبود) روی چهار چوب حقوقی چون چهار چوب سال 1989 (که قبل از قانون جزای فسخ شده میلوسویچ در کوسو مرعی الاجرا شمرده میشود، و مردم البانیایی نژاد کوسو را از نظام قضایی اخراج کرده بودند) به ماه‌ها مباحثه و بن بست منجر گردید. این مسئله تا آن زمان حل نه گردید تا آنکه حکومت انتقالی ملل متحد از تصمیم اصلی خود منصرف نه شده و طی صدور فرمانی تصریح نکرده بود که چهار چوب حقوقی سال 1989 یک قانون قابل اجرا میباشد. فعالین بین المللی نیز در این امر موفق نه شدند تا در مورد موجودیت چنین قوانینی تصمیم اتخاذ نمایند. در یک مورد، مقررات ترافیک با وصف اینکه چنین قوانین از قبل موجود بودند و به آسانی میتوانستند جهت برآورده ساختن نیازمندی‌های کنونی، تعدیل شوند، دوباره طرح و نشر شدند.

یک هدف ابتدایی ارزیابی چهار چوب حقوقی آن است تا آن اسناد تقنینی و مواد قوانین تثبیت شوند که مسایل مربوط به بازجویی و تحقیق جرایم جدی را کمک نمایند. این ارزیابی باید خلاهای موجود را تشخیص نماید و تجویز نماید که اسناد تقنینی مربوط به جرایم جدی در کجا میتواند بطور مناسب اضافه گردد. همچنان این ارزیابی باید دریابد که اسناد تقنینی مربوط به فعالیت‌های جرایم جدی که به نورم های حقوق بشری شناخته شده بین المللی مطابقت نداشته و لازم است تا آنها تعدیل یا حذف شوند.

ظرفیت پولیس

ارزیابی مورد نظر باید ظرفیت پولیس را جهت پرداختن به مسایل مربوط به تهدید جرایم جدی ارزیابی نماید. بطور بسیار اخص این ارزیابی باید در رابطه به ظرفیت پولیس جهت انجام بازجویی و تحقیقات پیچیده، قضاوت نموده، خلاهای موجود در ظرفیت پولیس را جهت انجام دادن چنین بازجویی‌ها

تشخیص نموده، نیازمندی‌های پولیس برای منابع که برای جرایم جدی اختصاص یافته تعیین نماید. معمولاً یک ارزیابی قبل از توظیف پولیس بین المللی صورت میگیرد تا این مأموریت و تخصیص منابع مربوط به نیازمندی‌های مبارزه علیه جرایم جدی را در نظر گیرد. در صورتیکه پولیس بین المللی قبلاً توظیف شده باشد طی یک ارزیابی باید ظرفیت آنها را برای مبارزه با جرایم جدی بشمول اینکه آیا مأموریت عملیات تأمین صلح به پولیس صلاحیت‌ها و منابع کافی را جهت پرداختن و رسیدگی به مسایل مربوط به جرایم جدی، فراهم ساخته، و اینکه آیا تخصیص منابع و ساختارهای تشکیلاتی جهت مبارزه با جرایم جدی کافی اند یا نه، ارزیابی نماید.

در جاییکه نیروهای نظامی بین المللی در یک مأموریت حاضر باشند، ارزیابی مورد نظر باید به اراده و خواست و همچنان توانایی این نیروها برای کنترل فعالیت‌های مربوط به جرایم جدی بپردازد. گروه ارزیابی بایست چگونگی بازجویی‌ها و عملیات نظامی، سطح همکاری نظامی – ملکی و شریک ساختن معلومات استخباراتی را در رابطه به جرایم جدی، ارزیابی نماید. ارزیابی بایست شامل معلومات در باره اینکه آیا مسئولین حین عملیات نظامی با شواهد به نحوی برخورد میکنند که آن برای پیگرد های عدلی بعدی که به وسیله مقامات ملکی انجام میگردد، مفید واقع گردد و همچنان وضعیت تعقیب عدلی جنایی نظامی، ارزیابی همچنان بایست در رابطه به نقش

های ممکن که نیروهای نظامی میتوانند بازی کنند و اراده آن جهت بازی کردن چنین نقش‌ها را در ساحاتی چون: فراهم ساختن امنیت برای شاهدان، قضات، خائولان و وکلای مدافع، یا فراهم ساختن محیط امن برای پولیس ملکی در هنگام دستگیری‌هایی که با سطح بلند خطر توأم میباشند، یا اجرای احکام جستجو و بازرسی، تحقیقاتی را بعمل آورد. (فصل پنجم یک بحث بسیار مفصل را در رابطه به نقش نیروهای نظامی بین‌المللی در زمینه پرداختن به فعالیت‌های مربوط به جرایم جدی ارایه میکند). اگر نیروهای نظامی سهمی را در این عرصه ایفا میکنند، ارزیابی مورد نظر بايست ظرفیت پولیس ملی یا هر گونه پولیس بین‌المللی یا واحد‌های پولیس بین‌المللی "تأمین ثبات" (پهره‌داران یا نگهبانان یک محل) را که بلاخره نقش نیروهای نظامی را بعهدہ بگیرند، مورد توجه قرار دهد.

در این صورت گروه ارزیابی قادر خواهند بود تا توصیه‌های دقیق را در باره نیازمندی‌های فعالیت‌های مربوط به تأمین و حفظ نظم عامه توسط پولیس ارایه نموده و یک پروگرام منسجم‌تر و مؤثر تر ضد جرایم را طرح نمایند تا نیروهای پولیس ملکی و منابع قانونی آن وظایفی را بعهدہ بگیرند که نیروهای نظامی آنرا واگذار میکنند. ارزیابی مورد نظر بايست همیشه نیازمندی‌های مربوط به وظایف پولیس را در رابطه به تجهیزات و تسهیلات مربوط مورد بازرسی قرار دهد. منابع میتواند از وسایط نقلیه، تجهیزات مربوط به ارتباطات و شیوه‌های علمی جلوگیری از جرایم گرفته تا ماشین‌های فوتوکاپی، تلفون و همچنان قلم و کاغذ، را دربرگیرد. ممکن این امر نیز ضروری شمرده شود تا ساختمان‌هایی که امور تحقیق و بازرجویی جرایم جدی در آن بعمل می‌آید نیز اعمار یا بازسازی شوند.

لست ارزیابی ظرفیت پولیس

ارزیابی ظرفیت پولیس بايست شامل ساحات مورد بازرجویی زیرین باشد:

- ✓ ساختار، اندازه تشکیلات و پرسونل وزارت داخله یا نیروی پولیس و ترکیب اجتماعی (از رهگذر گروه‌های قومی، مذهب و غیره) نیروی پولیس
- ✓ آیا ترکیب اجتماعی، توانایی و خواست و اراده موجود، بعضی گروه‌ها را در زمینه داد خواهی از طریق نیروهای موجود پولیس، بصورت معکوس متأثر میسازد، اگر چنین است، آیا گروه‌های نامبرده از ساختارهای فرعی که در خارج از کنترل دولت فعالیت دارند، خواستار تأمین حراست و مصونیت‌شان شده‌اند
- ✓ کدام مقام یا کی‌وزیر داخله یا قوماندان پولیس را مقرر مینماید
- ✓ سطح تعلیم و تربیه و تجارب نیروی پولیس
- ✓ آیا نیروی پولیس از رهگذر تعداد کافی است و دارای یک نسبت مناسب از افسران گزمه، افسران امور مربوط به بازرجویی و تحقیق، میباشد، دارای ساختار تشکیلاتی بی‌است که جهت پرداختن به امور مربوط به جرایم جدی کافی باشد و آیا از وجوه مالی و تجهیزات مورد ضرورت‌شان برخوردارند
- ✓ آیا پرسونل پولیس تحت نفوذ جنایتکاران یا عناصر کارشکن و مشکل تراش قرار داشته یا با آنها شریک میباشد، اگر چنین است تا کدام اندازه
- ✓ آیا پولیس مسؤل کدام وحشیگری یا کدام تعدی و ستم در زمان جنگ و ستیزه یا زمانی که به آن منتهی میگردد، بود
- ✓ نوع ساختارهای پولیس و نهاد‌های موجود و سطح همکاری و هماهنگی میان آنان
- ✓ آیا ادارات پولیس از تهدیدهای ناشی از جرایم جدی و همچنان از ضعف‌ها در ظرفیت پولیس، بشمول گردآوری معلومات استخباراتی، اجرای امور مربوط به دیتابیس جنایی و جمع‌آوری ارقام و احصائیه‌های مربوط به جرایم، ارزیابی منظم بعمل می‌آورند

- ✓ کدام مدارک و معلومات در زمینه توقیف و تحقیقات مربوط به جرایم جدی از رهگذر حدود و تعداد میسر است
- ✓ مؤثریت میکانیزم استخدام و ساختارهای مربوط به ارزیابی متقاضیان کار
- ✓ موجودیت و مؤثریت پروگرام‌های تعلیم و تربیه جهت انکشاف و رشد مسلکی
- ✓ اندازه آموزش‌های مورد نیاز جهت ارتقای ظرفیت برای مبارزه با جرایم جدی
- ✓ آیا سطح همکاری‌های اداری و لوژستیکی کافی است
- ✓ ظرفیت ادارات پولیس برای امور مربوط به تحقیق، انسجام و جمع‌آوری مدارک، بشمول مدارک علمی، و همچنان برای کشف و توقیف متهمین
- ✓ با در نظر داشت قانون قابل اجرای طرزالعملی، روابط و سطح همکاری و ارتباطات میان پولیس و خارتوالی، خواست و اراده پولیس جهت راجع ساختن جرایم و بازجویی‌های مربوط به خارتوالی و اجرای اقداماتی که از جانب خارتوالی مطالبه می‌گردد و همچنان خواست و اراده خارتوالی برای مشوره و کار با پولیس
- ✓ موجودیت و مؤثریت کدام گروه کاری یا واحد‌های خاص که وظیفه تحقیق جرایم جدی به آنها محول شده باشد
- ✓ آیا ظرفیت کنترل ازدحام و آشوب وجود دارد
- ✓ آیا کدام سیستم حسابدی پایدار و مؤثر پولیس که جهت به حداقل رسانیدن تخطی‌ها از حقوق بشر و فساد اداری، بشمول میکانیزم‌های دریافت و فیصله کردن شکایات در رابطه به سؤاستفاده از مقام یا تخطی از حقوق بشر طرح شده باشد، وجود دارد
- ✓ آیا کدام ارزیابی سیستماتیک تهدیدات مجاور و آسیب‌پذیری‌ها راه‌اندازی شده است
- ✓ آیا یک سیستم خدمات سرحدی مؤثر، بشمول واحد‌های مستقر در میدان‌های هوایی، بنادر دخیلی و بنادر دوطرفه وجود دارد
- ✓ عکس‌العمل مردم عامه و گروه‌های مختلف جامعه مدنی نسبت به اجراءات پولیس و خواست و اراده مردم جهت مراجعه به پولیس جهت جبران خسارت و التیام

ظرفیت نظام عدلی

ارزیابی سیستم قضایی بایست ظرفیت محاکم، (بشمول قضات و امور اداری مربوط محاکم)، موضوعات مربوط به خارتوالی و وکالت مدافع را در خصوص پیشبرد امور دوسیه‌های مربوط به جرایم جنایی ارزیابی و بایست کمبودها و خلا‌های موجود در ظرفیت را تشخیص دهد. در رابطه به محاکم، ارزیابی متذکره باید توجه خاصی را به مسئله استقلال قضایی مبذول نماید. ارزیابی مذکور بایست سطح آزادی بی‌ریا معین سازد که قضات باید در صدور احکام‌شان در رابطه به قضایای مربوط، مطابق قانون و بدون ترس از عکس‌المعمل‌های

سیستم‌های قضایی رسمی و غیر رسمی در افغانستان

حدود و اندازه‌بازسازی بعد از جنگ در افغانستان یک ارزیابی جامع نظام قضایی کشور را ایجاب می‌کند. در عین حال، ماده دوم موافقتنامه بن بازسازی نظام قضایی افغانستان را "مطابق به اصول اسلامی، معیارهای بین‌المللی، حاکمیت قانون و عنعنات حقوقی افغانی"، مطالبه می‌کند. جمعیت دوزنان بین‌المللی توجه و منابع اساسی را به نظام عدلی و قضایی رسمی کشور معطوف داشته و یک نظام قضایی غیر رسمی را که در روستاهای افغانستان سابقه بسیار دیرینه داشته و از عرف و عادات قبیله‌ای و قانون اسلامی یعنی احکام شریعت منشأ می‌گیرد، نادیده گرفته‌اند. در نتیجه، در مراحل نخست عملیات صلح، بسیاری دوزنان در زمینه توأم ساختن روابط مهم میان سیستم‌های قضایی رسمی و غیر رسمی افغانستان در سنجش‌های شان در زمینه طرح ستراتیژی و امور مربوط به تمویل، موفق نه شدند.

امینیت سکتور قضایی در کوسوو

شرایط و امنیت محاکم باید همیشه در ارزیابی های بعد از جنگ و ستیزه مورد توجه قرار داشته باشد. آنهایی که به سیستم قضایی خدمت میکنند، نباید با تهدید های خشونت فزینگی یا کدام صدمه و آسیب دیگری مواجه شوند. محاکم ناکام خواهد ماند اگر در جریان وظایف شان حقیقت را آشکار نه سازند و اگر شاهدان و پرسونل مربوط نتوانند بطور شایسته نقش های شانرا ایفا کنند. خصوصاً هنگام اتخاذ اقدامات قانونی حساس یا در مواردی که مورد توجه عامه باشد. در سال 2000 در میتروویسیا Mitrovica، کوسوو، نیرو های نظامی بین المللی (KFOR) مجبور شدند تا بیش از 5 بار تعمیری را که در آن قضاوت و خائولان ملی و بین المللی کار میکردند، تخلیه نمایند تا زمانی که تدابیر امنیتی مناسب اتخاذ و سدها و موانع

امنیتی جایجا شدند. در جریان محاکمه یک جرم جنگی در Prizren که مورد اختلاف شدید بود، اداره که به وسیله (UNMIK) هیأت نماینده گی ملل متحد در کوسوو پیش برده میشد، در این امر موفق نه شد تا بقدر کافی امنیت پرسونل را تأمین و محلات بود و باش شاهدان و وکلای مدافع را فراهم نموده و امنیت تعمیر های محاکم را تأمین کند. در حقیقت محکمه Prizren بعد از تقرر قضاوت متعدد UNMIK هیأت قضایی مربوط، از کار افتاد و تجهیزات آن به غارت برده شد. به همین ترتیب در منطقه Gjilan رئیس محکمه باید محبوسین را بدون موجودیت پولیس و با قبول خطر زیاد در موتر خود به مرکز توقیف گاه امریکایی که در آن نزدیکی ها در کمپ Camp Bondsteel مستقر بود انتقال میداد.

سیاسی و غیره برخوردار باشند. ارزیابی مورد نظر باید تهدیدات موجود در برابر قابلیت نظام قضایی را برای پیشبرد امور مربوط به جرایم جدی، بشمول ارباب، مداخله یا استفاده از اعمال خشن که به وسیله عناصر جنایت پیشه یا فعالین سیاسی در برابر فعالین سکتور قضایی و شاهدان اعمال میگردد، مورد ارزیابی قرار دهد.

ساحه دیگری که باید مورد توجه ارزیابی قرار گیرد، عبارت از کیفیت و مقدار تجهیزاتی است که به محاکم، خائولانی و وکلای مدافع جهت پیشبرد امور مربوط به قضایای جرایم جدی فراهم شده است. در بیشتر موارد محاکم و دفاتر مربوط بر علاوه تجهیزات بسیار پیچیده و عالی چون تلفون ها، ماشین های فوتوکاپی، به مواد ابتدایی چون؛ قلم و کاغذ نیازمند خواهند بود. ارزیابی مورد نظر باید همچنان این امر را مورد رسیده گی قرار دهد که ساختمان ها و دفاتری که در معرض استفاده سیستم عدلی و قضایی قرار دارد تا کدام حدود به اصلاح و نوسازی یا کار های عمرانی ضرورت دارند.

لست ارزیابی ظرفیت نظام قضایی

بر علاوه و تثبیت ساختار های بنیادی محاکم، خائولانی و بخش و کالت مدافع، ارزیابی مربوط ظرفیت نظام قضایی بایست در زمینه های آتی نیز بازجویی های را بعمل آورد:

- ✓ ساختار وزارت عدلیه، محاکم و خائولانی، تعداد پرسونلی که برای آنها کار میکند، آیا پرسونل مذکور بطور روز تمام کار میکند یا به کدام شکل دیگر، و وظایف غیر مرتبط به ساحه عدلی جنایی، تعداد وکلای مدافع جنایی، آیا آنها بطور روز تمام کار میکنند و چطور آنها نگه داشته میشوند و یا مقرر میشوند تا امور مربوط به قضایای خاص را پیش ببرند آیا کدام میکانیزم فراهم ساختن کمک های حقوقی وجود دارد
- ✓ تعداد محاکم فعال در قضا که به مسایل مربوط به جرایم جدی اختصاص یافته، با اسمای پرسونل محاکم، در صورت امکان

- ✓ نقش‌ها، روابط، سطح ارتباطات میان وزارت عدلیه، محاکم، خارنوالی و انجمن‌های وکالت مدافع
- ✓ چگونگی سطح سواد، تحصیلات، کورس‌های آموزشی و تجارب در میان قضات، خارنوالان و وکلای مدافع
- ✓ درجه استقلالیت و آزاد بودن محاکم و خارنوالی از ارباب، تهدیدها یا نفوذ نامناسب و یا کدام کنترل
- ✓ کی‌یا کدام نهاد بودجه و دارایی‌های محاکم و خارنوالی را کنترل میکند
- ✓ کی‌یا کدام نهاد پروگرام‌های آموزشی قبل از خدمت و داخل خدمت قضات و خارنوالان را کنترل میکند
- ✓ کی‌یا کدام نهاد تقرر قضات و خارنوالان را پیشنهاد یا منظور مینماید و چه رابطه میان مقام مقررکننده و قضات یا خارنوالان وجود دارد
- ✓ سیستم تقرر، نظم و ترتیب یا برطرفی قضات و خارنوالان و میکانیزم آن اگر وجود داشته باشد، با انجمن حقوق دانان یا وزارت عدلیه که امور مربوط به جواز و تنظیم مسایل مربوط به وکلای مدافع خصوصی را تنظیم میکند.
- ✓ آیا لویجی برای ضوابط عمل قضات و خارنوالان موجود است و آیا طرزالعمل‌ها، ادارات و پرسونلی موجود است که ادعا‌های مربوط به سؤ رفتار قضات و خارنوالان را تحقیق و بررسی نموده و آنها را مسؤل قلمداد کند
- ✓ موجودیت انجمن‌های مسلکی برای قضات، خارنوالان و وکلای مدافع و ظرفیت آنها برای تدریس و تشویق ضوابط اخلاقی
- ✓ آیا محاکم و وظایف شانرا بصورت مناسب و مؤثر انجام میدهند و آیا قابلیت طی مراحل و حل و فصل قضایای محوله را در مدت مناسب دارند
- ✓ آیا خارنوالی و وظایف خود را بصورت مناسب و مؤثر انجام میدهد و آیا توانایی تحقیق قضایای محوله را در مدت زمان مناسب دارد
- ✓ آیا تعصب یا رفتار نامناسب در برابر کدام گروه خاص یا گروه‌های دیگر اجتماعی وجود دارد، آیا تمام گروه‌ها به نظام عدلی جنایی دسترسی دارند و میخواهند از طریق آن داد خواهی کنند
- ✓ موجودیت یا ظرفیت واحد‌های با تجربه کار دقیق در ساحه، بازجویی یا تحقیقات خاص
- ✓ موجودیت یا ظرفیت تأسیس یک هیأت قضایی خاص جهت رسیده‌گی به دوسیه‌های مربوط به جرایم جدی
- ✓ موجودیت تدابیر امنیتی جهت حراست کافی از قضات، خارنوالان و وکلای مدافع که با امور مربوط به دوسیه‌های جرایم جدی سروکار دارند
- ✓ وضعیت و امنیت محاکم، بشمول ارزیابی‌هایی از شرایط عمومی ساختار یک محکمه و امنیت تعمیر و توانایی پرسونل محکمه مورد نظر جهت طی مراحل قضایی یک دوسیهء مربوط به جرایم جدی

ظرفیت سیستم محابس

سطح کفایت سیستم محابس جهت ایفای امور مربوط به طی مراحل دوسیه‌های محبوسین، جای بود و باش و تأمین امنیت آنها باید ارزیابی و بعد از آن باید در تمام طول مأموریت و وقتاً فوقتاً مکرراً مورد ارزیابی قرار گیرد. تعدادی از مسایل مربوط به جرایم جدی، مقتضی بذل توجه محتاطانه میباشد. بخصوص، آن‌عهه محبوسینی که با پولیس همکاری نموده و علیه شرکای جرمی شان شهادت داده‌اند، جهت جلوگیری از حملات انتقام جویانه علیه آنها، باید در جا‌های جداگانه نگهداری شوند. علاوه از این، نظر به احتمال خطرات امنیتی حین انتقال محبوسین از محبس به تعمیر محکمه، ممکن است داشتن تأسیسات مصؤن توقیف که پهلولی تعمیرات محاکمی قرار داشته باشد که امور مربوط به قضایای جرایم جدی را پیش میبرند. با در نظر داشت زمان طولانی

که پروژه های ساختمانی در بر میگیرند، یک ارزیابی قبلی و دقیق از نیازمندی های ساختمانی ضروری خواهد بود تا اطمینان حاصل گردد که تأسیسات مورد نظر آماده خواهد شد تا محبوسین در آن جایجا گردیده و با معیار های بین المللی حقوق بشر سازگار خواهد بود.

یک ارزیابی از سیستم محاسب، همانند ارزیابی نظام قضایی و ارزیابی سیستم پولیس باید شامل ارزیابی تجهیزات و تسهیلات مربوط باشد تا نیازمندی های ضروری به منابع را معین سازد.

لست ارزیابی ظرفیت سیستم محاسب

ارزیابی ظرفیت سیستم محاسب باید شامل ارزیابی ساحت ذیل باشد:

- ✓ تعداد و کیفیت افسران موجود محاسب و کارمندان اداری
- ✓ آیا محاسب از رهگذر پرسونل با کادر مسلکی که بطور مناسب مجهز و آموزش دیده باشد، تجهیز گردیده و همچنان میکانیزم های نظارت و حساب دهی وجود دارد
- ✓ آیا شرایط محبس مطالبات بنیادی معیار های حقوق بشر را برآورده میسازد
- ✓ آیا اقدامات امنیتی کافی بشمول تأسیسات برای توقیف یا حبس افراد گرفتار شده و محکوم شده به جرایم مربوط به جرایم جدی وجود دارد

ظرفیت و چالش های مربوط در خارج از سکتور عدلی جنایی

پرسونل و همچنان مؤسسات خارج از سکتور عدلی جنایی متوانند در زمینه تسریع مساعی مربوط به مبارزه علیه جرایم جدی کمک یا مانع آن شوند. متعاقباً ظرفیت آنها و هر چالشی که آنها به وجود می آورند همچنان باید موضوع ارزیابی باشد.

ارزیابی مورد نظر بدون تردید باید که چهار چوب مقررات کشور، بشمول سیستم بازرسی، جمع آوری مالیات و سیستم اجرا، مقررات بانکی و سیستم ثبت و راجستر اسلحه را مورد ارزیابی قرار دهد. ارزیابی ماهیت مشکل جرایم جدی میتواند به مسئله بهره برداری سؤ و سیستماتیک از خلا ها و راه های گریز در چهار چوب مقرراتی بخوبی اشاره نماید. طور مثال، مقررات بانکی سست و متزلزل میتواند تسهیلاتی را برای تطهیر پول های سیاه فراهم سازد، قاچاق ممکن است بنا بر خدمات گمرکی ضعیف یا ملوس به فساد اداری، سهل و آسان گردد، طفره رفتن از مالیات ممکن است بنا بر مقررات غیر قابل تطبیق مالیات به یک امر عادی و روزمره مبدل گردد. فقدان کنترل بر مصرف و سرمایه گذاری و جوه عامه میتواند از حساب داری دولت به جیب رهبران ملوس با فساد اداری سرازیر شده یا شبکه های جنایی مالی را تمویل کند. به همین ترتیب در صورت عدم موجودیت یک سیستم ثبت و راجستر اسلحه، تکثیر اسلحه دشوار خواهد بود که ارزیابی و کنترل گردد.

کمسیون ضد فساد اداری سیرالیون

در سال‌های اخیر، یکی از روش‌های بسیار معمول در زمینه مبارزه علیه فساد اداری، تأسیس یا تقویت کمسیون‌های مربوط به مبارزه علیه فساد اداری بوده است. بطور مثال، در سیرالیون، یک کشور دونه، بالای حکومت سیرالیون فشار قابل ملاحظه را وارد نمود تا کمسیون ضد فساد اداری را به عنوان پیش شرط کمک‌های خارجی تأسیس نماید. در حقیقت اگر چه کمسیون مذکور از رهگذر اجرات خود بسیار محدود شده بود. زیرا این کمسیون تعداد اندکی مستنطق داشت که فاقد ظرفیت تحقیق بودند و از آنرو اکثر بالای افراد سیستم نامجهز پولیس سابقه اتکاء میکردند تا در زمینه بازرجویی‌ها و تحقیق آنها را کمک کنند. سطح اجرات کمسیون مذکور و سطح حساب‌دهی آن صرف زمانی بهبود یافت که دونران روی یک پروگرام اصلاحات مصارف عامه که اجرات ادارات را تعقیب و آنها را از طریق کمیته‌های نظارت بودجه مورد موشگافی قرار میداد، تأکید نمودند.

مربوط به این چالش‌ها بشمول مبارزه علیه فساد اداری را عرضه میکند.

نیت و اراده سیاسی مقامات

یک ارزیابی باید اندازه فساد اداری و نیت و اراده مقامات دولتی را جهت بازرجویی و تحقیق فعالیت‌های غیرقانونی که بنابر هدایت نیروهای مفسد سیاسی ارتکاب می‌یابند، ارزیابی نماید. این ارزیابی باید آن اندازه را که مقامات در فعالیت‌های مربوط به جرایم جدی فعالانه سهیم یا از طریق رشوه یا طرق دیگر مستفید میشوند بر ملا سازد. ارزیابی مذکور همچنان باید آن درجه را مورد توجه قرار دهد که مقامات کشور میزبان از مساعدت‌های بین‌المللی می‌پذیرند. تجارب گذشته نشان داده است که موفقیت پروگرام‌هایی که هدف آن مبارزه علیه جرایم جدی میباشد میتواند به این امر بستگی داشته باشد که کشور میزبان تا چه اندازه از کمک خارجی استقبال نموده و از نزدیک با فراهم‌کننده گان کمک‌های در زمینه طرح و اجرای پروگرام‌ها کار میکنند. این ارزیابی میتواند بطور اخص، در تعیین سطوح مناسب کمک‌های بین‌المللی مهم تلقی گردد (فصل ششم ملاحظه گردد).

عکس‌العمل‌ها و توقعات مردم عامه

ارزیابی مذکور باید وضعیت و عکس‌العمل مردم عامه و همچنان توقعات آنها را از سیستم عدالی جنایی، فعالین آن و مشکلات ناشی از جرایم جدی، که در جامعه بعد از جنگ و ستیزه مستولی می‌باشند، بیان نماید. اعضای جامعه منابع مهم معلومات در باره آن مشکلات و همچنان راه حل‌های احتمالی آنها، محسوب میگردند. اگر چه بعضی بخش‌های مردم عامه میتوانند مساعی جهت مبارزه علیه جرایم جدی را ممانعت نمایند.

مثال‌های زیادی از این قبیل ارایه شده میتواند. بخش (مطالعات مزید و منابع) در اخیر این کتاب مأخذ‌هایی را ارایه میکند که در زمینه تشخیص ساحات قابل بررسی و ارزیابی کمک مینماید این مأخذ شامل شورای اروپا (CoE) سازمان همکاری‌های اقتصادی و انکشاف (OECD)، شفافیت بین‌المللی، دفتر سازمان ملل متحد جهت مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم (UNODC) و بانک جهانی، میباشد. تمام این سازمان‌ها دارای صفحات اینترنتی اند که منابع غنی بشمول کسب‌رهنما، بسته‌های ابزار و رهنمودهای منابع درباره عناوین

با در نظر داشت این که یک پروگرام مؤثر مبارزه علیه جرایم جدی بالای کمک مردم عامه تکیه میکند، این امر حایز اهمیت شمرده میشود تا ارزیابی گردد که اعضای جامعه به مشکل جرایم جدی به کدام دیده مینگردند، آنها به پرداختن و رسیده گی به جرایم جدی کدام سطح الویت را قایل اند، نیت و اراده آنها در زمینه کمک به تنفیذ قانون و سطح متابعت آنها در مقابل یا پذیرفتن فعالیت های جنایی (از طرق ارتباطات قومی، قبیله ای یا خانواده گی) چگونه است. با پرسیدن سوال های چون (قانون به شما چی مفهوم دارد؟) و (وقتی شما در وضعیت قربانی یک جرم قرار داشته باشید یا نیاز به حراست خود یا خانواده خود داشته باشید به کی مراجعه میکنید؟)، میتواند معلومات با ارزشی بدست آید. مردم عامه اکثراً آن عوامل کلتوری یا اجتماعی را تشخیص داده میتوانند که میتواند مشکل جرایم جدی را تقویت نموده یا ممکن است چالش های را در برابر اجرای مؤثر یک ستراتیژی مربوط به جرایم جدی ایجاد کند. تمام یا قسمتی از بخش های یک جامعه بعد از جنگ و ستیزه میتواند سؤظن های عمیق یا عدم اعتماد به پولیس، یا عدم اعتماد به مجموع سیستم عدلی و قضایی را عمیق تر نماید زیرا، آنهايي که در قدرت اند ممکن است این موسسات را بحیث و سایل اعمال ظلم و تعدی بکار برند.

ارزیابی مذکور همچنان باید این مسله را ارزیابی نماید که آیا ضرورت تشکیل یک نوع اداره یا دفتر معلومات عامه در بین هر سکتور مختلف جنایی عدلی بشمول پولیس، محاکم، خارانالی و محاسب لازم است یا نه. در صورتیکه معیار های برای تنظیم امور مربوط به آموزش و نشرات، وجود داشته باشد، ارزیابی مذکور باید این معیار ها را تشبیت و همچنان معلوم نماید که این معیار ها جهت آگاه نگهداشتن عامه مردم از فعالیت های جنایی عدلی کافی است یا نه و در عین حال از نگرانی های مربوط به محرمیت و سری بودن تحقیقات جنایی حراست می کند یا نه (فصل پنجم مسایل مربوط به آگاهی عامه را به تفصیل مورد بحث قرار میدهد).

راه اندازی یک ارزیابی

کی باید ارزیابی مورد نظر را انجام دهد؟

تشکیل یک گروه ارزیابی اکثراً به هدف ارزیابی مربوط می گردد و به وسیله اداره رهبری می گردد که آتراه اندازی می کند. اگر بصورت عمومی در مورد بحث نمایم، از همه بهتر این است تا یک تیم یا گروه از مردم مختلف داشته باشیم تا آنها دورنما ها و نظریات مختلف و متنوع را به هدف مورد نظر ارایه نمایند. هر عضو گروه ارزیابی باید با مسایل مربوط برخورد عینی نموده و به پروسه مورد نظر باید با یک فکر باز، عاری از نظریات تلقین شده در مورد اینکه چطور با جرایم جدی در جامعه بعد از جنگ و ستیزه برخورد گردد بنگرد. این طرز برخورد برای هیچ عضو گروه ارزیابی مفید نخواهد بود که فکر کند روش های او، یا روش های اداره یا کشور او بهتر از روش های دیگران است.

یک تیم خوب باید از اعضای تشکیل گردیده باشد که آنها بطور جمعی دارای مهارت ها یا تجاربی در زمینه های آتی باشند:

- تجربه قابل ملاحظه زندگی در یک محیط بعد از جنگ و ستیزه و کار در پروگرام های مربوط به جرایم جدی
- تخصص در عرصه های انتروپولوژی، تاریخ یا جامعه شناسی و آشنایی با جامعه بعد از جنگ و ستیزه
- آشنایی با سیستم قانونی بعد از جنگ و ستیزه

- آشنایی با سیستم های مربوط حقوقی
- آشنایی با معیارها و نورم های بین المللی

کمال مطلوب آن است که تیم مورد نظر شامل ماهرین مربوط به هر عرصه ذیدخل در سیستم حقوقی (یک قاضی، یک خرنوال، یک افسر پولیس، وکیل مدافع، یک کارمند سیستم محبس و غیره) ، با تجارب در زمینه رسیده گی به قضایای مربوط به جرایم جدی، باشد.

اندازه و بزرگی گروه ارزیابی معمولاً به عواملی چون منابع، میسر بودن پرسونل و وضعیت موجود بستگی خواهد داشت. کدام قاعده طلایی درباره اندازه و بزرگی گروه مذکور وجود ندارد اما انسجام و هماهنگی میان همه اعضای گروه یک امر ضروری شمرده میشود.

در صورتیکه فعالین بین المللی ارزیابی مذکور را راه اندازی کنند تیم ارزیابی باید شامل پرسونلی از جامعه بعد از جنگ و ستیزه باشد. خارجی ها ندرتاً میتوانند که مسایل موجود را بطور کامل و دقیق مشاهده و درک نمایند. علاوه بر این لازم است تا فعالین خارجی جهت لست معلومات مفصل و مفید، اعتبار شان را ثابت سازند زیرا کسب معلومات یک پروسه است که ممکن است مقتضی بازدید های مکرر از محیط بعد از جنگ و ستیزه باشد. داشتن یک عضو در تیم که او قبلاً این اعتبار را در جامعه کسب نموده باشد میتواند در زمینه باز نمودن راه برای کسب معلومات بیشتر کمک نماید. تصمیم در مورد اینکه چه کسی برای این منظور انتخاب گردد یک موضوع سهل و مستقیم نیست. تیم ها باید در این زمینه تصمیم بگیرند که چطور پرسونل محلی را انتخاب و چطور اطمینان حاصل کنند که آنها تحت نفوذ اشخاص ذیدخل در جرایم جدی نبوده و با آنها پیوند ندارند. تشخیص یک کسی که او میتواند یک تصویری بیغرضانه را از یک جامعه که بوسیله تقسیم بندی های قومی، سیاسی و غیره تقسیم گردیده فراهم نماید همچنان میتواند مشکل آفرین ثابت

گردد.

مشورت های ضعیف محلی، کار اجرای مؤثر را کند و بطی میسازد

نارسایی در زمینه مشورت با پرسونل داخلی در یک جامعه بعد از جنگ و ستیزه اکثراً میتواند مانع اجرای مؤثر سیستم هایی شود که جهت مبارزه با جرایم جدی طرح گردیده اند. بطور مثال در عراق شبکه عکس العمل سریع AFRN که در ماه جنوری سال 2006 تشکیل گردید، یک سیستم مصونیت ارتباطات و مخابرات ملی عامه است که پولیس عراق، دفاع ملکی و پرسونل طبی عاجل را قادر میسازد تا از طریق رادیو، صدای مصون و تبادل مدارک و معلومات و ارتباطات شان را بطور مؤثر تأمین کنند. آنانی که در ساحه کار میکنند، ادعا کرده اند که AFRN دارای یک تعداد آسیب پذیری های میباشند و این آسیب پذیری ها بوسیله شورشیانی که میخواهند کشور را به چنگ آورند، تشدید شده است. خاصتاً، آنها ادعا میکنند که سیستم مذکور از یک مدل غربی که با جامعه عراقی قابل مقایسه نیست نمایندگی میکند. این مشکل با این واقعیت که عراقی ها در پروسه پلان گذاری و تدارکات برای بکارگیری این سیستم شامل نبودند. بلاخره وقتی عراقیان شامل پروسه شدند آنها باید یک مقدار قابل ملاحظه مواد تخنیکی، آموزشی و عملیاتی را در یک دوره کوتاه زمانی اموخته و هضم میکردند.

در یک جامعه بعد از جنگ و ستیزه، مقامات داخلی کشور بعضاً بوسیله فعالین بین المللی هنگام راه اندازی ارزیابی یا تحقیقات بیش از حد مصروف میسازند. دفاتر این مقامات برای مردمی که سوالات را مطرح میکنند به دروازه های مراجعین مبدل میگرددند. فعالین بین المللی باید وقت هر کارمند داخلی را محترم شمرده کارخانگی خود را قبل از موصلت انجام دهند. تا حد امکان آنها باید یکجا باهم کار نموده و ارزیابی های خود را شریک ساخته، ارزیابی ها مشترک را براه انداخته و معلومات غیر حساس را شریک سازند.

تیم های ارزیابی دریافته اند که بعضی از کارمندان در صورتیکه

بوسیله یک همکار مسلکی از جمله اعضای گروه (بطور مثال یک افسر پولیس همکار) مورد مصاحبه قرار گیرد احتمال آن وجود دارد که زیاد تر نزدیک شود و معلومات بیشتر ارایه نماید. اگر یک ارزیابی با یک گروهی از کارمندان یک وزارت کشور بعد از جنگ و ستیزه صورت گیرد هر عضو از این گروه ممکن از سهم گیری در مباحثه احساس راحت نکند. در این گونه شرایط بهتر این خواهد بود تا جلسات دو به دو با هر

اعزام اشخاص ناشایسته اعتبار و باور را به تحلیل میبرند

یکی از مقامات سکتور عدلی و قضایی افغانستان انتقاد نمود که محققین پوهنتون به وسیله یک سازمان منطقی اعزام گردیده بودند تا یک ارزیابی بی در افغانستان بعمل آورند. آنها بدون کدام درک و معلوماتی در باره سیستم عدلی و قضایی به اینجا مواصلت ورزیده و باعث ضیاع وقت کارمندان شدند. آنها کار خود را رها کرده و سعی میکردند، مهمانان را درس دهند. ضرور نیست گفته شود، این تیم ارزیابی آن اعتبار را از دست داد که برای بدست آوردن معلومات مؤثقی و مفید لازمی میباشد.

شخص بطور انفرادی، تنظیم گردد.

آیا ارزیابی باید به وسیله یک نهاد مستقل که به نتایج آن کدام وابستگی نداشته باشد، صورت گیرد؟ بعضی کارشناسان استدلال میکنند که با اعزام کسی برای انجام ارزیابی که شاید از نتیجه آن نفع ببرد، (مثلاً کسی که در مقابل پیشنهاد پروگرامها پول به دست میآورد) ارزیابی می تواند منحرف گردد. عده دیگری استدلال میکنند که اکثر آن عده مردم قابلیت انجام یک ارزیابی را دارند، که جزء ادارات باشند که بنا بر ماهیت متفاوت شان از ارزیابی نفع می برند و از آنرو، این امر غیر واقعی و غیر مفید خواهد بود که آنها را مستثنأ ساخت. علاوه از این بعضی ادارات می خواهند که ارزیابی به وسیله کارمندان خود شان صورت گیرد تا بدین ترتیب معلومات در داخل اداره بماند

به هر ترتیب در زمینه جواب به این پرسش هر موقفی که اتخاذ گردد، این امر از اهمیت زیاد برخوردار است تا اطمینان حاصل شود که اعضای تیم ارزیابی با مسایل مربوط، به طور عینی برخورد نموده، و هرگونه خود غرضی یا تصورهای قبلاً تشبیت شده را هنگام انجام ارزیابی به کنار می گذارند.

روش یا میتودلوژی ارزیابی

روش انجام یک ارزیابی با در نظر داشت وضعیت موجود متفاوت است. با اینهم در همه موارد، انجام ارزیابی، راه اندازی یک سلسله مصاحبه های انفرادی و انجام مطالعات و تحقیقات قابل ملاحظه را ایجاب خواهد نمود. این امر که قبل از مواصلت به یک کشور جهت انجام یک ارزیابی باید تا حد ممکن مطالعات و تحقیقات لازم بعمل آید، حایز اهمیت زیاد میباشد. این فعالیت ممکن است شامل، تحقیقات در انترنیت، بدست آوردن گزارش های کشور و ارزیابی های مربوط به مشکل داخلی جرایم جدی که به وسیله حکومت، سازمان های بین المللی و سازمان های غیر دولتی ترتیب میگرددند و همچنان تماس های تلفونی یا پیام های الکترونیکی با فعالین آگاه، میگردد. معلومات بسیار مفید میتواند از ملاقات با کارمندان سازمان های غیر دولتی و سایرین که قبل از شروع جنگ و ستیزه در آن کشور کار میکردند، بدست آید.

جوامع بعد از جنگ و ستیزه همواره به فقدان مدارک و معلومات مؤثقی و با اعتبار در سطح کشور مواجهه میکنند. این امر تأمین معلومات دقیق در باره گروه های جنایتکار را دشوار میسازد. دسترسی به معلومات موجود همواره آسان نیست، خصوصاً وقتی مواد جهت مقاصد امنیتی دسته بندی میشوند. بر علاوه، خشونت طولانی ممکن موانع ایجاد کند و از آنرو یک تیم

تصدیق مدارک و معلوماتی که به وسیله مقامات ارایه میگردد

در یک محیط بعد از جنگ و ستیزه، در یک وزارت، یک کارمند به یک عضو یک تیم ارزیابی گفت که کمتر از 350 قاضی در کشور وجود ندارد. هدف کارمند مذکور آن بود تا یک بودجه هنگفتی را از یک دونر بین المللی بدست آورد. موصوف طی یک لست اسامی قضات را نیز ترتیب نمود. تیم ارزیابی می دانست که این امر عملی نیست تا به هر محکمه سفر نموده و تعداد قضات ارایه شده را تصدیق نمود. از آنرو اعضای تیم ارزیابی عوض سفر به سراسر کشور به یک وزارت دیگر رفتند و راجع به تعداد کارت های توزیع شده جیره یا راشن به قضات پرسیدند، (بدون کارت مذکور به قاضی معاش داده نمی شود، از آنرو کارت مذکور برای معلوم نمودن تعداد واقعی قضات یک معیار مناسب و قابل اعتبار بود) در نتیجه معلوم گردید که تعداد کارت های توزیع شده بطور قابل ملاحظه از 350 پایین تر بود.

های ارزیابی پایتخت کشور را ترک گفته و به مراکز ولایات سفر نموده و مناطق و ساحات قومی مختلف را مورد مطالعه و تحقیق قرار دهند. بسیاری جوامع بعد از جنگ و ستیزه حاوی مناطق دارای تنوع کلتوری، مذهبی و قومی میباشند و از آنرو ایجاب یک ارزیابی سراسری کشور را مینماید. یکی از ظایف گروه ارزیابی این است که تا اندازه که ممکن است معلومات و مدارک را بشمول کاپی های لوایح و قوانین موجود در کشور را جمع آوری کند.

ارزیابی ممکن به تمام نقاط کشور دسترسی نه داشته باشد و یا شاید تدابیر امنیتی را هنگام سفر ایجاب کند. مشکل دیگر میتواند در رابطه به بی میلی اشخاص انفرادی باشد که بنا بر ترس از انتقام جویی، حاضر نمی شوند در رابطه به مشکل جرایم جدی صحبت کند. در چنین وضعیتی تیم ارزیابی باید پرسش نامه های را که باید خانه پری و بدون ذکر نام دوباره سپرده شود، ترتیب و معلومات مورد نظر را بدست آورند. مسلماً این معلومات بدست آمده، تا اندازه که ممکن باشد باید از طرف منابع دیگر تصدیق شوند. این امر حایز اهمیت شمرده میشود که تیم

تنظیم امور مربوط به گزارش های ارزیابی

گزارش های ارزیابی نظر به شرایط میتواند به طرق مختلف تنظیم و ارایه گردد. یک گزارش درباره نیپال حاوی عناوین ذیل میباشد:

- سروی سیستم بازجویی و تحقیق
- سروی حقی که از آن باید بوسیله ماهرین حقوق دفاع گردد
- سروی سیستم خرنوالی
- سروی سیستم قضا
- سروی سیستم محاسب
- سابقه عمومی کشور
- تاریخچه مختصر سیستم عدلی جنایی و چهار چوب حقوقی
- مرور مختصر بر مسئله طی مراحل قضایی دوسیه های جنایی
- سروی چهار چوب حقوقی
- خلاها و ضعف ها در سیستم عدلی جنایی
- تعهد سیاسی دولت مبنی بر ریفرم سیستم عدلی جنایی
- توصیه ها جهت بهبود کار سیستم عدلی جنایی
- حدود صلاحیت سیستم رشته قانون، سیستم خرنوالی، سیستم قضایی و سیستم محاسب جهت پرداختن به مشکلات یا نیازمندی های موجود

دسترسی به ارزیابی هایی که به وسیله نیروهای نظامی بین المللی صورت گرفته

در ماه های اول عملیات صلح براه انداخت. خانم موصوف نتایج سروی مذکور را با پرسونل سازمان های غیر دولتی ملکی بین المللی و همچنان با یک اداره دولتی که یک ارزیابی را جهت کمک به نیازمندی های پروگرامی در سکتور قضایی براه می انداخت شریک ساخت. یک مشاور حقوقی نظامی نیز یک ارزیابی سیستم جنایی عدلی را براه انداخته بود و طی آن آموخته بود که قضات، خانونالان و حقوق دانان کاپی های قوانین و لوائح مرعی الاجرا را نداشتند و از آنرو پیشنهاد نمود که دوتران بین المللی با مقامات افغانی در زمینه جمع آوری چند کاپی قوانین که در جریان جنگ و ستیزه از بین نه رفته بود، همکاری کنند. این پیشنهاد به جمع آوری، تألیف و کاپی کردن قوانین منجر شده که بعداً به سکتور های مختلف نظام قضایی افغانستان توزیع گردید.

آیا در چهار چوب بخشی از یک عملیات ملل متحد، ناتو یا ائتلاف؛ نیروهای نظامی بین المللی میتوانند ارزیابی سیستم عدلی جنایی و مشکل جرایم جدی را که هر دوی آنها تا حدود زیادی به وظیفه تعیین صلح و امنیت ارتباط دارند، در اولیت های خود قرار دهند. بطور مثال یک مشاور حقوقی نظامی نیروی اجرای ناتو در بوسنیا به تمام مشاورین حقوقی تحت اثر خود هدایت داد تا یک ارزیابی سکتوری سیستم قضایی را در چند ماه نخست مأموریت شان انجام دهند. از آنرو تیم ارزیابی میتواند از طریق ملاقات با اعضای اردو و مطالعه ارزیابی های که ممکن قبلاً آنها انجام داده باشند چیزهای زیادی را بیاموزند.

در افغانستان، یک افسر پولیس نظامی که بعنوان یک آفیسر امور ملکی با نیروهای بین المللی کمک به امنیت (ISAF) کار میکند. یک سرویی از نظام قضایی را در سکتوری که موصوف کار میکند،

اشخاص انفرادی یا گروه های با آجندا های که الزاماً به هدف رسیده گی مؤثر به جرایم جدی مطابقت ندارد، باید به آنها اجازه داده نشوند تا در ارزیابی مورد نظر اعمال نفوذ نمایند. از آنرو این امر مهم خواهد بود تا از طریق معلومات، منابع مشروع و با اعتبار را تفکیک و پیدا نمود. تطبیق معلومات با منابع مختلف از اهمیت خاصی برخوردار میباشد.

فعالیت های عملی نشان داده است که این امر مفید است تا نوشتن گزارش یک ارزیابی به یک یا دو نفر سپرده شود. این افراد معلومات و مدارک را از سایر اعضای تیم جمع آوری و مسوده یک گزارش را ترتیب مینمایند. سایر اعضاء معلومات و مدارک و همچنان بازبینی ها را تا زمانی فراهم میسازند که گزارش نهایی شده و تمام اعضای تیم آنرا تأیید کنند.

دقیقاً اینکه چه کسی مقتضیات شمولیت تیم مورد نظر را برآورده ساخته میتواند، مربوط به آن خواهد بود که چه کسانی ارزیابی را انجام میدهند، موقف آنها و سطح آگاهی آنها از جامعه بعد از جنگ و ستیزه چگونه است. در بسیاری موارد تیم ارزیابی خواهد خواست تا با بعضی یا تمام از این اشخاص انفرادی و مؤسسات حین مراحل ابتدایی مساعی برای تحقیقات و یا هنگام انجام ارزیابی در روستاها و محلات تماس حاصل نماید:

- پولیس/ وزارت داخله
- مکاتب آموزشی پولیس
- کامندان گمرکات و سرحدات
- مرجع ارتباطی انترپول (سیستم بین المللی پولیس)
- وزارت عدلیه

- قضات و پرسونل محاکم
- خارنوالان / لوی خارنوالی
- وکلای مدافع
- انجمن های حقوق دانان، قضات و خارنوالان
- پوهنخی های حقوق
- مراکز آموزشی قضایی
- مامورین محابس
- نهاد های قانون گذاری
- مقامات وزارت مالیه
- واحد های استخبارات ملکی و نظامی
- کمسیون های حقوق بشر
- رسیده گی به شکایات پولیس یا نهاد های نظارتی
- افراد کلیدی در جامعه مدنی
- اتباع ساکن، مهاجرین و تبعید شده گان یعنی آنهاییکه فرار نموده و در کشور دیگری زندگی میکنند
- پرسونل نظامی عملیات صلح، هر دو یعنی موجود و سابقه
- سازمان های بشر دوستانه، گروه های مدافع حقوق بشر (هر دو یعنی ملی و بین المللی) و سایر سازمان های غیر دولتی
- ماهرینی که در وظایف دیپلوماتیک کار میکنند (کشور های مختلف شاید از وضعیت جرایم جدی کشورهای بعد از جنگ و ستیزه تعبیر های مختلف داشته باشند.)
- نهاد ها و سازمان ها در کشورهای همجوار که معلومات و مدارک راجع به جرایم مربوط به وضعیت بعد از جنگ و ستیزه را دارند.

زمان انجام ارزیابی مثل میتودولوژی آن مربوط به شرایط خواهد بود. مطلوب آن است که یک ارزیابی زمانی صورت گیرد که روشن گردد، دولت مورد نظر میتواند به یک محلی برای یک عملیات صلح بعد از جنگ و ستیزه یا سایر کمک های بین المللی مبدل گردد. ارزیابی باید قبل از عقد یک توافقنامه صلح یا اشاعه یک مأموریت عملیات صلح، صورت گیرد. ارزیابی مذکور میتواند هنگامی آغاز گردد که مذاکرات صلح یا مباحثات روی مأموریت عملیات جریان داشته باشد. ارزیابی های مزید باید بعداً و قتا فوقتاً صورت گیرد تا زمینه های اصلاح و تعدیل را فراهم سازد. این امر بعضاً مفید است که اولاً یک ارزیابی عمومی از وضعیت عمومی بعمل آمده و بعداً با یک ارزیابی عمیق دنبال گردد. در هر صورت هیچ کس نباید زمان مورد نیاز جهت یک ارزیابی مناسب را کم بها دهد. تیم های ارزیابی بعضاً بیشتر از یک هفته را در یک کشور سپری نمیکنند، که جهت ارزیابی تمام یک سیستم قضایی یک زمان بسیار کوتاه میباشد. راه اندازی تحقیقات، و مصاحبه ها و طرح یک گزارش مکمل ارزیابی با تحلیل ها و پیشنهادات یک زمان را در بر میگیرد. طور مثال یک تیم که رهبری آن بدوش یک کارشناسی بود که در کشور مورد نظر چهار سال تجربه کاری داشت، سه هفته را در برگرفت تا یک ارزیابی از وضعیت جرایم جدی در بوسنیا بعمل آید. ۵۴

گذار از ارزیابی به ستراتیژی

وقتی یک ارزیابی صورت گرفت، یک ستراتیژی جهت مبارزه با جرایم جدی یکجا با میکانیزم ها جهت اندازه گیری پیشرفت ها در جریان اجرای ستراتیژی، باید طرح گردد. مسلماً، هر ستراتیژی باید بمنظور آن طرح گردد تا به وضعیت منحصر به فرد موجود بپردازد. با وجود این بسیاری از نگرانی های مشابه شامل برآورد های مربوط به ستراتیژی های ذیدخل در هر عملیات خواهد شد.

لست پرسش های ذیل به وسیله یک نیروی بین المللی نظامی حین طرح یک ستراتیژی برای کار کردن با پرسونل ملکی جهت مبارزه با جرایم جدی در بخشی از یوگوسلاویای سابق طرح شده است:



هشت سوال اساسی که باید حین طرح یک ستراتیژی مبارزه علیه جرایم جدی و یک میتود اندازه گیری پیشرفت در نظر گرفته شود:

1. کدام مؤسسات سکتور جنایی عدلی موجود است و ظرفیت آنها چیست؟
2. حدود صلاحیت عملیات تأمین صلح چه خواهد بود و من چه صلاحیت خواهیم داشت؟
برای جواب این سوالات، نکات زیرین باید مورد غور قرار گیرد:
 - ماهیت اختیارات یا حدود صلاحیت
 - موجودیت یک حضور چند ملیتی
 - آیا اشخاص ملکی یا نظامی مسلط اند
 - آیا پرسونل بین المللی صلاحیت اجرایی دارند
 - موجودیت قوانین قابل اجرای ذیدخل بودن
 - موجودیت حمایت مردم کشور میزبان
3. چه چیز های من میخواهم و به چه چیز هایی نیاز دارم تا آنها را بدست آورم؟
نمونه جوابات میتواند شامل اینها باشد:
 - سازمان دهی، آموزش، تجهیز، تدریس پرسونل سکتور جنایی عدلی در سراسر کشور
 - ایجاد قابلیت، تمدید پایداری و ظرفیت تشکیلاتی در سراسر سکتور عدلی
 - مقابله با هر گروه یا فعالیت جنایی که از رهگذر اثر آن بالای امنیت و ثبات محیط بعد از جنگ ستیزه از اولویت برخوردار باشد
4. کجا میتوانم هر عمل را به بهترین وجه انجام دهم و اثرات بعدی آن برای حاکمیت قانون چه خواهد بود؟
جهت پاسخ به این پرسش ممکن ضروری باشد که ارزیابی شود
 - میکانیزم های هماهنگی حکومتی، ملکی و نظامی
 - هماهنگی در بخش استخبارات و تبدیل معلومات استخباراتی و شواهد و مدارکی که در محکمه قابل پذیرش باشد
 - خلا های موجود در قانون جرایم جنایی و طرز العمل ها
 - پیوند های ملیشیا با جرایم سازمان یافته

- امنیت سرحدی
- فعالیت جنایی انتقالی

5. به کدام منابع ضرورت داریم تا هر اقدام یا عمل را انجام دهیم؟
تعیین این امر شامل بررسی و ارزیابی نکات ذیل خواهد بود:

- آیا حضور نظامی بین المللی دستور رسمی مبارزه با جرایم جدی را دارند
- موجودیت میکانیزم های تمویل و تخصیص بودجه برای مبارزه علیه جرایم جدی
- آیا حمایت مردم کشور های دهنر وجود دارد
- مصارف واقعی و نیازمندی های پرسونل برای پلان مورد نظر (مثلاً اندازه و مصارف سازماندهی، آموزش، تجهیز و تدریس)

6. چه وقت و کجا اقدامات در رابطه به یک دیگر صورت میگردند؟
جواب به این پرسش شامل نکات ذیل میگردد:

- وضع نمودن اولویت های روشن
- رسیده گی به جدول زمانی و اقدامات مربوط به وسیله سایر فعالین ذیدخل در سکتور اصلاحات قضایی
- رسیده گی به جدول زمانی برای اقدامات مربوط به مبارزه علیه جرایم جدی، در رابطه به سایر اقدامات عملیاتی، چون اقداماتی که بخشی از یک ستراتیژی انکشاف اقتصادی و بهبود اداره باشد

7. به کدام اقدامات در زمینه تأمین مؤثریت ضرورت داریم؟
پروژه اندازه گیری مؤثریت شامل نکات آتی خواهد بود

- راه اندازی تحلیل های عملیاتی (مثلاً یک تحلیل از پروژه به امور سازماندهی، تجهیز و آموزش پولیس)
- جمع آوری مدارک و معلومات مربوط به پروژه و تصمیم در مورد اینکه چه چیز های به اندازه گیری مؤثریت ارتباط میگیرند
- وضع نمودن ضوابطی که کیفیت را بیشتر از کمیت اندازه کند
- وضع نمودن یک جدول زمانی اندازه گیری (مثلاً نشان دادن اهداف فوری، کوتاه مدت، متوسط المدت و طویل المدت و دوره اجرای آنها)

8. مناسب ترین ساختار تشکیلاتی مورد نیاز برای اجرای پلان کدام است؟
پرداختن به این سوال شامل نکات آتی میگردد

- طرح یک ساختار مناسب جهت اجرای مؤثر پلان
- تصمیم در مورد اینکه کی مسؤلیت انجام کدام وظایف را دارد
- وضع نمودن واضح حدود صلاحیت ها و مسؤلیت ها و فاصله مناسب برای کنترل
- سپردن مسؤلیت ها به پرسونل دارای تجارب مناسب و با استعداد

فصل سوم

اصلاحات در چهارچوب حقوقی

اهداف این فصل عبارت اند از:

- بحث در مورد اینکه منظور از اصطلاح "چهار چوب حقوقی" در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه چیست
- غور روی رابطه چهار چوب حقوقی با تحقیقات و پیگرد قانونی جرایم جدی
- بحث عمومی روی این موضوع که جهت انجام تحقیقات و پیگرد قانونی مؤثر جرایم جدی، چهار چوب حقوقی ایجاب چه نوع تعدیلات را میکند
- رؤس یک تعداد تدابیر طرزالعملی که بخصوص جهت مقابله با جرایم جدی با ارزش تلقی میگردد، برعلاوه بحث روی مفهوم اصطلاحاتی چون: حقوقی، عملی، تشکیلاتی و منابع برای یک کشوری بعد از جنگ و ستیزه که میخواهد چنین تدابیری را در معرض اجرا قرار دهد.

چهارچوب حقوقی در کشورهای بعد از جنگ و ستیزه

اهمیت درک چهارچوب حقوقی

چهارچوب حقوقی با بیان اینکه چه چیزهای سلوک جرمی را معین میسازد، با تجویز طرز العمل ها برای تحقیق، پیگرد قانونی و محاکمه جرایم جنایی و همچنان با بیان نمودن صلاحیت های پولیس، خرنوالان و قضات و محدودیت ها بالای مقامات دولتی و با تجویز محاکمه عادلانه و حقوق مقتضی مظنون و متهم در پروسه طی مراحل دوسیه، ستون فقرات سیستم عدالت جنایی را تشکیل میدهد. جهت درک چگونگی چهارچوب حقوقی در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه دانستن این موضوع لازم است که کشور مورد نظر تا چه اندازه خوب یا خراب مجهز است تا با جرایم جدی مبارزه نماید؟ آیا جرایمی جدی معینی در قوانین ملی بعنوان جرم تعریف شده اند؟ آیا قوانین محلی توانائی تعقیب یا پیگرد و همچنان قضاوت موثر قضایای مربوط به جرایم جدی را دارند؟ آیا قوانین محلی جهت محاکمه عادلانه مظنونین یا متهمین جرایم جدی، حاوی تضمین های معتبر میباشد تا از مجرای آن جرایم جدی بطور عادلانه مورد تحقیق و پیگیری قرار گیرند؟ آیا قوانین محلی جهت مصونیت و اختفای شاهدان و قربانیان جرایم جدی حاوی تدابیر محافظتی و حراستی کافی می باشند تا بدین ترتیب جمع آوری شواهد و شهادت را در محکمه تشویق و تسهیل کند؟

موافقتنامه‌های صلح و معیارهای بین‌المللی

ترتیب تقلیل بخشد. به همین گونه موافقتنامه صلح و مصالحه ملی کشور برون دی موسوم به Arusha از جوانب مربوط موافقتنامه مطالبه مینماید تا قانون مربوط به طرز العمل های جنایی را اصلاح نمایند. موافقتنامه مربوط به حقوق بشر که میان دولت السلودور و سازمان بنام (Frente Farabundo Marti para la Liberación Nacional) عقد گردید مطالبه مینماید تا بعضی حقوق مربوط به محاکم عادلانه و طی مراحل مقتضی در قوانین داخلی در نظر گرفته شوند. این امر با طرح یک قانون اساسی و تجدید قانون طرز العمل های جنایی، تحقق یافت. موافقتنامه صلح دایتون (Dayton) که بر مبنای آن جنگ در بوسنیا و هرزگوینا پایان یافت، حاوی موادی بود که اجرای مستقیم کنوانسیون اروپا در باره حقوق بشر و آزادی های بنیادی (ECHR) را مطالبه مینمود. در نتیجه این موافقتنامه ریفرم چهار چوب حقوقی، بشمول قانون جزا و طرز العمل های جنایی لازم بود تا آنها با ECHR وفق یابند.

در بسیاری موارد، تجدید قوانین جنایی، مقررات طرز العملی و شواهد مربوط یک کشور نه تنها یک ضرورت عملی بلکه یک مکلفیت حقوقی نیز شمرده میشود. وقتی یک موافقتنامه صلح میان کشورها یا گروه‌های مختلف در یک کشور بعد از جنگ و سیتیزه عقد میگردد، مسایل مربوط به حقوق بشر اکثراً یک بخش عمده، متن موافقتنامه مذکور را تشکیل میدهد. و خود موافقتنامه معمولاً با یک نحوه مشروطیت جهت تعیین، حراست و تعمیل حقوق انفرادی مشخص میگردد. بطور مثال، موافقتنامه بن منعقدۀ سال 2001 میلادی، حکومت مؤقت افغانستان را، به همکاری سازمان ملل متحد به تشکیل دوباره یک نظام قضایی "در مطابقت با اصول اسلامی، معیارهای بین‌المللی، حاکمیت قانون و عنعنات حقوقی افغانها" مؤظف میسازد. به همین ترتیب موافقتنامه سال 1999 موسوم به پلان کولمبیا (Plan Colombia)، کشور کولمبیا را متعهد میسازد تا سطح معافیت را از طریق "شیوه‌های بهتر تعقیب عدلی، تحقیقات مؤثرتر و محاکمه‌های سریع

بر علاوه جهت تعیین کفایت و شایستگی چهارچوب قانونی برای تحقیق و پیگیری جرایم جدی، ارزیابی هر دو یعنی خود چهارچوب و الزامات کشور در برابر معاهدات بین‌المللی این مسئله را برجسته خواهد کرد که کدام قانون بحیث یک مسئله قانون بین‌المللی باید در کشور مرعی الاجرا باشد. بطور مثال اگر کشوری کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته انتقالی (UNTOC) را امضاء و تصویب کرده باشد، آیا این کشور جهت رسیده گی به جرایم جنائی جدی، اسناد تقنینی مربوط به طرز العمل ها، تبادل مجرمین و اسناد تقنینی مربوط به کمک های متقابل حقوقی و قانونی را که مستلزم اجرای احکام کنوانسیون پذیرفته شده می باشد وضع نموده است؟ اگر کشور مذکور یک کنوانسیون بین‌المللی، مثل کنوانسیون بین‌المللی در باره حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) را امضاء و تصویب نموده باشد، آیا کشور مذکور در قوانین داخلی مسئله محکمه عادلانه و رعایت حقوق مقتضی مربوط به طی مراحل

در لایبیریا قوانینی مورد ضرورت است تا به مسایل مربوط به قاچاق انسان بپردازند

با ختم جنگ و کشمکش در لایبیریا که در سال 1989 شروع شده بود و در ماه سپتامبر 2003 به تشکیل دفتر هیأت نماینده گی ملل متحد (UNMIL) در آن کشور منجر گردید، قاچاق انسان در لایبیریا یک مشکل قابل نگرانی عمیق شمرده میشود که تا هنوز نیز ادامه دارد. قانون مربوط به جرایم جنایی سال 1976 جهت پرداختن به جرایم مربوط به قاچاق انسان کافی نبود. در حال حاضر مساعی جریان دارد تا اصلاحاتی در این زمینه بعمل آید. مطابق به کنوانسیون ملل متحد درباره قاچاق انسان، قوانین داخلی در زمره سایر مسایل باید شامل پول شوی، اسناد تقنینی مربوط به محافظت و حراست شاهدان و یک تعریف واضح از قاچاق انسان باشند.

وضع قوانین جدید کافی نیست: قضیه کوسوو

جهت پرکردن خلاهای موجود در سیستم حقوقی کوسوو، یک سلسله مقرراتی وضع گردید که امکانات اجرای مراقبت های الکترونیک، بکارگیری مخبران، عملیات مخفی و اتخاذ تدابیر جهت محافظت شاهدان، فراهم میسازد. اگرچه مسوده این قوانین در سال 2001 به وسیله یک تیم کارشناسان ورزیده ترتیب شد ولی به مرور زمان قوانین مذکور از سیستم ارزیابی و نشر ملل متحد بیرون برآمدند. این قوانین بیش از این از نظر ساحه عمل، قوانین جامع شمرده نمیشوند، یا بصورت صریح و واضح تدوین نه شده بودند. برعلاوه، مشکلات عملی نیز مؤثریت آنها را زیر سوال قرار داد. بطور مثال، شرایط مراقبت الکترونیکی، برای مدت یک سال غیر قابل استفاده بود، زیرا پولیس کوسوو فاقد تجهیزات لازم آن بودند. به همین ترتیب پولیس نمی توانست از شرایط عملیات مخفی بنابر نبود جوه مالی و وسایط نقلیه بی نشان و همچنان فقدان رهنمود های مؤثر جهت استفاده مناسب و کامل معلومات بطور کامل مستفید شوند.

دوسیه های مربوط را در معرض اجرا قرار داده است؟

مسلماً به هر اندازه که تحقیق در مورد چهارچوب حقوقی یک کشور بعد از جنگ مهم است به همان اندازه این امر نیز حائز اهمیت است تا ارزیابی نمود که آیا قوانین بطور واقعی در عمل اجرا میشوند یا نه. ممکن است قوانین در کتاب ها باشد اما اگر اجرا نشوند اثر کم تری خواهد داشت. فقدان تطبیق ممکن از فقدان پرسونل با کفایت تطبیق کننده قوانین (بطور مثال تعداد نا کافی افسران پولیس آموزش دیده)، منابع نا کافی (بطور مثال نبود بودجه برای مواد سوخت و وسایط نقلیه پولیس)، و یا حتی فقدان اراده و خواست جانب پولیس و یا خائولان (و یا هم

رهبران سیاسی آنه)، جهت باز جویی و تعقیب عدلی جرایم جدی (بنابر فساد اداری یا تهدید به پولیس یا خائولان)، ناشی گردد. معین نمودن این امر که قوانین تا چه حدودی به اجرا گذاشته شده اند، طوریکه در فصل دوم مطرح گردید، یک بخش لا ینفکی از ارزیابی چارچوب حقوقی را تشکیل خواهد داد.

کمبود ها در چهارچوب حقوقی چگونه بالای تحقیقات مربوط به جرایم جدی و تعقیب عدلی آن اثر میگذارد:

یک چهارچوب حقوقی کامل و جامع یک شرط قبلی تحقیقات مربوط به جرایم جدی و تعقیب عدلی آن در جوامع بعد از جنگ و ستیزه محسوب میگردد. بدون قوانینی که چنین فعالیت ها را بعنوان جرم تلقی کند، جرایم مذکور میتواند با معافیت ارتکاب یابد. پولیس و خائولانی توانایی تحقیق و تعقیب عدلی اعمال و رفتاری را که بحیث اعمال جرمی طبقه بندی نشده باشند، ندارد.

در کوسوو، جای که قبلاً اختطاف شیوع یافته بود، در جریان و بعد از ختم ستیزه و کشمکش، اختطاف کردن به عنوان یک خلاف رفتاری جرمی در مجموعه قوانین جنایی وجود نداشت به عین ترتیب در آنگولا اگرچه جرایم سازمان یافته، فساد اداری و تطهیر بول بطور گسترده شیوع یافته بود ولی هیچ کس نمیتوانست به خاطر انجام این فعالیت ها مورد تعقیب عدلی قرار گیرد. زیرا این فعالیت ها در قوانین داخلی به عنوان خلاف رفتاری های جرمی ذکر نشده بود.

اگرچه جرم شناختن این فعالیت ها بذات خود معمولاً کافی نیست تا با آنها بطور مؤثر مبارزه صورت گیرد، زیرا شبکه های جنایی بطور فزاینده چنان وسایل پیچیده ای را در فعالیت های شان به کار میبرند که این امر را دشوار میسازد تا فعالیت های آنها مورد تحقیق قرار گیرد. بناً جرم شناختن فعالیت ها باید از طریق معرفی وسایل و پروگرام های خاص تحقیق، چون اقدامات پوشیده برای مراقبت و تدابیر جهت حفاظت و حراست شاهدان صورت گیرد. چنین وسایل و شیوه ها به تفصیل بعداً در این فصل مورد بحث قرار میگیرد.

تشخیص چهار چوب حقوقی

طوری‌که در فصل دوم یاد آوری شد، تحقیق در مورد چهار چوب حقوقی موجود باید یک عنصر کلیدی ارزیابی باشد که جهت کمک و رهنمایی به طرح یک ستراتیژی برای مبارزه علیه جرایم جدی در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه، طرح می‌گردد. اصطلاح (چهار چوب حقوقی) به قوانینی اشاره می‌کند که در یک کشور قابل اجرا شمرده میشوند. این قوانین شامل قوانین داخلی میشود که مرعی الاجرا بوده و همچنان شامل میثاق‌های بین‌المللی و منطقوی میگردد که بالای کشور الزام آور بوده و همچنان آنهایی که در داخل در معرض اجرا قرار گرفته‌اند. در رابطه به مورد کشور بعد از جنگ و ستیزه که در معرض اجرای فیصله‌نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار دارد، قطعنامه مذکور نه تنها حدود صلاحیت مأموریت مربوط به عملیات صلح را فراهم مینماید بلکه

قوانین کوسوو و جهت مبارزه مؤثر با جرایم جدی تعدیل گردید

گذشته قاچاق انسان تنها در صورتی (وساطت فحشا) مثلاً عرضه کردن زنان فاحشه یک جرم شمرده میشود). مجازات برای قاچاق انسان در مواردی که مرتکب جرم، عضو یکی از گروه‌های سازمان یافته باشد افزایش یافت.

• مواد مربوط به دهشت افگنی تمدید شد و اعمالی چون تمویل یا حمایت از کدام تروریست یا سازمان تروریستی حتی اگر به سازمان تروریستی مذکور، ملحق هم نمی‌شد، یک عمل غیر قانونی پنداشته شد. (باید به خاطر داشت که این اقدامات از جمله مطالبات کنوانسیون مربوط به تمویل تروریزم شمرده میشوند).

• مجازات جزای سازمانده بودن یا سرگروه بودن یک گروه جنایتکار (که ارتکاب جرایم را هدف زنده گی خود می‌سازند) زیاد شد و اصطلاحات سازمانده و سرگروه چنین گروه‌ها تعریف شدند. علاوه از آن تهدید کردن شاهدان که به پولیس و څارنوال چیزی نگویند به عنوان یک جرم شناخته شد. تدبیر اخیر الذکر وقتی با طرز العمل‌ها و پروگرام‌های اتخاذ شده جدید جهت حفاظت شاهدان توأم گردید، به محکومیت و حبس تعدادی از مردم منجر گردید.

بعد از دو سال بکارگیری به وسیله څارنوالی و محاکم، این و سایر مقررات، قبل از اینکه در مجموعه قوانین مربوط به جرایم جنایی کوسوو توحید گردد، مزیداً انکشاف داده شد. فرمان قانون مذکور در ماه جولای سال 2003 صادر و در ماه اپریل سال 2004 نافذ گردید.

در کوسوو، قوانین جرایم جنایی خود ولایت، دولت صربیا، و کشور یوگوسلاویا یک تعداد از جرایم جدی را بطور کافی مورد هدف قرار نمی‌داد. خوشبختانه تحت شرایط فیصله‌نامه شماره 1244 شورای امنیت و مقرر شماره 1/1999، نماینده خاص (سرمنشی عمومی) در کوسوو توانست تا قوانین قابل اجرا را جهت پر کردن خلاهای طرز العملی و واقعی جدی را تعدیل نماید. با استفاده از این صلاحیت، SRSR چهار چوب حقوقی را جهت نیل به سه هدف گسترده ذیل تعدیل نمود:

- برآورده ساختن نورم‌ها و معیارهای بین‌المللی و اروپایی حقوق بشر.
- پوره کردن مطالبات کنوانسیون‌های بین‌المللی علیه جرایم
- طرح و وسایل و شیوه‌های طرز العملی مدرن مانند تدابیر محافظتی شاهدان، معافیت، محرمانه‌بودن بقای تخنیک، و طرح و تدوین مجموعه اسناد تقنینی جنایی مدرن در مورد وضعیت و استعمال اسلحه‌ناریه، قاچاق انسان، دهشت افگنی، جرایم سازمان یافته و قاچاق اسلحه در سرحداث.

تعدیلاتی که در این ساحه سوم صورت گرفته و جهت مبارزه با جرایم جدی حایز اهمیت زیاد است، شامل تغییرات ذیل میباشد:

- مجازات برای داشتن اسلحه ناریه بطور قابل ملاحظه افزایش یافته و فعالیت‌های چون نمایش، و فیر نمودن سلاح و حمله با اسلحه ناریه بعنوان جرایم جدیداً شناخته شد.
- قاچاق انسان بعنوان یک جرم تلقی گردید (در

همچنان بخشی از چهار چوب حقوقی را میسازد. علاوه از این اگر یک موافقتنامه صلح قبل از ختم جنگ و کشمکش صورت گرفته باشد، موافقت نامه مذکور همچنان بخشی از چهار چوب حقوق مرعی الاجرا در کشور میباشد.

تمرکز توجه در این کتاب روی آن اسناد تقنینی میباشد که بطور مستقیم یا غیر مستقیم به تعمیل عدالت جنایی در کشور ارتباط داشته باشد. از آنرو مسایل آتی در این فصل مورد بررسی قرار نخواهد گرفت

- جنبه های غیر جنایی چهار چوب حقوقی، چون قوانین مربوط به ملکیت، قوانین مدنی، قوانین عرفی، قوانین خانواده یا قوانین مربوط به امور اداری.
- معاهدات الزام آور بین المللی که الزامات ضمنی به قوانین مربوط به جرایم جدی ندارد.
- موافقتنامه هایی که ممکن در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه قابل اجرا باشند مانند موافقتنامه های که میان دولت و نیرو های نظامی میانجی یا بین المللی یا سازمان های منطقوی عقد گردیده باشد. (مانند وضعیت توافقنامه های نیرو (SOFA) و یادداشت تفاهم مربوط).

قوانین داخلی

در رابطه به اینکه قوانین داخلی در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه به چه چیزی اطلاق میگردد، این امر حایز اهمیت شمرده میشود تا بخاطر داشت که بعضی کشور های بعد از جنگ و ستیزه دارای چندین نهاد بالقوه قوانین قابل اجرا میباشند. در این زمینه که در دوره بعد از جنگ و کشمکش کدام نهاد قابل اجرا میباشد، باید یک تصمیم سیاسی اتخاذ گردد. بطور مثال، در افغانستان از موافقتنامه بعد از جنگ، که قوانین نافذ در سال 1964 را قوانین قابل اجرا شمرد. اگرچه بسیاری از قوانین مذکور در طی بیش از چهل سال گذشته به وسیله شماری از قوانین رژیم کمونیست، طالبان و بعداً به وسیله فرامین ریاست جمهوری تعویض یا تعدیل شده اند. قوانین داخلی که به اجرای عدالت جنایی تعلق دارند، شامل قوانین آتی میباشند:

- قانون اساسی. قانون اساسی اکثراً حاوی حقوق قابل اجرای یک متهم یا مظنون و سایر مواد مربوط به عدالت جنایی میباشد.
- مجموعه قوانین جرایم جنایی نافذ در کشور. قانون مربوط به جرایم جنایی حاوی مثلاً، اصول عمومی حقوقی، چون محکومیت جنایی، دفاعیه ها، مجازات و اصول تنظیم جرمه ها، بشمول مجازات و تدابیر بدیل، همچنان خلاف رفتاری های جنایی مادی یا عملی جدی قابل اجرا در کشور.
- در کشور هایی که یک قانون جرایم جنایی و یک قانون اجراءات جزایی جرایم جنایی وضع گردیده، هر نوع سند تقنینی علاوه از این مجموعه قوانین و با الزامات ضمنی جزایی چون قوانین خاص درباره مواد مخدر، تطهیربول، تروریزم، سلاح و مهمات، گمرکات، مالیات و صحت و مصونیت، و همچنان هر نوع قوانین قضایی مربوط به نوجوانان، قوانین ترافیک یا سؤ رفتار های کوچک، قوانین مربوط به سؤ رفتار های که شامل بد رفتاری های مربوط به صلاحیت های وابسته به نظم عامه میگردد. (بعضی قوانین خاص حاوی حد اعظمی مواد و طرز العمل های مربوط به قانون جزا میباشد) اکثراً چنین قوانین متمم در جرایم رسمی یافت میشوند.

- فرامین ریاست جمهوری یا شاهی در کشور های که آنرا صادر میکنند
- در کشور هایی که تمام قوانین جرایم جنایی هنوز تدوین نشده و از عنعنه stare decisis یا از یک نحوه قانون عرفی پیروی میکنند (یعنی اینکه قانون به وسیله قضات ساخته میشود و قضاوت محاکم بلند بالای محاکم پایین تر الزام آور میباشد)، احکام فقه که بالای محاکم مربوط الزام آور میباشد، همچنان هر گونه سند تقنینی مربوط به جرایم جنایی که به وسیله نهاد قانون گذار تصویب و نافذ میگردد که جایگزین قانون عرفی وضع شده به وسیله قاضی میگردد (اسناد تقنینی در باره جرایم مربوط به ملکیت، قتل و غیره).
- در کشور هایی که در رابطه به مسایل جنایی قوانین عرفی یا عنعنوی بکار گرفته میشوند، فیصله ها به وسیله نهاد های غیر دولتی اعاده حقوق، چون موسسیدان و بزرگان قریه، صورت میگردد.
- قانون مربوط به اجراءات جزایی جرایم جنایی که حاوی طرز العمل های مربوط به تحقیقات، تعقیب عدلی، محاکمه و استیناف خواهی جرایم جنایی و همچنان موادی مربوط به استرداد مجرمین، مساعدت های حقوقی دوجانبه، و به رسمیت شناختن احکام و قضاوت های خارجی و همچنان قوانین طرز العمل های مربوط آن که دارای مواد ضمنی مربوط به عدالت جنایی، بشمول قوانین اجراءات جزایی جرایم کوچک، قوانین طرز العمل های محکمه ترافیک، قوانین مربوط طرز العمل های قضایی محاکم مربوط به نوجوانان، قوانین اجراءات جزایی صحت دماغی (که به مسایل مربوط به قابلیت دماغی میپردازد) و قوانین مربوط به تعهدات مدنی (که به مسایل مربوط به قابلیت دماغی میپردازد)، میباشد.
- در کشور هایی که قانون اجراءات جرایم جنایی وضع نه شده، هر سند تقنینی مربوط به طرز العمل های جنایی، بشمول قوانین در باره محاکم، دفاتر خائونالان و پولیس، محکمه اجباری، دفتر خائونال یا مقررات پولیس که با طرز العمل های جنایی سروکار دارند.
- اگر در قانون اجراءات جزایی جنایی گنجانیده نه شده باشد، قوانین مربوط به اجراءات جزایی ضمانت های اجرایی، بشمول قوانین مربوط به رهایی مشروط، ضمانت، تجدید نظر بر احکام قضایی و تنفیذ و اجرای فیصله ها
- قوانین مربوط به تشکیل و ساختار سیستم محاکم و دفتر خائونال، مقررات و طرز العمل معیاری عملیات برای محاکم و دفتر خائونال
- قوانین مربوط به تقرر، انضباط و برطرفی قضات و خائونالان و هر گونه مقرره مربوط به ضوابط اخلاقی
- قوانین، مقررات و قوانین فرعی در باره مسایل مربوط به تشکیل، تقرر، معاش یا تأدیات و تعرفه های گمرکی مربوط به وکلای مدافع جنایی و تشکیل نظام مساعدت های حقوقی یا وکلای مدافع عامه و هر گونه مقرره مربوط به ضوابط اخلاقی
- قوانین و مقررات مربوط به پولیس. بعضی کشور ها دارای یک قانون رسمی پولیس میباشد که مقررات اجرایی یا توضیحی متمم آن میباشد. قانون پولیس و مقررات متمم آن صلاحیت های اضافی پولیس را معیین میسازد که در قانون طرز العمل جنایی گنجانیده نه شده و بیشتر به نظم عامه ارتباط میگردد (کنترول اجتماعات عامه، استعمال اسلحه و غیره). بعضی قوانین پولیس حاوی موادی در باره تشکیل و ساختار نیروی پولیس میباشد.

- در کشور های که کدام قانون پولیس وضع نه شده باشد، طرز العمل های معیاری عملیات (SOPs) برای پولیس این طرز العمل ها اکثراً یک طیف و وسیع از مسایل، چون ترکیب نیروی های منظم پولیس و واحد های خاص آن را، اگر وجود داشته باشد، در بر میگیرد. بر علاوه این طرز العمل ها حاوی طرز العمل های جنایی مربوط میباشد. در کشور های که از عنعنه عرفی قانون، قانون ساخته شده به وسیله قاضی پیروی میکنند، طرز العمل های فوق الذکر حاوی طرز العمل های جنایی بی میباشند که از قوانین مربوط محاکم تصفیه شده اند. سایر صلاحیت های مربوط به طرز العمل های جنایی پولیس یا صلاحیت های نظم عامه میتواند در قوانین فرعی یا در فقرات جداگانه اسناد تقنینی پیدا شوند.
- قوانین مربوط به محاسب یا کدام مقررده منظمه یا طرز العمل های عملیات معیاری
- قوانینی که خدمات استخباراتی و پولیس مخفی را کنترل و تنظیم مینماید
- قوانینی که مسایل مربوط به نیرو های نظامی داخلی را در رابطه به نظم عامه، توقیف یا تحقیقات مربوط به مسایل جنایی ملکی کنترل و تنظیم مینماید

معاهدات بین المللی و منطوقی

وقتی قوانین قابل اجرای داخلی یکبار مورد غور قرار گرفتند، مرحله بعدی در زمینه معین ساختن چهار چوب حقوقی آنست که دیده شود کشور مورد نظر بعد از جنگ و ستیزه در برابر کدام میثاق های بین المللی و منطوقی مکلفیت دارد. یک معاهده یک قرارداد بین المللی است، بشکل تحریری و امور مربوط آن به اساس قوانین بین المللی تنظیم گردیده و میان کشور ها (یا در موارد نادر میان یک دولت یا یک سازمان بین المللی) عقد میگردد. ممکن است یک کشور یک معاهده را با یک کشور دیگر منعقد نماید (یک معاهده دوجانبه) یا با تعدادی از کشور های دیگر (یک معاهده چند جانبه). معاهدات چند جانبه ممکن در یک سطح بین المللی عقد گردند (مثلاً در چهار چوب سازمان ملل متحد) یا در سطح منطوقی (مثلاً در میان اتحادیه آفریقا، کشور های اتحاد عرب، شورای اروپا، سازمان کشور های امریکا، یا اتحادیه اروپا). معاهدات اکثراً بنام قرارداد ها، پیمان ها، اسناد تقنینی یا کنوانسیون ها یاد میگردند، اما در ماهیت همه آنها یک چیز اند.

جهت اینکه یک معاهده بالای یک کشور شکل الزام آوری بخود بگیرد و بدین ترتیب به بخشی از چهار چوب حقوقی آن مبدل گردد، معاهده مذکور بایست بشکل رسمی امضاً و تصویب شود. یک معاهده معمولاً در پایان یک پروسه مذاکرات به امضاً میرسد. تصویب آن بعداً صورت میگیرد و از یک قانون بین المللی دلالت میکند که به رویت آن یک کشور رضایت خود را اظهار میدارد که با معاهده مذکور مکلف ساخته میشود. قانون مذکور با صدور یک سند تقنینی که تصویب نامه خوانده میشود و بعضی چیز ها را طرف امضاً کنند در بعضی معاهدان خاص برای خود محفوظ نگه میدارد. بطور مثال سرمنشی ملل متحد در رابطه به قضیه UNTOC. در پروسه تصویب، بعضی معاهدات اجازه محفوظ نگهداشتن بعضی شرایط را میدهد، این بدان معنی است که یک دولت میتواند خود را از ایفای مکلفیت ها یا الزامات بعضی مواد معین مستثنی سازد. نگرانی ها باید با محفوظ داشتن بعضی حقوق یا شرایط برای خود یکجا با سند تقنینی تصویب نامه بطور رسمی قرار داده شوند و وقتی پذیرفته شد، این بدان معنی است که شرط مستثنا شده یا محفوظ نگذاشته شده الزام آور نیست و از آنرو بخشی از چهار چوب حقوقی کشور مورد نظر را تشکیل نمی دهد.

وقتی یک کشور یک معاهده را بشکل رسمی تصویب نمود، معاهده مذکور به یک بخشی از چهار چوب حقوقی مبدل گردیده و بالای کشور مذکور الزام آور می‌باشد. دولت مذکور سپس مکلفیت دارد تا مواد معاهده مذکور را در امور داخلی مربوط خود رعایت و اجرا نماید. برای تحقق این امر مواد معاهده مذکور بایست از شکل یک سند تقنینی بین المللی به یک قانون الزام آور داخلی تبدیل گردد. در بعضی کشورها (کشورهای واحد) تصویب یک معاهده بدان معنی است که معاهده مذکور بطور اتومات به بخشی از قوانین داخلی مبدل گردیده و بصورت فوری قابل اجرا می‌باشند. (اگرچه اکثراً قوانین داخلی نشر میشوند تا در باره اینکه معاهده مورد نظر چگونه اجرا خواهد شد، جزئیاتی فراهم گردد.) در سایر کشورها (کشورهای دو واحدی) اجرای یک معاهده در سطح داخل کشور ایجاب یک سند تقنینی را خواهد نمود. به همین ترتیب ممکن است کشور بعد از جنگ یا هر کشور دیگری یک کنوانسیون را بطور رسمی امضا و تصویب نموده باشد، اما آنرا در داخل کشور اجرا نه کرده باشد. باوصف این کنوانسیون مذکور بایست به عنوان بخشی از چهار چوب حقوقی کشور تلقی گردد. زیرا مطابق قوانین بین المللی، ولو اگر معاهده مذکور در امور داخلی مربوط کشور اجرا هم نگردیده باشد، بازهم بالای کشور الزام آور پنداشته میشود.

یک تعداد از معاهدات مختلف بین المللی و منطقی به انفاذ سیستم عدالت جنایی در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه ربط دارند و در صورتیکه تصویب و امضا شده باشند، میتواند بخشی از چهار چوب حقوقی کشور مذکور را تشکیل دهند. معاهدات مربوط به حقوق بشر در مورد حقوق متهمین و محکومین در یک پروسه جنایی، میتواند الزام آور باشند. این معاهدات شامل معاهدات بین المللی و منطقی میباشند که بصورت عموم با موضوعات مربوط به حقوق محاکمه عادلانه و طی مراحل مقتضی دوسیه های مربوط، همچنان با حقوق خاص (چون فارغ بودن از شکنجه) یا با حقوق یک گروه خاص (مثلاً اطفال یا زنان) سرو کار دارند. (یک لست مکمل این معاهدات در لست ذیل "International and Regional Human Rights Instruments" گنجانیده شده است)

برعلاوه معاهدات بین المللی و منطقی در رابطه به انواع فعالیت های جنایی با چهار چوب حقوقی در یک کشور ربط دارد. این معاهدات بطور مثال، شامل مکلفیت های کشور در زمینه جرم شناختن بعضی اعمال معین و اجرای موادی مربوط به طرز العمل های جنایی، مبادله مجرمین و مساعدت های حقوقی متقابل میگردد. اینها شامل معاهدات بین المللی درباره قاچاق و تولید مواد مخدر، فعالیت های تروریستی، جرایم سازمان یافته، قاچاق انسان، قاچاق مهاجرین، قاچاق اسلحه ناریه، فساد اداری و تظهير پول میباشد. (این معاهدات در جدول های مربوط "اسناد تقنینی مربوط به جرایم و تحقیقات جنایی" و همچنان چوکات مربوط به "اسناد تقنینی منطقی مربوط به جرایم و تحقیقات جنایی" لست گردیده است)

معاهدات یا موافقتنامه های مربوط به تبادل مجرمین که با سایر کشورها عقد گردیده احتمالاً به تحقیقات و تعقیب عدلی جرایم جدی در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه بطور خاص ارتباط میگیرد. کشورها بصورت عموم علاقه دارند تا به موافقت نامه های دو جانبه مبادله مجرمین شامل گردیده، در حالیکه مخالف شمولیت در این گونه موافقت نامه های چند جانبه میباشند. از آنرو موافقت نامه های انفرادی متعدد میتواند بالای یک کشور الزام آور باشد. اگرچه یک کشور میتواند همچنان یک جانبی از یک معاهده چند جانبه مبادله مجرمین (مثلاً کنوانسیون اروپایی راجع به مبادله مجرمین و پروتوکول های اضافی مربوط آن، کنوانسیون بین المللی امریکایی راجع به مبادله مجرمین و یا کنوانسیون جامعه اقتصادی کشورهای افریقای غربی راجع به مبادله مجرمین) باشد.

اسناد تقنینی بین المللی و منطقی راجع به حقوق بشر

معاهدات بین المللی که بصورت عمومی با حقوق مربوط به محاکمه عادلانه و طی مراحل مقتضی قضایای جرمی جنایی سروکار دارند

- کنوانسیون بین المللی راجع به حقوق سیاسی و مدنی و دو پروتوکول اضافی آن

معاهدات منطقی که بصورت عموم با حقوق مربوط به محاکمه عادلانه و طی مراحل مقتضی سروکار دارند

- منشور افریقایی راجع به حقوق بشری و مردم
- اعلامیه امریکایی در باره حقوق و مکلفیت های انسان
- کنوانسیون امریکایی راجع به حقوق بشر
- منشور عرب در باره، حقوق بشر
- منشور اروپایی راجع به حقوق اساسی
- کنوانسیون اروپایی جهت حراست از حقوق بشری و آزادی های بنیادی و همچنان یازده پروتوکول اضافی آن

معاهدات بین المللی بی که با مسایل مربوط به حقوق خاص سروکار دارند

- کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه و سایر اعمال بیرحمانه، روش یا سلوک یا مجازات ها غیر انسانی یا توهین آمیز

- کنوانسیون بین المللی ملل متحد راجع به زدودن تمام اشکال تبعیض نژادی

معاهدات منطقی بی که با مسایل مربوط به حقوق خاص سروکار دارند

- کنوانسیون کشورهای امریکایی در باره ناپدید شدن جبری اشخاص
- کنوانسیون کشورهای امریکایی جهت جلوگیری و مجازات اعمال مربوط به شکنجه

معاهدات بین المللی بی که به حقوق گروه های خاص افراد میپردازد

- کنوانسیون ملل متحد راجع به زدودن تمام اشکال تبعیض علیه زنان
- کنوانسیون ملل متحد مربوط به حقوق اطفال

معاهدات منطقی بی که به حقوق گروه های خاص افراد میپردازد

- منشور افریقا در باره حقوق و رفاه و آسایش اطفال
- پروتوکول منظمه منشور افریقا در باره حقوق بشر و مردم و همچنان حقوق زنان در افریقا

به همین ترتیب یک کشور ممکن است به یک موافقتنامه دو جانبه جهت فراهم ساختن مساعدت های حقوقی باهمی و مشترک در عرصه تحقیقات جرایم جنایی، یا به یک معاهده چند جانبه (مثلاً کنوانسیون اروپا راجع به مساعدت های حقوقی باهمی در زمینه مسایل جنایی و پروتوکول های اضافی مربوط آن، کنوانسیون بین المللی امریکای راجع به مساعدت های حقوقی باهمی و پروتوکول های اضافی آن، کنوانسیون راجع به مساعدت های حقوقی باهمی در زمینه مسایل جنایی میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا یا کنوانسیون اتحاد عرب راجع به مساعدت های حقوقی باهمی در مسایل جنایی) شامل شده باشد. یک کشور بعد از جنگ و ستیزه نیز ممکن است اساس نامه سازمان بین المللی پولیس جنایی Interpol را امضا و تصویب نموده باشد که بنا به یک بخشی از چهارچوب حقوقی کشور مورد نظر مبدل میگردد.

اسناد تقنینی بین المللی راجع به جرایم و تحقیقات جنایی

فساد اداری

- کنوانسیون ملل متحد علیه فساد اداری

قاچاق و تولید مواد مخدر

- کنوانسیون سازمان ملل متحد در باره مواد مخدر
- کنوانسیون ملل متحد علیه حمل و نقل غیر قانونی مواد مخدر و مواد مربوط به امراض دماغی
- کنوانسیون ملل متحد در باره ادویه های دماغی

استرداد مجرمین

- کنوانسیون جامعه اقتصادی کشورهای افریقای غربی راجع به مبادله مجرمین
- کنوانسیون اروپایی در باره مبادله مجرمین و پروتوکول های اضافی آن
- کنوانسیون کشور های امریکایی راجع به مبادله مجرمین

معاهدات مربوط به همکاری های حقوقی دو جانبه

- کنوانسیون اتحاد عرب در باره همکاری های حقوقی دو جانبه در زمینه مسایل مربوط به جرایم
- کنوانسیون مربوط به همکاری های حقوقی دو جانبه میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا
- کنوانسیون اروپا همکاری های حقوقی دو جانبه در زمینه مسایل مربوط به جرایم و پروتوکول های مربوط آن
- کنوانسیون کشورهای امریکایی راجع به همکاری های حقوقی دو جانبه و پروتوکول های متمم آن

جرایم سازمان یافته

- کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم انتقالی سازمان یافته

قاچاق مهاجرین

- پروتوکول علیه قاچاق مهاجرین از طریق زمین، بحر و هوا، متمم کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم انتقالی سازمان یافته

اعمال تروریستی

- کنوانسیون ملل متحد مربوط به نشانی کردن مواد منفلقه پلاستیکی برای مقاصد کشف و تفتیش
- کنوانسیون ملل متحد در باره جرایم و اعمال معیین دیگر که در طیاره ارتکاب میابند
- کنوانسیون ملل متحد راجع به محافظت فیزیکی مواد زروی یا هستوی
- کنوانسیون ملل متحد راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه افراد مورد حمایت بین المللی
- کنوانسیون ملل متحد مربوط به جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه مصونیت هوانوردی ملکی
- کنوانسیون ملل متحد مربوط به جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه مصونیت دریانوردان
- کنوانسیون ملل متحد مربوط به جلوگیری از تصرف غیرقانونی طیارات
- کنوانسیون بین المللی ملل متحد علیه گروگان گیری
- کنوانسیون بین المللی ملل متحد برای جلوگیری از تمویل اعمال تروریستی
- کنوانسیون بین المللی ملل متحد برای جلوگیری از بمب گذاری های تروریستی
- کنوانسیون ملل متحد مربوط به جلوگیری از تصرف غیرقانونی طیارات
- پروتوکول ملل متحد برای جلوگیری از اعمال نامشروع خشونت آمیز در میدان های هوایی که برای خدمات هوانوردی ملکی بین المللی کار میکند.
- پروتوکول ملل متحد برای جلوگیری از اعمال نامشروع علیه مصونیت منبر های نصب شده در جعبه های قاره ای

قاچاق اسلحه‌ء ناریه

- پروتوکول ملل متحد علیه تولید و حمل و نقل غیر قانونی سلاح ناریه، پرزه جات و بخش های ترکیبی آن و همچنان مهمات، متمم کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته انتقالی

قاچاق انسان

- پروتوکول ملل متحد برای جلوگیری، افشا و مجازات قاچاق انسان، بطور اخص زنان و کودکان، متمم کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته انتقالی

اسناد تقنینی منطقوی راجع به جرایم و تحقیقات جنایی

فساد اداری

- شورای اروپا کنوانسیون حقوق اجراءات جزایی راجع به فساد اداری
- کنوانسیون کشورهای امریکایی راجع به فساد اداری
- کنوانسیون OECD در باره فساد اداری مقامات ادارهء عامه

جرایم سایبر

- کنوانسیون شورای اروپا راجع به جرایم سایبر

تطهیر پول

- شورای اروپا کنوانسیون در باره تطهیر پول، بررسی، توقیف و ضبط عواید ناشی از جرایم

تروریزم یا دهشت افگنی

- کنوانسیون عرب برای جلوگیری از تروریزم
- کنوانسیون کشورهای امریکایی علیه تروریزم
- کنوانسیون OAU در باره جلوگیری و مقابله با تروریزم

قاچاق اسلحه‌ء ناریه

- کنوانسیون کشورهای امریکایی در باره قاچاق اسلحه‌ء ناریه

قاچاق انسان

- کنوانسیون SAARC در باره جلوگیری و مقابله با قاچاق زنان و اطفال بمنظور فحشا

اصول غیر الزامی حقوق بشر و اسناد تقنینی

- اصول اساسی ملل متحد راجع به استقلالیت قضاً
- اصول اساسی ملل متحد راجع به نقش و کلا
- اصول اساسی ملل متحد مربوط به استعمال قوه اسلحهء ناریه به وسیلهء مؤظفین تنفیذ قانون
- اصول اساسی ملل متحد برای حفاظت افرادی که تحت که در هرگونه توقیف یا حبس قرار دارند
- ضوابط اخلاقی ملل متحد برای کارمندان مربوط به تنفیذ قانون
- اعلامیه ملل متحد راجع به زدودن خشونت علیه زنان
- اعلامیه ملل متحد مربوط به محافظت تمام افراد از ناپدید شدن اجباری
- اعلامیه ملل متحد در بارهء حقوق طفل
- رهنمایی های ملل متحد راجع به نقش خائوران
- مقررات ملل متحد جهت محافظت جوانان که از آزادی محروم میشوند
- معیار های ملل متحد حد اقل قواعد برای تنظیم امور مربوط به امور قضایی نوجوانان
- معیار های ملل متحد حد اقل قواعد برای مقیاس های غیرنگهداشت
- معیار های ملل متحد حد اقل قواعد برای طرزبرخورد با محبوسین

معاهدات و کنوانسیون های که پامسایل فوق الذکر سروکار دارند ، همه در ماهیت خود الزام آور اند. چنین اسناد تقنینی معمولاً بنام ("hard law") (قوانین سختگیر) یاد میگردند. قابل یادآوری است که منبع قوانین به اصطلاح "soft law" اکثراً سازمان ملل متحد و سازمان های منطقوی میباشد. این اسناد تقنینی را که کشورها آنها را در مجموعه عمومی ملل متحد و یا شورای ملل متحد درباره جرایم تصویب نموده اند معمولاً الزام آور نیستند. از آنرو این قوانین از رهگذر سیاسی الزام آور اند و کشورها میخواهند آنها را برآورده سازند. منابع قوانین soft معمولاً بنام اصول، رهنمود ها، معیار ها، اعلامیه ها یا مقررات نامیده میشوند. یک تعداد قابل ملاحظه اسناد تقنینی نوع soft ملل متحد، مثلاً مجموعه اصول برای حفاظت افرادی که در هرگونه توقیف یا حبس به سر میبرند، و همین ترتیب مقررات ملل متحد جهت حفاظت آنعده نوجوانانی که از آزادی خود محروم ساخته شده اند، با اجرای سیستم عدلی جنایی ربط دارد. یک لست مکمل این اصول و رهنمود ها شامل چوکات فوق (اصول غیر الزامی حقوق بشر و اسناد تقنینی) میباشد.

فیصله های شورای امنیت سازمان ملل متحد

لازم است هر فیصله نامه مربوط شورای امنیت ملل متحد در ارزیابی چهارچوب حقوقی یک کشور بعد از جنگ و ستیزه در نظر گرفته شود. بعضی از کشورهای بعد از جنگ و ستیزه تحت اثر فیصله نامه های شورای امنیت ملل متحد مبنی بر تأسیس یک دفتر تنظیم عملیات صلح در کشور خاص میباشد. در بسیاری موارد یک فیصله نامه شورای امنیت بالای سایر جنبه های چهارچوب حقوقی یک کشور، مثل مجموعه قوانین جنایی یا قانون اجراءات جزایی جنایی، الزام آور نیست. اگر چه در دو موارد، در کوسو و تیمور شرقی، فیصله نامه های شورای امنیت بالای چهارچوب حقوقی داخلی و ریفورم های آینده یک برخوردار یک سان داشته بود. در رابطه به کوسو و تیمور شرقی، فیصله نامه های مربوط همچنان مقتضی بعضی معاهدات مربوط حقوق بشر چون ICCPR بود که باید بطور مستقیم در قلمرو هر دو به اجرا گذاشته میشد.

طرح قوانین قابل اجرا در کوسوؤ و تیمور شرقی

SRSNG ها با استفاده از صلاحیت های تضمین شده آنها بوسیله فیصله نامه شماره 1244 شورای امنیت، چهار مقررہ را که به تشکیل چهار چوب حقوقی کوسوؤ می پردازد اعلام نمود. یک مقررہ این هدف را در پیش روی خود قرار داد که قوانین قابل اجرا، قبل از همه بر بنیاد قانونی که از تاریخ 22 مارچ 1989 موجود بود، استوار باشد. قانون مذکور بعداً با لستی از کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر که باید به وسیله تمام ادارات دولتی بشمول پولیس، خرنوالان و محاکم به کار گرفته میشد، اصلاح شد. قانون مذکور بعداً بوسیله مقررات UNMIK که طی فرمان SRSNG اعلان نموده و بدین ترتیب چهار چوب حقوقی را که قبل از ایجاد UNMIK موجود بود، اصلاح نمود.

فیصله نامه شماره 1272 شورای امنیت مصوب سال 1999 درباره تیمور شرقی صلاحیت اجرایی را به اداره انتقالی ملل متحد در تیمور شرقی (UNTAET) سپرد. SRSNG در تیمور شرقی مقررہ UNTAET مصوب 1/ 1999 را درباره صلاحیت های ادارهء موقت در تیمور شرقی نشر کرد. این مقررہ، قانون قابل اجرا را که عبارت از قانون آندونیزیا بود و قبل از عملیات صلح مرعی الاجرا بود، با در نظر داشت مطابقت آن با معیار های شناخته شده بین المللی حقوق بشر و همچنان مقررات بعدی UNTAET معیین میساخت. این اداره بعداً یک مقررہ که محاکم را در تیمور شرقی دوباره تنظیم نموده و سایر مقرراتی که مسایل مربوط به طرز العمل های جزایی مؤقت را وضع مینمود، را تصویب نمود.

موافقت نامه های صلح

مواد مربوط یک موافقت نامه صلح که عقد شده باشد باید بمنظور معلوم نمودن این که آیا مواد مذکور بالای مسایل مربوط به چهار چوب حقوقی کدام رابطه دارد یا نه، مورد مشورت قرار گیرد. بطور مثال یک موافقت نامه صلح ممکن پیشبینی کند که تمام قوانین داخلی باید تعدیل گردد تا معیار های بین المللی حقوق بشری را بر آورده سازد. موافقت نامه صلح همچنان میتواند فعالین بخش جنایی عدلی را مکلف سازد تا معاهدات بین المللی حقوق بشر را در محاکم داخلی بکار برند. بطور مثال به اساس موافقت نامه صلح دایتون Dayton در بوسنیا و هرزگووینا چنین پنداشته شد که ECHR از اثرات حقوقی داخلی برخوردار و بالای محاکم الزام آور شمرده شود.

نوع تعدیلاتی که ممکن لازم باشد تا در چهارچوب حقوقی صورت گیرد

تعدیلات زیاد ممکن در چهارچوب قانونی یک جامعهء پس از جنگ و ستیزه لازم باشد، تا اطمینان حاصل گردد که چهارچوب حقوقی مذکور کافی است تا به مسایل جرایم جدی بپردازد. تعدیلات لازم نخست وابسته به کشور مورد نظر و کفایت چهارچوب حقوقی موجود و ثانیاً مربوط به مشکلات جرایم جدی معیین در کشور می باشد. تغییرات و اصلاحات غرض رسیدگی به موارد ذیل صورت گیرد:

- قانون جرایم جنایی یا سایر اسناد تقنینی مربوط به مسایل جنایی
- طرز العمل قانون جرایم جنایی یا سایر قوانین وابسته به طرز العمل
- طرز العمل پولیس
- موسسات عدالت جنایی

قوانین نمونوی برای عدالت جنایی بعد از جنگ و ستیزه

- انستیتوت صلح ایالات متحده آمریکا و مرکز حقوق بشر ایرلند در همکاری با دفتر کمیساری عالی ملل متحد در بخش حقوق بشر و دفتر ملل متحد در بخش مواد مخدر و جرایم، مستوده مجموعه‌ای از نمونه‌های قوانین را ترتیب نموده که چهارچوبی را برای عملیات صلح، ماموریت‌های بین‌المللی و کشورها فراهم می‌نماید که آنها می‌توانند بصورت عاجل در برابر مسایل عدلی پاسخ دهند. قوانین نمونوی برای عدالت جنایی پس از جنگ و ستیزه شامل: "قانون جرایم جنایی"، "طرز العمل نمونوی مسایل جنایی"، "قانون نمونوی توقیف"، "قانون نمونوی پولیس" و رهنمودها برای استفاده قوانین نمونوی می‌باشند. با در نظر داشت درس‌های آموخته شده از عملیات گذشته و حاضر صلح در سرتاسر جهان:
- قوانین نمونوی بحیث وسیله مراجع برای مقامات ملی و بین‌المللی در ماحول جوامع پس از جنگ و ستیزه می‌تواند خدمت کند
- منجیث وسیله حقوق بین‌الکتوری خدمت میکند که از سیستم‌های مختلف حقوقی جهان بشمول قانون عامه، حقوق مدنی و اسلامی منشأ گرفته است.
- خلای اسناد تقنینی را پُر یا قوانین موجود را جهت برآورده نمودن معیارهای بین‌المللی تعدیل می‌کند و اینکه از کفایت قانون برای انجام وظیفه دشوار احیاً نظم و قانون در جوامع پس از جنگ و ستیزه اصمینان حاصل گردد
- چهارچوب قانونی مبارزه با جرایم جنایی را فراهم می‌نماید که می‌تواند در جوامع پس از جنگ و ستیزه یعنی در جاهائیکه موانع قابل ملاحظه غرض دریافت یا پذیرفتن قانون‌های قابل اجرا و پذیرفتنی وجود دارد، به اجرا گذاشته شود

تعدیلات قانون جرایم جنایی یا سایر اسناد تقنینی جنایی

تعدیل قانون جرایم جنایی یا سایر اسناد تقنینی جنایی (در صورت نبود قانون جرایم جنایی) ممکن ضروری پنداشته شود تا روش‌هاییکه تحت گسترده جرایم جدی قرار می‌گیرند بحیث جرایم جدی محسوب گردد. این روش‌ها می‌توانند شامل جرایم سازمان یافته، فساد اداری، تطهیر پول، جلوگیری از تحقق عدالت (مثلاً، تهدید، ارباب یا رشوه دهی به شاهدان، پولیس یا مقامات عدلی)، شهادت دروغ به محاکم، افشای هویت شاهدانی که به حکم محکمه بی‌نام ثبت شده‌اند، قاچاق افراد و اموال، قاچاق مهاجرین، تخلفات مربوط به اسلحه، بیانیه نفرت، تخلفات مواد مخدر، جرایم انترنیتی و تروریستی بشمول داشتن عضویت سازمان تروریستی یا تمویل‌کننده آن گردد. اکثریت تخلفات مانند جرایم سازمان یافته، قاچاق انسان و تطهیر پول در اسناد تقنینی بیشتر کشورها هم در جوامع پس از جنگ و ستیزه و هم در کشورهایی با ثبات تر وجود ندارد. زمانیکه اسناد تقنینی برای جرایم سازمان یافته و قاچاق افراد ترتیب می‌گردد، ضرور خواهد بود تا قانون جرایم جنایی یا سایر قوانین تعدیل گردد تا اطمینان حاصل گردد که مشارکت در فعالیت‌های جرمی مانند توطیه یا عمل مشترک جرمی تحت پوشش آن قرار گرفته است. در حالیکه این کتاب عمیقاً روی تعدیلات مختلف در چهارچوب قانونی تمرکز داشته مگر هیچ نوع ژرف‌نگری روی تعدیل قانون جرایم نداشته است. برای تعریف این جرایم بمنظور شامل نمودن آن در قانون جرایم یا سایر اسناد تقنینی مربوط جنایی و ترتیب مستوده قانون‌های محلی، ضروری خواهد بود تا به کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقوی نظر انداخته شود که معمولاً این تعریفات را در بر دارد

(به چوکات ها در مورد وسایل بین المللی و منطقی جرایم مراجعه شود و بررسی جرایم صفحه 49 دیده شود). سایر منابع مربوط به تخلفات جدی ممکن قوانین جنایی خارجی یا اسناد تقنینی جنایی باشند. علاوه بر "طرز العمل نمونه قانون جرایم جنایی" (بحیث قانون نمونه برای تأمین عدالت جنایی در جوامع پس از جنگ و ستیزه طرح شده - به چوکات متمم در صفحه 52 مراجعه شود)، حاوی یک فهرست تخلفات جدید و خاصاً تخلفاتی که در جوامع پس از جنگ و ستیزه متداول می باشند، است. قابل یاد آوریست، تعدیلاتی که در قانون جرایم جنایی یا سایر اسناد تقنینی مربوط بعمل می آید باید با شرایط و اصول عمومی که متضمن قانون یا اسناد تقنینی مربوط باشند، سازگار باشد.

تعدیل طرز العمل قانون جرایم جنایی یا سایر قوانین طرز العملی

این امر ممکن ضروری باشد تا قوانین طرز العملی نافذ یک کشور اقلاباً به دو طریقہ تعدیل گردند. نخست قانون طرز العملی باید بحیث کل تعدیل شود تا از مطابقت آن با معیار های بین المللی اطمینان حاصل گردد. یک چهارچوب حقوقی سازگار با این معیار ها غرض بررسی عادلانه جرایم جدی ضروری می باشد. طور مثال چهارچوب حقوقی باید دارای میکانیزم هایی باشد که از استقلالیت و بی طرفی قاضیان در امر اجرای قوانین اطمینان حاصل گردد. با در نظر داشت صلاحیت قابل توجه که برای اکثر افراد در سیستم عدلی جنایی تفویض گردیده، باید قوه قضاییه قوی و مستقل، از تحوه اعمال آن نظارت بعمل آورد. (تعدیلات غرض اطمینان از مطابقت چهارچوب حقوقی بحیث کل با معیار های حقوق بشر در ذیل بحث نگردیده زیرا که این امر بیرون از گستره بحث این کتاب رهنما می باشد).

محکمه عادلانه و طی مراحل حقوقی مقتضی و مناسبه ضروری، اما نه گران مصرف

در بعضی عملیات های صلح، گرایش بطرف قربانی نمودن تضمین های مربوط به محکمه عادلانه و طی مراحل مقتضی و مناسب بنام های پیگیری موفقانه جرایم جدی یا نگرستن به این ضمانت ها بحیث یک پدیده اضافی جهت نیل به هدف نهایی جلوگیری از چنین جرایم نگرسته میشود. صرف نظر از اینکه تضمین های مذکور یک پدیده اضافی نیست، بلکه اصل تضمین محکمه عادلانه و طی مراحل حقوقی مقتضی و مناسب جنبه های اساسی عدالت و حاکمیت قانون را نیز تشکیل می دهد و نمی تواند توسط کشور های که حامی ارتقای این ارزش ها باشد، به حاشیه کشانده شود، خصوصاً یک کشور پس از جنگ در جائیکه اکثر تلاش ها غرض بهبود و ارتقای سطح ارزش های قبلاً نادیده گرفته شده صورت می گیرد.

علاوئاً، اکثریت تعدیلات در چهارچوب حقوقی که در ذیل مورد بحث قرار گرفته به فعالین مربوط در سیستم قضایی صلاحیت های قابل ملاحظه تفویض می نماید. در شرایط یک جامعه پس از جنگ و ستیزه، در جائیکه نیروی پولیس ممکن متشکل از افسران کم آموزش دیده و بی تجربه باشند، طور مثال تفویض صلاحیت زیاد بدون ضمانت حقوقی و محافظت های لازم برای مظنونین و متهمین، ممکن خطرناک ثابت شود.

ثانیاً، با در نظر داشت اینکه روش های پیچیده مبارزه با جرایم جنایی، مقتضی روش های حقوقی که بطور فزاینده پیچیده میشوند، می باشد. قوانین طرز العملی در کشور های پس از جنگ و ستیزه شاید نیازمند تعدیل باشد تا جرایم جدی را بصورت موثر تحقیق و پیگیری نماید. (این نوع تعدیلات در ذیل بحث گردیده است.)

تعدیل طرز العمل های پولیس

هر نوع تعدیل در طرز العمل های پولیس (طور مثال، طرز العمل های اجرایی یا واضح کننده یا طرز العمل های معیاری عملیات) باید همزمان با طرز العمل قوانین جنایی صورت گیرد. تعدیل طرز العمل های پولیس بخاطری ضروری پنداشته می شود که قوانین اجراءات جزایی جدید جنایی معمولاً صلاحیت های جدیدی

مشکل نبود منابع کافی

میباشد که برای اجرای مقررات ثبت سری مکالمات بعنوان یک وظیفه چند جانبه شامل: مراقبت، رو نویسی، ترجمه (در صورت ضرورت)، و گزارش دهی، لازم است. به همینگونه، اگرچه تعدیلاتی در طرز العمل قانون جرایم جنایی کوسوو صورت گرفت که اجازه میدهد شاهدان بی نام از طریق تلویزیون مدار بسته و وسایل تبدیل کننده آواز، شهادت دهند، مگر تا چند سال بعد نیز وجوه مالی لازم جهت خریداری تجهیزات و پرداخت معاش تخنیکران فنی جهت فعالیت دستگاه های مربوط وجود نداشت. مصرف نگهداشت متداوم و عملیات نیز به مشکل محدودیت منابع می افزاید.

نبود منابع مالی برای یک کشور معمولاً یک چالش دشوار را برای استفاده از وسایل موثر غرض مبارزه با جرایم جدی بوجود می آورد. این مشکل خاصاً در جوامع پس از جنگ و ستیزه شدید بوده و در جاییکه رقابت برای منابع محدود روبه افزایش می باشد. طور مثال، در کوسوو، با وجودیکه قوانین اجازه ثبت سری مکالمات را میدهند که در کتب به چاپ برسید، تلاش ها در امر مراقبت بنا بر مصرف گران تجهیزات به یک کار پیچیده مبدل گردیده است. مصرف تجهیزات ابتدایی مراقبت از شبکه موبایل این ولایت در حدود 500,000 تا یک میلیون دالر تخمین گردیده است. علاوه بر آن، این مصرف شامل مبالغ گزافی نه

را به نیروی پولیس می دهد. این صلاحیت ها به پولیس تصریح میدارد که چی کارها را می تواند انجام دهند، در حالیکه طرز العمل های پولیس جزئیات اجرای صلاحیت ها را فراهم می نماید. طرز العمل های جدید پولیس باید در برابر سو رفتار پولیس از طریق فراهم آوری رهنمایی مناسب عملیاتی به افسران پولیس در زمان عملیات های مخفی و ساده، مراقبت پنهان مظنونین در جا های عامه و سایر فعالیت های تحقیق مخفی محافظت نماید.

اصلاحات تشکیلاتی

اصلاحات تشکیلاتی ممکن لازم باشد تا سیستم عدلی جنایی را قادر به مبارزه موثر در امر مبارزه با جرایم جدی سازد. چنین تغییرات می تواند شامل ایجاد واحد یا گروه های کاری و محاکم اختصاصی یا دفاتر مسلکی باشد. اصلاحات تشکیلاتی که بصورت مفصل در فصل 4 تشریح گردیده، لزوماً نیازمند بررسی مجدد نقش ها، ارتباطات، تقسیم صلاحیت و مسئولیت های داخلی و بین الاداراتی می باشد.

تعدیل چهارچوب حقوقی

این بخش معلومات ابتدایی را در مورد بعضی از متداول ترین تعدیلات انجام شده در چهارچوب های حقوقی جهت مبارزه با جرایم جدی فراهم می نماید و بخصوص روی تعدیلاتی که در ماحول های بعد از جنگ و ستیزه اجرا گردیده متمرکز می باشد. با وجودیکه از اصلاحات تشکیلاتی و عملیاتی یاد آوری بعمل آمده، این بخش صرفاً با تعدیلات طرز العملی سرو کار دارد. بدین ترتیب روی مسایل مختلف شامل پروسه پیچیده و نیازمند منابع اجرای تعدیلات مسایلی چون: آموزش، منابع بشری و منابع مادی بحث صورت می گیرد. قابل تذکر است که هیچ تلاش غرض فراهم آوری یک لست جامع و شامل همه جزئیات تعدیلات ممکن، هنوز فراهم نگردیده است.

لازم است تا قبل از اتخاذ هر نوع اقدام، عملی بودن و امکانات عملی آن در نظر گرفته شود. بطور مثال در جائیکه منابع بسیار ابتدایی مانند موتر پولیس و مخایره رادیویی موجود نباشد، معرفی اقدامات پیچیده مخفی و مراقبتی شاید یک انتخاب پایدار محسوب نه شود. اقدامات طرزعملی آتی در ذیل مورد بحث قرار گرفته است:

- مراقبت مخفی و سایر اقدامات مراقبتی
- اقدامات جهت محافظت شاهدان
- معافیت از تعقیب عدلی یا تخفیف در مجازات برای شاهدان همکار
- ضبط و مصادره عواید و وسایل از مدرک جرایم
- طرزعمل های موثر استرداد مجرمین به کشور های متبوعه شان
- همکاری های متقابل حقوقی

مراقبت مخفی و سایر اقدامات مراقبتی

مجرمین در روش هایی که از آن استفاده می نمایند بصورت فزاینده ماهر گردیده اند. در نتیجه، وسایلی که برای تحقیق جرایم از آن استفاده می گردد نیز پیشرفته تر گردیده اند. پیشرفت در تکنالوژی مراقبتی در امر بررسی جرایم سازمان یافته که پلان گذاری آن معمولاً در گروپ های از افراد صورت می گیرد، مزایای زیادی را به بار آورده است. کنوانسیون های بین المللی اخیر مانند UNTOC کشور ها را تشویق می نماید تا تخنیک های مخصوص تحقیق مانند مراقبت الکترونیک و عملیات مخفی را مطابق چهارچوب حقوقی داخلی کشور اجرا نمایند. لازم به تذکر است که هر چند مقاومت قابل درک در امر پذیرفتن این اقدامات در جامعه پس از جنگ و ستیزه، در جائیکه تخنیک های مشابه توسط پولیس مخفی تحت رژیم های قبلی مورد استفاده قرار گرفته باشد، وجود خواهد داشت.

اقدامات مخفی و سایر انواع مراقبت ها که در اینجا بالای آن بحث صورت گرفته باید از جمع آوری اطلاعات استخباراتی جنایی تفکیک گردد. حال آنکه وسایل جمع آوری معلومات در بعضی موارد ممکن یکسان باشد مگر تفاوت قابل ملاحظه در هدف جمع آوری معلومات، مواد قانون که جمع آوری معلومات را تنظیم میکند و همچنان افراد شامل در جمع آوری معلومات، وجود دارد. تمرکز بحث تدابیر مراقبتی روی جمع آوری معلومات توسط پولیس یا خائوالی تحت مراقبت یک نهاد عدلی یا یک قاضی بمنظور جمع آوری معلومات مربوط به تحقیق و بازجویی جرایم جدی می باشد. شواهدی که به شکل قانونی از طریق مراقبت مخفی یا سایر انواع آن بدست می آید ممکن بعداً در محکمه بحیث شواهد از آن استفاده گردد که معمولاً در معلومات استخباراتی چنین نمی باشد. (فصل 5 معلومات استخباراتی را به جزئیات مورد بحث قرار می دهد.)

در قوانین داخلی، جوامع پس از جنگ و ستیزه ممکن روش‌های مختلف جمع‌آوری معلومات را در نظر بگیرند. لست ذیل شامل بعضی از این روش‌ها می‌باشد. (یک لست مفصل و بحث‌روی این روش‌ها می‌تواند در "طرز العمل نمونه‌وی قانون جرایم جنایی" پیدا شود.)

- جلوگیری، مراقبت و ثبت مکالمات تیلیفونی
- جلوگیری، مراقبت و ثبت مکالمات شبکه‌های کمپیوتری
- مراقبت محلات شخصی بشمول مراقبت مخفی و ثبت و یادداشت مکالمات
- بازرسی مخفی مکاتیب، بسته‌ها، کانتینرها و پارسل‌ها
- کنترل ارسال (یا به عباره دیگر مراقبت و کنترل مخفی از پروسه ارسال)
- مکاتیب، بسته‌ها، کانتینرها و پارسل‌ها
- مراقبت، ثبت و یادداشت مکالمات مورد نظر و مشاهد، مراقبت و ثبت افراد، گردش یا سایر فعالیت‌های شان در فضا‌های عامه و باز
- مراقبت مخفی از معاملات مالی
- افشای معلومات مالی بشمول معلومات حسابات امانت معیادی، صورت حساب‌ها یا معاملات بانک‌ها و سایر نهاد‌های مالی
- استفاده از وسایل پیگردی و موقعیت‌یابی
- توظیف کارمندان مخفی
- خریداری تظاهری اشیاء مانند مواد مخدر
- تخلف تظاهری فساد اداری

در زمان استفاده از مراقبت مخفی و سایر اقدامات مراقبتی، تعادل مناسب باید میان حق محرمیت افراد و حق کشور در امر تحقیق جرایم جدی بوجود آورده شود. محرمیت یک حق شناخته شده در تمام معاهدات حقوقی می‌باشد، مگر این یک "حق محدود" می‌باشد، بدین معنی که در بعضی موارد این حق باید در برابر امنیت ملی، مصئونیت عامه و جلوگیری از بی‌نظمی یا جرایم مقایسه گردد. که تمام این مسایل در معاهدات مربوط بیان گردیده است. اقدامات مخفی مراقبتی حتماً بر حدود مختلف حق محرمیت افراد غلبه می‌کند. با در نظر داشت طبیعت داخل شدن بدون اجازه، در مواردی که اقدامات مخفی یا سایر انواع اقدامات یا مراقبت صورت می‌گیرد، پارامترهای چنین اقدامات باید بصورت جدی محدود و معین گردد.

واضح‌ترین رهنمایی در مورد مقرر حقوقی و پارامترهای مشخص مراقبت مخفی و سایر انواع آن از محکمه حقوق بشر اروپا منشأ گرفته است، که در آنجا این امر چندین مرتبه تعقیب قانونی گردیده است. اصول حسابدگی و پاسخگویی که در محاکم بین‌المللی مانند محکمه اروپا، متداول است، باید در تمام قوانین مراقبت شامل گردد. از جمله عناصری که باید شامل گردد عبارت از موادی است که پاسخگویی در برابر صلاحیت و همچنان ارزیابی و نظارت این اقدامات توسط محاکم را تأمین نماید. با در نظر داشت صلاحیت قابل ملاحظه که به مسئولین سیستم قضایی توسط اسناد تفنینی جهت اجازه اقدامات مخفی و سایر انواع مراقبتی اعطا گردیده و بخصوص با در نظر داشت اینکه حق محرمیت افراد ممکن توسط رژیم‌های قبلی تلف گردیده

باشد، از آنرو این امر مهم است تا سیستم قضا بصورت قوی و مستقل از استفاده این صلاحیت مراقبت و نظارت بعمل آورد. اسناد تقنینی نیز باید شامل مقررات باشد تا جلوگیری از مکالمات نامربوط را به حداقل رسانند. استفاده، کاربرد، حفظ و از بین بردن اطلاعات مادی و شخصی بدست آمده از طریق اقدامات مخفی و سایر انواع تدابیر مراقبتی را تنظیم نماید و اهداف مراقبت را در صورت نبود تعقیب عدلی با یگانه استثنای حفظ محرمانگی عملیات جاری مخفی، اعلام نماید.

رهنمایی اضافی می تواند در "طرز العمل قانون نمونه مبارزه با جرایم" پیدا شود، که شامل یک چهارچوب تفصیلی برای تنظیم مراقبت که معیارهای بین المللی، حقوق مربوط و بهترین عملکردهای بین المللی در این ساحه را در نظر میگیرد، می باشد. تفسیر ضمیمه هذا محتویات مقررات مذکور را به تفصیل بیان می نماید. مأخذ موثر دیگر رهنمود تقنینی برای اجرای کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته و پروتوکول های بین المللی مربوط آن میباشد. (بعد از این بنام رهنمود تقنینی UNTOC یاد میگردد). رهنمود تقنینی مثال ها و موخذ های فراوان را بمنظور قانونگذاری مفید داخلی در مورد مراقبت موثر داخلی فراهم می نماید.

علاوه بر تعدیلات تقنینی، پولیس و خائوالان به طرز العمل های عملیاتی یا مقرراتی ضرورت خواهند داشت تا از آن بحیث رهنمود در امر استفاده از تدابیر مراقبتی استفاده بعمل آید. پروتوکول ها و طرز العمل های همکاری بین الاداراتی نیز برای تأمین همکاری موثر فی مابین خائوالان و پولیس ضروری پنداشته می شود.

یقیناً که نبود منابع بزرگترین مانع مراقبت مخفی و سایر انواع تدابیر مراقبتی محسوب می شود. تجهیزات لازم برای اجرای این چنین تدابیر بسیار گران قیمت بوده و صرفاً شامل تجهیزات ثبت نمیشد بلکه همچنان و سیله جهت نگهداشت مکالمات ثبت شده و تجهیزات غرض کاپی مکالمات را نیز دبر میگیرد. و جوه مالی برای مصرف کاپی (و همچنان ممکن ترجمه) نیز ضرورت می باشد. آنانیکه برای اجرای این تدابیر موظف می گردند به آموزش های گسترده ضرورت خواهند داشت.

اقدامات جهت محافظت شاهدان

شاهدان قضایای جرایم جدی می تواند شامل قربانیان، تماشاگران بی گناه و افرادی که در فعالیت جرمی شامل بوده اند، ولی با پولیس همکاری می نمایند، گردد. در اکثریت کشور های پس از جنگ و ستیزه، بازجویی فعالیت های جرایم جدی بصورت جدی بنا بر تهدید یا اخطار مرگ به آنها و فامیل های شان توسط مرتکبین جرم و یا بسته گان شان باعث عدم علاقمندی شاهدان و حتی قربانیان قضایا گردیده تا در محکمه گواهی دهند. این امر به هیچ صورتی بی اساس نبوده، شاهدان احتمالی قبل از محکمه یا گواهی نا پدید شده اند در حالیکه عده دیگری از شاهدان بعد از گواهی در محکمه از انتقام جویی رنج برده اند. این بخش مخصوصاً در موارد قضایای تحقیقات برای فعالیت های جرایم سازمان یافته یا سیاسی یا مبنی بر گرایش های قومی وارد می باشد. بنا بر این، اتخاذ تدابیر محافظت برای شاهدان ضرورت می باشد. باید به خاطر داشت که ماده 24 (1) UNTOC، اجرای بعضی تدابیر محافظتی برای شاهدان را در جائیکه مناسب و در حدود امکانات کشور باشد، اجباری بیان می سازد.

علاوه بر قربانیان و شاهدان، افرادی که مرتکب یک عمل جرمی گردیده ولی با دولت در برابر یک گروه یا سازمان جرمی همکاری نموده و در نتیجه از تحقیق یا تخفیف های محکمه آزادی حاصل نموده، ممکن به محافظت ضرورت داشته باشد. در صورتی که شخص همکاری کننده با دولت در زندان باشد، لازم است تا مسئولین زندان از تدابیر محافظت شاهدان برای تأمین مصونیت شان در جریان و بعد از محکمه اطمینان حاصل نمایند.

فصل چهارم روی طرق محافظت شاهد بشمول محافظت فزیکتی بحث می نماید. بحث اینجا روی تدابیر محافظت شاهدان تحت قانون طرز العمل مبارزه با جرایم یک کشور و تدوین قوانین محافظت و تبدیل محل شاهدان، محدود می باشد.

تدابیر محافظت شاهد تحت طرز العمل های اجرایی قوانین جزایی

هدف تدابیر طرز العمل محافظت شاهدان آنست تا هویت شاهدان از مردم عامه مخفی نگه داشته شود. این تدابیر ممکن شامل بوجود آوردن یک بی نامی موقت باشد که در آن نام و سایر معلومات در باره هویت شاهد به متهم یا قضات الی چند لحظه قبل از آغاز محکمه افشا نگردد. در بعضی موارد شاهدان کاملاً بی نام نگه داشته می شوند که صرفاً به قاضی مربوط و عملء تحقیق در محکمه گفته می شود. به عوام و شخص متهم و وکیل مدافع وی نام شاهد یا سایر معلومات مربوط به هویت او داده نمی شود. (همه کشورها مسئله بینامی برای شاهدان را، بنابر ماهیت متنازع آن طوریکه در ذیل تذکر یافته، در قوانین داخلی شان فراهم نمی کنند.)

تدابیر مختلف محافظتی شاهدان که می تواند بینامی شاهدان را تأمین نماید، قرار ذیل اند:

- افشا نکردن هویت شاهد به مردم و یا نابود کردن هر نوع معلوماتی که هویت شاهد را افشا نماید از ثبت عامه محکمه
- افشا نکردن معلوماتی که هویت شاهد را به شخص متهم و یا وکیل موافع موصوف الی یک مدت مناسب قبل از محکمه نشان دهد
- تلاش گردد تا سیما یا شرح فزیکتی شاهد که در محکمه شهادت میدهد پنهان شود. این تلاش ها می تواند شامل شهادت پس پرده یا از طریق تجهیزات تغییر دهنده سیمای روی یا قیافه یا صدا انجام پذیرد مانند: بازرسی همزمان در جای دیگر، رسانیدن آن به محکمه از طریق تلویزیون های مدار بسته و بازرسی ویدیویی قربانی یا شاهد قبل از بیان در محکمه.
- دادن یک تخلص به شاهد با افشای نام مکمل وی به وکیل مدافع در مدت مناسب قبل از محکمه
- بسته کردن در های جلسات محکمه به روی عوام
- دور کردن متهم به صورت موقت از اطاق محکمه در جریان شهادت

در مواردی که محرمیت نام شاهد بر خلاف سایر اقدامات محافظت شاهدان مطرح باشد، یکتعداد و وسایل فوق الذکر (مانند حذف نام شاهد از یادداشت تمام محاکم، افشای هویت شاهد در جریان گواهی) ممکن یکجا مورد استفاده گیرد تا از عدم افشای هویت شاهد به مردم یا وکیل مدافع اطمینان حاصل گردد.

معرفی طرزالعمل محافظت شاهدان و تدابیر بی نامی شاهدان ممکن بر اساس طرزالعمل قانون مبارزه علیه جرایم جنایی یک کشور، مقتضی یک سلسله تعدیلات باشند. تعدیلات ممکن برای تشخیص افراد واجد شرایط تدابیر محافظتی نیز مورد تعدیل قرار گیرد، در مورد اینکه تعقیب عدلی یا دفاع چگونه در مورد تدابیر محافظتی مورد استفاده گیرد و آیا تحت کدام شرایط استماع محکمه باید توسط قاضی صورت گیرد تا روی یک درخواست کار نماید. با در نظر داشت اینکه طرزالعمل‌های بینامی شاهدان بالای حقوق متهم که با یک شاهد مقابله نموده و یک شاهد را علیه خود ارزیابی کند، تحمیل میشود، بسیاری کشورها تصمیم گرفته‌اند که که چنین قوانین را به عنوان یک مسئله مربوط به پالیسی طرح نه کنند. سایر کشورها از اتخاذ چنین اقدامات از طریق مجموعه قرارهای قضایی نشر شده‌شان منع میشوند. اگرچه کشورهای زیادی چنین اقدامات را اجرا نموده‌اند. طوریکه در فصل 4 به تفصیل بیان میگردد، تدابیر بینامی در کوسو در شرایطی به اجرا گذاشته شد که پروگرام‌های تغییر مکان شاهدان نمی توانستند مصونیت شاهدان را قبل یا در جریان محاکمه مربوط به جرایم جدی، تأمین نمایند.

کشورهایی که عملی نمودن اینگونه اقدامات را انتخاب نموده‌اند، یک توازن ظریف باید میان حقوق مربوط به محاکمه عادلانه متهمین و حقوق قربانیان در نظر گرفته شود. قرارهای قضایی دو مرجع یعنی محکمه اروپایی حقوق بشر و دیوان محاکماتی بین المللی جنایی یوگوسلاوی سابق، خطوط رهنمای وسیع را در زمینه اوضاع و احوالی که در آن یک حکم بینامی میتواند صادر گردد، بشمول قوانینی که تصریح میدارند، بینامی باید تنها بعنوان یک تدبیر استثنایی اعطا گردد، فراهم

میسازند. "قانون نمونه طرزالعمل

های جنایی" حاوی مواد وسیع در باره تدابیر محافظت و بینامی شهود میباشد. مواد مذکور موضوع مطابقت با معیارهای بین المللی و بهترین اجراء را تأمین میکند. تفسیرهای توأم شده با این مواد یک تحلیلی از این معیارهای بین المللی را فراهم نموده و توضیح میدارد که چطور مواد مذکور میتواند در قوانین داخلی گنجانیده شوند. رهنمود تقنینی UNTOC مسئله تدابیر محافظت شهود را به تفصیل مورد بحث قرار داده و همچنان مثال هایی از قوانین داخلی را فراهم میسازد.

شاهدان در خطر در کشورهای صربیا و عراق

در ابتدای سال 2004، کوجو کریجیستورک Kujor Krijestorac یک شاهد کلیدی عینی قتل صدر اعظم صربیا آقای زورن دجندجیک Zoran Djindjic، قبل از گواهی در مورد قضیه زویزدان جو وانویک Zvezdan Jovanovic قاتل آقای دجندجیک به قتل رسید. کریجیستورک قبل از کشته شدن توسط فیر مرمی در نزدیک خانه موصوف در بیرون شهر بلگراد، به مرگ تهدید گردیده بود. زمانیکه در مورد انگیزه‌های احتمالی کشتن پرسیده شد، راجکو دانیلویک Rajko Danilovic، یک وکیل مدافع فامیل دجندجیک یاد آور شد که "شاید قاتل میخواست سایر شاهدان را تهدید نماید."

در پاسخ به مصونیت شاهدان در محکمه صدام حسین، مسئولین عراقی در اکتوبر 2005 در موعد نزدیک به محکمه مخصوص اعلان نمودند که شاهدان می توانند در عقب پرده گواهی خویش را ارایه نمایند.

علاوه از تعدیلاتی که در فوق مورد بحث قرار گرفت، تدابیر و طرز العمل‌های عملی و اداری نیز باید برای مسایلی چون ذخیره مصون اسناد انتخاب شده، وضع گردد. مزید بر این، هنگام اجرای تدابیر محافظت شهود کشور های زیادی همچنانی قوانین متمم را در زمینه معرفی کرده اند. طور مثال، جهت جرم تلقی نمود عملی که مانع جریان قضایی شود یا افشای هویت یک شاهدی که تحت حفاظت قرار داشته باشد. موضوع جرم اخیر که شامل ماده 23 UNTOC میباشد، از دولت های که کنوانسیون مربوط را امضاء نموده اند مطالبه مینماید تا " استفاده از نیروی فیزیکی، تهدید یا ارباب. را جهت و ادار کردن به شهادت دروغ یا جهت دخالت در شاهدی مورد نظر یا فراهم نمودن شواهد" در هروقت یعنی قبل یا در جریان اجراءات قضایی را جرم تلقی نمایند.

اثرات مالی تدابیر محافظت شاهدان و بینامی شاهدان باید قبل از اجرای آنها مورد غور قرار گیرند. در حالیکه بعضی تدابیری چون دستکاری در اظهارات یا دور کردن متهم از تالار محکمه در هنگام ادای شهادت، اثرات احتمالی بسیار کمی دارد. سایر تدابیر چون: شهادت از فاصله دور یا آله تبدیل نمودن صدا، گران قیمت میباشند. علاوه از اینها، پولیس، قضات، خرنوالان و وکلای مدافع در زمینه های جنبه های واقعی و عملیاتی تدابیر محافظت شاهدان و بینامی شاهدان، نیازمند آموزش خواهند بود.

قوانین مربوط به محافظت و تغییر محل شاهدان

علاوه از تدابیر محافظت شاهدان که در فوق مورد بحث قرار گرفت، بعضاً محافظت فیزیکی یک شاهد هنگام تحقیقات و محاکمه لازم میباشد. علاوه از این، تهدیدات میتواند در خارج از محاکمه قضایی (بطور مثال خانواده مدعی علیه ممکن در صدد انتقام جویی در مقابل شاهدان برآید). در چنین اوضاع و احوال، میتواند شاهدان و خانواده های شان در یک برنامه محافظت و تغییر مکان شاهدان جابجا شده و به یک ساحه دیگر منتقل شده و یا (خصوصاً اگر کشور یا منطقه کوچک باشد) به یک کشور دیگر انتقال داده شوند. به شاهد یا خانواده او میتواند به آسانی یک ویژه اعطا گردد تا در یک کشور دیگر زنده گی کنند. به همین ترتیب میتواند برای آنها هویت جدید، خانه های جدید، مشاغل جدی، کمک و پول به آنها فراهم گردد تا یک زنده گی جدید را وسامان بخشند. روابط سرحدی از طریق موافقتنامه های دو جانبه یا چند جانبه با کشور های دیگر تسهیل میگردد. اگرچه تجارب نشان داده که دولت ها نمی خواهند که شاهدانی با یک سابقه جنایی را بپذیرند. پروگرام های محافظت و تغییر مکان شاهدان مقتضی رهنمود های عملیاتی و اداری میباشد تا اطمینان حاصل گردد که شاهدان محفوظ اند. در بعضی کشور ها، پروگرام های محافظت و تغییر مکان شاهدان به وسیله قوانین و طرز العمل های پولیس تنظیم میگردد که در تناقض با قوانین اجراءات جزایی قرار دارد. تغییرات در چهارچوب حقوقی ممکن لازم باشد تا یک پروگرام های محافظت و تغییر مکان شاهدان ساخته شود. رهنمود تفنینی UNTOC مثال های این تغییرات را بشمول مثال های ذیل ارایه میکند:

- ایجاد صلاحیت های قانون گذاری یا قانون گذاری نماینده جهت محفوظ نگه داشتن هویت شاهدان، فراهم ساختن تسهیلات برای ساختن هویت جدید و فراهم ساختن صدور هویت نامه های جدید و سایر اسناد به یک نحوهء مؤن و مطمئن. یک کشور همچنان میتواند تدابیری را با کشورهای دیگر اتخاذ نماید که تغییر مکان سرحدی را اجازه دهد.
- تدوین قوانین یا طرز العمل هایی که معیین سازد کی برای مقاصد پیشبینی شده پروگرام و طرز العمل، واجد شرایط شاهد بودن است تا مسایل مربوط به خطرات احتمالی و تهدیدات در برابر شاهدان، تدابیر احتیاطی جهت جلوگیری از استفاده نادرست از جوه و نیروهای احتیاطی و همچنان مطالبات مربوط به امنیت فزینگی و معلومات را ارزیابی نماید.

معافیت از تعقیب عدلی یا کاهش مجازات برای شاهدان همکار

معافیت از تعقیب عدلی یک پروسهء حقوقی رسمی است که در آن یک شخصی که به ارتکاب یک خلاف رفتاری جرمی متهم شده، در بدل شهادت او علیه متهم یک محاکمه از تعقیب عدلی معاف میگردد. کاهش مجازات یک پروسهء حقوقی رسمی می باشد که در آن یک شخص به اساس سطح همکاری وی در تحقیق عدلی قضا یا، مجازات خفیف تری را دریافت میدارد. شخص مذکور معمولاً بنام شاهد همکار یاد میگردد. معافیت از تعقیب عدلی به یک وسیلهء مفیدی در مبارزه علیه جرایم جدی مبدل گردیده است. در قضایای مربوط جرایم سازمان یافته این امر اکثراً دشوار میباشد تا شواهدی علیه آنها پی پیدا شود که در مقامات بلند قرار دارند. از آنرو این امر بسیار کمک میکند تا شواهدی به نحوهء شهادت، خصوصاً از آنانی داشته باشیم که با متهمین قرابت داشته یا همکاران سابقه متهم بوده باشند. شواهدی را که یک شاهد همکار در بارهء یک همکار یا سازمان جنایی فراهم میسازد، ممکن است بسیار دشوار باشد که بدون بعضی مشوق ها یا انگیزه ها بدست آورده شود. به این دلیل، ماده (26) [2] و [3] UNTOC از کشورها مطالبه مینماید ترویج معافیت از تعقیب عدلی یا تخفیف در احکام جزایی اشخاصی که در جریان تحقیقات یا تعقیب عدلی قضایای مربوط به جرایم سازمان یافته همکاری خوب نموده، مورد غور قرار گیرند. جهت مستفید شدن از این وسیله، دولت باید معمولاً قوانین جدید را اجرا یا قوانین موجود را تعدیل نماید. بعضی کشورها این را انتخاب میکنند تا حدود مواد مربوط به شاهدان همکار را محدود سازند تا تنها آن کسانی را در برگیرد که مرتکب جرم کمتر، یا قابل مجازات کمتر اند. (مثلاً آنانی که سران گروه های جنایتکار نیستند). برعلاوه، قوانین میتواند پیشبینی کند که مواد مربوط به شاهدان همکار تنها در موارد جرایم دارای ماهیت جدی، قابل اجرا میباشند. وسایلی که برای برای معافیت کامل از تعقیب عدلی کمک میکنند (همچنان بنام معافیت معامله بی نیز یاد میشود)، معافیت قسمی از تعقیب عدلی یا مستفید شده از تخفیف در احکام مجازات (همچنان بنام معافیت کاربردی نیز یاد میشود). تعدادی از کشورها قوانینی را اجرا نموده اند که از معافیت کامل حمایت میکنند. در چنین قوانین یک رسیده گی در بارهء موقف شاهد و یک تصمیم قضایی در رابطه به ضابطهء حقوقی، چون همکاری کامل و داوطلبانهء شخص مورد نظر، احتمال شواهدی که منجر به تعقیب عدلی موفقانه شود، و راست بودن و تکمیل بودن شواهدی که به

وسيله شاهد احتمالی همکار ارایه میگردد، شامل میباشد. اگر ضابطه یا معیار برآورده شد، درخواست دهنده بحیث یک شاهد همکار شناخته میشود و حکم یک شاهد همکار وقتی صادر میگردد که به موجب آن تعقیب عدلی یا دوسیه مربوط شخص متهم به جرم (یا جرایم) بسته شود. مسلماً، شخص مذکور میتواند متعاقباً به سبب ارتکاب سایر خلاف رفتاری های که در حکم شاهد همکار بودن او شمرده نه شده، مورد پیگرد قانونی قرار گیرد. اعطای موقف شاهد همکار داوطلبانه است. محکمه میتواند در هر زمانی آنرا در صورتیکه شاهد مورد نظر از شرایط حکم مورد نظر تخطی کند، لغو نماید. جهت جلوگیری از استفاده سوء تدابیر شاهدان همکار، کشور های زیادی موادی را در قوانین مربوط معرفی کرده اند که یک شخص نمی تواند تنها یا "تا یک حد قطعی" بر بنیاد شواهد ارایه شده یک شاهد همکار، مجرم شناخته شود، بلکه در عوض آن یا علاوه بر ترویج یک سیستم معافیت کامل معاملاتی، بعضی کشور ها یک سیستم معافیت قسمی را نیز در معرض اجرا قرار داده اند. این سیستم پیشبینی میکند، شهادتی که به وسیله شخصی داده شده که در جستجوی معافیت است، در یک پروسهء تعقیب عدلی که علیه وی صورت میگیرد مورد استفاده قرار نخواهد گرفت، مگر در یک پیگرد عدلی بعدی که به علت شهادت دروغ یا بیانات غلط علیه وی صورت گیرد. طوریکه گفته شد، سایر شواهد میتواند جهت انکشاف یک پروسهء تعقیب عدلی علیه شخص مورد نظر مورد استفاده قرار گیرد.

برای یک قرار قضایی، بدیلی دیگری برای موقف یک شاهد همکار، عبارت از طرح قرارداد های عدم تعقیب عدلی و قرارداد های همکاری است که بخشی از دعوی باشد. قرارداد های عدم تعقیب عدلی میان خانونال و شخصی که در صدد معافیت است و شامل اعطای موقف معافیت کامل نیز میباشد. قرارداد های همکاری که در مقایسه با قرارداد های عدم تعقیب عدلی بیشتر معمول است، در هر دو سطح ملی و بین المللی بکار برده میشوند. (به طور مثال به وسیله دیوان محاکماتی جنایی برای یوگوسلاوی سابق). قرارداد های همکاری روی تخفیف مجازات یکنفر که معافیت قسمی یا کامل او از طرف خانونال مسترد شده، متمرکز میباشد. خانونال مربوط یک قراردادی را با شاهد همکار احتمالی عقد میکند که در مقابل شهادت او خانونال سعی میکند به محکمه پیشنهاد کند که در اندازه حکم مجازات متهم نامبرده تخفیف بعمل آید. این فعالیت نمی تواند از نظر قانونی الزام آور باشد تا در کار مستقل بودن قضا برای تصمیم یک مجازات مناسب، دخالتی صورت نگیرد. اما این امر میتواند برای قاضی حین تصمیم در مورد قرار قضایی تشویق ثابت شود. کشور های با احکام اجباری حد اقل جرایم جنایی نیازمند آن خواهند بود تا چهارچوب حقوقی شانرا تعدیل نمایند، تا به قضات صلاحیت صلاحیت حدید را بدهند تا بتوانند احکام مجازاتی را صادر کنند که از احکام اجباری حد اقلی که در قوانین مربوط پیشبینی شده اند، کمتر باشد.

اسناد تقنینی مربوط به شاهدان همکار یا تدابیر معافیت شاهدان، در کشور های زیاد معمول شده است. اگر چه بعضی کشور ها چنین اسناد تقنینی را ترویج نمی کنند، زیرا آنها با سایر اسناد تقنینی در تناقض قرار میگیرند یا آنرا نقض میکنند، مثلاً مواد اجباری (که به یک خانونال در صورت موجودیت شواهد کافی هیچ صلاحیت صلاحیت حدید نمیدهد که از تعقیب عدلی یک متهم امتناع ورزد) یا اصل برابری در مقابل قانون. کشور های دیگر چنین قوانین را از ترس مربوط به احتمال سوء استفاده از چنین تدابیر که ممکن است تردید های را راجع به موثق بودن مجازات مرتکبین جرایم را بار آورده یا در صورت معاف شدن کسی که مرتکب جرم شده و از تعقیب قانونی معاف گردیده، موجب قهر و غصه مردم و قربانیان شود، از عملی نمودن آن امتناع میورزند. حین

غور روی اسناد تقنینی مربوط به شاهدان همکار، این امر حایز اهمیت شمرده میشود که نظریات عامه مردم در باره این گونه تدابیر و در شرایطی که این تدابیر در معرض اجرا قرار خواهند گرفت، مخصوصاً در شرایط کشور های بعد از جنگ و ستیزه، جاییکه شاید این گونه تدابیر در زمان رژیم سابق مورد سؤا استفاده قرار گرفته و بناءً میتواند برای مردم پیامد های را در قبال داشته باشد، مد نظر گرفته شوند. اگر یک کشور تصمیم گرفت که اسناد تقنینی مربوط به شاهدان همکار یا معامله شهادت در مقابل معافیت را اجرا نماید، باز هم "قانون نمونوی اجرات جزایی جرایم جنایی" و رهنمود تقنینی برای UNTOC به عنوان مأخذ خوب خدمت کرده میتواند.

ضبط و مصادره عواید و وسایل مربوط به ارتکاب جرایم

مطابق به ماده UNTOC (f) 2، ضبط یا غیرفعال ساختن حسابات مربوط به عواید یا تجهیزات مربوط به جرایم، یک تدبیر قانونی محسوب میگردد، که به اساس آن یکنفر به حکم محکمه از انتقال، تسعیر، انحام یا در اختیار قرار دادن یا تغییر مکان دارایی اش بطور مؤقت منع میگردد. اکثراً وقتی دارایی ها توقیف یا ضبط شد، پولیس تصمیم توقیف یا کنترل موقت دارایی مذکور را مطابق به حکم محکمه، میگیرد. توقیف یا ضبط، برعکس مصادره یا محروم ساختن از دارایی، یک اقدام مؤقت شمرده میشود و در هنگام تحقیقات یا محاکمه یک جرم صورت میگیرد. مطابق به ماده (g) 2، مصادره شامل محرومیت دائمی از دارایی میباشد که بر اساس حکم محکمه یا کدام مقام با صلاحیت دیگر صورت میگیرد. ولی تقریباً همیشه بعد از حکم یک محکمه، یعنی بعد از محاکمه یک متهم، و مجرم شناختن او، صورت میگیرد.

در سالهای اخیر این تدابیر در هر دو یعنی سطح ملی و هم بین المللی زیاد مروج گردیده است. شاهد این مدعا اجرای تعداد فزاینده قوانین مربوط توقیف، ضبط یا مصادره دارایی ها و در سطح بین المللی، در معاهدات مختلف بین المللی مهم به کارگیری گسترده اینگونه تدابیر خاصاً در رابطه به جرایمی چون جرایم سازمان یافته، تطهیر پول، قاچاق مواد مخدر و تمویل فعالیت های تروریستی، تبارز مییابد و دولت های صلاحیت خود را از آن استنباط میکنند. ضبط و مصادره عواید بدست آمده از مدرک ارتکاب جرایم و وسایل ارتکاب جرم، از رهگذر این اطمینان حایز اهمیت شمرده میشود که مرتکبین جرایم جدی از نفع ناشی از ارتکاب جرایم و مستفید شدن از "عواید" مربوط آن محروم میگرددند. از بین بردن به اصطلاح سرمایه، یک گروه جنایتکار همچنان انجام فعالیت های مزید جنایی را از طریق سرمایه گذاری دوباره در فعالیت های جنایی ممانعت خواهد نمود.

جهت فراهم نمودن بنیاد هایی برای یک سیستم ضبط و مصادره دارایی ها لازم است تا چهارچوب حقوقی یک کشور بعد از جنگ و ستیزه، تعدیل گردد. قابل یادآوری است که حتی اگر چهارچوب حقوقی نیز چنین تدابیری را پیشبینی کند، وظیفه ضبط و مصادره دارایی ها، یک پروسه بسیار زیاد پیچیده و توأم با مشکلات میباشد. حتی کشورهای پیشرفته و با داشتن امکانات زیاد نیز با این چالش دست و گریبان می باشند. قوانین داخلی باید تقویت یابند تا صلاحیت ضبط و مصادره دارایی ها را در هر دو صورت یعنی قبل و بعد از محاکمه فراهم سازند. با انجام این کار یک دولت باید این مسئله را نیز مورد غور قرار دهد که موضوع ضبط و مصادره دارایی ها در مورد کدام جرایم اجرا و چه چیزها دقیقاً باید ضبط و مصادره شوند. کشورهای زیاد، صلاحیت ضبط و مصادره دارایی های را به جرایم بسیار جدی، مثلاً قاچاق مواد مخدر، تروریسم

مصادره دارایی: قضیه مربوط به بوسنیا و هرزگوینا

در کشورهای بعد از جنگ و ستیزه، جاییکه فساد اداری فراوان می‌باشد، برای یک دولت، مهم است تا صلاحیت قانونی بی‌ضبط و بعداً مصادره دارایی‌هایی و دیگر سرمایه‌ها را داشته باشد که از مجرای غیر قانونی بدست آمده‌اند. داشتن چنین یک صلاحیتی در مبارزه علیه فساد اداری یک وسیله بسیار نیرومندی شمرده می‌شود. به همین ترتیب، فقدان چنین صلاحیتی میتواند مساعی مربوط به مبارزه علیه فساد اداری را فلج کند. به طور مثال، در بوسنیا، پیشنهاد یک قانون مصادره دارایی‌ها، از زمان معرفی آن در اواخر سال 2003 تا سال 2005 در پارلمان لاجرا باقی ماند. با اینکه اندازه شیوع فساد اداری در بوسنیا کدام موضوع قابل مناقشه جدی نیست، احزاب ملی‌گرای حاکم نه خواسته‌اند تا از یک قانونی که هدف آن از بین بردن فساد اداری، فرار از مالیات و تطهیر پول در کشور باشد، حمایت نمایند. حتی بعد از تشکیل اداره اختصاصی قانونی جهت مبارزه با جرایم سازمان یافته و جرایم اقتصادی، اشخاص متهم به این گونه جرایم بطور معمول حق مالکیت دارایی‌های شانرا که از راه‌های نامشروع بدست آمده، حاصل می‌کنند. این معمول تا وقتی ادامه خواهد یافت که محاکم بوسنیا اختیار قانونی پیدا کنند تا دارایی‌هایی را که از مدرک فعالیت‌های جرمی بدست آمده، دوباره مورد پرسیان و جویان قرار دهند.

و جرایم سازمان یافته، طوریکه در معاهدات بین‌المللی یا منطقه‌ای یا پیش‌بینی گردیده، محدود می‌سازند. اگر چه گزارش توضیحی به شورای کنوانسیون اروپا در مورد تطهیر پول، تعقیب، ضبط و مصادره عواید بدست آمده از مدرک جرایم، تاکید می‌کند که کشورها در این زمینه پیش‌بروند و تمام جرایمی را که "منافع زیاد بوجود می‌آورند"، (بند 66) بشمول اخاذی، اختطاف، جعل کاری اقتصادی، تجارت اسهام، جرایم خشن، بهره‌برداری جنسی از اطفال و تخلفات محیط زیستی را، در این جمله شامل سازند. در مورد اینکه چه چیزی را میتوان دقیقاً از یک مرتکب جرم ضبط یا گرفت یک اتفاق آرای بین‌المللی در این زمینه وجود دارد که ضبط و مصادره ارقام آتی مجاز و ضروری می‌باشند:

- عواید بدست آمده از مدرک جرایم
 - ملکیت‌هاییکه با عواید از مدرک جرایم بدست آمده باشند
 - دارایی‌هاییکه از منابع مشروع بدست آمده و با دارایی‌های که از عواید جرایم بدست آمده مخلوط شده باشند، الی ارزش عوایدی که از مدرک جرایم بدست آمده
 - ملکیت‌ها، تجهیزات و وسایلی که در یک جرم به کار رفته یا آماده استفاده در ارتکاب جرم شده در مورد آن ضبط و مصادره مجاز می‌باشد (مثلاً، وسایط نقلیه و گدام‌ها که جهت انتقال و ذخیره مواد تحت کنترل بکار می‌رود)
- جهت ضبط و مصادره عواید، دارایی‌ها، تجهیزات یا وسایل ارتکاب جرم یک دولت همزمان باید اسناد تقنینی طرزالعملی مختلف و صلاحیت‌ها را: 1- جهت کشف و تثبیت چنین ارقام، 2- ضبط مؤقت آنها قبل از مصادره احتمالی آینده آن، 3- مصادره آنها بعد از محکومیت و بکارگیری یا از بین بردن آنها بطور مناسب در معرض اجرا قرار دهد.

جستجو و تثبیت عواید، ملکیت‌ها، تجهیزات و وسایل

جهت جستجو و تثبیت عواید، ملکیت‌ها، تجهیزات یا وسایل، پولیس و څارنوالان نیازمند اسناد تقنینی خواهند بود که آنها را قادر سازد تا به معلومات راجع به صورت حساب‌های بانکی و اسناد ثبت تجارتي دسترسی داشته‌و از بانک‌ها و مؤسسات تجارتي مطالبه نمایند تا این سوابق را تهیه کنند. برای انجام دادن این کار در یک کشوری که دارای یک چهارچوب مقرراتی بانکی کامل نیست میتواند اصلاحات جامع متمم در قوانین داخلی بانک‌ها و مقررات مربوط آن مطالبه گردد. جهت جستجو و تثبیت عواید و وسایل ارتکاب جرایم، پولیس و څارنوالان ممکن است همچنان به صلاحیت‌های ضرورت داشته باشند تا به معلومات مربوط به دارایی‌ها، عواید، ثبت معاملات تجارتي، ملکیت‌ها، ذخایر و غیره دسترسی پیدا کند. علاوه از این نظارت مخفی معاملات مالی میتواند در زمینه جستجو و تشخیص پروسه‌های مورد نظر ممد واقع گردد.

ضبط عواید، ملکیت‌ها، تجهیزات یا وسایل

یک کشور نیازمند آن خواهد بود تا یک میکانیزم طرزالعملی را ایجاد نماید تا مطابق آن عواید، ملکیت‌ها، تجهیزات یا وسایل را ضبط کند. در این زمینه کدام میکانیزمی دارای معیار‌های واحد و پذیرفته شده بین المللی وجود ندارد. در بعضی از کشورها ضبط مؤقت دارایی‌ها یک مسله مدنی تلقی گردیده. ("بربنیاد توازن احتمالات") و قبل از اینکه دارایی‌ها را بتوان ضبط یا مصادره نمود سطح معیار‌های مقتضی اثبات پایین میباشد. در کشور‌های دیگر ضبط دارایی‌ها یک مسله مربوط به قوانین جرایم جنایی پنداشته میشود. در این کشورها یک سطح بلند تر معیار لازم است. ("بالتر از شک و شبهه معقول" "حقیقت متقاعد کننده" یا "حقیقت عینی"). بعضی کشورها به ممانعت‌های قانون اساسی تکیه میکنند، "تعویض مسوولیت‌های" مدعی به مظنون یا متهم و آن حفظ و نگهداشتن دارایی او میباشد. یک متهم باید منشاء مشروع و قانونی بودن آن دارایی‌های مورد نظر را اثبات نماید که به وسیله څارنوال رد گردیده است. این عملکرد اگر بطور عمومی قابل قبول شمرده نمی شود، یک چیزی قابل مناقشه ضرور شمرده میشود. مخالفین این عملکرد استدلال میکنند که تعویض مدعی بالای احتمال بیگناهی مظنون یا متهم تخطی شمرده میشود. گفته میشود که معاهداتی چون UNTOC و کنوانسیون شورای اروپا راجع به تطهیر پول، تعقیب، ضبط و مصادره عواید از مدرک جرایم چنین یک گزینه را ارایه میکنند که مشروط به محدودیت‌های قوانین داخلی کشور‌های جانب معاهده میباشد. قوانینی که طرزالعمل‌های مربوط به ضبط مؤقت دارایی‌ها را پیشبینی میکنند، لازم است تا تفصیلاتی چون میعاد که در آن دارایی‌ها در قبضه نگهداشته شود، میکانیزم شکایات و حق خریدار خوش معامله و بی گناه سوم که در رابطه به جرم مورد نظر هیچ اطلاعی ندارد و ممکن است در دارایی ضبط شده یک حقی نیز داشته باشد، در برگیرد.

مصادره عواید، ملکیت‌ها، تجهیزات و وسایل مربوط به جرایم

یک کشور نیازمند آن خواهد بود تا یک چهارچوب طرزالعملی مصادره عواید، ملکیت‌ها، تجهیزات و وسایل مربوط به جرایم را وضع نماید. ضبط مؤقت دارایی‌ها میتواند از طریق یک پروسه جداگانه مدنی و یا بحیث یک جزء از طرزالعمل جنایی و یک وضعیت نهایی در یک قضیه جنایی، صورت گیرد. نگرانی‌های مشابه که در رابطه به ضبط دارایی‌ها وجود دارد، مثلاً اینکه آیا یک طرزالعمل مدنی یا جنایی وضع گردد، در مورد مصادره دارایی‌ها نیز صدق میکند.

لازم است تا یک کشور برای تنظیم و اداره مسایل مربوط به ضبط و مصادره دارایی‌ها، طرزالعمل‌هایی را وضع نماید. جهت جلوگیری از سوء استفاده و تحقق شفافیت در پروسه مورد نظر، لازم خواهد بود که دولت یک اداره یا مقامی را مؤظف نماید تا امور مربوط به ضبط و مصادره مؤقت دارایی‌ها را پیش برده و آنرا اطمینانی سازد. در صورتیکه یک کسی مجرم ثابت گردد و محکمه حکم مصادره دائمی دارایی موصوف را صادر کند، دولت باید مسله اختیار یا انهدام آنرا مورد غور قرار داده و آنرا معیین سازد. در بعضی کشورها دارایی مصادره شده به جیب قربانی تعلق میگیرد. اگر یک قربانی در نتیجه جرم مورد نظر دارایی خود را از دست داده باشد، قوانین باید این امر را تأمین کند که دارایی مذکور به قربانی اعاده شده یا بطور کافی خساره وارده به آنها جبران گردد. این اقدام در (ماده 14 [2] UNTOC) - بعنوان یک ماده اختیاری پیشبینی میشود. در اوضاع و احوالی که در آن کدام قربانی بی موجود نباشد و بناً جبران خساره او محال باشد، ممکن برای دولت مناسب باشد تا دارایی یا ملکیت‌های مصادره شده را برای استفاده خود قبضه کند. در صورتیکه یک جرم، عناصر فراقشوری داشته باشد، و دو یا چند کشور در تحقیقات مربوط آن ذیدخل شمرده شوند، دولت‌های مذکور باید تقسیم ملکیت مصادره شده یا استفاده از آنرا مورد غور قرار دهند تا مصارف خدمات حقوقی بی متقابلی را که فراهم کرده بودند، تلافی نمایند.

یک کشور ممکن بخواهد تا چهارچوب حقوقی خود را طوری تعدیل نماید که نه تنها ضبط و مصادره عواید و وسایل جرایم در خود کشور، بلکه در کشورهای دیگر را نیز تصریح نماید. همکاری‌های بین‌المللی در این زمینه ضروری میباشد، زیرا مرتکبین جرایم جدی اکثراً امیدوار میشوند تا از قوانین مربوط به ضبط و مصادره در کشورهای اصلی شان طفره روند. کنوانسیون ملل متحد علیه قاچاق غیر قانونی ادویه‌های مخدر و مواد مربوط آن و UNTOC، از دولت‌هایی که این هر دو معاهده را امضاء و تصویب نموده‌اند مطالبه مینماید تا با بیشترین حد ممکن در این زمینه همکاری نمایند. این شکل از همکاری‌های بین‌المللی میتواند تحت معاهدات دو جانبه یا چند جانبه متقابل یا در چوکات قوانین داخلی تنظیم گردد. فراهم نمودن کمک در زمینه تعقیب، ضبط و تنفیذ احکام مربوط به مصادره بوسیله یک کشور دیگر عین طرزالعمل‌های مثل سایر اقدامات برای همکاری‌های حقوقی متقابل را دنبال خواهد نمود.

تعدیلات در چهارچوب حقوقی یگانه اقدام مقتضی برای ضبط و مصادره مؤثر عواید و وسایل جرایم محسوب نمیگردد. تحقیقات مربوط به عواید جرایم یک کار بسیار پیچیده محسوب گردیده و آنهایی که در این تحقیق، و همچنان در پروسه ضبط و مصادره دارایی‌ها سهم میگیرند، نیازمند آموزش‌های گسترده میشوند. کشورها ممکن نیازمند آن باشند تا یونت‌های خاص و چند جانبه یا گروه‌های کاری را جهت رسیده‌گی به جنبه مالی تحقیقات جنایی تشکیل نمایند. این یونت‌ها میتوانند شامل نه تنها خائونالان و انواع مختلف افسران با صلاحیت‌های پولیس، چون پولیس

اهمیت داشتن یک اساس حقوقی برای مسایل مربوط به ضبط و مصادره

شده یا حد اقل بدون اثبات رسمی قاچاقی بودن از طریق کار با خارتوال و محکمه تا مساعدت های حقوقی بین المللی را از کشور های قربانی دریافت کنند، مصادره نمودند. در صورت عدم موجودیت کدام مادهء قانونی که مصادره دایمی را بدون تعقیب عدلی و متهم نمودن از طریق یک هیأت قضایی نهایی، و بدون طرز العمل های معیاری بی که یک اساس حقوقی را برای ضبط موثر های مورد نظر یا تنظیم مسایل مربوط به مصادره آنها را مجاز بشمارد (طور مثال تنظیم این امر که موثر های مذکور کجا نگهداری و حفاظت شوند)، افسران پولیس موثر های مذکور را جهت استفادهء پولیس اختصاص دادند. مدتی بعد، پولیس بین المللی UNMIK هدایاتی را صادر کردند تا از چنین ضبط غیر قانونی خود داری شود.

از اینکه صلاحیت یک دولت برای ضبط و مصادره دارایی ها، میتواند یک وسیله بسیار مهمی در مبارزه علیه جرایم جدی تلقی گردد، از آنرو ایجاد یک اساس حقوقی برای چنین ضبط ها نباید کم اهمیت شمرده شود. اجازه دادن به ضبط غیر قانونی از طریق استفادهء غلط یا اشتباه در اجرای طرز العمل های درست، یا ناتوانی در ایجاد یک اساس حقوقی مناسب که مصادره در سطح عامه را اجازه دهد، دولت ها در حقیقت روش های بسیار شدید جنایی را که آنها در صدد از بین بردن آن اند، تشویق میکنند. بطور مثال، در کوسو و بعضی افسران پولیس بین المللی UNMIK موثر های را ضبط کرده بودند که در دیتابیس های کشور های اصلی شان به عنوان موثر های سرقت شده ثبت شده و بدون کدام تحقیقات مناسب و دایر کردن دوسیه ها برای دارایی های سرقت

سرحدی، گمرکات، مالیه، بخش مالی و اقتصادی و پولیس قضایی و همچنان ماهرینی از بخش محاسبه باشند. علاوه از این ها با در نظر داشت این که پولیس و خارتوالان اکثرأ در زمینه تحقیقات مالی باید دست بدست هم کار کنند، موجودیت طرز العمل ها یا پروتوکول ها برای همکاری بین ادارات شان در این زمینه با ارزش میباشد. موافقتنامه ها یا تفاهم نامه ها بین این ادارات ممکن لازم باشد تا نحوه این همکاری ها را جنبهء رسمی دهد.

هنگام معرفی تدابیر ضبط و مصادره در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه، این امر مهم است تا هر گونه سابقه اختصاص دادن اختیاری ملکیت بوسیلهء دولت یا پولیس را که بدون اساسات حقوقی یا قضایی صورت گرفته باشد بخاطر داشته باشیم. برای رفع هر گونه ترس از مطلق العنانی، لازم است تا دولت مردم را درباره هر گونه قانون جدید و توضیح اصول آن و همچنان محدودیت ها در باره این صلاحیت ها آگاه سازد. این پروسه ممکن است مقتضی راه اندازی ارتقای سطح آگاهی پولیس و کمپاین های مشوره با مردم باشد. این امر ضروری است تا توازن دقیق میان صلاحیت ها و مسؤولیت های پولیس، خارتوالان و محاکم حفظ گردد.

طرز العمل های مؤثر تبادل مجرمین

استرداد مجرمین یک پروسه رسمی است که از طریق معاهداتی که پروسه مذکور و شرایطی را که تحت آن یک فرد محبوس در یک کشور میتواند به کشور دیگر جهت محاکمه یا برآورده شدن حکم محکمه اعزام گردد، معین میسازد. با در نظر داشت این که فعالیت های جرایم جدی، چون قاچاق انسان، اسلحه و مواد مخدر و همچنان قاچاق اموال جهت طفره رفتن از محصول، اکثرأ دارای یک عنصر فراسرحدی میباشد و با در نظر داشت آسانی سفر مخصوصاً در کشور های بعد از جنگ و ستیزه با سرحدات سست، این امر ضروری است تا میکانیسم های مؤثر استرداد مجرمین در یک

ارزش معاهدات استرداد مجرمین: قضیه مربوط به افریقای غربی

یک گزارشی که از جانب سر منشی عمومی ملل متحد در ماه مارچ 2005 نشر گردیده به دفاتر ملل متحد در ساحل عاج، لایبریا و سیرالیون مشوره داده تا اطمینان حاصل کنند که معاهدات کافی استرداد مجرمین صورت گرفته و این که همکاری های قضایی و تعقیب عدلی میان این سه کشور تقویت میابد. اگر بالای این مشوره عمل شود نتایج آن در جهت مقابله انبوهی از مسایل مهم سرحدی بشمول قاچاق انسان، مواد مخدر و سلاح خفیف، قاچاق منابع طبیعی و مسئله بکارگیری اطفال در برخورد های نظامی را در بر خواهد گرفت.

کشور بعد از جنگ و ستیزه طرح کردند. یک شخص مظنون یا متهم به یک جرم جدی ممکن است از کشور فرار نموده و در خارج زندگی کند. یک شخصی که در یک کشور دیگر زنده گی میکند ممکن است مرتکب جرم در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه گردد، بدون آنکه در کشور مذکور قدم گذاشته باشد. طور مثال از طریق کمک و تشویق کردن در قاچاق انسان ها. با در نظر داشت چهارچوب حقوقی، کشور بعد از جنگ و ستیزه هنوز هم از صلاحیت

قضایی در زمینه تعقیب عدلی چنین افراد برخوردار می باشد و این کشور ها ممکن بخواهند که چنین کنند. طور مثال چهارچوب حقوقی یک کشور ممکن است بیانگر صلاحیت قضایی بالای جرایمی که در خارج از قلمرو آن واقع شود، باشد. (چوکات صفحه شماره 69 ملاحظه گردد). بدون موجودیت طرز العمل های رسمی استرداد مجرمین میان هر دو دولت، تعقیب عدلی ممکن نخواهد بود و نه هم ممکن خواهد بود تا یک مظنون یا یک متهم را که از قلمرو قضایی فرار نموده دوباره جهت تعقیب عدلی یا مجازات به کشور آورد.

جهت پیشبینی استرداد افراد به و از کشور بعد از جنگ و ستیزه، ممکن است ضروری پنداشته شود تا معاهدات استرداد مجرمین تصویب گردیده و بعضی تعدیلات در چهارچوب حقوقی کشور بعمل آید. گزینه دیگر میتواند اجرای مواد مربوط به کنوانسیون های بین المللی به عنوان معاهدات ضمنی و بدیل باشند. کشور هایی که UNTOC را امضاء و تصویب نموده اند میتوانند از مواد مربوط به استرداد مجرمین آن بحیث یک معاهده ضمنی استفاده کنند. البته در صورتیکه کدام موافقت نامه استرداد مجرمین با کشوری که از آن مجرم خواسته میشود وجود نداشته باشد، مگر تنها در مورد سایر کشور هایی که UNTOC را امضاء و تصویب نموده و تنها در رابطه به جرایم استرداد مجرمین مطرح میگردد که قضایای شرکت در گروه های جنایی که در UNTOC لست گردیده است. به همین ترتیب کشور های که کنوانسیون ملل متحد علیه فساد اداری (UNCAC) را امضاء و پذیرفته اند میتوانند مواد مربوط به استرداد مجرمین UNCAC را در صورتیکه کدام موافقتنامه با کشور درخواست کننده وجود نداشته باشد ولی تنها در رابطه به سایر کشور های ملحق شده به کنوانسیون UNCAC و تنها برای قضایای که مسئله استرداد مجرمین مربوط به فساد اداری و جرایم مربوط آن که در کنوانسیون لست گردیده باشد.

معاهدات مربوط به استرداد مجرمین و قوانین اجرایی مربوط آن اسناد تقنینی طولانی و بسیار مغلق میباشد و نحوه اجرای آن در کشور های گوناگون، مختلف است. بعضی کشور ها مطابق به قوانین اساسی شان اجازه ندارند، اتباع شانرا به سایر کشور ها بسپارند. بعضی کشور های دیگر این کار را اجازه میدهند. به همین ترتیب یک بحثی در این زمینه نیز وجود دارد که اجزای متشکله یک جرم که مرتکب آن قابل استرداد باشد کدام اند. کشور های زیاد یک لست تخلفات قابل استرداد را با "اصل جنایت دو گانه" جوره نموده اند. این امر بدان معنی است که استرداد مجرمین در صورتی مجاز است که خلاف رفتاری مورد نظر در کشور درخواست کننده و هم در کشور دریافت کننده درخواست یعنی در هر دو جرم پنداشته شود.

حدود صلاحیت قضایی فرامرزی جهت مقابله با جرایم جدی

جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه مصونیت هوانوردی ملکی، کنوانسیون درباره جلوگیری و مجازات جرایم علیه افراد تحت حمایت بین المللی، کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری، کنوانسیون در باره محافظت فیزیکی مواد زروی، پروتوکول برای جلوگیری از اعمال غیر قانونی خشونت آمیز در طیاراتی که برای هوانوردی ملکی بین المللی خدمت میکنند، کنوانسیون برای جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه مصونیت کشتی رانی، پروتوکول برای جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه مصونیت مراجع دایمی، کنوانسیون در باره علامه گذاری مواد منفجره پلاستیکی به منظور حفاظت، کنوانسیون بین المللی برای جلوگیری از بگ گذاری های تروریستی، کنوانسیون بین المللی برای جلوگیری از تمویل تروریسم)

بسیار از کنوانسیون های بین المللی راجع به جرایم جدی مطالبه مینمایند که کشور ها باید "حدود صلاحیت قضایی فرامرزی" را در رابطه به این جرایم آتی ادعا کنند، نمونه های آن قرار آتی اند:

- جرایم سازمان یافته (UNTOC)
- قاچاق مواد مخدر (کنوانسیون واحد راجع به مواد مخدر، کنوانسیون ملل متحد در مورد ادویه مخدره، کنوانسیون ملل متحد راجع به تجارت غیر قانونی ادویه های مخدر و مواد مربوط آن)
- فساد اداری (کنوانسیون ملل متحد علیه فساد اداری)
- جرایم تروریستی (کنوانسیون راجع به جرایم و سایر چنین اعمال غیر قانونی که در داخل طیاره صورت میگیرد، کنوانسیون در باره جلوگیری از تصرف غیر قانونی طیاره، کنوانسیون برای

حین ترتیب مسودهء معاهدات استرداد مجرمین این امر مفید خواهد بود تا به معاهده نمونوی ملل متحد راجع به استرداد مجرمین که یک چهارچوبی را برای استرداد مجرمین فراهم میسازد، مراجعه نمود. این امر نیز لازم خواهد بود تا به کنوانسیون های بین المللی بی که کشور آنها امضا و تصویب نموده اند نظر انداخته شود، زیرا بسیاری از این کنوانسیون ها حاوی حد اقل معیار های اساسی و مکلفیت های کشور ها در رابطه به استرداد مجرمین، رهنمود تقنینی UNTOC و رهنمود قانونی برای کنوانسیون بین المللی ضد تروریسم و پروتوکول ها حاوی جزئیات مفصل مقتضیات استرداد بین المللی مجرمین، منابع و نمونه های با ارزش قوانین داخلی شمرده میشوند. نظر به شرایط کشور مورد نظر اجرای معاهدات مربوط به استرداد مجرمین ممکن همچنان ایجاب تعدیلات تقنینی چون تعدیلات در قوانین اجراء جزایی را نماید. یک منبع مفید در این زمینه قانون نمونوی اجراء جزایی "Model Criminal Procedure Code" میباشد که در آن یک چهارچوب جامع برای استرداد مجرمین بر بنیاد مکلفیت های بین المللی و بهترین معیار های اجرایی در مورد استرداد مجرمین طرح گردیده است.

نقش کمک های متقابل حقوقی در زمینه تحقیقات مربوط به جرایم جدی

مساعدهت های حقوقی متقابل به تدارک کمک های حقوقی بوسیله یک کشور به کشور دیگر در عرصه های تحقیقات، تعقیب عدلی یا مجازات جرایم، اطلاق میگردد. در رابطه به استرداد مجرمین، کمک های متقابل حقوقی معمولاً از طریق معاهدات دو جانبه یا چند جانبه همکاری های باهمی حقوقی تنظیم میگردد. معاهدات مذکور حدود، اندازه و طرز العمل ها را برای چنین


کمک‌ها تنظیم مینماید. این معاهدات متمم همکاری‌هایی میباشند که قبلاً تحت سایر میکانیزم‌ها چون انترپول وجود داشته است.

معاهدات مساعدت‌های حقوقی دو جانبه، از تحقیقات مشترک، که یک میکانیزم مفید دیگر همکاری بین المللی محسوب میگردد، فرق دارد. (این موضوع در UNTOC و UNCAC خاطر نشان گردیده است)، آن نیز به تحقیقات مربوط به جرایم جدی مربوط میگردد. یک تحقیقات مشترک از طریق یک قرارداد میان کشورها بر اساس قضیه به قضیه صورت میگیرد. در چنین تدابیری، ممکن است تعدیلات در چهارچوب حقوقی ضروری پنداشته نشود.

معاهدات همکاری‌های حقوقی دو جانبه برای هر گونه شریک ساختن معلومات و همکاری‌ها، ضروری نیست. همکاری‌های متقابل و شریک ساختن معلومات میتواند مستقیماً میان فعالین مربوط به عرصه تفیذ قانون در کشور های مختلف بر یک اساس غیر رسمی، صورت گیرد. در حقیقت چنین تدابیر غیر رسمی میتواند بسیار مفید ثابت شده و تشویق شوند. اقدامات همکاری‌های حقوقی متقابل شامل موارد ذیل میگردد:

- گرفتن شواهد یا اظهارات از محبوسین که احتمالاً آنها قربانیان یا شاهدان باشند
 - ترتیب اسناد قضایی
 - اجرای تعقیب و ضبط شواهد بشمول سوابق بانک، تیلیفون و انترنت
 - اجرای ضبط و مصادره عواید و دارایی‌ها
 - ارزیابی اشیاء و ساحات مربوط
 - فراهم ساختن معلومات، اقلام مدرکی، و ارزیابی‌های تخصصی
 - فراهم نمودن اصل یا کاپی تصدیق شده اسناد و سوابق بشمول سوابق دولتی، بانک، مالی، شراکت یا سوابق تجارتي
 - تشخیص یا تعقیب عواید جرم، دارایی، اسباب و لوازم یا سایر اقلام شهودی
 - اهدای اجازه به درخواست‌ها برای عملیات مخفی یا سایر تدابیر مراقبتی که باید اجرا گردد
 - فراهم نمودن تسهیلات جهت پیدا نمودن داوطلبانه افراد مورد نظر در کشوری که از آن درخواست میگردد
 - فراهم نمودن کاپی‌های سوابق دولتی، اسناد یا معلومات بشمول پاسپورت و ویزه
- با در نظر داشت ماهیت فراسرحدی بعضی جرایم جدی، همکاری‌های حقوقی باهمی میتواند یک وسیله بسیار ارزشمندی باشد. کنوانسیون‌های متعدد حاوی مواد جامع و مطالبات جهت فراهم نمودن مساعدت‌های حقوقی باهمی برای کشورها به وسیله سایر کشورها میباشد. برای دادن و گرفتن چنین کمک‌ها این امر ضروری پنداشته میشود تا معاهدات مربوط به کمک‌های حقوقی باهمی تصویب گردیده و تغییرات در چهارچوب حقوقی داخلی بعمل آورده شود. گزینه دیگر میتواند استفاده از مواد کنوانسیون‌های بین المللی بحیث یک چیز ضمنی باشد. کشور های که UNTOC را امضاء و تصویب نموده اند میتوانند از مواد مربوط به همکاری‌های حقوقی باهمی بحیث قانون قابل اجرا استفاده کنند. اما تنها در رابطه به سایر کشور های که یک جانب کنوانسیون UNTOC شمرده میشود. به همین گونه، کشور های که UNCAC را امضاء و تصویب نموده اند میتوانند از مواد مربوط به همکاری‌های حقوقی باهمی بحیث قانون قابل اجرا استفاده کنند. اما تنها در رابطه به سایر کشور هایی که یک جانب کنوانسیون UNCAC شمرده میشود.

مثل معاهدات و قانون گذاری مربوط به استرداد مجرمین، معاهدات مربوط به همکاری های حقوقی باهمی و اسناد تقنینی اجرایی مربوط آن طویل و پیچیده میباشند. از آنرو پروسه ترتیب مسوده این اسناد بطور معمول زمان بیشتر را در بر میگیرد. خوشبختانه تعدادی از منابع مفید برای کشورهایی که میخواهند یک معاهده همکاری های حقوقی باهمی را طرح یا قوانین داخلی را درباره مسایل مربوط به کمک های حقوقی باهمی در معرض اجرا قرار دهند، وجود دارد. این منابع قرار ذیل میباشند.

- رهنمود تقنینی برای UNTOC و رهنمود تقنینی به کنوانسیون ها و پروتوکول های ضد تروریسم که حاوی جریات مفصل مقتضیات همکاری های متقابل حقوقی بین المللی و همچنان نمونه های برای قوانین داخلی میباشند.
- "قانون نمونوی اجرات جزایی"، این قانون بر اساس مکلفیت های بین المللی و معیار های بهترین عملکرد ها که میتواند علاوه از معاهده همکاری های متقابل حقوقی، و یا به عوض آن، بکار گرفته شود، حاوی چهارچوب جامع برای همکاری های باهمی حقوقی میباشند.
- لایحهء نمونه وی همکاری های باهمی حقوقی در مسایل جنایی UNDCP، یک قانون نمونه وی همکاری های باهمی حقوقی است که به وسیلهء دفتر ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و جرایم طرح گردیده است.
- طرح کنندهء معاهده همکاری های متقابل حقوقی. این پروگرام به وسیلهء دفتر ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و جرایم طرح گردیده است تا در طرح معاهدات همکاری های باهمی حقوقی ممد واقع گردد. 

فصل چهارم

اصلاحات تشکیلاتی

اهداف این فصل عبارت اند از:

- بحث روی اصلاحات تشکیلاتی که میتواند در زمینه تحقیقات عادلانه و مؤثر و تعقیب عدلی جرایم جدی و محبوس ساختن مرتکبین جرایم جدی کمک نمایند
- بطور اخص بحث روی اصلاحات پولیس، بشمول تشکیل واحد های خاص، که بتواند در زمینه تحقیقات از مرتکبین جرایم جدی کمک نماید
- بحث مفصل روی ساختار های مختلف تشکیلاتی که میتواند جهت تعقیب عدلی و محاکمه جرایم جدی، مثلاً محاکم خاص، اطاق های خاص و سایر ساختار ها دیگر استفاده از کشور دوم به عنوان یک محل بدیل از آن کشوری که مرتکبین جرایم محاکمه میشوند
- بحث روی مسئله آماده کردن مساعدت حقوقی به مرتکبین جرایم جدی و ارزیابی سایر موضوعات مربوط به وکالت مدافع، بشمول وضع محدودیت ها بالای دسترسی به وکلای مدافع و شواهدی از رهگذر امنیتی حساس در موارد جرایم جدی
- غور روی این مسئله که کدام ریفورم های خاص محاسب برای حبس مرتکبین جرایم جدی مقتضی خواهد بود
- طرح نیامندی های محافظت بسته ادارات ریفورم شده و ادارات پولیس، خائولان، وکلای مدافع و قضات ذیدخل در موارد جرایم جدی
- شرح اینکه چطور میتوان یک پروگرام محافظت بسته را طرح نمود
- بحث در مورد ضرورت محافظت شاهدان و پروگرام های تغییر مکان جهت انجام تحقیقات مؤثر و تعقیب عدلی دوسیه های جرایم جدی معین

مؤسسات عدالت جنایی بعد از جنگ و ستیزه، اکثراً بنا بر اثرات سو جنگ از فقدان ظرفیت و منابع، عدم مؤثریت، فساد اداری و عدم تطابق با معیار های بین المللی و منطقوی حقوق بشری، رنج میبرند. در کشور هایی که مؤسسات مربوط به عدالت جنایی یکبار به حیث ابزار اعمال ستم بکار گرفته شده باشد، آنها علاوه از این از عدم اعتبار و اعتماد عامه رنج میبرند. چنین شرایطی نه تنها مانع توانایی سیستم عدالت جنایی برای مقابله با جرایم جدی میشود، بلکه همچنان باعث آن میگردد که عامه مردم اطمینان شانرا نسبت به مجموع سیستم از دست دهند. بنا بر این

اصلاحات تشکیلاتی در نظام عدالت جنایی ضروری شمرده میشود تا به حل چنین شرایط پرداخته و یک نظام عادلانه و مؤثر عدلی و قضایی را که شفاف، حساسده و مؤثر باشد، انکشاف دهد. با در نظر داشت شرایط حاکم در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه، ممکن است اقدامات متعددی جهت ریفورم نظام عدلی جنایی لازم باشد. این اقدامات میتواند شامل ایجاد ساختارهای تفتیش برای کارمندان رسمی، انکشاف میکانیزمهای مساعدت های حقوقی آزاد، تجدید ساختار چهارچوب تشکیلاتی محاکم، پولیس، محاسب و ادارات مربوط به خانونالی، طرح طرز العملها برای انتخاب و طرز العملهای دسپلینی برای قضات، پولیس، خانونالان و کلای مدافع، میکانیزمهای حساسدهی و مرافیتی برای ادارات مربوط عدالت جنایی و همچنان مؤسسات مربوط به حقوق بشر، باشند.

انواع گوناگون و متنوع اقدامات، بعنوان مجموعه های فرعی این سطح گسترده اصلاحات، در مساعی جهت تحقیقات و تعقیب عدلی مؤثر و عادلانه جرایم جدی و حبس کردن مجرمین جدی، بطور خاص سهم خواهد گرفت. در این فصل راجع به چنین اقدامات بحث صورت میگردد. در حالیکه فصل سوم راجع به ریفورم قوانین مستقل و طرز العملهای که چهارچوب حقوقی جهت مبارزه با جرایم جدی مقتضی آن است، بحث میکند، این فصل اصلاحات متمم تشکلاتی پولیس، قضا، خدمات خانونالی، و کلای مدافع جنایی و محاسب را ارزیابی مینماید.

بخش اول این فصل، ریفورم در نظام پولیس و تشکیل واحدهای خاص جهت مبارزه با جرایم جدی را مورد بحث قرار میدهد. قسمت بعدی طرح ساختارهای خاص و گزینه های دیگر برای تعقیب عدلی و محاکمه جرایم جدی بشمول محاکم، chamber (اطاق های خصوصی قضات که معمولاً در نزدیکی محکمه موقعیت میداشته باشد. م.)، و همچنان تعقیب عدلی به وسیله یک کشور ذریبطه دوم، مورد بحث قرار میدهد. این فصل انواع گوناگون مثال های مشخص این ساختارها را که از یک درجن دخالت های بین المللی منشأ میگردد، ارایه میکند. به تعقیب این بحث، یک بخشی دیگری است که به موضوع دسترسی به خدمات و کمک های حقوقی و سایر مسایل مربوط به دسترسی به وکلای مدافع که به موضوع تحقیق عادلانه جرایم جدی ربط دارد، میپردازد. بخش بعدی آن روی تدابیر جهت اصلاحات که ممکن است برای زندانی ساختن مرتکبین جرایم جدی لازمی باشد، متمرکز میباشد. قست اخیر به تأمین امنیت جهت محافظت پرسونل سیستم عدلی قضایی جنایی و شاهدان، که در قضایای جرایم جدی ذیدخل میباشند، میپردازد.

ریفورم های پولیس: وضع نمودن وظایف جدید

یک نیروی مؤثر پولیس ملکی، یکی از عناصر مهم ظرفیت هر کشور برای مبارزه علیه جرایم جدی محسوب میگردد. به احتمال قوی، ریفورم پولیس یکی از عناصر کلیدی در ستراتیژی عمومی تأمین حاکمیت قانون در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه خواهد بود. بعضی از عناصر اصلاحات در نظام پولیس بطور اخص با پرداختن به مسایل مربوط به جرایم جدی مربوط میگردد و البته این اصلاحات در مورد هر دو، یعنی کشورهای بعد از جنگ و همچنان کشورهای با سطح ثبات بیشتر، قابل اجرا میباشند.

اصول بنیادی

هر نیروی پولیس که در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه یا در یک محیط بیشتر با ثبات فعالیت دارد، باید مطابق اصول بنیادی حقوق بشر، طوریکه در قوانین معمول بین المللی، اسناد تقنینی قابل اجرای بین المللی و همچنان قوانین غیر جنگی داخلی تصریح گردیده، فعالیت نماید. دفتر کمشنر عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر، در نشریه خود تحت عنوان معیارهای حقوق بشر و رعایت عملی آن به وسیله پولیس شماری از "اصول دیموکراتیک انجام وظایف پولیس" را پیشبینی نموده است. (این عبارت اصولی را توضیح میکند که برای یک نیروی پولیس در یک کشور دموکرات اطلاق میگردد). این اصول قرار آتی اند:

- اصل نماینده بودن پولیس، بدین معنی است که پرسونل پولیس از جمعیتی که در آن خدمت میکند، بطور کافی نماینده گی میکند. و اینکه گروه های اقلیت و همچنان زنان از طریق پالیسی های عادلانه و بدون تبعیض استخدام و بطور کافی در آن نماینده دارند، و سرانجام اینکه از حقوق بشری تمام مردم حراست شده، بهبود یافته و به آن احترام میشود.
 - پولیس جوابگو، این اصل از آن اطمینان میدهد که پولیس، جوابگوی نیازمندی ها، و توقعات مردم است، مخصوصاً در زمینهء جلوگیری از جرایم و حفظ نظم عامه، و اینکه اهداف پولیس بطور قانونی و انسانی برآورده شده، و اینکه پولیس نیازمندی ها و توقعات مردمی را که به آن خدمت میکنند، بخوبی درک نموده و بلاخره اینکه اقدامات پولیس جوابگوی نظریات و آرزوهای مردم است.
 - پولیس مسؤل و حسابده، اینکه پولیس در برابر قانون و همچنان در برابر افراد و ادارات موجود در یک کشور مسؤل و حسابده میباشد، از نظر سیاسی پولیس در برابر گروه های ارتباط پولیس و اتباع و به مردم از طریق مؤسسات دیموکراتیک و سیاسی دولت مسؤل و حسابده میباشد. و از نظر اقتصادی، پولیس به شیوه و طریقه حسابده و مسؤل میباشد که منابع تخصیص داده شده به آنها را بکار میرند.
- در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه، جاییکه ممکن است یک مقدار زیاد عدم اعتماد بر پولیس بر بنیاد تخطی های گذشته از حقوق مردم استوار باشد، انکشاف یک نیروی پولیس که با معیارها و اصول شناخته شده بین المللی حقوق بشر برای پولیس دیموکراتیک مطابقت داشته باشد، نه تنها یک مکلفیت بین المللی بلکه از رهگذر عملی و پالیسی های خوب نیز یک مکلفیت شمرده میشود. از آنرو توحید و اجرای معیارها و اصول حقوق بشر شناخته شده بین المللی یک نیروی پولیس دیموکراتیک، بشمول ساختارهای حسابدهی، چون یک میکانیزم مستقل و شفاف برای رسیده گی به شکایات مردم علیه پولیس، در زمینهء احیای باور مردم بالای نیروی پولیس که جهت مقابله مؤثر جرایم جدی حایز اهمیت میباشد، نقش مهم خواهد داشت.

عناصر تخنیکی و منابع

بر علاوه فعالیت مطابق به معیارها و اصول دیموکراتیک پذیرفته شده عمومی حقوق بشر، هر نیروی پولیس که مسولیت رسیده گی به فعالیت های مربوط به جرایم جدی را به عهده

در سیرالیون، با در نظر داشت بودجه و محدودیت های منابع، پولیس ملکی که برای مأموریت ملل متحد در سیرالیون (UNAMSIL) کار میکند، تدابیری را اتخاذ نموده تا کار های علمی در رابطه به جرایم جدی به لابراتوار های مربوط در افریقای جنوبی محول ساخته شود.

دارد باید عناصر تخنیکی و منابع زیرین را انکشاف دهند:

- دسترسی به وسایل علمی جهت تحقیق جرایم جدی، بشمول بسته های شواهد و اشکال هندسی صحنه وقوع جرم، اسباب نشان انگشت، کمره های ویدئویی و ثابت، مواد برای جمع آوری شواهد و مدارک، و وسایل برای تشخیص بقایای فیر گلوله، خون شناسی، آزمایش ادویه و همچنان آزمایش DNA.
- یک ظرفیت علمی جهت تحلیل شواهد، در صورتیکه یک پولیس در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه، منابع را جهت کسب این ظرفیت در اختیار نداشته باشد، در آن صورت آنها باید به بعضی انواع تحلیل های علمی در کشورهای دیگر دسترسی داشته باشند.
- دسترسی به تسهیلات و تجهیزات، شامل وسایل و اساسیه دفتر، اسلحه مناسب، و وسایل نقلیه معیاری و بی نشان جهت پیش برد فعالیت های مخفی مراقبت، و وسایل ارتباطی و تجهیزات لابراتواری، میگردد.
- سیستم تنظیم معلومات و مدارک، چون دیتابیس های کمپیوتری مرکزی شده برای واحد های خاص (یک واحد استخباراتی جنایی یا یک یونت تحقیقات جرایم مالی)، و همچنان شیوه ها و میتود ها جهت مصونیت و حفاظت مدارک و معلومات بدست آمده هنگام عملیات مخفی و سایر عملیات حساس

تشکیل یک نیروی پولیس عراقی

منابع حیاتی مالی بود. زدودن لست مذکور و همچنان تنقیص و بر طرفی آنهایی که برای خدمت در پولیس شایسته نبودند نیز به یک وظیفه کلیدی مأموریت CPATT مبدل گردید. یک کمیته ورزیده (متشکل از پولیس عراق و کارمندان CPATT) تشکیل شد. کمیته مذکور یک پلانی را طرح نمود که مطابق آن هر افسر پولیس باید معلومات و مدارک biometric را جهت ایجاد یک دیتابیس مرکزی تمام کارمندان شامل خدمت فراهم مینمود. این کار هنوز جریان دارد و ضرورت آنرا بر جسته میسازد تا به زودی ممکن تعیین گردد که کی واقعا شامل نیرو های پولیس است و در کجا خدمت میکنند. عدم علاقه برای برخورد با این موضوع، صرف فساد اداری را تشویق میکند.

تشکیل یک نیروی پولیس که قابلیت مقابله با جرایم جدی در یک جامعه بعد از جنگ و ستیزه را داشته باشد، الزاماً یک کار پیچیده و مقتضی مواظبت زیاد میباشد که باید توجه زیادی حین تصمیم گیری در رابطه به الویت های مناسب در نظر گرفته شود. در عراق، حل مسایل مربوط به معاشات پولیس، تنها با تشکیل تیم مشورتی آموزشی پولیس ملکی (CPATT) در ماه مارچ سال 2004 آغاز شد. با در نظر داشت موجودیت فساد اداری در نیروی پولیس، این یک پیشرفت قابل ملاحظه بود. بطور مثال در اواسط سال 2004 تعداد پولیس عراق تقریباً به 85000 نفر میرسید، ولی بیشتر از 120000 کارمندان معاش دریافت میکردند. این لست معاش ساختگی کارمندان، یک ضرر آشکار به

- پالیسی ها و طرز العمل ها برای هماهنگی و همکاری داخل ادارات، میان پولیس و خارانوال یا قاضی تحقیق در یک قضیه
 - دسترسی به پروگرام های منظم آموزشی پولیس، بشمول آموزش های منظم در رابطه به اسناد تقنینی مربوط به حقوق بشر و رعایت عملی آن در فعالیت های پولیس.
- علاوه بر مطالب ذکر شده در فوق، لازم است تا مقامات ذیصلاح در کشور بعد از جنگ و ستیزه اطمینان حاصل کنند که پولیس به منابع کافی بودجوی و کمک های اداری مورد نیاز امور مربوط به مبارزه علیه جرایم جدی، دسترسی دارند.

وظایف اختصاصی پولیس

علاوه بر عناصر اساسی که در فوق توضیح شد، ممکن است برای یک عملیات پولیس این امر مفید باشد تا تعدادی از گروه های اختصاصی را جهت پیشبرد بهتر امور مربوط به مبارزه علیه جرایم جدی تشکیل نماید. تشکیل چنین گروه ها، بازم در هردو، یعنی در شرایط تشکیل یک نیروی جدید پولیس در یک کشور بعد از جنگ و همچنان برای یک نیروی قبلاً تشکیل شده در یک کشور با سطح ثبات بیشتر قابل تطبیق میباشد. این گروه ها معمولاً گروه های کاری نامیده میشوند. اما مهمتر از نام مفکوره آن، یعنی تشکیل گروه های از پرسونل با آموزش ها و تجهیزات خاص ممکن لازم باشد تا چنین وظایف اختصاصی را انجام دهند. این یونت های عملیاتی معمولاً مستقلانه عمل نمی کنند. بطور مثال، یک تحقیق مربوط به یک قضیه مواد مخدر، ممکن خدمات یک یونت مربوط به مواد مخدر، یک یونت مربوط به سرحدات و امنیت، یک واحد تحقیق امور مالی و همچنان یک تیم ماهرین واکنش رزمی را ایجاب نماید.

در ذیل صرف از چند گروپ اختصاصی نام برده میشود که ممکن است تشکیل شوند (مسلماً با در نظر داشت اینکه منابع کافی میسر باشد).

- تیم واکنش رزمی ماهرین: بعضاً به یک "تیم خاص اسلحه و تاکتیک ها (SWAT)" اطلاق میگردد. یک تیم واکنش رزمی ماهر ممکن در مواردی لازم باشد تا عملیات تاکتیکی توأم با سطح بلند خطر را پیش ببرند. مثلاً اجرای اوامر جستجو و تعقیب و یا اجرای اوامر دستگیری علیه عناصر فوق العاده خطرناک.
- واحد های کنترول سرحدی و امنیت: کشور بعد از جنگ اکثراً با مشکل کنترول سرحدات مواجه میباشد. نیرو های نظامی دشمن یا شورشیان ممکن است با استفاده از نقاط عبوری سرحدی پروسه صلح را بی ثبات سازند. نقاط عبوری سرحدی نامصوّن، به عنوان نقطه های دخولی همچنان برای انجام فعالیت های غیر قانونی چون قاچاق انسان، اسلحه، مواد مخدر، و تخطی های تجارتهی و برای دخول غیر قانونی مخالفین مورد استفاده قرار می گیرند. از پولیس سرحدی احتمالاً خواسته خواهد شد تا با سایر ادارات دولتی مربوط به امور گمرکات، مهاجرت و عملیات نظامی نیز کار کنند.
- واحد استخبارات جنایی: طوریکه در فصل پنجم مورد بحث قرار گرفت، لازم است تا پولیس ظرفیت جمع آوری، تحلیل و شریک ساختن معلومات استخباراتی مربوط به فعالیت های جرایم جدی را داشته باشد.
- عملیات خاص: واحد های مخفی و مراقبتی. استفاده از وسایل خاص تحقیقات و اقدامات مخفی، چون جلوگیری از تماس های مخابراتی، مراقبت مخفی و گماشتن

- جاسوسان یا اجنتان مخفی، و وسایل مشروع و ضروری برای جلوگیری، کشف، تحقیق و تعقیب عدلی جرایم جدی شمرده میشوند. اگرچه این میکانیزم‌ها الزاماً شامل یک عنصر اغفال و دخول خودسروبی اجازه است، از آنرو آنها مقتضی یک چهارچوب جامع حقوقی و یک ساختار تشکیلاتی مناسب توأم با میکانیزم کنترل مؤثر و همچنان پرسونلی با آموزش‌های خاص جهت اجرای عملی این تدابیر، میباشد. بدین ترتیب تأسیس یک بخش عملیات خاص با اقلاد و شعبه-یکی برای اجرای تدابیر مراقبتی تکنیکی مخفی و جلوگیری از ارتباطات مخابراتی و دیگری برای سایر تدابیر چون: استخبارات بشری و گماشتن و پیشبرد کار اجنتان مخفی، حایز اهمیت زیاد میباشد. واحد‌های متذکره باید از استقلال تشکیلاتی برخوردار بوده و بطور دقیق در حدود خطوط رهنمای تجویز شده داخلی کار کنند.
- **واحد تحقیقات امور مالی:** تاخت و تاز بر اساس مالی یک عملیات جنایی میتواند مؤثریت آنرا بطور جدی به خطر مواجه سازد. از این لحاظ استقامت دادن منابع در استقامت تحقیقات مالی موازی با تحقیقات جنایی "عنعنوی" یک مصرف ارزنده محسوب میگردد. هدف یک تحقیق مالی عبارت از تشخیص، تعقیب، توقیف و ضبط عواید بدست آمده از درک جرایم میباشد. این امر مقتضی تخصص‌های خاص مأمورین مؤظف تحقیقات مالی و، یا بهتر از آن، یک واحد جداگانه تحقیقات مالی میباشد.
 - **واحد مربوط به مواد مخدر:** در صورتیکه تولید و قاچاق مواد مخدر در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه یک مشکل شمرده میشود، یک واحد ضد مواد مخدر بخاطر تخصص آن در عرصه عملیات مخفی، همکاری‌های بین المللی و همچنان هم‌آهنگی تحقیقات و تعقیب عدلی قضایای مربوط لازمی خواهد بود.
 - **واحد جرایم سازمان یافته:** اصطلاح "جرایم سازمان یافته" یک طیف گسترده از جرایم، یعنی از قاچاق اسلحه، انسان و مواد مخدر گرفته تا پیشبرد کار و بار فاحشه‌خانه‌ها تا اختطاف برای تاوان و اخاذی را در برمیگیرد. در حالیکه مجرمین جرایم سازمان یافته در تلاش تغییر شکل عواید از درک فعالیت‌های جرمی شان از طریق تطهیر پول میباشدند، نقش واحد فوق‌الذکر ممکن است با وظایف واحد جرایم مالی تداخل کاری پیدا نماید. با در نظر داشت شیوع جرایم سازمان یافته، و ذیدخل بودن مکرر آن در فضای سیاسی کشور بعد از جنگ و ستیزه و دانش و مهارت خاصی که جهت تحقیق جرایم سازمان یافته و جمع‌آوری شواهد لازم جهت نیل به یک تعقیب عدلی موفقانه، ممکن لازم باشد تا یک واحد جرایم سازمان یافته اختصاصی تشکیل گردد.
 - **واحد جرایم مالی و اقتصادی:** جمع‌آوری معلومات راجع به جرایم مالی و اقتصادی، تحلیل، تحقیق و تعقیب عدلی آنها مقتضی مهارت‌های خاص و منابع میباشد. چنین جرایم اکثراً در مقابل کاغذ (اسناد کاغذی) حساس میباشدند. مقابله با آنها تخصصی را در زمینه‌های جمع‌آوری مدارک و معلومات مالی و تحلیل آن و همچنان کار با سایر متخصصین چون متخصصین مالی یا محاسبین حقوقی و علمی را ایجاب مینماید.
 - **واحد ضد فساد اداری:** علاوه بر تشکیل یک واحد مربوط به جرایم مالی و اقتصادی، تعداد زیادی از نیروهای پولیس دارای واحد‌های ضد فساد اداری میباشدند. تشکیل این کمیسیون‌ها مطالبه یک تعداد از کنوانسیون‌های بین المللی و منطقوی، میباشد. چنین واحد‌ها برای آن ایجاد گردیده‌اند تا کارمندان ورزیده و وسایل بودجوی را جهت مقابله مؤثر با فساد اداری فراهم سازند. واحد

- متذکره در راستای ایفای وظایف خویش باید از استقلالیت مناست، صلاحیت و حمایت لازم برخوردار بوده و از نفوذ نامناسب آزاد باشند.
- *واحد محافظت بسته*: طوریکه بعداً در این فصل توضیح می‌گردد، محافظت از قضات، خائوالان و وکلای مدافع یکی از اجزای مهم توانایی یک دولت جهت تحقیق و تعقیب عدلی جرایم جدی محسوب می‌گردد. چنین یک یونت باید بتواند تهدیدات موجود به افراد آسیب پذیر را ارزیابی و یک پلان مناسب محافظتی را که شامل استخدام محافظین، بادی گاردان و محافظین دفاتر و اقامتگاه‌ها باشد، فراهم سازد. محافظت موفقانه افراد آسیب پذیر در قضایای کلیدی مربوط به محاکم، از هر دو رهگذر یعنی از رهگذر امکان پذیر ساختن پروسه‌های تعقیب عدلی و همچنان احیای اعتبار عامه بالای پولیس و سیستم قضایی، ضروری می‌باشد.
 - *واحد محافظت شاهدان*: محافظت شاهدان و وکلای مدافع همکار، و تا حد امکان مصونیت خانواده‌های آنها، که احتمالاً در خطر قرار داشته باشد، به اندازه محافظت افراد آسیب پذیر حایز اهمیت می‌باشد. واحد محافظت شاهدان مسولیت طرح یک پلانی را بدوش دارد تا مصونیت آنها را قبل، در جریان و بعد از محاکمه تأمین نماید.
 - *واحد نقل و انتقال محبوسین خطرناک*: واحد‌های نقل و انتقال محبوسین از رهگذر تأمین نقل و انتقال مصون محبوسین میان تأسیسات توقیف، محابس، محاکم و تأسیسات صحتی مهم شمرده میشود. چنین واحد‌ها خاصاً در موارد ذیدخل بودن در جرایم سازمان یافته با مسایل مربوط به مجرمین خطرناک حایز اهمیت می‌باشد. در کشور‌های بعد از جنگ و ستیزه نقل و انتقال محبوسین اکثراً یک رابطه ضعیف بوده و خطر گریز از طریق دخالت مسلحانه باید در نظر گرفته شود. در حالیکه مسئله نقل و انتقال محبوسین باید بخشی از سیستم محابس باشد، در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه این امر شاید برای پولیس ضروری باشد تا این وظیفه را خاصاً در رابطه به قضایای مهم جرایم جدی، مهم تلقی نماید.
 - *واحد معیار‌های امور داخلی / مسلکی*: در تمام ساختارهای پولیس این امر حایز اهمیت شمرده میشود که تا توجه کافی به ارتقای معیارهای مسلکی، تمامیت و جلوگیری، کشف و تحقیقات مربوط به سوء رفتار، تخلفات و فساد اداری افسران پولیس مبذول گردد. با در نظر داشت اهمیت حفظ یا احیای تمامیت و اعتبار نیروی پولیس در چشم مردم و با در نظر داشت ماهیت خاص و دشوار تحقیقات، در ساختار پولیس یک واحد خاص امور داخلی با منابع کافی و صلاحیت برای پی گیری مؤثر سوء رفتار پولیس، امر مهم محسوب می‌گردد.
 - *واحد کمک به قربانیان*: قربانیان جرایم جدی خاصاً افراد آسیب پذیر چون اطفال و قربانیان قاچاق انسان ممکن نیازمند کمک باشند. این کمک‌ها میتواند شامل محل سرپناه کمکی، مساعدت‌های طبی، مشوره‌های لازم در رابطه به صحت دماغی و مشوره‌های حقوقی باشد. این کمک همچنان میتواند شامل فراهم نمودن معلومات در مورد اینکه نظام عدالت جنایی چطور فعالیت میکند باشد. تا قربانیان یک آگاهی بهتری در رابطه به اینکه چی چیز باید از نظام قضایی توقع برده شود، داشته باشند. تشکیل یک واحد کمک به قربانیان یک مطالبه خاص پروتوکول منضمه کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته انتقالی (UNTOC) می‌باشد. در بعضی جا‌ها دفاتر خائوالان نیز دارای واحد‌های کمک به قربانیان می‌باشد.

هماهنگی و همکاری داخل ادارات

سایر ادارات، مثل آنهایی که در امور مربوط به مالیات و گمرکات سروکار دارند، جهت تحقیقات مؤثر جرایم جدی لازمی شمرده شده و میتوان از آنها مطالبه نمود تا در یک قضیه خاص همکاری نمایند. علاوه از این، یک گروه کاری دارای سوابق تخصصی گوناگون میتواند برای پیشبرد امور مربوط به یک قضیه از جرایم جدی مفید باشد. با در نظر داشت شرایط، یک گروه کاری باید شامل: پولیس، مأمورین مالیه، گمرکات و یک خرنوال بحیث آمر آنها با همکاری کارشناسانی چون محاسبین باشد. در این موارد مهم است تا مقررات و قرار داد هایی (چون یادداشت های تفاهم) طرح گردند تا به مسایل مربوط به همکاری و مشارکت

معلومات پرداخته، تسهیلاتی را در زمینه فراهم سازند. برعلاوه، جلسات منظم توأم با یک روحیه همکاری از جانب شرکت کننده گان گروه کاری، میتواند سطح موفقیت آنرا تا اندازه زیاد ارتقا بخشد.

ساختار های قضایی و گزینه ها برای محاکمه قضایای مربوط به جرایم جدی

یک قضای مستقل و غیر جانبدار و یک تعقیب عدلی مؤثر و عادلانه اجزای مهم هر گونه کوشش جهت رسیدگی به قضایای جرایم جدی محسوب میگردد. فقدان یک نظام قضایی نیرومند که بیدرنگ و بطور عادلانه جرایم حساس را مورد تحقیق و پیگرد قانونی قرار داده و قرار قضایی صادر نماید، حتی تحقیقات بسیار محتاطانه و با دقت تمام انجام شده منجر به رهایی دوباره مجرمین به کوچه ها و سرک ها خواهد شد. این گونه معافیت نه تنها جنایتکاری مزید را تشویق میکند، بلکه همچنان به پولیس و مورال عامه صدمه وارد میکند. مزید بر اینها، با در نظر داشت صلاحیت های وسیع که به پولیس و خرنوالان داده شده، این امر از همه ضروری شمرده میشود که قضأ بتواند معیار های بین المللی محاکمه عادلانه و بیطرفانه را (همچنان از دیدگاه عامه) حین اجرای قانون، تضمین نماید. بسیاری از اقدامات مربوط در فصل سوم مورد بحث قرار گرفت.

جرایم سازمان یافته مورد هدف، مواد مخدر و قاچاق در بوسنیا

فیصله نامه شماره 1144 شورای امنیت، که در سال 1997 تصویب گردید، حکم میکند که هیأت دفتر نمایندگی ملل متحد در بوسنیا هرزگووینا (UNMIBH) یک نقشی را در تشکیل واحد های خاص پولیس جهت رسیدگی به نگرانی های امنیتی عامه، بشمول جرایم سازمان یافته، مواد مخدر، فساد اداری و بحران های مربوط به مدیریت بحران امنیت عامه، بازی نماید. بعنوان بخشی از این مساعی، تمام افسران پولیس، بشمول افسران جدیدا استخدام شده و افسران دوباره بازگشته سابقه، بسیج شده اند تا در کورس های آموزشی تنظیم شده بوسیله UNMIBH شامل گردند. عرصه های آموزشی خاص عبارت بودند از کنترل آشوب، پولیس ترافیک و تنظیم امور مربوط به استعمال اسلحه ناربه بر علاوه در ماه جون 2001، UNMIBH و پولیس محلی پروگرام خاص عملیات ضد قاچاق (STOP) را تأسیس کردند. این پروگرام بلند پروازانه ترین پروژه اروپای غربی و حوزه بالکان بود که تا ماه نومبر 2002، STOP بیش از 800 عملیات تصفیوی را انجام داده و بیش از 200 محل مورد شک به قاچاق را کشف و با کمک سازمان بین المللی مهاجرت (IOM) در زمینه عودت دوباره صد ها قربانی قاچاق شده مساعدت نمود.

این مطالبه یک چالش و پیچیده گی واضح را مطرح میسازد. جرایم جدی که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته، در جوامع بعد از جنگ و ستیزه ارتکاب مییابند که مشخصه عمده آنها مؤسسات ضعیف و شکننده مربوط به حاکمیت قانون میباشد. بنا بر دلایل مختلف، نظام قضایی ممکن است برای رسیده گی به قضایای مربوط به جرایم جدی خوب تجهیز نه شده باشد. جنگ ممکن تمام خسارات فزیکتی را به نظام قضایی وارد نموده باشد. تعمیر های ویران محاکم و دفاتر غارت شده خائولان را از خود بجا گذاشته و به تعداد از قضاات و خائولان ورزیده تلفات وارد نموده باشد. به همین ترتیب نظام قضایی ممکن است بحیث یک وسیله اعمال ستم علیه دیگران یا گروه های خاص قومی، مذهبی یا سیاسی بکار گرفته شده باشد. و بدین ترتیب مشروعیت مؤسسات و اعتبار قضاات و خائولانی را که بخش از آنها بودند، زیر سوال قرار داده باشد. قضاات و خائولانی که از جنگ باقی مانده اند میتوانند لکه دار یا آلوده شده بطور سیستماتیک در مؤسسات مربوط یا ساختار سیاسی دولت رخنه کرده و بیطرفی شانرا در معرض معامله قرار داده باشند.

در کشور های بعد از جنگ و ستیزه، بعضی قضاات و خائولان ممکن است علیه بعضی گروه های خاص قومی، مذهبی یا سیاسی از خود غرض ورزی یا قضاوت تبعیض آمیز تبارز دهند؛ ممکن است در معرض فشار ارباب و تهدید های فزیکتی از جانب جنایتکاران قرار داشته باشند؛ یا شاید در معرض فشار واقعی یا واضح از جانب همقطاران یا گروه های اجتماعی قرار داشته باشند. آنها ممکن از سطح امنیت شخصی لازم جهت پیشبرد مصون قضایای مربوط به جرایم جدی مستفید نباشند. علاوه از اینها، محیط سیاسی در جامعه بعد از جنگ و ستیزه ممکن است طوری باشد که بعضی مأمورین معیین دولتی طوری تصور کنند که تشکیل یک نظام قضایی نیرومند به نفع آنها نیست. زیرا آنها فکر میکنند که فضایی که آنها در آن مسؤل شناخته نمی شود، با نیرومندی نظام عدلی پایان خواهد یافت. مأمورین نامبرده ممکن است با اختصاص ندادن و جوه مالی یا منابع بشری یا با مانع شدن مساعی ریفورم در عرصه قانون گذاری، اصلاحات را فلج سازند. تمام این عوامل میتوانند در توانایی نظام قضایی برای تحقیق و محاکمه عادلانه و بیطرفانه قضایای مربوط به جرایم جدی اثر گذار باشند.

وظیفه پرداختن به این کمبود ها و تشکیل یک نظام قضایی کاملاً فعال، عادلانه و مؤثر، بشمول یک قضائیه مستقل یک هدفی است که مساعی طویل المدت و متنوع را ایجاب مینماید. تشکیل یک نظام جدید ممکن است مقتضی بازسازی تعمیر های محاکم، طرح سیستم های جدید استخدام و سپلین برای قضاات و خائولان، ایجاد سیستم اداری محاکم، اصلاح انستیتیوت های آموزش حقوقی، طرح پروگرام های آموزشی و ارتقای سطح آگاهی عامه، باشد. اینها همه اقدامات مهم اند که باید به زودی ممکنه اتخاذ گردند. با در نظر داشت تأثیر بی ثبات کننده جرایم جدی که ممکن است این کوشش های متنوع را زیر سوال قرار دهد، عاقلانه نخواهد بود که منتظر ماند تا این کوشش ها قبل از مقابل شدن با جرایم جدی، ثمر دهند. لازم خواهد بود تا بعضی راه حل های فوری برای فیصله نمودن عادلانه، غیرجانبدارانه و مستقلانه دو سیه های جرایم جدی، پیدا شود. این قسمت دو انتخاب برای برخورد با قضایای مربوط به جرایم جدی را در صورت عدم موجودیت یک نظام قضایی کاملاً فعال و عادلانه، مورد بحث قرار میدهد: ایجاد حوزه های قضایی خاص در کشور بعد از جنگ و ستیزه و یا تعقیب عدلی به وسیله کدام کشور دیگر ذیربط.

میکانیزم های خاص جهت تعقیب عدلی و قضاوت قضایا

یک تعداد از جوامع بعد جنگ و ستیزه در صدد آن شدند تا بالای کمبود های نظام قضایی از طریق توظیف یا ایجاد محاکم اختصاصی، اتاق های حقوقی یا دیپارتمنت ها و یا دفاتر اختصاصی جهت تعقیب عدلی که از حدود صلاحیت های قضایی خاصی در عرصه جرایم جدی برخوردار باشند، فایق آیند. بدین ترتیب منابع محدود میتواند افزایش یافته و مورد توجه قرار گیرند تا یک راه بیرون رفت مناسب از جرایم جدی فراهم گردد. حتی اگر سیستم منظم محاکم و شرایط بعد از جنگ که در آن فعالیت میکنند، عمیقاً خدشه دار و عیب دار باشد.

تصور تشکیل حدود صلاحیت های قضایی اختصاصی مسلماً یک تصور بدیع نیست. بسیاری کشور ها دارای خارنوالان و قضات تحقیق اند که آنها در رشته جرایم معین تخصص دارند. کشور های زیادی محاکم اختصاصی یا بخش های اختصاصی در این محاکم دارند، تا به منازعاتی چون: مناقشات خانواده گی، جرایم مربوط به نوجوانان، حقوق تجارت یا مسایل مربوط به مالیات را حل و فصل کنند. دفاتر خارنوالی نیز ممکن است چنین پرسونل اختصاصی و بخش های اختصاصی داشته باشند که بطور مشابه روی انواع معین جرایم متمرکز میباشند. دلیل عمده چنین عملکرد، همانا مؤثریت است که میخواهند از طریق توحید تخصص ها، تجهیزات خاص و منابع آنرا تأمین نموده و میکانزمی را بمنظور تعقیب عدلی مناسب و آماده ساختن خوب قضایای

محاکم اختصاصی برای جرایم جنگی و قضایای مربوط آن در تیمور شرقی و سیرالیون

تیمور شرقی

اداره انتقالی ملل متحد در تیمور شرقی (UNTAET) هیأت های قضایی را جهت رسیدگی به قضایای "جرایم جدی" با حدود قضایی همه شمول بالای جرایمی چون قتل عام، جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت، شکنجه، قتل و جرایم جنسی، تشکیل نمود. (طوریکه از نام جرایم واضع می شود، تعریف UNTAET از جرایم جنگی با تعریفی که در این کتاب بکار برده شده تفاوت دارد.) هیأت های مذکور که کار آنها اکنون تمام شده در محکمه و لسوالی Dili مستقر بوده و متشکل از قضات بین المللی و تیموری بود. خارنوالان ملی و بین المللی تحت اثر معاون لوی خارنوال در امور مربوط به جرایم جدی که از صلاحیت قضایی قابل ملاحظه در زمینه تحقیق و تعقیب عدلی جرایم جدی برخوردار بود، باهم یکجا کار میکردند. وکلای مدافع ملی و بین المللی همچنان باهم در زمینه قضایای مربوط به جرایم جدی کار میکردند. هیأت های قضایی جرایم جدی بوسیله مقرره UNTAET

2000/15 اداره میشد. هیأت های مذکور با حدود صلاحیت قضایی گسترده در عرصه جرایم جدی جنایی تأسیس شد. مقرره مذکور از منابع مختلف حقوقی بشمول موقف محکمه بین المللی جنایی (اساس تعریف های جرایم، اصول عمومی حقوق، وکالت مدافع، مسئولیت انفرادی جنایی و غیره)، کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه (اساسی برای تعریف شکنجه)، و قانون محاکم اندونیزیایی (که بحیث قانون اجراء محاکم قابل تطبیق در تیمور شرقی اعلان گردیده بود و مواد آن اساس تعریف جرایم قتل و جرایم جنسی شمرده میشود)، الهام میگیرد. در رابطه به مقرره UNTAET 15/2000 که عمدتاً از قانون جرایم جنایی تشکیل میشد، هیأت های مذکور همچنان مواد طرزالعملی مقرره شماره UNTAET 30/2000، مقررات انتقالی اجراء جزایی، را نیز در معرض اجرا قرار داد.

سیرالیون

محکمه اختصاصی یک قانون دیگر را بکار میبرد که به حیث بخشی از موافقتنامه طرح گردیده که شامل بعضی عناصر قانون سیرالیون میباشد. (مثلاً تعریف های جرایم جنایی داخلی) و مقررات مربوط به اجراءات و شواهد دیوان محاکماتی بین المللی جنایی برای روند را بعنوان مقررات اجراءات جزایی قابل اجراء، توحید و باهم درمی آمیزد. قانون مذکور همچنان شامل موادی میشود که مسایل مربوط به حدود صلاحیت قضایی محاکم، ترکیب آنها و همچنان اساسات تشکیلاتی و پروسه های اجراءات قضای و استیناف خواهی و همچنان اصول عمومی قانون جنایی از طریق آن تنظیم میگردد. محکمه خاص شامل هردو یعنی پرسونل بین المللی و ملی میباشد. پرسونل اول ذکر به وسیله ملل متحد و دومی از طرف دولت سیرالیون مقرر میشود. جریان محاکمات قضایی و درخواست های استیناف خواهی به وسیله کمیته ها متشکل از اکثریت قضات بین المللی مورد رسیده گی قرار میگیرند. خائونال محکمه اختصاصی به وسیله سرمنشی عمومی ملل متحد مقرر میگردد که از معاونت یک معاون خائونال سیرالیونی و سایر خائونالان ملی و بین المللی، مستفید میباشد.

به تعقیب فیصله نامه شماره 1315 (2000) شورای امنیت ملل متحد، محکمه خاصی برای سیرالیون بحیث یک محکمه اختصاصی مستقل از طریق یک موافقتنامه میان دولت سیرالیون و ملل متحد تشکیل گردید. حدود صلاحیت قضایی محکمه مذکور افرادی را دربر میگیرد که "بزرگترین مسئولیت ارتکاب قتل عام، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی را بدوش داشتند، و جرایم ذیل از قانون سیرالیون مشتق شدند: جرایم مربوط به سو استفاده از دختران، تخریب بیباکانه ملکیت ها و حریق عمدی. بر عکس هیات های قضایی در تیمور شرقی، محکمه اختصاصی سیرالیون دارای "حدود صلاحیت قضایی همزمان" بالای جرایم موجود در محاکم سیرالیون دارد. در سیرالیون محاکم محلی صلاحیت دارند تا قضایای را که در حدود صلاحیت قضایی محاکم اختصاصی قرار دارد، مورد رسیده گی قرار دهند. وقتی از جانب محکمه اختصاصی خواسته شد که چنین شود، یک محکمه محلی باید صلاحیت قضایی خود را به محکمه اختصاصی واگذار نموده و استماع یک قضیه را متوقف سازد. از آنجاییکه محاکم محلی بوسیله قوانین داخلی اداره میشوند، یک

مربوط جهت محاکمه، فراهم سازند تا بار خائونالان از رهگذر قضایای پیچیده یا تخنیکی، محدود گردد. طور مثال، دفتر یک خائونالی ممکن دارای یک بخش اختصاصی جهت حل و فصل موضوعات مربوط به جرایم مالی و اقتصادی، واحد یا یونیت دیگر برای رسیده گی به قضایای جرایم سازمان یافته و واحد سومی جهت بررسی مسایل مربوط به قضایای مواد مخدر داشته باشد. در صورتیکه این امر غیر معمول و بصورت عموم غیر ضروری است تا دیوان های اختصاصی محاکمه یا محاکم استیناف را جهت رسیده گی به جرایم جدی ایجاد نمود. ولی انجام چنین کاری در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه ممکن مزایای زیادی داشته باشد.

تمرکز روی قضایای جرایم جدی در محاکم اختصاصی، تعداد قضات و خائونالانی را که به مسایل مربوط به جرایم جدی رسیده گی میکنند، محدود ساخته، زمینه را برای یک پروسه جدی و دقیق برای انتخاب این گونه پرسونل مساعد میسازد. این امر همچنان زمینه را برای مراقبت و نظارت آسانتر قضایا جهت تأمین طرز العمل های آسانتر فراهم میسازد. از آنجاییکه بسیاری قضایای مربوط به جرایم جدی پیچیده و تخنیکی تلقی میشوند، خصوصاً وقتی قضایای مربوط به جرایم مالی یا تعقیب عدلی مرتکبین جرایم بسیار پوشیده سازمان یافته مطرح باشد، محول نمودن چنین قضایا به حوزه های قضایی اختصاصی ممکن است از انبار شدن دوسیه ها در سیستم عادی محاکم جلوگیری نموده و فشار های نامناسب بر خائونالان و قضات را مبنی بر عجله در پیگرد قانونی یا محاکمه، دفع نماید.

علاوه از اینها، منابع محدودی میتواند جهت ایجاد شرایط لازم برای رسیده گی به قضایای جرایم جدی متمرکز ساخته شود. محاکم یا شعبات مربوط آن، میتوانند با تجهیزات مورد نیاز

پیشبرد مؤثر امور مربوط به محاکمه جرایم جدی آماده شوند. طور مثال، آینه های دو رویه، وسایل تحریف صدا و تصویر و شبکه های تلویزیونی بی که تصویر را از نزدیک نشان می دهد (معمولاً برای مقاصد امنیتی از آن استفاده میشود. م.) که هویت قربانیان و شاهدان را محفوظ نگه دارد. قضاوت و خارنوالان اختصاصی میتوانند از رهگذر فراهم ساختن آموزش های بیشتر در باره جنبه های واقعی و طرز عملی قضایای جرایم جدی، مورد توجه مفراط قرار گیرند. به حوزه های قضایی خاص میتواند تدابیر امنیتی خاص و محافظت شاهدان فراهم شود. در صورتیکه پرسونل بین المللی جهت تربیه و آموزش قضاوت، خارنوالان و کارمندان اداری محاکم مؤظف شود، کار آنها میتواند بیشتر روی حوزه قضایی خاص متمرکز باشد. به همین ترتیب، در صورتیکه قضاوت و خارنوالان بین المللی با همکاری هم ردیفان ملی شان جهت محاکمه جرایم جدی توظیف شوند، حوزه های قضایی خاص یک شیوه مؤثر محسوب میگردد که آنها از آن کار گرفته شود. (فصل ششم موضوع مربوط به استفاده از پرسونل بین المللی را بشمول: انتخاب، آموزش، حسابدگی و مراقبت، مورد بحث قرار میدهد.)

قابل یاد آوری شمرده میشود که تجارب دیوان های محاکماتی بی که جهت رسیده گی به جرایم جنگی و قضایای مربوط دایر گردیده، بشمول چالش هایی که این دیوان های با آن مواجه بودند و بعضی دلایلی که تصمیم ایجاد آنها را برجسته میسازد، همه با پیرو سه تشکیل حوزه های قضایی اختصاصی یا ساختار های برای پیشبرد امور مربوط به جرایم جدی مطابقت دارد. طوریکه کشور های متعدد بعد از جنگ و ستیزه طی دهه گذشته آموخته اند، ضرورت مهار کردن منابع خاص و پرسونل اختصاصی، همچنان ایجاد سیستم های محافظت شاهدان و سایر قابلیت های اختصاصی و به همین ترتیب پرداختن به مسایل مربوط به جرایمی که خصوصیت بی ثبات کننده دارند، همه به جرایم جنگی و قضایای مربوط آن بستگی دارند، به همین ترتیب قضایای مربوط به جرایم جدی تربیونال های خاص بین المللی برای یوگوسلاویای سابق و همچنان برای کشور رونا، از رهگذر های متعدد، مشکل آفرین ثابت شدند: آنها بسیار گران قیمت اند؛ آنها در یک فاصله بسیار دور از محل وقوع حادثه مورد نظر فعالیت میکنند، (دیوان محاکماتی برای یوگوسلاویای سابق در هاگ Hague و برای رونا در شهر اروشای Arusha کشور تانزانیا دایر گردید)؛ آنها تنها تعدادی معدودی از موارد و قضایا را حل و فصل کرده میتوانند و آنها برای ارتقای سطح ظرفیت داخلی جهت رسیده گی به این گونه قضایا، چیزی اندکی بدسترس دارند. محکمه اختصاصی برای سیرالیون قسملاً طوری طرح گردیده بود که این مشکلات را کم سازد، اما این محکمه نیز مورد انتقاد قرار گرفت زیرا این هم یک محکمه اختصاصی بود که در خارج با بار بسیار محدود کاری دایر گردید. هیأت قضایی با حوزه قضایی اجرایی در مورد تخطی های جدی جنایی در تیمور شرقی، در حالیکه از رهگذر تخنیکیک بخشی از نظام قضایی موجود تیمور شرقی شمرده میشود، در حقیقت بطور بسیار ناکاره و ضعیف با نظام قضایی ملی مدغم گردید که نگرانی های جدی را در رابطه به اثرات طویل المدت آن می انگیزد. در کوسوو، یک محکمه خاص جهت رسیده گی به جرایم جنگی و تنش های قومی، تشکیل نه شد. در عوض قضاوت و خارنوالان بین المللی در قضایای انفرادی در سطح محاکم ولسوالی و هیأت های قضایی اختصاصی ذیدخل ساخته شدند. این در حالی بود که اکثریت قضاوت بین المللی برای موارد و قضایای گزیده شده به اصطلاح آفریده شدند. در بوسنیا، قضاوت بین المللی و خارنوالان بین المللی در یک اداره مربوط به جرایم جنگی در محکمه دولتی، مدغم ساخته شدند. یکی از درس هایی که تا امروز از تجربه کار با این دیوان های محاکماتی بدست آمده، و در گزارش سرمشنی عمومی ملل متحد در باره حاکمیت قانون و عدالت انتقالی در هنگام جنگ و ستیزه و در

جوامع بعد از جنگ و ستیزه، نیز به آن تأکید شده، آنست که چنین دیوان های محاکماتی باید تا اندازه که امکان دارد بطور کامل در سیستم های ملی با یک هدف واضح ارتقای ظرفیت داخلی جهت پیشبرد امور رسیده گی به قضایای چالشی و دشوار، مدغم ساخته شوند.

به اندازه های مختلف، تجارب دیوان های محاکماتی مربوط به جرایم جنگی و محاکم عادی در طرح حرفه، روش های برخورد با هر دو یعنی جرایم جنگی و قضایای مربوط به جرایم جدی در بوسنیا و در کوسوو و با قضایای قابل ملاحظه مواد مخدر در افغانستان، مورد غور قرار گرفتند. طبیعتاً سیاست ها، منابع موجود، نقش جامعه بین المللی و خصوصیات هر وضعیت همچنان بالای طرز برخورد های که سرانجام تدوین گردیدند اثر گذار بودند. در سال 2000، SRSR برای کوسوو یک مقررہ را نشر نمود که میکانیزم های طرز العملی محول کردن قضایای جرایم جدی به خارتوالان بین المللی و هیأت های بین المللی مرکب از قضات بین المللی و کوسووی را طرح میکرد. (پنج سال بعد، پلان گذاری برای یک محکمه مرکزی و دفتر خارتوالی که جاگزین هیأت های قضایی خاص در محاکم مختلف و لسوالی های کوسوو گردد، آغاز گردید.) بوسنیا یک اداره خاص را برای جرایم سازمان یافته، جرایم اقتصادی و فساد اداری در داخل محکمه موجود دولتی که در آن قضات و خارتوالان بین المللی یکجا با همکاران داخلی شان کار میکردند تشکیل نمود. در افغانستان یک محکمه اختصاصی مرکزی مواد مخدر (CNT) جهت رسیده گی به قضایای بزرگ بحیث جزء از نظام قضایی کشور ایجاد گردیده است. اگرچه کارمندان محکمه مذکور از داخل کشور استخدام گردیده ولی مساعدت های قابل ملاحظه را از جامعه بین المللی در عرصه های آموزش، و جوه مالی و ترتیب و آماده ساختن قضایا، دریافت میدارد.

چوکات های ذیل (از صفحه 85-95) این و سایر طرز برخورد ها را به تفصیل مورد بحث قرار میدهد.

دفتر خارتوال خاص جهت پیشبرد امور مربوط به قضایای تخطی های حقوق بشر در کمبودیا

در ماه فبروری 1992، شورای امنیت ملل متحد تأسیس یک اداره انتقالی در کمبودیا (UNTAC) را منظور نمود. این اداره مسؤلیت اجرای توافقنامه های صلح پاریس، منعقدہ ماه اکتوبر 1991، و مراقبت از تنظیم و انجام انتخابات سال 1993 را به عهده داشت. نظر به موافقتنامه های پاریس، نماینده خاص UNTAC سرمنشی عمومی ملل متحد یوسوشی آکاشی Yasushi Akashi صلاحیت یافت تا چنان رهنمود های الزام آور را به نماینده گی های اداری صادر نماید که یک محیط بی طرفانه را برای انتخابات تأمین نماید. وقتی مقامات ملی در فرونشاندن خشونت سیاسی و ارباب قبل از انتخابات، ناکام ماندند، آقای آکاشی رهنمود 1/93 را صادر و یک دفتر خاص خارتوالی را در چهارچوب UNTAC تشکیل نمود که صلاحیت گرفتاری، تعقیب عدلی و توقیف افراد مظنون به تخطی های جدی حقوق بشری را داشت. در آن وقت این یک قدم بنیادی، و در نوع خود در جمله تمامی نیروی حفظ

ملل متحد بی نظیر و یک اقدامی بود که به وسیله بسیاری از اعضای مأموریت ملل متحد با آن مخالفت صورت گرفت. نتیجه این مخالفت دوام دار بمعنی مخالفت با القوه بود که چنین دفتر هیچگاهی پذیرفته نشود. تنها سه نفر مظنونین بوسیله خارتوال اختصاصی گرفتار گردید ولی خارتوال مذکور قادر نبود که هیچ کدام آنها را بنابر نظام قضایی ضعیف، که نمی توانست کار چنین قضایا را پیش ببرد، به محاکمه بکشاند. خارتوال اختصاصی شکایت نمود که هیأت رهبری UNTAC ترسید تا مأمورین عالی رتبه کمبودیا را مضطرب سازد. موصوف قبل از آن که معیاد قرارداد اش پوره شود، استعفا داد. اگرچه تلاش مذکور در شرایط کمبودیا موفقیت آمیز نبود ولی این امر یک مثالی را برای معرفی پرسونل بین المللی در مأموریت هایی که جرایم جدی صلح را مخصوصاً در شرایط عدم موجودیت پولیس و نظام قضایی فعال تهدید میکند، بوجود آورد.

میکانیزمی جهت تعقیب عدلی و محاکمه جرایم جدی در کوسوو

اروپا (OSCE) و سازمان های بین المللی حقوق بشر استدلال کردند که چنین توقیف ها، معیار های بین المللی حقوق بشر را زیر پا می کند و از آثر و تقرر قضات و خارنوالان بین المللی را مطالبه مینمایند تا در مواقعی که نظام قضایی ملی جانبدارانه عمل نموده یا هم تحت ارباب و تهدید قرار داشته باشد به قضایای حساس و جدی رسیده گی نمایند. در ماه فروری سال 2000، یک سلسله از حملات خشونتبار و قومی در متروویسیا (Mitrovica) این مسئله را تحت فشار قرار داد. دفتر ملل متحد UNMIK مقرر شماره 6/2000 را تصویب نمود که تقرر قضات و خارنوالان بین المللی در محکمه ولسوالی (Mitrovica) و در دفتر خارنوال عامه اجازه میدهد. به اساس این مقرر قضات و خارنوالان بین المللی صلاحیت آنها دریافتند تا تحقیقات جنایی "جدید و نا اجرا را انتخاب و مسؤلیت رسیده گی" به آنها را بدوش بگیرند. چند ماه بعد، در واکنش به اعتصاب غذایی که به وسیله محبوسین صرب که به جرایم جنگی متهم شده بودند، و علیه آنچه که آنها آنرا یک قضایه غیر عادلانه و تحت کنترل قومی البانیایی تباران تلقی میکردند، اعتراض میکردند، دفتر ملل متحد UNMIK مقرر شماره 34/2000 را مرعی اجرا قرار داد. به اساس این مقرر تقرر قضات و خارنوالان بین المللی در هر پنج محکمه ولسوالی و همچنان در ستره محکمه، امکان پذیر شد.

مقرر مذکور در مقابله به اتهامات پی در پی تعصب، کافی نبود. زیرا قضات کوسوو در هیأت قضایی پنج عضوی و در هیأت قضایی سه عضوی توقیف و استیناف در اکثریت بودند و هر بار نسبت قضات بین المللی رای بیشتر میبردند. علاوه از این معلوم گردید که این تنها خشونت های قومی نبود که نظام قضایی کوسوو را برای تحقیق، تعقیب عدلی، قضاوت و تصمیم گیری عادلانه در مورد مسایل مربوط به توقیف به مبارزه می طلبید. قضایای مربوط به جرایم سازمان یافته، همانند موارد قتل که به وسیله گروه های متخاصم سیاسی البانیایی های

در کوسوو، با وصف علایم واضح مبنی بر اینکه نظام قضایی ملی کوسوو قادر نخواهد بود که مسایل مربوط به جرایم جدی را به یک نحوه بی طرفانه حل و فصل نماید، مساعی جهت دریافت یک شیوه و روش عادلانه و مؤثر تعقیب و محاکمه قضایای مربوط جرایم جدی، با پیچیده گی های متعدد مواجه گردید و در عوض تعقیب یک خط مستقیم انکشافی به استقامت های دیگری سوق داده شد. طرز برخوردی که طرح گردید پیامد اقدامات خاص بنام stop-gap بود که در واکنش به بحرانی که منجر به طرح یک میکانیزم برخورد با جرایم جدی که دارای نواقص طرز العملی بود، طرح شد. در سال 1999، UNMIK تأسیس یک دیوان محاکماتی جداگانه بنام محکمه جنگ کوسوو و جرایم مربوط به تناقضات قومی را پیشنهاد نمود، که کار آن باید به وسیله قضات و خارنوالان بین المللی و کوسوویی پیش برده میشد. پیشنهاد مذکور از جانب سازمان ملل متحد و دونران بین المللی رد گردید. علت آنرا اندیشه های ناشی از مصرف بسیار گزاف و ترس از این که پروژه مذکور احتمالاً تمرکز توجه و منابع را از تشکیل یک نظام قضایی کوسوو به صورت کل، منحرف خواهد نمود، بیان کردند.

در عین زمان، از اینکه نظام قضایی کوسوو (تقریباً بصورت مجموعی از البانیایی تباران کوسوو تشکیل شده) به رهایی بعضی البانیایی های خطرناک کوسوو از توقیف، ادامه داد، در حالیکه با بعضی صرب های کوسوو طور دیگری برخورد صورت میشد. قوماندان KFOR (نیروی نظامی تحت رهبری ناتو که در منطقه جابجا شده) مقامات را به نسبت نبود امنیت که باید به اساس فیصله نامه 1244 شورای امنیت ملل متحد یک محیط مصون و امن تأمین گردد، ملامت میکند و دلیل آنرا نبود یک نظام قضایی فعال میدانند. از آثر و موصوف یک طرز العملی را ساخت که مطابق آن توقیف های متداوم را با وجود موجودیت احکام رهایی از جانب نظام قضایی، منظور مینماید. سازمان امنیت و همکاری

مورد اینکه کدام قضایا به وسیله هیأت قضایی سه عضوی که اکثریت آنها قضات بین المللی تشکیل میدهد و کدام قضایا به وسیله هات قضایی پنج عضوی که اکثریت آنها قضات کوسوویی تشکیل میدهد، مورد رسیدگی قرار گیرد، ملاحظات سیاسی با سایر ملاحظات غیر مربوط در نظر گرفته شوند.

علاوه از این، قضات و خارتوانان بین المللی به عوض یکجا کار کردن با همقطاران محلی شان، بر یک بنیاد موازی با نظام قضایی ملی بطور مؤثر عمل کرده اند. در نتیجه، این امر موجب انتقال بسیار جزیی ظرفیت و مهارت به قضات و خارتوانان داخلی گردیده است. در جریان 6 سال موجودیت دفتر نماینده گی ملل متحد UNMIK کدام ستراتیژی مفصل با اهداف مشخص، کمک ها و معیار های معین شده برای مرحله بندی معیاد خدمت پرسونل بین المللی و اختیار دادن به قضات و خارتوانان داخلی که کار اینگونه قضایا را پیش ببرند، وجود نداشته است. مزید بر این، معاونیت خارتوانان به وسیله یک خارتوانان بین المللی و یک خارتوانان کوسوویی، که هر دو در پروسه بازجویی شاهدان در جریان یک محکمه شرکت ورزند، هیچگاهی تشویق نه شده و تنها یک عده معدودی در یک ابتکاری از یک خارتوانان انفرادی بین المللی سهم گرفتند. با اینهم، انکشافات مثبت نیز در اوایل سال 2006 به وقوع پیوست و آن زمان بود که UNMIK تاسیس خارتوانالی اختصاصی کوسوو (KSPO) را اعلام داشت. دفتر KSPO باید متشکل از ده نفر خارتوانان کوسوویی و ده نفر خارتوانان بین المللی باشد. آنها روی دوسیه های انفرادی یکجا باهم کار خواهد نمود. مزید بر این حکومت کوسوو در حدود ده نفر کارمند رشته حقوق و قانون را تدارک خواهد نمود. وقتی این اداره یکبار فعال شود، اداره مذکور KSPO با بخش قضائیه دفتر ملل متحد UNMIK که تا هنوز موجود است، در مورد رسیدگی به پیچیده ترین قضایای مربوط به جرایم سازمان یافته، فساد اداری عامه و مواد جرمی ناشی از تنش های قومی یکجا باهم کار خواهند نمود.

کوسوو، ارتکاب می یافت، همچنان برای قضات و خارتوانان کوسوو مشکل ثابت شد. در ماه دسامبر سال 2000 دفتر ملل متحد UNMIK مقرر شماره 64/2000 را نشر کرد. مقرر مذکور به نماینده خاص سرمنشی ملل متحد (SRSG) صلاحیت می داد تا پیشنهادات دفتر ملل متحد UNMIK را در مورد تعقیب عدلی یا دفاع قضایایی که رسیده گی به آن از جانب هیأت قضایی اختصاصی سه عضوی (شامل حداقل دو نفر قضات بین المللی) و همچنان تعقیب عدلی قضایایی را که باید به وسیله یک خارتوانان بین المللی تعقیب گردد، منظور نماید.

ضرورت دریافت یک میکانیزم جهت رسیدگی به جرایم جدی در کوسوو یک مسله غیر قابل مناقشه شمرده میشود. و "هیأت قضایی 64" در موارد بسیار موفق گردیده تا مجرمین را به پنجه عدالت بسپارد، در حالیکه نظام قضایی قبلی در تحقق این امر ناکام مانده بود. اگرچه این طرز برخورد بنابر تعدادی از نواقص طرز العمل مورد انتقاد قرار گرفته است ولی OSCE و مسؤل سمع شکایات حقوق بشر دفتر ملل متحد UNMIK مخالفت نموده اند و اینکه UNMIK و SRSG نماینده خاص سرمنشی ملل متحد در کوسوو از این صلاحیت برخوردار میباشد که قضات و خارتوانان بین المللی را مقرر و قرارداد های معمول شش ماهه آنها را تمدید نماید. به همین ترتیب او میتواند در این زمینه تصمیم اتخاذ نماید که به کدام قضایا آنها رسیده گی نمایند. البته اینگونه تصمیم هم تخطی بی از رعایت اصل تفکیک میان قوه اجرایه و قضایه و همچنان یک تخطی بی از اصل مستقل بودن قوه قضایه تلقی میگردد. به همین ترتیب استدلال شده که بعضی اقدامات مصونیت چون تشکیل یک نهاد مستقل یا میکانیزمی باید به وجود آورده شود که استقلالیت قوه قضایه را تأمین نماید. فقدان ضوابط لازم در مورد اینکه کدام قضایا باید که به هیأت قضایی 64 محول گردد و به همین ترتیب فقدان شفافیت در پروسه تصمیم گیری باعث آن گردیده تا با قضایای دارای ماهیت و جدیت مشابه، برخورد متفاوت صورت گیرد. فقدان ضوابط لازم همچنان باعث آن گردیده تا حین اتخاذ تصمیم در

تشکیل یک اداره خاص جهت رسیده گی به قضایای مربوط به جرایم جدی در بوسنیا

تصمیم تشکیل یک میکانیزم خاص جهت رسیده گی به جرایم جدی در بوسنیا و هرزگوینا، هشت سال بعد از موافقتنامه صلح مطرح گردید. اما این تصمیم با استفاده از درس های آموخته شده از تجربه کوسوو اتخاذ شد. تنوع و گونه گونی حدود صلاحیت قضایی که از ساختار پیچیدهء موافقه شده در دایتون (Dayton) منشأ می گرفت، مشخصه عمده آن یک نظام دولتی ضعیف، دو نهاد بزرگ بنانهاده شده بر اساس قومی (فدراسیون بوسنیا و هرزگوینا و جمهورییت صربیسکا Srpska)، و در کانتون یا منطقه بزرگ قومی فدراسیون، که در ایجاد یک فضای معافیت برای مجرمین سهم میگرفتند، و معمولاً در ساحت مربوط شان یعنی در جایی محاکمه میشدند که میتوانستند بالای نظام قضایی فشار وارد کنند. موافقت نامه صلح دایتون کدام دفتر خارنوالی در سطح کشور یا کدام محکمه برای جرایم سازمان یافته یا فعالیت های مربوط به فساد اداری در سراسر بوسنیا را پیش بینی نکرده بود.

مساعی جهت ارتقای ظرفیت، خصوصاً جهت پیش برد مسایل مربوط به جرایم جدی، در سال 1998-1999 با پیشنهادی جهت اصلاحات در چهارچوب قوانین جنایی آغاز گردید تا در زمینه تحقیق، تعقیب عدلی و رسیده گی قضایی به جرایم جدی کمک نماید. یک مفکوره دیگر داشتن مستنطقین و خارنوالان بین المللی بود تا در زمینه انتخاب همتا های ملی شان جهت رسیده گی به قضایای جرایم جدی کمک نماید. اگرچه تنها قضات و خارنوالان ملی قضایای مربوط را مورد پیگرد و رسیده گی قضایی قرار میدادند. کشور های دونر عده ای از مستنطقین و خارنوالان را یکجا با کامندان اداره ضد فریبکاری دفتر نماینده عالی (OHR) اعزام داشتند تا این وظیفه را بدوش بگیرند. نماینده عالی OHR از صلاحیت مراقبتی بالای ادارات ملی بشمول صلاحیت تنفیذ قوانین برخوردار بود. این وضعیت باعث آن گردید تا قضا یا به محکمه آورده شوند. تا سال 2002 هیچ کس برای حکم هیأت قضایی نیامد. چهارچوب حقوقی کهنه فاقد تعریف های مناسب اعمال جنایی چون: فساد اداری، تظہیر پول و سایر جرایم اقتصادی و همچنان فاقد مجوز های مؤثر

چون جریمه های دارایی بود. قوانین اجراء جزای طاقت فرسا فرصت های بسیار زیادی را برای تأخیر در فیصله های قضایی فراهم ساخت. از این فرصتها بصورت متواتر بوسیله آن قضات بهره برداری صورت گرفت که نمی خواستند با قضایای حساس مقابله کنند. فقدان همکاری حقوقی میان دو نهاد بوسنیایی این امر را دشوار ساخت تا احکام گرفتاری و اجرایی و همچنان اقدامات تنفیذی به معرض اجرا قرار داده شود. این امر به مجرمین یک راه آسان فرار را مساعد ساخت. رشوت خوری، ارباب و فشار بوسیله افراد سیاسی فاسد و ملوس پیش پا افتاده و معمولی بود. در سال 1999 معین وزارت داخله فدراسیون در نتیجه یک موتر بمب گذاری شده به قتل رسید. متهمین قتل عضو یک گروه جنایی بودند که وزیر در باره آنها تحقیق میکرد. اتهام وارد میشد که قتل معین مذکور، قسماً به دلیل همکاری نزدیک وی با مأمورین دفتر نماینده گی ملل متحد صورت گرفته، زیر آنها در یافته بودند که موصوف یک پولیس با صلاحیت و مسلکی است. محکمه کانتون قضیه اتهام مذکور را بنابر نبود شواهد لازم که جامعه بین المللی به آن به دیده ثبوت های قابل ملاحظه میدید مسترد نمود. مسله قتل مذکور لاینحل ماند.

یک طرز برخورد نیرومند برای مقابله با جرایم جدی بحیث یک بخشی از ستراتیژی گسترده اصلاحات قضایی و جنایی اتخاذ شد. در سال 2002 جامعه بین المللی یک روش جدید را در مورد مقرری ها در نظام قضایی تدوین نمود که شامل تأسیس یک شورای عالی قضایی و تعقیب عدلی، توأم با ارزیابی دقیق و تجدید تشکیلاتی نظام محاکم و دفاتر خارنوالی همزمان بود. در سالهای بعدی مساعی برای اصلاح قوانین، مجموعه قوانین جنائی و قوانین مربوط به طرز اجراء جزایی تجدید شد. و به قوه مقننه جهت تصویب راجع شدند. این کار با یک تجدید ساختاری قابل ملاحظه و بسط نقشی توأم بود که به وسیله خارنوالان بازی میشد و برعکس زدودن نقش قاضی بخش تحقیق بود. یک محکمه دولتی که مطابق قانون تشکیل شده بود، ولی کار آن بنا بر یک تناقض با قانون اساسی، از طرف جمهورییت سرپسکیا به تعویق انداخته شده، بالاخره در حال تشکیل بود.

و کارمندان بود. یافتن تاسیسات مناسب برای دفاتر محاکم و خارتوانان بیش از یک سال را در بر گرفت. عدم همکاری اولیای سیاسی امور در زمینه، به این تاخیر افزود. با وصف موجود بودن توافق نیرومند بین المللی در رابطه به ضرورت محکمه، و جوه مالی و پرسونل مورد ضرورت بصورت فوری آماده نشد. پوست‌های بین المللی بیش از یک سال را در بر گرفت که شروع به اشغال کردن نماید و تا اکتوبر سال 2005 تعدادی از بست‌ها خالی مانده بود. نا برابری‌های که در سطح تجارب و تخصص به وسیله قضات و خارتوانان بین المللی نشان داده شد، در آن زمان به درک مردم عامه از این ابتکار صدمه وارد نمود. پرسونل بین المللی با آموزش‌های خاص در زمینه قوانین قابل اجرای بوسنیا آموزش نه‌دیده بودند و در بعضی موارد بطور ساده بالای قوانین کشور‌های شان تکیه میکردند. مشکلات لسانی و کلتوری نیز پرسونل بین المللی را از همکاران داخلی شان جدا ساخته و در حقیقت یک سیستم موازی با برداشت‌های متفاوت حقوقی و کلتوری در زمینه انتخاب و تحقیق قضایای مربوط ایجاد کرده بودند. قاضی ارشد بوسنیا الزاما از محول نمودن قضایای حساس به هیأت‌های قضایی بین المللی ابا و ورزیده و موجب آن گردید تا یک میکانیزم بدیل محول نمودن قضایا مورد غور قرار گیرد. این امر به تعقیب مساعی دیپلوماتیک جلوگیری شد.

در سال 2004 تشکیل بخش خاص جرایم جنگی در محکمه دولتی و خارتوانی بوسنیا آغاز گردید. یک شعبه ثبت و راجستر مستقل ایجاد گردید تا اطمینان حاصل گردد که ادارات قضایی ملی دارای آن ظرفیت مادی و مسلکی هستند که جرایم پیچیده، جرایم جنگی و جرایم سازمان یافته را طی مراحل کنند. این شعبه امور مربوط به استخدام و انتخاب قضات و خارتوانان بین المللی و همچنان جریان و جوه کمکی جامعه بین المللی را (در زمینه‌های مسایل اداری محاکم، خدمت لسانی، تکنالوژی معلوماتی و مأمورین حقوقی) به بخش خاص و همچنان فعالیت‌های هماهنگی مربوط به توقیف، دفاع، حفاظت و حمایت از شاهدان را تنظیم و اداره مینمود.

اساس و بنیاد فلسفی شعبه ثبت و راجستر آن است که نقش مناسب جامعه بین المللی آن خواهد بود که مردم و مؤسسات بوسنیا هرزگووینا را با وسایل مدیریتی و تخنیکی و همچنان منابع مالی و مادی

چون محکمه مذکور اساساً جهت حل و فصل معضلات مربوط به انتخابات و مسایل اداری تشکیل گردیده بود از آنرو OHR یک اداره خاصی را جهت رسیدگی به جرایم سازمان یافته، جرایم اقتصادی و فساد اداری با یک دفتر مربوط در دفتر لوی خارتوان کشور، ایجاد نمود. حدود صلاحیت قضائی این ادارات مربوط به جرایمی دارای یک جنبه انتقالی و شریک ساختن قرارهای قضائی با محکمه نهاد کل در رابطه با این جرایم بود. لوی خارتوان کشور می‌تواند در زمینه محول ساختن دوسیه‌های مربوط از نهاد کل به یک اداره خاص تصمیم اتخاذ نماید.

بنا بر درخواست مقامات بوسنیائی دفتر OHR قضات و خارتوانان را در ترکیب ادارات خاص شامل ساخت. بصورت عموم تمام هیأت‌های قضائی بوسنیا میتوانستند قضایا مربوط را مورد استماع و رسیدگی قرار دهند ولی قاضی ارشد که یک بوسنیائی است می‌تواند محاکمه یک قضیه یا درخواست‌های استیناف خواهی را به هیأت‌های قضائی متشکل از دو قاضی بین المللی و یک قاضی داخلی، محول سازد. یک تیم متشکل از خارتوانان ورزیده بین المللی و همکاران داخلی نیز میتواند به دوسیه‌های مربوط رسیدگی کند. اداره خاص در دو سال نخست موجودیت خود، یک تعداد زیاد قاچاقچیان انسان و یک رئیس جمهور سابق بوسنیا و هرزگووینا را به جرم سو استفاده از مقام محاکمه نمود و موصوف را به ده سال حبس محکوم ساخت. از ماه فروری تا اکتوبر 2005 اداره مذکور محکمه نمودن یازده قضیه را انجام داد که از جمله در مورد 8 قضیه فیصله صادر، که 7 آن شامل احکام محکومیت میباشد و در ماه اکتوبر 2005 در مرحله استیناف قرار داشتند. محکومین به ارتکاب جرایمی چون فساد اداری، جرایم سازمان یافته، قاچاق انسان، جعل کاری در محصول گمرکی، مخفی کردن مالیات و جرایم مربوط به امور بانکداری بودند. بر علاوه یک قضیه جنائی علیه یک رئیس جمهور سابق بوسنیا و هرزگووینا که به جرایم جعل کاری و فساد اداری متهم است، هنوزلا اجرا باقی مانده است.

البته که ایجاد یک اداره خاص عاری از مشکلات نبوده است. به عنوان یک موسسه جدید دولتی نیازمند آن بود تا از بنیاد ساخته شود و از آنرو مقتضی اعمار تعمیرات، اساسیه و لوازم، تجهیزات

انتخاب و به دیوان محاکماتی بین المللی جنایی برای یوگوسلاویای سابق (ICTY) محول نمودن هفت دوسیه از این جمله را به محکمه، مورد غور قرار میدهد. امر تیم خارتوالان یک خارتوال بوسنیایی است و او از حمایت خارتوالان بین المللی که از تجارب در عرصه تعقیب عدلی جرایم جنگی مستفید میباشند، کمک میگردن هیأت های قضایی متشکل از سه قاضی بوده و قاضی ارشد، بوسنیایی میباشد. محاکمه مربوط به جرایم جنگی آغاز گردیده و در ماه سپتامبر 2005 ICTY دوسیه اولین محکوم را از هاگ به محکمه بوسنیا هرزگووینا انتقال نمود. تا ماه اکتوبر 2005 محکمه بوسنیا تقریباً چهل دوسیه مربوط به جرایم جنگی را که در مراحل مختلف جریان قضایی قرار دارند با خود داشت این دوسیه ها شامل قضیه "کراویس و بیرهاوس" Kravice Warehouse میباشند که در آن ده مرد متهم به قتل یک هزار مرد بچه در ساحه سربرینیسکا Srebrenica میباشند در ماه جولای 2005 بوسیه پوولیس جمهوری صربسکا گرفتار شدند.

مجهز نمایند تا آنها بتوانند امور مربوط به محاکمه جرایم جنگی، جرایم سازمان یافته را با رعایت موازین و معیار های بین المللی انجام دهند. یک بخش راجستر انتقالی در پلان پروژه مرکزی شامل ساخته شده و کارمندان بین المللی شعبه ثبت در ماه اگست 2006 توقع دارند که پروسه انتقال مسؤلیت های مدیریتی و وظایف کلیدی شعبه ثبت و راجستر را به کارشناسان ملی تکمیل کنند.

با استفاده از وجوه مالی دونران، یک یونت توقیف با معیار های عالی امنیتی اعمار گردیده و اکنون پرسونل آن بطور مکمل از بوسنیایی ها اکمال گردیده است. تمام مصارف یونت توقیف بوسیه حکومت بوسنیا پرداخته میشود. تا اکتوبر سال 2005 شعبه ثبت و راجستر در هماهنگی با وزارت عدلیه بوسنیا امور اداره پروژه را بدوش داشت تا یک محبس که گنجایش 340 بستر را داشته باشد اعمار نمایند.

در ماه می 2005 لوی خارتوال بوسنیا هرزگووینا ستراتیژی مربوط به تعقیب عدلی جرایم عدلی را ارایه نمود. 200 قضیه بسیار حساس جهت تحقیقات

یک ستراتیژی چند بعدی ضد مواد مخدر در افغانستان

حکومت جدید در مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم سازمان یافته بکار مشترک متعهد میسازد. اگر افغانستان مواد مخدر را کنترل نموده نتواند، نمی تواند امنیت را تأمین کند. و اگر امنیت را تأمین نموده نتواند، بازسازی و پیشرفت در راه صلح دچار تردید خواهد شد.

ستراتیژی ملی ضد مواد مخدر افغانستان یک طرز برخورد چند شاخه یی را که شامل تعقیب عدلی جرایم، جلوگیری، محو نمودن، معشت بدیل، کم کردن تقاضا و ارتقای سطح آگاهی عامه را تشخیص نموده است. مساعی درباره عدالت جنایی به تنهایی شامل ریفورمها در سطوح گونه گون میباشد تا خلای موجود در چهارچوب حقوقی را پر نموده، یک ظرفیت اختصاصی پولیس و گروه کاری تحقیقاتی را انکشاف داده و یک میکانیزم قضایی را ایجاد نماید که قابلیت حل و فصل قضایای پیچیده و حساس مربوط به مواد مخدر را داشته باشد. پولیس خاص ضد مواد مخدر افغانستان

یک راپور ملل متحد که در ماه نومبر 2005 نشر شده تصریح میدارد که افغانستان 87 فیصد تریاک جهان را تولید مینماید و این که عاید تولید و قاچاق مواد مخدر در سال 2005 بالغ بر 2.7 بلین دالر تخمین گردیده که معادل 52 فیصد عاید ناخالص تولید مشروع داخل افغانستان را تشکیل میدهد. چنین پنداشته میشود که زرع غیر قانونی تریاک و قاچاق مواد مخدر تحدید بزرگی را برای ثبات و پیشرفت متداوم در جهت تأمین صلح، تشکیل میدهد. جنگ سالازان منطقوی، مأمورین ملوس به فساد اداری و سازمان های جنایت کاران، از کاروبار مواد مخدر بعنوان منبع کلیدی عاید و خویش خوری بهره برداری نموده، و امنیت شکننده افغانستان و دیموکراسی نو بنیاد آنرا به تحلیل میرسد. قاچاق مواد مخدر همچنان بعنوان منبع مهم تمویل تروریست ها و گروه های افراطی چون طالبان تلقی میگردد. موافقت نامه بن که به اساس آن اداره موفت افغانستان در سال 2001 تشکیل گردید، جامعه بین المللی را با همکاری

برای رسیده گی مؤثر به این قضایا، بنا بر فقدان آموزش و مؤسسات ضعیف قضایی، از ابتدا مطرح بود. مقامات رسمی در تمام سطوح دولت به ذیدخل بودن در قاچاق مواد مخدر متهم اند. از جانب دیگر با در نظر داشت اینکه قدرت، مخصوصاً در ساحات ولایاتی در خارج از کابل بدست مجرمین است، این امر قابل تعجب نیست که قاچاق بران دستگیر شده، با وصف موجودیت شواهد روشن مجرم بودن آنها، در یک زمانی قبل از کشاندن آنها به محاکمه، بطور معمول و روزمره رها میشوند. برعکس، «قاتران» سطح پایین، یعنی کسانی که مواد مخدر را از یک نقطه به نقطه دیگر برای قاچاقبران انتقال میدهند، بعضاً در خارج از اوقات معیین شده رسمی توقیف میشوند.

یک پیشنهاد راجع به تشکیل یک محکمه اختصاصی مواد مخدر با حدود صلاحیت قضایی ملی سر انجام بنا بر بعضی نگرانی های ملی و بین المللی مسترد گردید. زیرا چنین تلقی میشد که این کار خلاف قانون اساسی بوده و تشکیل چنین یک محکمه به معنی تجدید محاکم امنیتی طالبان بوده و منجر به قدرت بدون مانع دولت شده و میتواند بحیث یک وسیله سیاسی بکار گرفته شود. در عوض به دنبال یک سلسله مذاکرات با ادارات ذیربط دولتی و فراهم کننده گان کمک های بین المللی، قاضی القضاات ستره محکمه پیشنهاد نمود تا یک محکمه مرکزی مواد مخدر (CNT) تشکیل گردد که یک بخش لایتجزای نظام قضایی خواهد بود. به تاریخ 26 جولای سال 2005، حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان با امضای یک فرمانی این سیستم را در معرض اجرا قرار داد. دیوان محکمه مرکزی مواد مخدر CNT به این منظور تشکیل شد تا به قضایای مربوط به متخلفین سطح متوسط تا بالا رسیده گی نماید. محکمه مذکور از صلاحیت قضایی سراسری و خاص رسیده گی به قضایایی که در آن مسئله 2 کیلو گرام یا بیشتر هروین، مورفین یا کوکاین مطرح باشد، یا 10 کیلو گرام یا بیشتر چرس، برخوردار میباشد. به این ترتیب یک محکمه با یک دسته قضاات و یک تعمیر محکمه، زمینه های بهتر آموزش های معیین را فراهم نموده، و ساختن تأسیسات کافی و مصؤون را آسان تر میسازد. از ماه مارچ 2006 محکمه CNT متشکل از چهارده نفر قاضی میباشد. و گروه کاری تعقیب عدلی VPTF که قبل از

(CNPA)، با یک یونت ملی جلوگیری (NIU) و تیم های سیار کشف، بحیث یک اداره اختصاصی وزارت امور داخله در سال 2003 ایجاد گردید. چالش هایی که در برابر ظرفیت جلوگیری کننده این اداره وجود دارد، شامل: فقدان تخصص، سیستم اداری خراب، مدیریت ضعیف و سر در گمی میان ادارات مختلف تنفیذ قانون در رابطه به مسؤلیت های مربوط، میباشد. در چند سال بعد از ایجاد این اداره کارهای زیادی صورت گرفته تا ظرفیت آن ارتقا یافته و به حل و فصل ضعف های فوق ذکر، پرداخته شده است. یک دونر بین المللی زمینه های آموزشی (در مضامینی چون: اسلحه ناریه، استقامت یابی، اجرای عملیات ناگهانی، دستگیری و تخنیک های تحقیق و همچنان جمع آوری شواهد)، کمک های لوژستیکی، وسایط نقلیه مخصوص و تجهیزات و کارشناسان بین المللی که با NIU در مورد عملیات جلوگیری کار نماید، کمک می کند. مطابق به یک گزارش امریکا، CNPA در سال 2005 مقدار 42.9 متریک تن تریاک و 5.5 متریک تن هروین را ضبط و بیش از سی نفر افرادی را در رابطه به مواد مخدره ضبط شده دستگیر یا توقیف نموده اند.

خارنوالان و مستنطقین انتخاب شده افغان با همکاری بین المللی یک گروه کاری تعقیب عدلی عمودی (VPTF) و یک گروه کاری مربوط امور تحقیق را که جهت انکشاف قضایا در سراسر افغانستان کار میکنند، ایجاد کردند. در سال 2005 این گروه کاری با NIU یا یونت ملی جلوگیری پیوست و قضایایی را که در نتیجه فعالیت های بازدارنده آن به وقوع پیوسته، محول میسازد. تا ماه مارچ 2006، VPTF از تقریباً سی نفر خارنوالان افغانی و از سی و پنج تا چهل نفر مستنطقین افغان تشکیل گردید. با در نظر داشت جدایی تاریخی و فاصله های جغرافیایی میان دولت مرکزی و ولایات، چالش کلیدی آنست که سطح آگاهی ارتقا یافته و پلان های لوژستیکی جهت اطمینان از اینکه گروه کاری قابلیت عملیات را به نحوه ملی دارا میباشد. دستگیری در ولایات به وسیله پولیس، مطابق طرز العمل ملی جلب صورت گرفته و از پولیس مطالبه میگردد تا از موضوع گروه کار را مطلع نماید. خارنوالان بین المللی و ماهرین مقابله با مواد مخدر همراه با گروه کاری در پیشرفت قضایا یکجا کار میکند.

ضرورت ارتقای ظرفیت نظام قضایی و خارنوالی

کار آنها به وسیله خود افغانها به پیش برده خواهد شد.

در ماه دسامبر سال 2005، دولت افغانستان یک قانون جامع مبارزه با مواد مخدر را تدوین نمود که یک تعداد تعدیلات و افزودن بعضی مواد را در چهارچوب حقوقی مربوط معرفی نمود. که از جمله میتوان از مواد طرزاعلمی راجع به بازرسی و ضبط، ثبت و کنترل سری مکالمات، مراقبت و عملیات مخفی، رهنمودها برای توظیف مخبران و به همین ترتیب ضبط و مصادره داراییها، یادآوری نمود. حکومت نیز طرح یک پروگرام محافظت شاهدان و نام نویسی کمکهای بین المللی برای آموزش و تربیه وکلای مدافع را که به قضایای مربوط به جرایم جدی رسیده گی خواهند نمود، مورد غور قرار میدهد. هر یکی از این پروگرامها، مقتضی کمکهای مالی و تخنیکی قابل ملاحظه خواهد بود تا پروگرامهای مربوط اجرا و پایدار باقی بمانند.

کار میگرد، چندین درجن قضایا را آماده و محاکمه نمود. در محکمه استیناف نیز یک محکمه تشکیل گردید تا به قضایای که از CNT جهت استیناف خواهی راجع میگردند، مورد رسیده گی قرار گیرند. در میان چالشهای بیشمار ی که حین تشکیل محکمه مذکور وجود داشت، یکی هم پیدا نمودن تسهیلات بشمول تعمیر محکمه، دقتر اداری و توفیگاه مصون و تأسیسات زندان بود. یک پیشنهاد جهت اعمار تعمیر محکمه و زندان مربوط، بنا بر عدم موجودیت و وجه مالی و پلانگذاری و هماهنگی نادرست با تردید مواجه شد. در ماه نوامبر سال 2005، یک محل مؤقت برای محکمه و CNPA تشخیص گردیده بود که بعداً به آن منتقل گردید. بر علاوه، باوصف تأخیر که در ابتدا صورت گرفت، در ماه مارچ سال 2006، پلانگذاری برای ساختمان تعمیر محکمه ضد مواد مخدر سربراه شد. این یک تعمیر مصون شامل دفاتر CNT و VPTF، تالار محکمه و همچنان تأسیسات مصون برای توفیف خواهد بود که

قضات و خارتوانان بین المللی به قضایای مربوط به جرایم جدی در جزیره سولومن Solomon رسیده گی میکنند

مواصلت RAMSI، قضات و خارتوانان بین المللی در بستهای مربوط به دفتر خارتوانان عامه محکمه ابتدائیه و در ستره محکمه مقرر شده اند. نخستین وظیفه افراد تقرر یافته مذکور آنست تا پرسونل سلومونی را به حیث یک وسیله ارتقای ظرفیت تحت آموزش و پرورش قرار دهند. آنها همچنان به کارهای مربوط به قضایای حساس، شامل، قضایای علیه رهبران گروههای مخالف و همچنان اتهامات مربوط به فساد اداری که علیه پولیس و اعضای شورای ملی اقامه میشوند، رسیده گی میکنند.

بین سالهای 1998 و 2000، برخورد های خوشونت بار سراسر جزیره سولومن را فرا گرفت. خوشونت های مذکور به وسیله منازعات مربوط به زمین، ناآرامی های سیاسی و موجودیت گسترده سلاح های غیر قانونی، تشدید می یافت. اگر چه در ماه اکتوبر سال 2000 یک موافقتنامه صلح امضا شد ولی صلح در وضعیت شکننده باقی ماند و در سال 2003 یک نیروی نظامی و پولیس به رهبری استرالیا که مأموریت کمک منطقوی به جزیره سلومون (RAMSI) خوانده میشود، مؤظف گردید. از زمان

قضات خارجی در فیجی Fiji، به حل و فصل قضایای حساس می پردازند

قضایای مربوط به خیانت، فساد اداری و تعبیر و تفسیر قانون اساسی نام برد. بطور مثال یک قاضی از کشور زیلانده جدید که در ستره محکمه فیجی بحیث قاضی کار میکند، در سال 2004 یک ادعا علیه یک افسر نظامی را که به سهم گیری در کودتای سال 2000 متهم شده بود، رد کرد. موصوف استدلال نموده بود که افسر متهم شده نباید تحت قانون نظامی در محکمه نظامی فیجی محاکمه شود، زیرا در این صورت مطابق قانون اساسی حق متهم موصوف برای یک محکمه عادلانه و بی طرفانه، نقض خواهد شد. در سال 2005 عین قاضی زمین هایی را که اداره برق فیجی، جهت اعمار یک فابریکه برق گرفته بود، دوباره به مالکین عنعنوی آن مسترد نمود.

کشور های حوزه بحر آرام بار ها قضات را از کشور های دیگر در محاکم شان به کار گماشته اند. به دنبال کودتای سال 2000 در فیجی (کودتای سوم در یک دهه)، مقامات رسمی تلاش کردند تا قضات موجود بین المللی را یکجا با قضات داخلی در ستره محکمه جمع کنند، تا در تقلیل بار کاری سنگین محکمه مذکور کمک کنند. قضات بین المللی که مطابق به شرایط محلی خدمت، مقرر شده اند، توانسته اند تا با بعضی قضایای که برای قضات داخلی بسیار حساس تلقی میشدند، بطور مؤثر برخورد نمایند. به همین ترتیب قضات بین المللی جهت رسیده گی به آن قضایایی مؤظف شدند که در داخل فیجی بسیار متنازع میباشند. از جمله میتوان از رسیده گی به

دیوان مرکزی محکمه جنایی برای قضایای مربوط به جرایم جدی در عراق

و اعضای گروه های جرایم سازمان یافته و به همین ترتیب دوسیه های متهمین جرایم جدی هنگام اعلام حالت اضطراری به این محکمه محول ساخته میشوند. وکلای مدافع اعتراض میکنند که اگرچه در اصول به آنها اجازه دسترسی به مراجعین شان داده میشود ولی در عمل آنها از دسترسی لازمی که برای آماده شدن یک دعوی در محکمه ضروری است، برخوردار نیستند. زیرا مراجعین آنها در محلات دور افتاده در مراکز توقیف، چون در کمپ بوکا (Camp Bucca) در جنوب یا در محبس ابو غریب محبوس اند. مزید بر این وکلای مدافع شکایت دارند که آنها تا هنگام بازگشت مراجعین شان از محکمه نمی دانند که اتهامات وارده علیه آنها چیست. الی ماه مارچ سال 2006 CCCI در حدود نه صد نفر را در حدود یک هزار جلسه قضایی محکوم نموده است.

در ماه جولای 2003، اداره تدارکات نیرو های ائتلاف (CPA) دیوان مرکزی محکمه جنایی عراق (CCCI) را با حدود صلاحیت های قضایی معین جهت رسیده گی به قضایای مربوط به جرایم جدی بشمول قضایای دست داشتن در تروریزم، تطهر پول، قاچاق مواد مخدر، جرایم جنگی و سبوتاژ، ایجاد کرد. بعنوان یک محکمه ملی، CCCI متشکل از قضات، خائرنوالان و وکلای مدافع عراقی میباشد. نیرو های نظامی امریکا این محکمه را در فراهم ساختن شواهد مربوط به چنین قضایا، همکاری میکند. نیرو های مذکور در زمینه تأمین امنیت محبوسین حین انتقال از مراکز توقیف به CCCI و همچنان با محافظین عراقی در زمینه تأمین امنیت محکمه مذکور کمک میکند. زیرا این محکمه به قضایایی رسیده گی میکند که امنیت و ثبات عراق را به خطر مواجه میسازد. از آن جمله دوسیه های جرمی مربوط به متهمین شورشی،

دیوان محکمه اختصاصی جرایم سازمان یافته در صربیا

9 نفر قاضی، بشمول قضات دایمی محکمه ناحیه مربوط بلگراد و قضات همکار از سایر محاکم، و قوانینی که این دیوان های محاکماتی بر بنیاد آن تشکیل گردیده اند، همچنان خارنوالان اختصاصی، یک واحد خاص توقیف و یک اداره اختصاصی تحقیقات جرایم جنگی را در وزارت امور داخله مؤظف میسازد. از وقتیکه محکمه مذکور کار خود را آغاز نموده است، کمک در عرصه های چون: فراهم نمودن زمینه های آموزشی در زمینه تنظیم امور مربوط به جریان های محاکماتی پیچیده، نیازمندی های امنیتی، مساعدت های لوژستیکی، پروگرام های محافظت شاهدان و همچنان در عرصه روابط عامه، در مرکز توجه پروگرام های مختلف بین المللی قرار داشته است.

چون دیوان محکمه بین المللی برای یوگوسلاویای سابق، در سال 2004 لست افراد متهم را تکمیل نمود، دو دیوان محکمه ناحیوی بلگراد یعنی دیوان اختصاصی برای جرایم سازمان یافته و دیوان اختصاصی برای جرایم جنگی، ضمن تلاشی برای ارتقای ظرفیت داخلی نظام قضایی صربیا، جهت پیش برد امور مربوط به جرایم جدی، تشکیل شد. مهم ترین قضیه در این قضایا، همانا قضیه قتل زوران جینجیک (Zoran Djindjic) صدر اعظم صربیا بود. (این محاکمه برای 12 نفر از جمله 44 مدعی علیه از سال 2004 تحت کار می باشد) به همین ترتیب قضیه علیه 18 مدعی علیه که به سهم گیری در کشتن 200 نفر اسیران جنگی کرواتیایی و مردمان ملکی در سال 1991 متهم اند. هر دیوان فوق الذکر از

کمیسیون مشترک ملی و بین المللی پیشنهاد شده برای کشور هاییتی Haiti

حقوقدان بین المللی و یک متخصصین بین المللی بخش رسیده گی علمی به جرایم، تشکیل و قضیه مربوط به نپتون را ارزیابی و اقدامات لازم را در این زمینه پیشنهاد نماید. نماینده های متعدد نگرانی های شانرا نسبت به اثرات بشری این قضیه ابراز نموده و از ابتکار Einaudi استقبال کردند. ارجناتین پیشنهاد یک نفر متخصص بین المللی بخش رسیده گی علمی به جرایم را جهت خدمت در کمیسیون پیشنهادی سه جانبه ارایه داشت. تا ماه اپریل سال 2006 نپتون در توقیف باقی ماند زیرا به پیشنهاد Einaudi کدام اعتنایی نشد.

در خزان سال 2005، مذاکراتی در رابطه به تشکیل یک کمیسیون مشترک ملی و بین المللی صورت گرفت، تا به "پایان دادن رکودی" که در قضیه مربوط به صدراعظم اسبق محبوس شده هاییتی یوان نپتیون (Yvon Neptune) به وجود آمده، کمک نماید. موصوف از ماه جون سال 2005 بنابر اتهامات دست داشتن در قتل ها و حملات حریق عمدی در سال قبل از آن، در زندان بسر میبرد. در ماه می 2005 سفیر لیوگی Luigi R. Einaudi، سر پرست سازمان کشور های امریکا، پیشنهاد نمود که یک کمیسیون سه جانبه متشکل از یک حقوقدان از هاییتی یک

مطالبه قضاات خارجی، تا قضاات لایبرایی را در امور محوله کمک و به آنها مشوره دهند

سیاسی گوشه مانده میتوانند. قانون اساسی لایبریا مطالبه میکند که قضاات باید اتباع لایبریا باشند. در حالیکه بعضی ها استدلال میکنند که این مقررات باید تعدیل شوند تا به قضاات خارجی اجازه داده شود که در پیش برد امور مربوط به قضایای حساس کمک کنند. سایرین عقیده دارند که چنین یک تعدیلی بی معنی بوده و لازم نیست که عملی شود. زیرا بسیاری لایبرایی های مقیم در خارج دارای شایستگی ها و شرایط مناسب اند تا این وظایف را بدوش بگیرند. در حالیکه پیشنهاد معرفی قضاات خارجی تا اکنون بعض جداول های را تحریک نموده، ولی پروگرام های مشابه در سایر کشور های منطقه بشمول Ghana و سیرالیون Sierra Leone بخوبی کار کرده است.

از اینکه ادامه فساد اداری در دولت، وضعیت سیاسی لایبریا را مختل میکرد، در خزان سال 2005 دوران بین المللی در همکاری با اتحادیه افریقا، کمیته اقتصادی کشور های افریقای غربی و دفتر نماینده گی ملل متحد در لایبریا، یک سلسله اصلاحاتی را جهت مبارزه با سرقت و فریبکاری پیشنهاد نمودند. این اصلاحات که مجموعاً بعنوان پروگرام کمک مدیریت اقتصادی (GEMAP) مسما گردید، حاوی ایجاد یک کمیسیون ضد فساد اداری، همچنان معرفی قضاات خارجی بود تا قضاات لایبرایی را در امور محوله مخصوصاً در زمینه قضایای فساد اداری که از رهگذر سیاسی حساس میباشد، "کمک و رهنمایی" نماید. زیرا قضاات بین المللی بخوبی از فشار های

اصول عمومی پی که در میکانیزم های اختصاصی در نظر گرفته میشود

هر جامعه بعد از جنگ و ستیزه دارای مجموعه از مسایل و چالش های سیاسی، عملی و حقوقی میباشد که باید حین طرح یک میکانیزم اختصاصی برای رسیده گی به قضایای مربوط به جرایم جدی در نظر گرفته شوند. این امر امکان پذیر نیست تا یک مدل واحدی که در هر گونه اوضاع و احوال کار کند، توصیه شود. با در نظر داشت ماهیت و ساختار نظام قضایی موجود، منابع موجود و نقشی که به وسیله فعالین بین المللی بازی میشود، ممکن است مناسب باشد تا یک محکمه اختصاصی، یک اداره یا یک شعبه را در داخل محکمه یا چندین محکمه موجود ایجاد گردد. یا یک میکانیزم طرز العملی ایجاد گردد که رسیده گی به قضایای مربوط به جرایم جدی را به وسیله یک هیأت قضایی متشکل از قضاتی که بطور خاص گماشته شده باشند، مطمئن سازد. تمام این میکانیزم ها، مقتضی یک دفتر خارنوالی مناسب است تا به این قضایا رسیده گی نماید و میکانیزم های کافی استینافی، همچنان مساعدت کافی برای وکلای مدافع، بشمول تدارک وکلای مدافع برای آن عده متهمینی که از عهده استخدام وکیل مدافع برآمده نمی توانند. (مسایلی که به حقوق دانان مدافع مربوط میگردد، بعداً در این فصل به تفصیل مورد بحث قرار میگردد.) صرف نظر از وضع کردن یک میکانیزم خاص، در این زمینه یک سلسله اصول عمومی معینی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گرفته و همچنان دام های وجود دارد که بایست از آن اجتناب ورزیده شود:

- معین نمودن واضح نوع قضایایی که در حدود صلاحیت قضایی میکانیزم های اختصاصی قرار داشته و طرح یک پروسه شفاف تصمیم گیری جهت واگذار کردن قضایای مربوط به میکانیزم های اختصاصی. اشتباه در این زمینه به سردرگمی و سراسیمه گی و به برخورد گوناگون با قضایای مشابه، منجر شده میتواند. علاوه بر این، این امر میتواند پروسه مورد نظر را در برابر دخالت های نامناسب سیاسی، آسیب پذیر و حساس سازد.

- حراست از مستقل بودن واقعی و قابل درک قضات میکانیزم اختصاصی. جهت اجرای این اصل، لازم است تا یک سیستم مستقل و با اعتبار استخدام، دسپلین و ضوابط اخلاقی را ایجاد نمود؛ ضوابطی را برای استخدام و تجدید قراردادها وضع و از دخالت‌های بی مورد اجرائیه جلوگیری نمود. این امر همچنان ضروری خواهد بود تا جهت جلب و نگهداشتن پرسونل شایسته و واجد شرایط، معاشات را افزایش بخشیده، و برای جلوگیری از فساد اداری، بعضی شرایطی را جهت وضاحت و وضعیت مالی معرفی نمود. پرسونل قضایی ممکن همچنان مقتضی مسکن و محافظت بسته باشند.
- خودداری از هرگونه وابستگی واقعی یا قابل درک با محاکم اختصاصی یا مخفی بیکه به وسیله رژیم گذشته بحیث یک وسیله سرکوب از آن استفاده میشد. میکانیزم‌های با نظام عدلی جنایی کنونی یکجا ساخته شده، ممکن است برای مستقل بودن و بیطرف بودن محاکمی با مقررات و طرز العمل‌های جداگانه قابل ترجیح باشند. طرز العمل‌های شفاف و نظارت عامه میتواند زمینه‌های مراقبت اضافی از قوه مجریه را فراهم سازد.
- اطمینان از اینکه یک چهارچوب حقوقی جامع که مسایل مربوط به هردو یعنی یک میکانیزم اختصاصی مادی و هم طرز العملی را کنترل و تنظیم نماید، وجود دارد. با در نظر داشت قوانین قابل اجرا ممکن است جهت پرداختن به مسایلی چون: طرز العمل‌های برای تقرر، نظم و دسپلین و برطرفی قضات و خائولان؛ ساختار تشکیلاتی، تشکیل، لیاقت و استعداد و وظایف محاکم و خائولان، مقررات و روش‌های مناسب و شفاف برای واگذاری و تبدیلی دوسیه‌ها، شایسته‌گی‌های مقتضی برای پرسونل و معیارهای اخلاقی، لازم باشد تا تعدیلات یا اضافاتی در چهارچوب حقوقی، بعمل آید.
- وجوه مالی کافی برای زیربناها و تجهیزات مورد ضرورت، کمک‌های اداری، سیستم‌های تنظیم دوسیه‌ها، مسایل مربوط به امنیت دفاتر و پرسونل، تأسیسات توقیف و حبس، و به همین ترتیب تدابیر مربوط به محافظت شاهدان، و سایر شیوه‌ها و تخنیک‌های خاص برآورده ساختن این تعهدات ایجاب مصارف زیاد را مینماید - اکثراً بیشتر از آنچه توقع می‌رود، اما تجارب نشان داده است که بدون انجام همه این بخش‌ها، جریان تحقیقات مربوط به قضایای مربوط به عادلانه و نه هم جامع و همه جانبه خواهد بود، محاکمه قضایای مربوط به تأخیر مواجهه گردیده، و مصونیت و اجرای معیارهای بین‌المللی به خطر مواجه خواهد شد.
- پیدا کردن یک توازن میان کمک به میکانیزم‌های اختصاصی و اجرای اصلاحات در سیستم عدلی و قضایی، زیرا که آنها میتوانند یک آهن ربایی برای کسب منابع از کشورهای کمک دهنده باشند. میکانیزم‌های اختصاصی بخاطر منحرف کردن بودجه و وجوه مالی از مساعی طویل‌المدت برای ریفورم نظام عدلی و قضایی، مورد انتقاد قرار گرفته است. یک پیچیدگی اضافی دیگر وقتی بروز میکند، که یک میکانیزم اختصاصی مربوط به جرایم جدی، برای پرسونل، وجوه مالی و کمک‌ها، با یک میکانیزمی که به جرایم مربوط به زمان جنگ و ستیزه، چون جرایم جنگی و سایر قساوت‌ها به رقابت میپردازند. مزید بر اینها، در بعضی جوامع بعد از جنگ و ستیزه، ممکن است یک میکانیزم اختصاصی، تنها بتواند به حساس‌ترین و قضایای بسیار مهم رسیده گی کند، در حالیکه اکثر قضایا به بخش باقی مانده نظام عدلی و قضایی باقی میماند. از آنرو لازم است تا یک توازنی را میان کمک‌ها به میکانیزم‌های اختصاصی و انجام وظیفه اصلاحات در تمام سیستم عدلی و قضایی برقرار نمود.

- اجازه نه دادن به قضات و خائنان بین المللی تا نقش شانرا در میکانیزم های اختصاصی ایفا نمایند، مساعی مربوط به ارتقای یک ظرفیت دیموکراتیک جهت رسیده گی به مسایل مربوط به جرایم جدی را به تحلیل میبرد. این خطر میتواند با تأمین یک توازن میان تعداد پرسونل بین المللی و داخلی از طریق تأمین این امر که پرسونل بین المللی با همکاران داخلی شان از نزدیک کار میکنند کاهش یابد. به همین ترتیب تدوین و توحید یک سترایژی مناسب جهت ارتقای ظرفیت داخلی وانتقال کمک های بین المللی به یک سطح پایینی تری نیز میتواند در این زمینه نقش عمده را بازی کند، تا سیستم ملی ظرفیت آنها از خود تبارز دهد که میتواند با مسایل مربوط به جرایم جدی بطور مؤثر مقابله نموده و موضوعات مربوط به تأمین عدالت را بخوبی اداره نماید. بیشتر میکانیزم های اختصاصی باید دارای یک کادر دایمی متشکل از قضات و خائنان داخلی داشته باشد تا زمینه تأمین روابط دوام دار و طویل المدت را با پرسونل بین المللی فراهم سازد. علاوه از این در صورت امکان خائنان داخلی و بین المللی باید به همکاری همدیگر یک قضیه را، حتی از طریق یک پروسه بی که ممکن اختلافات زبانی و نیازمندی به ترجمه، آنها پیچیده سازد، دنبال و مورد پیگرد عدلی قرار دهند. ظرفیت ملی میتواند از طریق کار عملی به بهترین وجه تقویت یابد (معلومات اضافی راجع به استفاده از پرسونل بین المللی در فصل ششم مورد بحث قرار میگیرد).

تعقیب عدلی یک قضیه مربوط به جرایم جدی به وسیله یک کشور ذیربط

در صورتیکه یک کشور بعد از جنگ و ستیزه قادر نباشد به یک مورد جرم جدی رسیده گی نماید، یک انتخاب میتواند این باشد تا یک کشور ذیربط دیگر، مرتکب احتمالی جرم مورد نظر را مورد تعقیب عدلی قرار دهد. طور مثال یک کشور بعد از جنگ ممکن است از منابع مالی، پرسونل، تجربه یا اراده سیاسی لازم جهت رسیده گی و تعقیب عدلی یک مورد جرم جدی برخوردار نباشد و شاید ترجیح دهد که یک کشور ذیربط دیگر به این مسئله رسیده گی نماید.

نخستین لازمه و شرط تعقیب عدلی یک قضیه مربوط به جرایم جدی در یک کشور ذی علاقه دیگر آنست که کشور مذکور، آرزوی رسیده گی به قضیه مورد نظر را داشته باشد. در موارد زیاد، اثرات مستقیم یک جرم بر کشور ذی علاقه مذکور، دلیل آنرا که چرا کشور مذکور به رسیده گی قضیه مورد نظر میپردازد، روشن میسازد. فعالیت های جنایی جدی چون قاچاق انسان، مواد مخدر، اسلحه، قاچاق اموال، تظهير پول، بهره برداری از منابع خام و همچنان تروریزم، همه این فعالیت ها ظرفیت بالقوه آنها دارند تا یک کشور همسایه را بی ثبات سازد و از آنرو یک یا بیشتر از این کشور ها باید فوراً اقدام کنند. انگیزه دیگری که کشور ذی علاقه دیگر را به اقدام در این زمینه و امیدارد میتواند این باشد که، کشور بعد از جنگ و ستیزه از تعقیب عدلی یک خلاف رفتاری بی که به وسیله، یا علیه یک تبعه کشور ذی علاقه ارتکاب یافته خود داری میوزد. از آنرو کشور ذی علاقه مذکور به عوض اینکه مرتکب جرم از معافیت در برابر جرم، لذت ببرد، ترجیح خواهد داد تا او را محاکمه کند.

لازمه و شرط دوم آن است که کشور ذی علاقه باید تحقیقات و تعقیب عدلی جرم مورد نظر را طوری مورد قضاوت قرار دهد که عملی باشد. جهت نیل به یک تصمیم در این زمینه، کشور ذی علاقه مورد نظر شاید مسایل چون موجودیت منابع لازم جهت رسیده گی به جرم، موجودیت شواهد کافی، موقعیت شاهدان و قربانیان، مشکل انجام دادن یک تحقیق و آیا اینکه کدام کشور دیگری که واجد

صلاحیت قضایی امریکا بالای قاچاقچی بزرگ مواد مخدر که هویت افغانی دارد

جهت تشویق حکومت افغانستان برای سپردن و تعقیب عدلی قاچاقبران مواد مخدر، امریکا مسئله صلاحیت قضایی را بالای یک نفر قاچاقچی بزرگ مواد مخدر بنام باز محمد که هویت افغانی دارد، و قرار گزارشها با طالبان ارتباط دارد، مطرح ساخت. باز محمد اولین تبعه افغان است که به امریکا سپرده شده و موصوف بار اول در ماه اکتوبر سال 2005 در محکمه آنکشور ظاهر شد. موصوف تا ماه مارچ سال 2006 منتظر محاکمه در یک محکمه فدرالی در نیویارک بود. موصوف به سرکرده گی یک مرکز بین المللی متهم است که به ارزش بیش از 25 میلیون دالر هروین را به امریکا و سایر کشورها قاچاق کرده است. امریکا به عنوان یک "کشور ذریبط" که از قاچاق بزرگ مواد مخدری که از افغانستان منشأ میگیرد، بصورت صریح متأثر شده و نظر به مواد کنوانسیون سال 1988 ملل متحد در مورد مبارزه علیه تجارت غیر قانونی ادویه مخدر مواد مربوط به ادویه های عقلی و عصبی، موضوع استرداد شخص مذکور را مطرح نمود.

شرایط تعقیب عدلی قضیه مورد نظر باشد وجود دارد یا نه، را مورد غورو ارزیابی قرار دهد.

شرط و لازمه سوم این است که کشور ذیعلاقه از زمینه های لازم حقوقی برای تعقیب عدلی جرم مذکور برخوردار باشد. و آن این است که چهارچوب حقوقی در کشور ذیعلاقه باید این امر را پیشبینی نموده باشد که یک جرم خارج از قلمرو مربوط آثر مورد تعقیب عدلی قرار دهد و همچنان صلاحیت های این تعقیب را معین نموده باشد. بعباره دیگر کشور مذکور باید داخل حدود صلاحیت قضایی آن باشد. مشکل بسیار متداول حدود صلاحیت قضایی که به وسیله کشور ادعا میشود همانا شکل "حدود

صلاحیت قضایی داخل قلمرو" "territorial jurisdiction" میباشد. بدین معنی که یک کشور میتواند یک جرمی را که در داخل قلمرو آن ارتکاب یافته، مورد پیگرد عدلی قرار دهد. این گونه حدود صلاحیت قضایی در صورتیکه جرم بصورت کل در خارج از یک کشور دوم ارتکاب یافته باشد اثبات خواهد شد. (در صورتیکه جرم قسماً در کشور ثانی ارتکاب میافتد، در این صورت اثبات حدود صلاحیت قضایی کدام مسئله بی نخواهد بود و از آنرو کشور ثانی میتواند حدود صلاحیت قضایی قلمرو خود را اثبات کند. مثال کلاسیک برای اینکه یک جرم در بیش از یک کشور اتفاق افتاده عبارت از شلیک یک گلوله تفنگ در امتداد یک سرحد و کشتن کسی میباشد. وقتی یک عمل جرمی در یک کشور اتفاق افتد اما پیامد آن در کشور دیگری ظاهر گردد.)

تعقیب عدلی یک جرم برای یک کشور که در کشور دیگر اتفاق افتاده، مستلزم داشتن "حدود صلاحیت قضایی در قلمرو اضافی" میباشد. حدود صلاحیت قضایی در قلمرو اضافی در تیوری و عمل تا اکنون بطور عمومی پذیرفته نه شده و بسیاری کشورها در این زمینه بسیار محتاط اند که صلاحیت قضایی شانرا بالای جرایمی اثبات کنند که در خارج از قلمرو معین شان اتفاق افتاده باشد. باید گفته شود که تعدادی از کشورها از صلاحیت قضایی در بیرون از قلمرو شان در رابطه به جرایم معین مستفید اند. علاوه از این بعضی کنوانسیون های بین المللی در مورد مسایلی چون جرایم ترورستی و جرایم سازمان یافته، کشورها را تشویق میکنند تا این کنوانسیونها را امضا و تصویب کنند تا زمینه اثبات صلاحیت قضایی بیرون از قلمرو در رابطه به این جرایم، فراهم گردیده بتواند. معمولاً دو نوع اساس حدود صلاحیت قضایی قلمروی وجود دارد و آن عبارت از حدود صلاحیت قضایی شخصیت فعال و حدود صلاحیت قضایی غیر فعال حدود صلاحیت قضایی شخصیت فعال به این معنی است که یک کشور میتواند بالای یک تبعه خود صلاحیت قضایی داشته باشد که در خارج از قلمرو آن مرتکب یک جرم شده باشد. حدود صلاحیت قضایی غیر فعال به این اطلاق میگردد که یک کشور بتواند هر کسی را که علیه یکی از اتباع آن مرتکب جرم شده، مورد پیگرد عدلی قرار دهد.

سایر زمینه‌ها برای صلاحیت قضایی قلمرو اضافی بر بنیاد "دوکتورین نافذ" و "اصول حمایتی و محافظتی" استوار میباشند. دوکتورین نافذ به معنی آنست که یک کشور میتواند یک جرمی را که در یک کشور دیگر اتفاق افتاده مورد پیگرد عدلی قرار دهد، در صورتیکه جرم متذکره بالای کشور اول الذکر اثرات ناگوار قابل ملاحظه را وارد نموده باشد. اصول مذکور اگرچه عام نیست ولی با آنهم در کنوانسیون‌های بین‌المللی به نظر میرسد. بطور مثال، ماده 6 (2) کنوانسیون بین‌المللی برای جلوگیری از مین‌گذاری‌های تروریستی، پیشبینی میکند که کشورهای که این کنوانسیون را امضا و به آن پیوسته‌اند می‌توانند صلاحیت‌های قضایی‌شان را بر اساس هر دو اصل یعنی اصل دوکتورین قابل اجرا و همچنان اصول حفاظتی اثبات کند.

مشکل‌نهایی حقوقی در این زمینه که باید به آن فایق آمد به آن مربوط میگردد که قبل از آن که یک کشور ذی‌علاقه بتواند یک جرمی را که در یک کشور دیگر رخ داده مورد پیگرد قرار دهد، اطمینان حاصل گردد که آیا میان دو کشور مذکور معاهدات بین‌المللی مربوط به استرداد مجرمین وجود دارد یا خیر. از کشور اولی خواسته خواهد شد تا از موجودیت مرتکب جرم در کشور دومی اطمینان داده و کشور دومی مجبور به تحقیقات مؤثر درباره قضیه مذکور میباید.

در صورتیکه یک کشور ثانی که میخواهد و میتواند یک جرم جدی بی‌را که در یک کشور بعد از جنگ اتفاق افتاده، مورد پیگرد عدلی قرار دهد، این کشور نخواهد توانست تا یک تعقیب عدلی موفقانه را بدون قوانین مقتضی مربوط به حدود صلاحیت قضایی، استرداد مجرمین و میکانیزم‌های مساعدت‌های حقوقی باهمی انجام دهد. مهم‌تر از همه کشور مذکور نیازمند همکاری و موافقت کشور که در آن جرم اتفاق افتاده، خواهد بود.

یک بدیل دیگر برای پیگرد عدلی و محاکمه یک جرم به وسیله یک کشور ذی‌علاقه ثانی که در یک کشور بعد از جنگ اتفاق افتاده، آنست تا کشور ذی‌علاقه مورد نظر مساعدت‌های حقوقی بین‌المللی، پولیس و مشاورین حقوقی و همچنان حتی کمک مالی را به کشور بعد از جنگ و ستیزه فراهم نماید تا کشور مذکور بتواند قضیه مورد نظر را بطور مناسب مورد تحقیق، تعقیب و محاکمه عدلی قرار دهد.

عین موضوع وقتی مطرح میگردد که یک تبعه یک کشور بعد از جنگ در یک کشور دیگر مرتکب جرم گردد. در صورتیکه استرداد مجرمین مطابق قانون مجاز نباشد یک کشور بعد از جنگ میتواند بطور غیر عمدی به یک پناه‌گاهی برای آنانیکه در کشور‌های دیگر مرتکب جرم میشوند و باز به کشور بعد از جنگ بازگشت میکنند، تبدیل گردد. این مورد درباره کوسوو و صدق میکند، وقتی کشور‌های ناروی، جرمنی و سایر کشورها تحقیقات و محاکمه متهمین کوسوویی‌های را که مرتکب جرایم در این کشورها شده و دوباره به کوسوو گریخته‌بودند، حمایت میکردند.

ریفورم‌هایی که به مسایل مربوط به حق وکالت مدافع، دسترسی به وکالت مدافع و دسترسی وکالت مدافع به شواهد میپردازند

در بسیاری از کشور‌های بعد از جنگ سیستم عدلی جنایی در اثر جنگ در یک کهنه‌خانه باقی مانده است. در این کشورها ممکن است نه تنها کمبود پولیس و خارتوالان جهت تعمیم عدالت جنایی وجود داشته باشد بلکه همچنان میتواند یک کمبود حقوق دانان که در بخش وکالت مدافع مجرمین جدی فعالیت کند نیز وجود داشته باشند. سه جنبه حق واجد شرایط بودن مساعدت حقوقی توجه خاص در رابطه جرایم جدی: حق داشتن وکیل مدافع و مساعدت حقوقی آزادانه برای

مجرمین جدی، محدودیت‌ها بالای حق دسترسی به وکالت مدافع و حق وکالت مدافع جهت دسترسی به شواهد در یک قضیه. همه این حقوق در اوضاع و احوال بعد از جنگ جایکه چهارچوب حقوقی جهت رسیده گی به جرایم جدی تعدیل میگردد مسایل مورد مناقشه ثابت شده‌اند.

حق داشتن وکیل مدافع

حق مشوره با کسی که خود آنرا انتخاب کند یک حق بنیادی محاکمه عادلانه یک شخص توقیف شده یا متهم شمرده میشود. این حق در اسناد تقنینی بین المللی و منطقوی

مربوط به حقوق بشر تصریح گردیده است. این حق یک وضعیتی را مجسم میکند که شخص مذکور توانایی پرداختن فیس وکالت مدافع را نه داشته باشد. در صورتیکه یک نفر توانایی پرداخت اجرت وکیل مدافع خود را نداشته باشد از دولت مطالبه میگردد تا یک حقوق دان را در چنین شرایط بطور رایگان فراهم سازد. این یک حق اتوماتیک نیست، معیاریکه برای یک قضاوت بکارگرفته میشود آنست که آیا مساعدت حقوقی رایگان که فراهم خواهد شد "به نفع عدالت است یا نه". مسوده اعلامیه ملل متحد راجع به حق محاکمه عادلانه و جبران خساره، تصریح میدار: "منافع عدالت در یک قضیه معین باید بوسیله ملاحظه جدیت جرم که متهم علیه به آن متهم است و شدت حکم قضایی که موصوف در معرض خطر آن قرار دارد، معین گردد." بصورت عموم این حق وقتی "قابل اجرا" میشود که یک شخص گرفتار شود. در چنین مورد یک حقوقدان بصورت رایگان فراهم میگردد و او مستحق حضور در پروسه تحقیقات متهم و تمام جریان قضایی میباشد.

یک تمایل عمومی در زمینه فراهم نمودن مساعدت های رایگان حقوقی برای مجرمین جدی موجود بوده است تا مساعدت های مذکور درلست اولویت های مربوط در زمینه رسیده گی به جرایم جدی کشور های بعد از جنگ از یک سطح پایین اولویت برخوردار گردد. بر عکس سطح اولویت باید به طرح و اجرا و

کمک به وکلای مدافع در کوسو

در سال 2001 اداره OSCE یک مرکز منابع وکالت دفاع جنایی (CDRC) را در کوسو تشکیل نمود تا وکلای مدافع کوسویی را در امر محوله شان کمک کند. مرکز مذکور بعدا به یک مؤسسه غیر دولتی مبدل گردید. پرسونل مرکز CDRC که متشکل از حقوق دانان بین المللی و کوسویی میباشد، وظیفه آن اینست تا به عنوان یک مرکز منابع، وکلای مدافع را کمک نماید. ولی از مراجعین، بحیث وکلای مدافع در امور مربوط به تعقیب عدلی و قضایی بطور عملی نماینده گی نکرده است. (اگرچه در گذشته یک پیشنهادی مبنی بر این وجود داشت که وکلای مدافع بین المللی مربوط مرکز مذکور از مراجعینی که در قضایای مربوط به جرایم جدی متهم اند، وکالت کنند. انجمن حقوق دانان کوسو و این پیشنهاد را به شدت رد کرد) نوع کمک های که به وسیله CDRC صورت میگردد، شامل فراهم ساختن زمینه دسترسی حقوق دانان به اسناد تقنینی بین المللی مربوط، انجام تحقیقات و در ترتیب دوسیه ها کمک نموده و بطور متداوم پروگرام های آموزش حقوقی را فراهم مینماید.

کار شانه به شانه در جزیرهء سولومن Solomon

بعنوان یک بخشی از مأموریت کمک منطقوی به سرپرستی استرالیا به جزیره سولومن، یک مدعی العموم و هفت نفر حقوق دانان با تجربه از کشور های خارج از جزیره سولومن، در دفتر مدعی العموم، یکجا با همکاران سولومنی کار مینمایند. آنها مشوره های حقوقی رایگان را فراهم ساخته و بحیث وکلای مدافع از آن عده افرادی نماینده گی میکنند که به ارتکاب جرایم و سایر خلاف رفتاری ها متهم اند.

تمویل ستراپیژی‌ها و وسایل که پولیس و څارنوالان را در زمینه بازجویی و تحقیق جرایم جدی کمک نماید، داده شود. این عدم توازن بنیادی میان پولیس و څارنوالان، کسانیکه دارای صلاحیت‌های گسترده بوده، میتواند حقوق متهم و شخص مظنون را، یعنی کسی که به فقدان دسترسی یا نماینده‌گی بوسیله یک وکیل مدافع مواجه است، بطور گسترده متأثر میسازد، باید جبران شود. تمام افراد مظنون در یک قضیه مربوط به جرایم جدی که توانایی پرداخت مصارف وکیل مدافع را ندارند باید مساعدت‌های حقوقی رایگان برای چنین شخص تدارک دیده شود. بعد از همه اینها در چنین موارد طوری معلوم میگردد که حکم احتمالی محکمه سخت گیرانه و شدید باشد. از آنرو ستراپیژی که به مسایل مربوط به جرایم جدی میپردازد باید شامل اصلاح میکانیزم‌هایی باشد که خدمات رایگان حقوقی و تخصیص منابع کافی به این سیستم را عرضه کند. میکانیزم فراهم نمودن مساعدت‌های حقوقی ممکن است از ایجاد یک دفتر مستقل وکالت مدافع تا ایجاد یک سیستم مقرر و کلا از طریق شعبه راجستری محکمه تفاوت داشته باشد.

محدودیت‌ها بالای حق دسترسی داشتن به وکالت مدافع

معیارهای بین المللی و منطقوی محاکمه عادلانه تصریح میدارند از لحظه‌ای که پرسش‌های بعد از توقیف آغاز میشوند، شخص توقیف شده یا مظنون حق دسترسی به وکیل مدافع را دارد. در اصول این بدان معنی است که شخص توقیف شده یا مظنون حق دارد تا بطور مطمئن با وکیل مدافع ارتباطات خود را تأمین نماید (به گونه مثال: در بین ساحه دید اما نه در ساحه که پولیس یا مؤظفین زندان بشنوند) در هنگام بازجویی و تحقیق وکیل مدافع خود را با خود داشته باشد. در کشور‌های بعد از جنگ ممکن بعضی‌ها تمایل داشته باشند تا از مفکوره محدود نمودن دسترسی به وکلای مدافع یا اعطای صلاحیت دسترسی پولیس و څارنوالان به یک شخص توقیف شده بدون حضور وکیل مدافع برای یک مدتی، فوراً بعد از یک دستگیری یا توقیف، حمایت کنند. آنهایی که از چنین محدودیت‌های حمایت میکنند، استدلال مینمایند که محدودیت‌های مذکور به این اساس توجیه میشود که کدام وکیل مدافع، خصوصاً آنهایی که از شخص توقیف شده یا مظنون پول اجرت میگیرند، ممکن است با مجرمین ارتباط داشته و معلومات را از مجرم به همکاران و شرکای جرمی او انتقال دهد. از آنرو وکیل مدافع مذکور میتواند اقداماتی را اتخاذ نماید که تحقیقات آنعه مظنونی را که هنوز صورت نگرفته خنثی یا به کدام طریق نامناسب دیگر بازجویی و تحقیق جنایی را متأثر نماید. طور مثال با رسانیدن پیغام مخفی ساختن شواهد یا تهدید نمودن شاهدان.

در جا‌هایی که پیشنهاد اتی برای محدود ساختن دسترسی به وکیل مدافع صورت گرفته اند، مخالفین این نظر نگرانی‌شانرا اظهار داشته اند مخصوصاً، در جایی که این محدودیت‌ها حقوق شخص بازداشت شده را در رابطه به داشتن وکیل، مخصوصاً هنگام هر گونه بازجویی قبل از بازداشت که باید حاضر باشد به خطر می‌اندازد. وظیفه یک وکیل مدافع هنگام بازجویی یا استنطاق آنست تا اطمینان حاصل کند که حقوق شخص بازداشت شده بطور کافی محفوظ میباشد. بشمول اینکه اطمینان حاصل کند که شخص بازداشت شده هنگام بازجویی در معرض شکنجه یا کدام سو رفتار دیگری قرار نمیگیرد. از بین بردن و اعتنا نکردن به این "تدابیر مصونیتی"، خطر اعمال خشونتبار را بطور قابل ملاحظه افزایش داده و یا حد اقل زمینه‌های تخلفی از حقوق شخص بازداشت شده را فراهم میسازد. دسترسی بدون کدام محدودیت به وکیل مدافع (و اطلاع به

اعضای خانواده) یک اصل عمومی محسوب می‌گردد، که باید در همه قضایا، مگر در قضایای بسیار استثنایی، باید در نظر گرفته شود. به عوض اینکه دسترسی به وکیل محدود ساخته شود، پولیس و خارتوانان باید تدابیر محافظوی را جهت از بین بردن بد رفتاری با وکلای مدافع کار گیرند. در صورتیکه ثابت گردد، وکیل مدافع خلاف معیارهای مسلکی وظایف اخلاقی خود عمل

بحث در باره دسترسی به وکالت مدافع در کوسوو

دار می‌سازد. در این زمینه میتوان از مورد تأخیر 48 ساعته دسترسی شخص دستگیر شده به وکیل مدافع بعد از بازداشت که در این مقرر برای آنانیکه به جرایم ترورستی یا جرایم سازمان یافته متهم اند و خارتونال یا کدام مقام قضایی تحقیقی، تأخیر مذکور را جهت دادن وقت کافی بازجویی ها مؤجه داشتند پیشبینی شده، یاد آوری نمود. مقرر مذکور همچنان بازجویی ها را قبل از مواصلت وکیل مدافع مجاز می‌شمارد. "به شرطی که دلایل معقول وجود داشته باشد که معلومات بدست آمده از شخص بازداشت شده میتواند زنده گی کسی را که به خطر مواجهه میباشد، نجات دهد."

در ماه اپریل سال 2004 قانون جدید طرز العمل های جنایی ولایتی کوسوو، اسناد تقنینی فوق الذکر را تعویض نمود. اگرچه قانون مذکور نیز مشکل آفرین و مورد مناقشه میباشد، با آنهم به خارتونال این صلاحیت را میدهد که از تأمین ارتباط شخص بازداشت شده با اعضای خانواده یا سایر اشخاص الی 24 ساعت، جلوگیری نماید. به شرطی که "ضرورت های استثنایی" ایجاب نماید. قانون مذکور همچنان پیشبینی میکند که اگر ایجاب نماید وکیل مدافع مورد علاقه، یک کسی که به اتهام اعمال ترورستی یا جرایم سازمان یافته بازداشت شده به وسیله یک وکیل مدافع دیگر عوض شود، وکیل مدافع متبادل می تواند برای حد اکثر 72 ساعت بعد از بازداشت، به شرطی استخدام گردد که دلایل کافی دال بر این وجود داشته باشد که وکیل انتخاب شده به وسیله مظنون بازداشت شده، در ارتکاب جرم شریک بوده یا جریان تحقیقات را مختل می‌سازد. به همین ترتیب در صورتیکه وکیل مدافع شخص بازداشت شده که به ظن هر جرمی گرفتار شده باشد در ظرف یک ساعت حاضر نشود، شخص بازداشت شده در صورتیکه خارتونال یا پولیس مصمم شود که تأخیر بیشتر در این زمینه جریان تحقیقات را جدا متأثر خواهد نمود، مورد باجویی و تحقیق قرار گرفته میتواند.

دو سال اول کار UNMIK در کوسوو، شاهد مباحثات متعدد درباره دسترسی به وکالت مدافع بود. بلاخره یک گروه کاری متشکل از نماینده گان سازمان های مختلف بین المللی و کارکنان فعال در نظام عدلی و قضایی کوسوو، تشکیل شد تا موضوع مذکور را مورد ارزیابی قرار داده و مسوده مقرر مربوط به حقوق یک نفر توقیف شده را ترتیب نماید. در جریان مباحثات، بعضی از اعضای گروه کاری مذکور از اسناد تقنینی بی حمایت میکردند که دسترسی به وکالت مدافع را در مورد بعضی جرایم جدی معین تا 72 ساعت بعد از بازداشت، محدود نماید. آنها استدلال میکردند اگر به پولیس این محدودیت "lead-time" میسر نباشد، آنها نمی توانند معلومات مورد نیاز بازجویی و تحقیقات شان را بدست بیاورند. زیرا امکان دارد یک وکیل مدافع به یک شخص مظنون یا توقیف شده مشوره دهد که با پولیس حرف نزنند. (یک وضعیتی که با حق یک نفر بازداشتی مبنی بر خاموش بودن، وفق دارد). سایر محدودیت های پیشنهادی شامل اجازه نه دادن به وکلای مدافع مشخصی تا از توقیفی نماینده گی نماید یا اینکه مطالبه گردد که پولیس حین صحبت وکیل با مظنون حضور داشته باشد. دلیلی که در این زمینه ارایه میشد آن بود که بعضی وکلای مدافع به فساد اداری ملوث اند و ممکن مراجعین شانرا در زمینه ایجاد موانع در راه تأمین عدالت کمک کنند. یک پیشنهاد دیگر نیز این بود که وکیل مدافع میتواند هنگام بازجویی های پولیس حضور داشته باشد ولی موصوف باید خاموش بماند. سر انجام مقرر شماره UNMIK 28/2001 راجع به حقوق افراد بازداشت شده به وسیله ادارات تنفیذ قانون، نشر شد. مقرر مذکور حاوی این محدودیت ها که در تناقض با معیار های بین المللی قرار دارد، نمی باشد. اگر چه بعضی ها مدعی بودند که مقرر مذکور در بعضی موارد حاوی بعضی موارد مشکل آفرین میباشد که بطور نا مناسب معیار های دسترسی به وکیل مدافع را خدشه

میکنند یا در حقیقت خلاف قانون عمل میکنند (اگر او در جلوگیری از تأمین عدالت دخالت داشته باشد، طور مثال از طریق رساندن معلومات برای خنثی نمودن بازجویی و تحقیق تلاش کند)، وکیل مذکور باید تحت اقدامات دسپلینی و پیگرد عدلی قرار داده شود.

حق وکیل مدافع مبنی بر دسترسی او به شواهد مربوط در یک قضیه

اسناد تقنینی بین المللی و منطقوی حقوق بشر، تصریح میدارند که یک شخص متهم حق دارد تا " وقت و تسهیلات کافی" را برای تدارک وکیل مدافع خود در اختیار داشته باشد. این حق بخشی از حق توازن و برابری میان تعقیب عدلی و دفاع در یک قضیه عدلی میباشد. یک بخشی از تحقیق کامل این حق، فراهم نمودن زمینه های دسترسی وکیل مدافع به اسناد و سایر شواهدی میباشد که علیه شخص یا در حمایت از بی گناهی او بکار گرفته خواهد شد (شواهد تبرئه). افشای این شواهد و مدارک از آن جهت لازم است تا شخص مظنون بتواند دعوی خود را ترتیب کند. علاوه از این در مورد تعقیب عدلی جرایم جدی که اکثراً تدابیری چون مراقبت های مخفی و غیره در آن ذیدخل میباشد و میتواند بالای حقوق مظنون بطور قابل ملاحظه تجاوز نماید، این یک تدبیر محافظتی ضروری است و بحیث یک میکانیزم اضافی مسؤلیت پذیری بالای پولیس و سایر مقامات مربوط به تعقیب عدلی عمل میکند، خصوصاً اگر با یک پالیسی بی یکجا شود که فاقد استثنائات باشد و طرز العمل ها بصورت درست دنبال نشوند.

یک شخصی مظنون نمی تواند در مقابل اتهامات وارده از خود به خوبی دفاع کند، در صورتیکه قرار باشد، شواهدی که علیه او بکار گرفته میشود افشا نگردد. از این لحاظ است که معیار های بین المللی از ادارات مربوط به تعقیب عدلی مطالبه مینماید تا شواهد مورد نظر را واگذار کرده و یا از آنها علیه مظنون استفاده نه کنند. اگرچه افشای شواهد و مدارک جین برخورد با شواهد حساس به یک امر مشکل برای کشورها مبدل میگردد (مثلاً در مواردی که در آن مسایل مربوط به امنیت ملی، یا در مواردی که شواهد از طرق استخباراتی بدست آمده و به دسترس عامه قرار گرفته نمی تواند). بعضی کار شناسان استدلال میکنند که افشای مدارک در این گونه موارد باید محدود باشد. بعضی کشورها در این خصوص طرز العمل های خاصی را وضع نموده اند، مثلاً طی مراحل عدم مسؤلیت یک وکالت مدافع از پروسه امنیتی (کنترول سوابق) قبل از آنکه به نماینده گی از یک مظنون به نحوه مشابه یک خرنوال یا قاضی که به این اسناد دسترسی دارند، به وکیل مدافع نیز حق دسترسی به بعضی اسناد داده شود. طرح قوانینی که اینگونه تدابیر را تصریح نماید، باید نشان دهد که چطور یک وکیل مدافع با این شواهد برخورد کند، و کدام محدودیت ها باید به افشای شواهد حساس به جانب سوم، بشمول شخص مظنون، وضع گردد. یک طرز برخورد متبادل در این زمینه به وسیله بعضی کشورهایی که قوانین مربوط به امنیت ملی شان اجازه میدهد اتخاذ شده و به اساس آن به یک قاضی اجازه داده میشود تا معلومات استخباراتی یا معلومات حساس امنیت ملی را ارزیابی نماید تا موجودیت کدام شواهد تبرئه کننده را در آن معین سازد.

ریفورم محاسب جهت رسیده گی به جرایم جدی

هر سیستم عدلی جنایی به تأسیساتی که در آن افراد بازداشت شده قبل از محاکمه نگهداری شوند، (مظنونین و اشخاص متهم) و اشخاصی که به ارتکاب جرایم محکوم شده اند، ضرورت دارد. یک سیستم محاسب باید قابلیت فراهم نمودن جای بود و باش، مواظبت و امنیت محبوسین، و رعایت معیار های خاص بین المللی حقوق محبوسین و همچنان اعاشه و تدارک نیازمندی های خاص نوجوانان و زنان توقیف شده را داشته باشد.

مشکلاتی که در نتیجه ذیقی جای محابس بوجود می آید: مثال های کوسوو و سومالیا

کوسوو

KFOR، نیروهای نظامی ناتو در کوسوو، مطابق به چهارچوب وظایف خود، جهت حفاظت از مصونیت و امنیت منطقه، مردمان بسیاری را که به قاچاق اسلحه از مقیدونیا، البانیا و سایر جاها به کوسوو دست میزدند، دستگیر کرد. اگر چه این مردمان بازداشت شدند و بطور موقت در تاسیسات نظامی توقیف شدند، ولی متهمین زیاد مورد تعقیب عدلی قرار نه گرفتند و بنا بر عدم موجودیت تاسیسات دایمی زندان و مشکلات امور محافظت به زودی رها شدند.

سومالیا

زمانی که عملیات صلح در سال 1992 در سومالیا شروع به فعالیت نمود، فقدان یک نظام قضایی فعال که به قضایای مربوط رسیده گی نموده یا محبوسین را آزاد سازد، در جمله سایر عوامل منجر به کمبود شدید تاسیسات مربوط به توقیف و زندان گردید. زندان ها پر بود، و آنهایی که جدیداً بازداشت می شدند باید بدون درنگ آزاد می شدند زیرا هیچ جای وجود نداشت که آنها در آن نگهداری می شدند. این کار، یعنی اجازه دادن به مجرمین مشهور که دوباره به جمعیت های شان بر گردند و مکرر مرتکب جرم شوند، باعث قهر بسیار گسترده میان مردم سومالیا شد و با حضور بین المللی در کشور به دیده شک مینگریستند.

در مبارزه علیه جرایم جدی در کشور های بعد از جنگ و ستیزه، این امر حایز اهمیت خاص میباشد تا سیستم محابس، توانایی کشف و جلوگیری فعالیت های جنایی را که از محبس راه اندازی گردد، داشته باشد. به همین ترتیب این یک امر مهم شمرده میشود تا مسؤلین زندان ها بتوانند محبوسین بسیار خطرناک را بطور مصون نگهداری کنند. این امر نه تنها باید در مورد آنعده مجرمین که بطور خاص خطرناک بوده و ممکن است از کمک بیرونی جهت فرار از زندان برخوردار باشند، رعایت گردد بلکه همچنان در مورد آنها ییکه با پولیس و ادارات تحقیقات جنایی کمک میکنند نیز در نظر گرفته شوند. افراد مربوط به گروه اخیر الذکر یعنی آنعده مظنونین و متهمین که در برابر کمک شان با پولیس به آنها معافیت اهدا میگردد یا چنین محکومین که از تخفیف مجازات برخوردار میشوند، ممکن است تحت تدابیر محافظتی شاهدان قرار گرفته و یا مقتضی تدابیر محافظتی خاص، بشمول جدا ساختن آنها از سایر محبوسین، که اینها علیه آنها شواهد را فراهم یا شهادت داده اند، باشد.

در صورتیکه پولیس یک واحد انتقال محبوسین را ایجاد نکرده باشد، مسؤلین زندان ها باید برای نقل و انتقال محبوسین خطرناک از و به زندان، محکمه و تاسیسات صحی احتمال وقایع ناگوار را در نظر داشته باشند. محبوسین خطرناک که احتمالاً به سلاح های مهم بشمول سرگلوله های راکت، بم های دستی و ماین ها دسترسی داشته باشند، از آنرو آنها باید وسایط نقلیه زرهی با پرسونل ورزیده که با سلاح اتومات مجهز باشند حمل و نقل شوند.

در مأموریت های اخیر بعد از جنگ و ستیزه، فقدان زیربنا های کافی زندان یک مشکل بسیار عمده

تخطی های از حقوق بشر در عراق

در عراق اشتباه در برآورده ساختن معیار های بین المللی حقوق بشر، بشمول معیار ها برای تعقیب عدلی مناسب، آموزش پرسونل و نظارت و همچنان احساس مسؤلیت بصورت فضول در تصویرهای نشر شده از محبوسین که در زندان ابوغریب در خارج از بغداد شکنجه شده بودند، تبارز یافت.

اعمار محاسبات در افغانستان

افغانستان از فقدان محاسبی که با معیار های حقوق بشر سازگار بوده و همچنان نبود پرسونل ورزیده و آموزش دیده محافظت محاسبات، رنج میبرد. جهت بهبود وضعیت موجود، وزارت عدلیه افغانستان با همکاری دوتران بین المللی چون دفتر ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و جرایم، دفتر اداره دولتی امریکا برای امور مربوط به مواد مخدر بین المللی و تنفیذ قانون، پروگرام گسترده اعمار محاسبات و آموزش پرسونل را آغاز نموده است. وزارت عدلیه افغانستان نقش رهبری کننده را در این زمینه بعهده گرفته و مطالبه مینماید تا کشور های دوتر به عوض تمویل آن پروژه های که برای آنها از نظر سیاسی پسندیده معلوم میشود، در نیازمندی های دارای اولویت این وزارت در زمینه مساعدت کنند. دوتران معمولاً در تمویل امور ساختمانی محاسبات بی میل اند، زیرا اکثر آنها بیم دارند که عامه مردم با دیدن چنین تسهیلاتی که برای رفاه مجرمین فراهم میگردد، و قربانیان یا پولیس که آنها را بازداشت و گرفتار نموده محروم مینانند، ابراز نگرانی خواهند نمود. در حقیقت بعضی دوتران محدودیت هایی راکه آنها در زمینه کمک به محاسبات یا پولیس وضع میکنند، کتمان میکنند. اگرچه اشد ضرورت حراست از حقوق بشری توفیق شده گان و محبوسین متهم شده، رسیده گی به امور محاسبات در افغانستان را در جمله مسایل دارای سطح اولویت بلند قرار میدهند.

محسوب گردیده و به آن منجر گردیده است که مرتکبین جرایم جدی از عدالت سر باز زنند. در هر دو یعنی کوسوو و تیمور شرقی نبود زندان ها، تعداد مجرمین مشهور جرایم جدی را که مورد پیگرد عدلی قرار گرفته اند، محدود ساخت. زیرا این امر درک گردید که اگر آنها محکوم هم می شدند جای برای نگهداری شان وجود نداشت.

طوری که در فصل دوم مورد بحث قرار گرفت، ارزیابی مقدماتی مؤلفین زندان، تسهیلات زندان، همچنان ضرورت اعمار یا ترمیم یک موضوع بسیار مهم میباشد. بطور معمول این امر سالها را در بر میگیرد تا تأسیسات کافی برای محاسبات اعمار گردیده و کارمندان آموزش دیده، تجهیز شده، مسلکی و شایسته بکار گماشته شود.

در زمینه اصلاح قوانین مربوط به تأسیسات مربوط به توقیف در

شرایط بعد از جنگ و ستیزه، باید به قوانین به اصطلاح "soft law" یعنی به معیار های بین المللی راجع به توقیف و حبس، مراجعه شود. (به بحث مذکور در فصل 3 صفحه 50 مراجعه شود). به همین ترتیب لازم است تا به رهنمود های عملی برای تشکیل خدمات اصلاحی و تأدیبی در عملیات صلح

ملل متحد و همچنان یک طرز برخورد بشری با مسئله تنظیم امور مربوط به محاسبات (که بوسیله مرکز بین المللی برای مطالعات زندان نشر گردیده)، مراجعه شود. "قانون نمونه ای امور مربوط به توقیف" بخشی از قوانین نمونه ای برای عدالت جنایی بعد از جنگ و ستیزه، همچنان می تواند مفید باشند. این نمونه یک چهارچوب حقوقی مادی و طرز العملی را برای طرز رفتار با مظنونین، متهمین و محبوسین محکوم شده فراهم می سازد.

فقدان امنیت برای نقل و انتقال محبوسین در لایبیریا

وقتی مأموریت ملل متحد در لایبیریا (UNMIL) در سال 2003 آغاز گردید، کشور مذکور با مساعی جهت احیاء مجدد یک نظام قضایی پایدار و ارتقای سطح ظرفیت چهارچوب حقوقی و نیازمندی شدید برای اصلاحات در بخش امنیتی مواجه بود. تعداد زیاد مرتکبین جرایم جدی در راه هنگام انتقال از محبس مرکزی مونروویا به تعمیر محکمه مرکزی، از اثر اشتباه در تأمین امنیت جاده که آنها بر آن سفر میکردند یا بنا بر نبود وسایل نقلیه جهت نقل و انتقال متهمین، فرار کردند. ضرورت تجهیز مناسب پولیس ملی لایبیریا باید در هر مرحله از زنجیر جرایم جدی، یعنی از مرحله تحقیق گرفته تا بازداشت، و محاکمه باید دقیقاً مورد ارزیابی قرار میگرفت.

تدابیر امنیتی جهت محافظت پرسونل و ادارات

جهت تعقیب عدلی و محاکمه مؤفّقانه یک جرم جدی، در کشور های بعد از جنگ و ستیزه، محافظت اشخاص انفرادی یک امر مهم محسوب می‌گردد. تدابیر محافظت حاضر با ش ممکن است برای اشخاص و افراد گوناگون، چون قضات، خارتوالان و وکلای مدافع لازمی پنداشته شود. زیرا آنها بنا بر ذیدخل بودن شان در قضایای جرایم جدی مهم، یا شهادت شان در قضایای جرایم جدی و حتی افراد متهم به

جرایم جدی، در معرض ارباب، تهدید یا حملات فزیکلی قرار دارند. تدابیر محافظت حاضر با ش می‌تواند حتی در کشور های با ثبات و دارای نظام عدلی و قضایی کاملاً فعال نیز یک چالشی شمرده شود. در اوضاع و احوال بعد از جنگ و ستیزه، فقدان زیر بنا ها، فساد اداری، بدست آوردن آسان اسلحه و توطئه چینی گروه های تادندان مسلح سیاسی و جنایی، موضوع محافظت اشخاص آسیب پذیر را بطور استثنایی مشکل ساخته و برای طرح یک پلان مؤثر تأمین مصونیت هردو یعنی افراد آسیب پذیر و محلات دارای اهمیت ستراتیژیک، مانند دفاتر محاکم یا محلات اقامت، جایزه می‌دهند.

وکلاي مدافع در عراق کشته شدند

2005 به ضرب گلوله به قتل رسیدند. جنبی بعد از ربوده شدن از دفترش به ضرب گلوله که بر سرش اصابت کرده بود کشته شد؛ الزبیدی وقتی به قتل رسید که سه نفر مسلح بر موتری که او در بغداد راننده گی آنرا می‌کرد، فیر کردند. قرار اظهارات پولیس، وقتی این وکلای مدافع مورد حمله قرار گرفتند، محافظین امنیتی با آنها نبود. کمال الاوی، رئیس انجمن حقوق دانان عراق، خاطر نشان ساخت که "هیچ گونه تدابیر امنیتی نه برای حقوق دانان ذیدخل در قضیه محاکمه صدام و نه هم برای کدام عضو انجمن مذکور، اتخاذ گردیده بود." بعد از این واقعه وکلای مدافع از عین تدابیر حفاظتی برخوردار شدند که قضات و خارتوالان از آن بهره مند می‌باشند.

فرار زندانی در کوسو

از آنجاییکه دفتر ملل متحد UNMIK برای نگهداری توقیف شده گان خود تأسیسات ناکافی داشت، از آنرو یک تأسیسات توقیف مؤقت در کمپ بوندستیل، یک مرکز اردوی امریکا در کوسو، ایجاد گردید. در کمپ مذکور توقیفیان KFOR نیز نگداشته می‌شد. دیزاین نامناسب و آموزش ناکافی مؤظفین توقیفگاه مذکور به آن منجر گردید که یک متهم عمده یک قضیه بمب گذاری در یک موتر سرویس عامه، فرار نماید. در یک گزارشی که در ماه جون سال 2001 نشر شد، پولیس نظامی اردوی امریکا به این نتیجه رسید که متهم مذکور با قطع نمودن حصار غیر معیاری محبس به وسیله پلاسی که در بین یک نوع غذای کییک مانندی بنام "پای" به موصوف در داخل محبس قاچاق شده بود، موفق به فرار گردیده بود. یک "خالیگاهی" که از ساحه دید محافظین دور بود و محبوسین در آن دیده شده نمی توانستند، نیر به این فرار تسهیلاتی را فراهم ساخته بود. (فراری مذکور دوباره از البانیا گرفتار و دوباره به مقامات کوسوویی جهت محاکمه سپرده شد.)

قضات، خارتوالان و شاهدان ییگانه اشخاصی نیستند که به تدابیر امنیتی مؤثر ضرورت دارند؛ بعضاً وکلای مدافع نیز به محافظت ضرورت دارند. این امر خاصاً در این مورد صدق می‌کند که اگر وکیل مدافع یک شخص متهم با وکیل مدافع کسی دیگری درگیر کشمکش شده یا او را تضعیف نماید. یک قضیه در این رابطه مربوط به قضیه محاکمه دیکتاتور سابق عراق صدام حسین است. صدام جنبی و عدیل محمد الزوبیدی، وکلای مدافع برای شرکای جرمی صدام حسین، عواد حامد بدمر (قاضی القضاات سابق محکمه انقلابی صدام حسین) و معاون اسبق رئیس جمهور طحه یاسین رمضان، در مدت زمان سه هفته یکی پی دیگری در اواخر سال

مقتضیات طرح یک پروگرام محافظت حاضرباش

یک دستگاه یا نهاد محافظت حاضرباش باید بصورت عمومی بتوانند، اشخاص انفرادی در معرض خطر را تشخیص، خطرات را دسته بندی و اشخاص آسیب پذیر را از این رهگذر هنگام سیرو حرکت، در محلات اقامت، توقیف یا محل کارشان، محافظت کند. دستگاه عناصر عمده یک پروگرام جامع محافظت حاضرباش میتواند شامل اینها باشد:

- **قوماندان/عمومی.** قوماندان عمومی و پرسونل مربوط او، مسؤلیت تأمین فعالیت مؤثر و هماهنگی پروگرام محافظت حاضرباش را بدوش دارند. قوماندان مذکور میتواند یک عضو نیروهای پولیس، اردو یا کدام نهاد جداگانه دیگر باشد.
- **بخش تحلیل.** این بخش از یک تیم متشکل از تحلیل گران استخباراتی پولیس یا نیروهای نظامی میباشد و مسؤلیت ارزیابی تهدیدات انفرادی علیه اشخاص آسیب پذیر و آگاهی داشتن از وضعیت عمومی را در رابطه به مسایل امنیتی که احتمالاً عملیات مربوط را متأثر سازد، بدوش دارد.
- **تیم های محافظت حاضرباش.** این تیم ها موظف اند تا از اشخاص انفرادی و گروه های معین شان حفاظت کنند. ترکیب دقیق و سطح آموزش های مقتضی این تیم ها نظر به سطح و ماهیت تهدیدات از هم متفاوت اند.
- **تیم های امنیتی ساحه.** تیم های امنیت ساحه، مسؤلیت حفاظت از ساحات چون محلات رهائشی و محاکم را بدوش دارند. لازم نیست اعضای این تیم ها آموزش های خاصی مربوط به محافظت حاضرباش را بیاموزند ولی باید تحت قوماندان قوماندان پروگرام محافظت حاضرباش فعالیت نمایند تا تخصیص مناسب منابع و امکانات موجود با تیم های محافظت حاضرباش، تأمین شود.
- **بخش کمکی.** بخش کمکی، مسؤلیت نگهداری و سایط نقلیه، ارتباطات و سایر تجهیزات را بدوش دارد.

شیوه های ایجاد تیم های محافظت حاضرباش

در رابطه به ایجاد تیم های محافظت حاضرباش، این امر حایز اهمیت شمرده میشود تا لوایح و وظایف و سلسله مراتب قوماندانده ترتیب گردد. آیا این تیم ها بخشی از دستگاه امنیتی گسترده تر اند که از قبل خدمات محافظت حاضرباش را فراهم مینمایند یا اینکه برای این تشکیل شده اند که در رابطه به جرایم جدی خاص فعالیت کنند؟ برای چه کسی فعالیت می کنند و اجازه محافظت از چه کسانی را دارند؟ منابع خدمات محافظت حاضرباش معمولاً بسیار اندک اند؛ از آنرو اندازه و محدودیت های پروگرام محافظت حاضرباش باید بطور واضح در ابتدا مطرح شوند.

قدم نخست در زمینه فراهم کردن محافظت حاضرباش مؤثر آن است که یک ارزیابی کامل و بیطرفانه آن تهدیداتی انجام گردد که در برابر افراد در معرض خطر احتمالی، وجود دارند. ارزیابی خطرانی که متوجه افرادی دارای سمت های با سطح بلند آسیب پذیری چون: خارتوالان، قضات، وکلای مدافع، شاهدان و اشخاص متهم به قضایای حساس، باید به طور اتومات صورت گیرد. برعلاوه، ممکن است افرادی براساس تهدیدات آشکارا تدابیر محافظت حاضرباش را مطالبه نمایند، در این صورت یک پروسه ارزیابی درخواست ها باید معین گردد. در موادی که یک تهدید فوری وجود داشته باشد، خدمات محافظت مؤقت باید تا آن زمانی مؤظف شوند تا یک ارزیابی مکمل تهدیدات صورت گرفته بتواند.

بعد از تکمیل ارزیابی تهدیدات، ارزیابی مذکور باید به یک کمیته ارزیابی تهدیدات، ارایه گردد (معمولاً شخصاً به وسیله یکی از تحلیل گران ذیدخل در ارزیابی ارایه میشود) تا ارزیابی مذکور و پیشنهادات مربوط در این زمینه را بررسی نموده و تصمیم گیرد، که تدابیر محافظتی، در صورتی که لازم پنداشته شود، در کدام سطح باید فراهم گردد. کمیته مذکور باید متشکل از یک گروه کارشناسان پرسونل امنیتی مربوط به ادارات ذیربط باشند که با دقت مورد ارزیابی قرار گرفته و انتخاب شده باشند. (آنهایی که خدمات محافظتی را فراهم و همچنان آن عده اداری که پس منظرهای را برای ارزیابی مذکور فراهم ساخته میتوانند) تا بدین ترتیب اطمینان حاصل شود که خدمات محافظتی برای آنانی که نیازمند آن اند به یک نحوه بی طرفانه و مؤثر فراهم میگردد.

پرسونل مقتضی یک تیم محافظت حاضر باش

محافظت حاضر باش یک وظیفه پیچیده و خطرناک بوده و عمده مربوط باید با دقت انتخاب گردد تا اطمینان حاصل گردد که آنها وظیفه خود را بطور مؤثر انجام میدهند. در صورتیکه توسعه سریع تیم ها ضروری پنداشته شود، در اینصورت باید یک تعداد کافی پرسونل دارای تجربه محافظت حاضر باش وجود داشته باشد تا پرسونل مذکور را آموزش داده و آنها را رهبری کند.

تیم ها باید با نیازمندی های مشخص تهدید و ساحه و وظیفوی مطابقت داشته باشند، بطور مثال، مناسب خواهد بود تا پولیس و پرسونل امنیتی ساحه دیپلوماتیک برای کار کردن در محیط نسبتاً شهری چون کوسو کار کنند و پرسونل با داشتن تجربه جنگی و انجام خدمت در حالات نظامی شاید برای کار کردن در ساحات روستایی افغانستان مناسب باشد.

در صورتیکه فراهم کننده گان مساعدت های خارجی، امور مربوط به تیم های محافظت حاضر باش را خود تنظیم کنند، در اینصورت تنظیم امور مربوط به تیم های محافظت حاضر باش میتواند از جانب خود فراهم کننده گان کمک های بین المللی تنظیم گردد. در این صورت تیم های مذکور میتوانند در کل، از جانب حکومت دوز از جمله نیرو های مستقر در سایر ساحات و وظیفوی بطور مؤقت مؤظف شده یا از کمپنی های امنیتی خصوصی به اساس قرارداد گماشته شوند. عمده ترین عامل مؤفقیّت در این زمینه آنست تا اطمینان حاصل گردد که تیم های مورد نظر با دقت انتخاب شده، آموزش داده شده و جهت انجام وظایف مختلف محافظت حاضر باش که ممکن آنها برای انجام آن توظیف شوند، مجهز شده باشند. وظایف مذکور میتواند شامل وظایف نسبتاً ساده دارای سطح خطر کمتر تا وظایفی با سطح خطر بلند/وظایف آشکارا و همچنان وظایف با سطح بلند/مخفی باشند.

ساحات قابل اندیشه و نگرانی در زمینه اجرای یک پروگرام محافظتی حاضر باشی

امنیت عملیاتی

مصونیت ارتباطات و معلومات (اعم از کتبی و الکترونیکی) در هنگام اجرای عملیات محافظتی حاضر باشی از اهمیت خاصی برخوردار میباشد. مصونیت عملیاتی خراب میتواند مساعی خوب یک تیم بزرگ و مؤثر محافظتی حاضر باشی را بی فایده سازد. از آنرو تدابیری باید در این زمینه اتخاذ گردد تا اطمینان حاصل گردد که هرگونه معلوماتی که احتمالاً برای نیرو های مخالف مفید پنداشته شود، مصون بوده و در بخش های خاص جایجا شده است.

مهم ترین اقدام در زمینه تأمین مصونیت عملیاتی آنست تا پرسونلی انتخاب گردد که آنها در یک محیط بسیار امن و بخش های معیین شده به کار گماشته میشوند. و از این لحاظ درک چالش ها و خطرات ذیدخل در این زمینه بسیار مهم است. آموزش های عمومی نه تنها برای اعضای تیم های محافظت حاضر باشی، بلکه برای هر کسی که به معلومات مربوط درباره وظیفه مورد نظر دسترسی دارد، در این مورد مهم تلقی میشود. آنها همه باید از معیارها و طرز العمل های یکسان پیروی نموده و از پیامد های بی اعتنائی یا نقض این معیارها و طرز العملها بخوبی آگاهی داشته باشند. باید تدابیر دسیپلینی و اداری مشخص موجود باشد تا در صورت تخلف عمدی یا قصدی از این معیارها که مصونیت عملیات را به خطر مواجه میسازد، در مورد متخلفین بکار گرفته شوند. علاوه از این باید نهایت احتیاط هنگام توظیف افراد به وظایف حساس بخرچ داده شود. مهم نیست که افراد مذکور چقدر کارمندان صادق و فداکار اند، ولی باید به خاطر داشت که آنها در معرض خطر فاش کردن رازهای محرم عملیات قرار دارند. این گونه خطرات مخصوصاً در رابطه به پرسونل تازه استخدام شده از محل صدق میکنند. اینها کسانی اند که دارای خانواده های آرام در ساحه بوده و بناً میتوانند در مقابل تهدیدات علیه اعضای خانواده های شان آسیب پذیر باشند.

پلان گذاری طبی

یک پلان تخلیه و معالجه، یک عنصر مهم هر عملیات محافظت محسوب میگردد. بهتر این است تا کمک های طبی در هر تیم موجود باشد و همچنان یک پلان مؤثر تخلیه طبی باید وجود داشته باشد.

منابع

امور مربوط به محافظت حاضر باشی پرسونل اندک و سایر منابع را از جنبه های دیگر بخش تنفیذ قانون و امور امنیتی، بخود اختصاص میدهد. مقتضیات پروگرام محافظت حاضر باشی ممکن است با در نظر داشت اندازه مواد و قضایای مربوط متفاوت باشد و یا هم میتواند بعضاً تا یک سطح غیر قابل توجه بالا برود و بدین ترتیب توسعه سریع تعداد اعضا و حجم تیم های مربوط را مطالبه نماید. در چنین وضعیت، یک واقعیتی که باید در نظر گرفته شود اینست که، نحوه آموزش و ترکیب تیم ها نمی تواند دیکته یا تلقین گردد، زیرا کیفیت را نمی توان بخاطر کمیت قربانی نمود.

ارزیابی خطرات ناشی از منابع

ارزیابی تهدیدات باید بصورت بی طرفانه و بدون در نظر داشت منابع موجود صورت گیرد. در صورتی که تعداد زیاد مردم خواستار سطح بلند خدمات محافظت های حاضر باشی باشند ولی جهت فراهم ساختن سطح محافظت مذکور پرسونل نا کافی موجود باشد، ارزیابی مورد نظر نباید خطرات را بخاطری کم بها دهد تا سطح تقاضا برای منابع موجود را تقلیل بخشد. ارزیابی باید بازتاب دهنده ماهیت واقعی تهدید باشد و هر گونه محدودیت منابع باید یاد داشت شود تا مساعی لازم در جهت رفع آن بعمل آید.

پروگرام های محافظت شاهدان

فراهم نمودن تدابیر محافظتی برای شاهدان در زمینه تأمین آماده گی قربانیان و شاهدان برای کار با پولیس کمک مینماید تا آنها در باره قضایای مربوط به جرایم جدی و مجرمین جنایی اطلاع دهند، و آنها ضمناً موافقه میکنند که شاهدان همکار باشند. در بعضی موارد نبود اقدامات محافظتی برای شاهدان، کار بدست آوردن شواهد لازم جهت تعقیب عدلی و محکوم نمودن

مرتکبین جرایم جدی را ناممکن میسازد. در بسیاری موارد محافظت فیزیکی شاهدان از آن جهت لازم است تا مصونیت شاهدان هنگام تحقیقات و جریان محاکمه و حتی بعد از محاکمه تأمین گردد.

در فصل سوم مسایل مربوط به انواع تدابیر مربوط به محافظت شاهدان که میتواند در چهارچوب حقوقی یک کشور گنجانیده شود، مورد بحث قرار گرفت. طوریکه در آنجا خاطر نشان گردید جهت طرح پروگرام های محافظت شاهدان و تغییر محل آنها باید قوانین طرزالعملی وضع گردد. قوانین طرزالعمل های مذکور، فقط بحیث طرزالعمل ها باید جنبه های عملیاتی و اداری پروگرام را تنظیم نماید (مثلاً سوابق چطور محفوظ نگهداری شوند تا محرومیت شاهدان، و طرق نقل و انتقال و جایجایی مجدد آنها تنظیم گردد). در این بخش بعضی ملاحظات مربوط به فراهم ساختن محافظت فیزیکی شاهدان مورد رسیدگی قرار میگیرد.

محافظت فیزیکی مؤقت شاهدان بمعنی ذیدخل ساختن پولیس در امر تدارک تأمین امنیت به شاهدان و خانواده های شان میباشد. این تدابیر میتواند شامل فراهم ساختن محلات زیست مصون که تحت مراقبت پولیس قرار داشته باشند، باشد. محافظت فیزیکی معمولاً قبل از شروع یک محاکمه فراهم گردیده و تا هنگام فیصله یک محکمه و اعلام حکم نهایی محکمه ادامه مییابد. فراهم ساختن محافظت فیزیکی برای شاهدان ممکن است مقتضی بعضی تعدیلات در قانون پولیس و سایر طرزالعمل های اداری و عملیاتی و همچنان و جوه مالی کافی برای محل زیست، اعاشه و سایر مصارف مربوط باشد. یک نیروی پولیس ممکن است تصمیم بگیرند تا یک واحد آموزش دیده خاص محافظت را ایجاد نماید. محافظت شاهدان میتواند بوسیله یک واحد محافظت حاضر باش بطور متبادل فراهم گردد. در بعضی کشورها حتی اگر یک پروگرام رسمی شاهدان که شامل یک واحد اختصاصی محافظت شاهدان باشد ایجاد نگردیده باشد، حکم محافظت شاهدان و تغییر هویت آنها بوسیله محاکم بر یک اساس خاص و استثنایی در موارد عاجل اعطا میگردد.

چالش های مربوط به محافظت شاهدان در کوسوو

از منابع مختلف بشمول، مستنطقین، خارنوالان، قضات و سازمان های غیر دولتی به WPU مواصلت ورزیده و هر درخواست مذکور بوسیله یک کمیته خاص مورد ارزیابی قرار میگیرد. بنابر موجودیت منابع نا کافی، مشکلات مربوط به هماهنگی و مشکلات در زمینه متقاعد ساختن سایر کشورها برای پذیرفتن شاهدان و متهمین همکار (مخصوصاً آنهایی که در سوابق جنایی ثبت میباشند)، باعث آن گردیده تا تأمین محافظت شاهدان در کوسوو بحیث یک چالش باقی بماند. در جریان سالهای 2002 و 2003 دفتر ملل متحد UNMIK و OSCE موارد بیشتری از تهدید، قتل و تلاش برای قتل شاهدان را مخصوصاً در قضایای سیاسی آشکارا و جرایم جنگی و همچنان در قضایای مربوط به جرایم سازمان یافته ثبت کرده است.

تهدید شاهدان در کوسوو از چند سال به این طرف یک مشکلی است که مکرراً اتفاق افتاده است. این امر دفتر ملل متحد UNMIK را بدان واداشت تا انواع مختلف تدابیر محافظت شاهدان را به معرض اجرا قرار دهد. در سال 2001 یک واحد محافظت شاهدان (WPU) تحت اثر کمشنر پولیس UNMIK ایجاد گردید. وظیفه واحد WPU این بود تا تسهیلات سر پناه مصون را برای یک شاهد در کوسوو تا هنگامیکه شاهد، شاهدهی ادا نموده باشد، با در نظر داشت گزینه انتقال شاهدان در صورت لزوم به کشور دیگر، فراهم سازد. از زمان تشکیل واحد مذکور یک تعداد گروپ های خاص خطر تشخیص گردیده اند که منجر به تشکیل واحد های فرعی چون واحد بدرقه سطح بلند خطرات و واحد های بدرقه منطوقی گردید که خدمات محافظتی را در ساحات مختلف مسؤلیت تقسیم میکنند. درخواست ها جهت تأمین محافظت

اشتباه در محرم نگه داشتن معلومات یک شاهد را به خطر مواجه میسازد

در کوسوو، ضرورت رازداری و محرمانه بودن در رابطه به تغییر محل اقامت شاهدان در معرض خطر زمانی آشکار شد که بعضی معلومات در باره چنین یک شاهدی به شخص غیر مجاز فاش شد. این واقعه با وصف تلاش‌های زیاد پرسونل پولیس جهت محرم نگه داشتن نام، محل اقامت تبدیل شده و سایر معلومات مربوط به یک شاهد، صورت گرفت. معلومات مورد نظر حتی از تیم محافظتی حاضر باشانی که شاهد مذکور را در خارج از کوسوو جهت محافظت بدرقه می‌کردند، محفوظ نگذاشته شد. متأسفانه، یکی از افرادی که با قضیه مربوط ارتباط داشت، بطور غیر عمدی معلومات مربوط به محل تبدیل شده شاهد را که در کجا است، فاش نمود. ممکن است او فکر کرده بود که شاهد بیش از این در معرض خطر قرار ندارد. این اطلاع شاهد و خانواده او را در معرض خطر قرار داد، زیرا خانواده متهم تلاش ورزیده بودند تا محل اقامت آنها را معین کنند. این حادثه نشان می‌دهد، آنچه اشخاص انفرادی که با پروگرام‌های محافظت شاهدان آشنایی ندارند، همیشه دشواری وضعیت را درک کرده نمی‌توانند. از آنرو بایست میکانیزم‌های محرمانه و آموزش‌های لازم بایست در این زمینه طرح و تحقق یابند، تا از برآورده شدن آنها اطمینان حاصل شود.

نمودن معلومات راجع به طرز کار و فعالیت نظام قضایی، فراهم می‌نماید.

در بین ملاحظات خاصی که باید در رابطه به مسایل مربوط به محافظت شاهدان در نظر گرفته شود، موضوعاتی قابل یادآوری می‌باشد:

بسیاری اصولی که در مورد محافظت حاضر باشی قابل اجرا می‌باشند، در مورد محافظت شاهدان نیز قابل تطبیق شمرده می‌شوند و واحد‌های مربوط محافظت حاضر باشی و محافظت شاهدان احتمالاً دارای اوامر، معلومات استخباراتی و ساختارهای حمایتی و کمکی مشترک می‌باشند. با وصف این، با در نظر داشت تفاوت‌ها در اندازه این دو فعالیت، بهتر آنست تا دو واحد جداگانه یکی برای محافظت شاهدان و دیگری برای محافظت حاضر باشی وجود داشته باشد.

باید خاطر نشان گردد که محافظت حاضر باشی از خدمات کمک با قربانیان فرق دارد. طوریکه قبلاً در این فصل توضیح شد، بعضی دفاتر پولیس و دفاتر خرنوالی دارای واحد‌های مربوط به کمک به قربانیان، یا پرسونل آماده برای کمک قربانیان می‌باشند که برای قربانیان مساعدت‌های را در زمینه‌های طبی، صحت روانی و فراهم

پروگرام محافظت شاهدان در بوسنیا ایجاد کنید

بعد از تشکیل فدراسیون بوسنیا و هرزیگوینا تقریباً ده سال را دربر گرفت تا یک پروگرام محافظت شاهدان در آن کشور ایجاد گردد. سرانجام در اواخر سال 2004، اداره محافظت شاهدان در چوکات نیروی پولیس کشور تشکیل شد. اداره مذکور در خارج از ساحه امن تأسیسات دفاتر فعالیت می‌کند. یک مشاور بین المللی مربوط به محافظت شاهدان با اداره فوق‌الذکر کار نموده و پروگرام‌های جاری آموزشی برای کارمندان مربوط را هماهنگ می‌سازد. اداره مذکور با آن‌ده شاهدانی سروکار دارد که در جرایم سازمان یافته و جرایم جنگی دیدخل باشند.

- رازداری و پنهان کاری در مقابل آشکارا و معلوم دار بودن ممکن است شاهدان را در یک محوطه محفوظ جابجا و ممکن آنها را به عین شیوه افراد مهم نقل و انتقال نمود. ولی این امر همچنان لازم خواهد بود تا مصونیت شاهدان را به یک نحوی پوشیده تأمین نمود. وقتی شاهدان به یک نحوی پوشیده محفوظ ساخته شدند، تیم‌های

مربوط بایست با سطح بلند خطرات/ عملیات حفاظت مخفی، مراقبت، کشف و تعقیب مراقبتی، آشنا باشند، زیرا داشتن این مهارت‌ها برای انجام مؤفقت آمیز و وظیفه مهم خواهد بود. برعلاوه، وقتی یک شاهد در یک محل مخفی جایجا شده و نقل و انتقال او بشکل مخفی صورت گیرد، مصؤنیت عملیات کسب اهمیت فوق العاده مینماید. حفظ معلومات در جعبه های مخفی برای این ضروری پنداشته میشود تا اطمینان حاصل گردد که مصؤنیت شاهدان در معرض معامله قرار نمی گیرد.

- **ملاحظات قومی، مذهبی و سیاسی.** ملاحظات قومی، مذهبی و سیاسی و عوامل مشابه، بالای حفاظت شاهدان از طرق مختلف اثرات منفی دارد. مسلما اعضای تیم محافظت شاهدان حین اجرای وظیفه نباید در برابر هیچگونه خوشبینی های قومی، مذهبی یا سیاسی خود آسیب پذیر باشند تا وظایف خود را بر بنیاد این خوشبینی ها انجام دهند. در عین زمان اعضای تیم مذکور بایست از باریکی های محیط محلی به خوبی مطلع و آگاه باشند تا بتواند تصامیم مصؤن و معقولی را در رابطه به موضوعاتی چون محل اقامت شاهدان یا راه های نقل و انتقال آنها، اتخاذ نموده بتوانند.
- **خطر فرار:** از آنجاییکه امکان دارد بسیاری از شاهدان خود در فعالیت های جنایی شامل باشند، از آنرو این امر مهم است تا در نظر گرفته شود که یک شاهد نباید تنها از صدمه و آسیب محافظت شود، بلکه همچنان از فرار و گریختن نیز محافظت شود.
- **خانواده ها.** این امر مهم شمرده میشود تا هرگونه عامل بالقوه برای ترساندن شاهدان محافظت شده بر طرف ساخته شود. از آنرو ممکن است ضروری پنداشته شود تا خدمات محافظت مؤقت یا تغییر محل اقامت برای خانواده های شاهدان، فراهم ساخته شود. با انجام این کار شاید نه تنها فشار شدید بالای منابع مربوط محافظت وارد گردیده بلکه همچنان احتمال افزایش معامله بالای امور امنیتی مربوط نیز وجود دارد. زیرا این امر دشوار است تا تمام یک خانواده را بطور مخفی جایجا یا نقل و انتقال نمود. ^{۱۱۴}

فصل پنجم

ستراتژی های مربوط به رسیده گی به جرایم جدی

اهداف این فصل قرار آتی اند:

- ارایه یک نوع از ستراتیژی های که سطح مؤثریت تحقیقات و پیگرد های عدلی مرتکبین جرایم جدی را ارتقا بخشد
- ارزیابی نقشی که جمع آوری معلومات استخباراتی در زمینه تحقیق و تعقیب عدلی جرایم جدی بازی میکنند
- غور روی موضوع "مورد هدف قرار دادن" مرتکبین جرایم جدی در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه و ملاحظیات عملی و سیاسی ذیدخل در این تلاش
- برجسته ساختن ضرورت کمپاین های مربوط به ارتقای سطح آگاهی عامه در مبارزه علیه جرایم جدی
- بحث روی نقش نیرو های نظامی بین المللی در مبارزه علیه جرایم جدی در یک جامعه بعد از جنگ

این فصل چهار ستراتیژی مختلف پرداختن به مسئله جرایم جدی را مورد بحث قرار میدهد: جمع آوری اطلاعات استخباراتی جنایی، تعیین اهداف، کمپاین های آگاهی عامه و سهم گیری نیرو های نظامی بین المللی. جمع آوری معلومات استخباراتی شامل جمع آوری معلومات درباره گرایش های عمومی جرایم، فعالیت های خاص جنایی و اقدامات تدارکاتی (یعنی اعمالی که به ذات خود جرم پنداشته نمی شود ولی نشان میدهد که ارتکاب یک جرم پلان میشود). تعیین اهداف شامل اقداماتی چون تمرکز مساعی و منابع روی یک تعداد جرایم معیین که بطور خاص یک جامعه بعد از جنگ را بی ثبات میسازد، یا تمرکز تحقیقات و مساعی مربوط به تعقیب عدلی بالای اشخاص انفرادی خاصی که مرتکب جرایم جدی میشوند. این دو ستراتیژی در هم آمیخته اند (نتایج جمع آوری معلومات استخباراتی میتواند جهت مزید معلومات در ستراتیژی های تعیین اهداف مورد استفاده قرار گیرد). و طوریکه در ذیل مورد بحث قرار میگردد هر دوی این ستراتیژی ها در زمینه تحقیقات جنایی و معیین نمودن اینکه کدام فعالیت های جنایی جدی باید سطح بلند اولویت را بخود اختصاص دهد، وسایل با ارزشی تلقی میگرددند. ستراتیژی سومی که در این فصل توضیح میگردد شامل بکار گیری کمپاین های آگاهی عامه جهت جلوگیری از جرایم جدی، تنظیم معلومات درباره آنها و تقویت حمایت عامه درباره ابتکارات مبارزه علیه جرایم جدی، میباشد. ستراتیژی چهارم یعنی تعقیب عدلی نظامی شامل استفاده از پرسونل نظامی بین المللی جهت مبارزه با جرایم جدی میباشد.

استخبارات جنایی

"استخبارات" تنها نام دیگری برای اصطلاح "معلومات" نیست. معلومات وقتی به استخبارات مبدل میگردد که طی مراحل شده و به آن معنی داده شود. تصمیم گیرنده گان در ادارات پولیس به اطلاعات استخباراتی جهت اتخاذ تصمیم عملیاتی و ستراتیژیک و همچنان تا بالای آنها عمل کنند، ضرورت دارد. از آنرو استخبارات بعضاً به عنوان "معلومات طرح شده برای عمل" تعریف میشوند.

اصطلاح "استخبارات" به هر دو یعنی پروسه استخبارات و اطلاعات استخباراتی اطلاق میگردد. پروسه استخبارات اکثراً بعنوان یک دایره تعریف میگردد که با تعیین هدف آغاز گردیده و بعداً در استقامت جمع آوری، ارزیابی، تطبیق یا مقایسه و تحلیل معلومات و تجزیه و باز دوباره به تعیین اهداف بر میگردد. در عمل، یک دایره استخباراتی یک پروسه فعال میباشد که در مقابل تغییرات وضعیت و نیازمندی های فوری از خود واکنش نشان میدهد.

ادارات مختلف استخباراتی به شیوه های مختلف کار میکنند. از نقطه نظر این بخش کتاب "ادارات استخباراتی" به پرسونل مسؤل پیشبرد امور مربوط به پروسه استخباراتی اطلاق میگردد. بطور مثال وظیفه مذکور میتواند یک اداره توظیف شده استخبارات جنایی یا یک واحد یک اداره پولیس باشد. بعضی ادارات این شیوه را انتخاب میکنند تا به مردم مختلف مسؤلیت جمع آوری و تحلیل را بسپارند. در حالیکه ادارات دیگر عین مردم را جهت پیشبرد امور مربوط به تمام دایره استخباراتی، استخدام میکنند. بهترین طرز برخورد برای وضعیت مورد نظر، مربوط به سلسله از عوامل میگردد که در آن هدف موجود، منابع موجود و مهارت های کارمندان قابل تذکر میباشد.

در ادارات پولیس، اکثراً میان استخبارات عملیاتی و تخنیکی و همچنان استخبارات ستراتیژیک فرق گذاشته میشود. استخبارات عملیاتی یک وسیله است که جهت فراهم نمودن فرضیه های برای تحقیقات، ارزیابی ها و استنتاجات در رابطه به فعالیت های غیر قانونی و همچنان افراد یا گروه های که آنرا مرتکب میشوند، مورد استفاده قرار میگردد. این وسیله میتواند جهت کمک به یک جریان تحقیقات جاری عمل نموده یا به عنوان یک وسیله جهت آغاز تحقیقات یا اتخاذ تدابیر متقابل میتواند بکار رود. استخبارات ستراتیژیکی روی فعالیت های محیط پولیس متمرکز میباشد. استخبارات ستراتیژیک معلومات و ارزیابی هایی را درباره گرایش های موجود و در حال ظهور، تهدیدات ناشی از جرایم مختلف یا مجرمین و همچنان زمینه های اقدامات متقابل جهت جلوگیری از آنها و غیره را فراهم میسازد. به اساس این معلومات، این امر ممکن میگردد تا تصمیمی درباره اینکه چطور میتواند منابع (زمان، پول، پرسونل و تجهیزات) به بهترین وجه تخصیص داده شود. استخبارات ستراتیژیک همچنان میتواند یک اداره را قادر نماید تا شاخص ها و علائم خطر را که با آن دسترسی به انواع مختلف وضعیت ها امکان پذیر میگردد، وضع نماید.

استفاده با مهارت از استخبارات، به پولیس این توانایی را میبخشد تا به عوض تنها یک نیروی واکنشی، بعنوان یک نیروی باز دارنده فعال در برابر وقوع جرایم عمل نماید. اصل یک نیروی باز دارنده بودن در مرکز هر ستراتیژی مؤثر مبارزه با جرایم جدی قرار دارد. زیرا اثرات ناگوار این جرایم اکثراً بسیار عمیق است که نمیتوان با طرز برخورد واکنشی برای جلوگیری از آن پرداخت، یک طرز باز دارنده الزاماً به جلوگیری از جرایم تأکید می ورزد. طرز برخورد مذکور همچنان به اهمیت درک چنین مبارزه با شبکه های پیچیده تأکید میکند تا به عوض توقیف نمودن تنها یک مجرم انفرادی، که جای او را در شبکه به زودی کسی دیگر پر خواهد نمود، به قلع و قم خود شبکه پرداخته شود.

اصطلاح "استخبارات" در جوامع بعد از جنگ معمولاً یک بار منفی دارد. مردم عامه در بسیاری از این کشورها عادت کرده‌اند تا ادارات استخباراتی را به عنوان یک وسیله و ابزار آتانی نگاه کنند که در قدرت‌اند. آنها از مبارزه با جرایم جدی بسیار فاصله دارند، زیرا دیده می‌شود که ادارات مربوط استخبارات، بالاتر از قانون عمل میکنند و اکثراً با فعالیت‌های مربوط به جرایم جدی پیوند داشته‌یا در آنها ذیدخل میباشند. بدین ترتیب لازم است تا ادارات استخباراتی سابقه تحت اصلاحات قرار گرفته‌یا در مراحل بعد از جنگ منحل شوند. هرگونه خدمات استخباراتی اگر از قبل مانده باشد، یا اصلاح شده باشد یا کدام خدمات استخباراتی جدید باشد، باید به نحوی کار کند که با اصول یک دولت که به وسیله حاکمیت قانون اداره می‌شود، و همچنان با نورم‌ها و معیارهای بین‌المللی، مطابقت داشته باشد.

یک قدم عمده در تفکیک یک خدمات استخباراتی از یادگارهای یک رژیم مستبد آنست تا قوانینی طرح و به اجرا گذاشته شوند که فعالیت‌های استخباراتی در چهار چوب آن با دقت تنظیم و میکانیزمی را ایجاد نماید تا به مسایل حساس، عندالموقع پرداخته شود. مسایلی که در این زمینه باید مورد غور قرار گیرد، عبارت از شیوه‌های جمع‌آوری معلومات، شریک نمودن اطلاعات استخباراتی، حفاظت از اسناد و مدارک شخصی، ذخیره و نگهداری معلومات و ضرورت تدوین قوانین اضافی یا تعدیل قوانین موجود در این رابطه که آیا به خدمات استخباراتی اختیارات بیشتر داده شود یا میتودهای فعالیت‌شان محدود شود، میباشند.

پروسه استخبارات

طوری‌که در فوق تذکر یافت، پروسه استخبارات حاوی عناصر زیرین میباشد: تعیین اهداف، جمع‌آوری، ارزیابی، تطبیق، تحلیل و پخش میباشد. هنر استخبارات باید معلومات ضروری و لازم را در انبوهی از معلومات تشخیص نماید، یک خصوصیت یک پروسه موفق استخبارات آنست که معلومات نباید بدون هدف جمع‌آوری شوند. به عوض آن پروسه مذکور باید دارای یک مرکز توجه و یک هدف واضح باشد و همچنان باید بدانند که به چه ضرورت دارد و از کجا آنرا بدست آورده میتواند. این‌که چطور این مرکز توجه یا تمرکز تعیین گردد، متفاوت است، ولی مرکز مذکور باید با یک تفاهم و توافق استوار باشد. از آنرو، جمع‌آوری هدف مند در دایره استخبارات یک عنصر ضروری محسوب میگردد. اگر جمع‌آوری معلومات استخباراتی بصورت درست تنظیم نه گردد، اداره استخباراتی خود را در گودال معلومات خواهد یافت که جهت بدست آوردن یک چیز مفید میتپند.

مسلماً پیشه‌آه استخباراتی میتواند بدون کمک پروگرام‌های کمپیوتری اجرا شود ولی در عصر معلوماتی امروز، پرسونل مربوط، معلومات بیشتر از آنچه را میتوان با دست پراسیس کرد، جمع‌آوری میکنند، و از آنرو تکنالوژی مدرن از اهمیت فوق‌العاده در این زمینه برخوردار میباشد. یک تعدادی از کمپنی‌ها پروگرام‌های کمپیوتری را طرح نموده‌اند که میتواند به وسیله ادارات تنفیذ قانون مورد استعمال قرار گیرد. بسیاری از این‌های میتواند در کشور‌های بعد از جنگ و ستیزه‌بار ارزش باشند تا توأم با منابع و زیربنا‌های لازم این تکنالوژی مورد استفاده قرار داده شود. ولی کشور مذکور باید قبل از بکارگیری پروگرام‌های کمپیوتری مورد نظر آنها را با دقت تام مورد تحقیق و ارزیابی قرار دهد تا تصمیم گرفته شده بتواند که کدام یک از این پروگرام‌ها نیازمندی‌های کشور را به بهترین وجه ممکن مرفوع ساخته میتواند. در صورتیکه زمان و منابع موجود اجازه دهد، پروگرام‌های مذکور باید مطابق به نیازمندی‌های خاص کشور، طرح یا مشخص ساخته شوند. یک اداره اطلاعات استخبارات جنایی در تشکیل خود باید کارمندان ورزیده تکنالوژی معلوماتی را داشته باشد، مخصوصاً آتانی که دیتابیس‌ها را طرح و اجرا کرده

بتوانند، با در نظر داشت ماهیت حساس معلومات جمع شده و شریک ساخته شده، تمام دیتابیس ها، و یا در حقیقت تمام معلومات ها در هر شکلی که باشند، باید مصونیت آنها تأمین و تنها برای انانی قابل دسترسی باشند که در سطح لازم صلاحیت قرار دارند.

تحلیل، یعنی مرکز پروسه استخبارات، شامل ترکیب و ارزیابی معلومات جمع آوری شده میشود. مرحله تحلیل، معلومات مذکور را معنی دار میسازد و آنرا در چهار چوب مقتضی قرار میدهد. در پروسه استخبارات، تحلیل یک عنصر جداگانه تلقی میگردد ولی عنصر مذکور همچنان حین معین ساختن اهداف گسترده تر پروسه استخبارات یعنی طرح یک پلان جمع آوری، طرح ذخیره گاه معلومات، و همچنان تصمیم درباره اینکه معلومات مذکور در چگونه بستنها نشر شوند، بکار گرفته میشود. تحلیل ها میتواند استنتاجات یا ارزیابی ها را به وجود بیاورد که اکثراً در شکل فرضیه ها و احتمالات تبارز یافته و نیاز به آزمایش دارند. تحلیل ها میتواند به تیم های تحقیقات یا به منیجران، توصیه های را با در نظر داشت اینکه تحلیل ها عملیاتی یا ستراتیژیک اند، ارایه نماید. در صورتیکه معلومات موجود، تحلیل کننده مربوط را به یک نتیجه قاطع نه رساند، بهتر آنست تا موصوف خلاها و کمبود های موجود در اطلاعات و معلومات را تشخیص و پیشنهاداتی را ارایه یا مقتضیات جدید را برای جمع آوری معلومات بعدی، طرح نماید.

وقتی تحلیل معلومات تکمیل شد، نتایج آن باید نشر شود. اینکه بخش و نشر به چه شکلی صورت گیرد، به نوعیت مواد، اهمیت و سرعتی که باید معلومات مذکور پخش و نشر شود، ارتباط میگردد. گزارش های تحریری باید با توضیحات شفاهی توأم گردد. قبل از پخش و نشر نتایج، پرسونل مربوط باید حساسیت معلومات را در نظر بگیرند و در این مورد تصمیم اتخاذ نمایند که گزارش مذکور باید صنف بندی شود یا نه نتیجه های گوناگون گزارش مذکور میتواند تهیه و نشر شود. بطور مثال، در یک گزارش صنف بندی شده معلومات حساس میتواند حذف شوند تا معلومات باقی مانده با یک گروه وسیع تر شریک ساخته شود. اگرچه از منابع حساس باید همیشه حراست شود و هویت آنها مخفی و محرم نگهداشته شود. حد اقل برای اینکه آنها (هر دو یعنی اشخاص انفرادی و هم موسسات) احساس اعتماد کامل کنند تا معلومات مزید را در آینده تهیه کند.

وظیفه و نقش یک اداره استخباراتی این است تا بهترین تحلیل ها و توضیحات را از معلومات موجود ارائه کند. اگرچه در زمینه اینکه یک اداره استخباراتی به چه چیزهایی نایل شده میتواند، محدودیت های وجود دارد. طور مثال، اگر از دادن معلوماتی به یک اداره استخباراتی بصورت عمدی مضایقه صورت گیرد به این دلیل که به اداره دیگر داده می شود، در این صورت ممکن است دشواری نا ممکن شود تا کدام هوشداری درباره کدام جرم تهدید کننده ارایه شود. با این همه، با وصف محدودیت ها، یک پروسه مؤثر استخباراتی جهت موفقیت مساعی مبارزه علیه جرایم جدی مهم میباشد.

جهت تأمین موثریت، یک اداره استخباراتی باید دارای یک چهار چوب وظایف، تصمیم گیرنده گانی که مزایا و محدودیت های استخباراتی را دانسته و بدانند که چطور به از آن بهترین وجه استفاده شده میتواند، کارمندان کافی و ورزیده با تجارب لازم در عرصه جمع آوری و تحلیل معلومات و منابع، باشد. اداره استخباراتی باید یک بخش جدا ناپذیر اداره گسترده پولیس یا دارای ارتباط بسیار نزدیک با آن باشد.

مقایسه اطلاعات استخباراتی با شواهد

اطلاعات استخباراتی، مترادف شواهد نیست، تا در محاکم بکار گرفته شود، ولی میتواند بشرطی که مطابق قوانین قابل اجراء جمع آوری شده باشد، قابل پذیرش باشد. مسلماً اطلاعات استخباراتی که پولیس را به کشف شواهد قابل قبول رهنمایی کند، میتواند بحیث یک وسیله جمع آوری شواهد مورد استفاده قرار گیرد. و بعضاً اطلاعات به یک شکل و از یک منبعی به واحد استخباراتی مواصلت میوزند که میتواند بحیث شواهد قابل قبول مورد استفاده قرار گیرند. از اینکه اطلاعات استخباراتی معمولاً بنا بر اینکه بقدر کافی قابل اعتبار نیستند یا مفصل نیستند، و یا اینکه از منابع خاص بدست میآیند، در محاکم مورد استفاده قرار نمیگیرند. ارائه معلومات بدست آمده از منابع حساس در محکمه، ممکن است مصونیت منابع مذکور را به خطر مواجه ساخته و این امر را ناممکن میسازد تا بار دیگر از آنها در این زمینه کار گرفته شود. با وصف این معلومات حساس یا تصدیق نشده رویهمرفته از این رهگذر با ارزش تلقی میگردد که به اداره اطلاعاتی در زمینه چگونگی موثق بودن آنها و اینکه معلومات مشابه را به چه شکلی بدست آوردند تا بتواند در یک محکمه ارائه شود کمک میکند.

شریک ساختن اطلاعات استخباراتی

در عرصه مبارزه علیه جرایم جدی، این امر بصورت عمومی مفید و اکثراً ضروری است تا اطلاعات استخباراتی در سراسر ادارات استخباراتی یا میان ادارات معینی شریک ساخته شوند. البته این کار با مشکلات مواجه خواهد بود. در بعضی موارد، یک اداره اجازه شریک ساختن اطلاعات استخباراتی یا معلومات مربوط را با سایر ادارات ندارد. در موارد دیگر، معلوماتی که شریک ساخته میشوند، اصلاً برای یک مقصد دیگر تنظیم شده اند، این بدان معنی است که معلومات مذکور به گونه فوری به وسیله کدام اداره دیگر قابل استفاده نیست.

با در نظر داشت اینکه جرایم جدی اکثراً دارای یک ماهیت فرا سرحدی میباشد، از آنرو این امر مهم است تا میتودولوژیها، طرزالعملها و میکانیزمهای حراست و محافظت از اسناد و مدارک مربوط، جهت شریک ساختن اطلاعات و تحلیلهای استخباراتی با کشورها و سازمانهای دیگر، وضع گردد. در جمله سازمانهای فوق الذکر میتوان از انترپول (Interpol) و در اروپا از دفتر پولیس اروپا (Europol) یاد آوری نمود. هر دوی این سازمانها به این منظور ایجاد شده اند تا سطح همکاریهای کشورهای عضو را در امر جلوگیری و مبارزه علیه جرایم، بشمول تروریسم، جرایم سازمان یافته، قاچاق انسان، مواد مخدر و سایر جرایم دارای اثرات یا ذیدخل بودن عوامل فراملیتی، ارتقا بخشند.

سازمانهای غیر دولتی (NGOs) در کشورهای بعد از جنگ اکثراً با معلوماتی برمیخورند که میتواند برای یک اداره استخبارات جنائی با ارزش باشد. اگر چه بعضاً سازمانهای مذکور در کشورهای بعد از جنگ تمایل ندارند که با ادارات استخبارات جنائی خود را همدست سازند، زیرا اگر آنها چنین کنند ماهیت بی طرفی خود را میان فریقهای جنگی موجود از دست داده و بدین ترتیب این کار را دشوار تر میسازند تا وظایف محوله شان را انجام دهند. ولی برای یک اداره استخباراتی جنائی این امر مهم شمرده میشود تا امکانات همکاری خود را با سازمانهای غیر دولتی گسترش دهد، که در نتیجه آن ممکن است معلومات مهم را کشف کند، این واقیعت که ممکن در زمینه این گونه همکاریها مواعی وجود داشته باشد، الزاماً نیل به این گونه همکاریها را ناممکن نمیسازد.

وقتی عملیات صلح در یک کشور بعد از جنگ جاری باشد، پرسونل بین المللی که در مساعی مربوط به مبارزه علیه جرایم جدی شامل اند، ممکن است کوشش کنند تا چنان اجازه نامه امنیتی را بدست آورند که به آنها توانائی آنرا ببخشند تا به معلومات استخباراتی از کشورهای خودشان دسترسی پیدا کنند. اگرچه حتی پرسونل مذکور چنین تصدیقی را بدست آورند، ممکن است آنها اجازه نداشته باشند تا معلومات استخباراتی از کشورهای خود را با سایرین یا با مردمان از سایر ملیت ها، حتی با مردمی که در عین اداره استخباراتی کار میکنند، شریک سازند. این مشکل میتواند با عقد تفاهنامه های تفاهم مبنی بر شریک ساختن معلومات میان سازمان های معین حل گردد. با وصف این، چنین یک موافقتنامه دو جانبه میان سازمان های مذکور به کشور دریافت کننده اختیار واگذار کردن معلومات مذکور را به جانب سوم بطور اتومات فراهم نمی سازد. اکثراً معلومات یا اطلاعات استخباراتی با یک شفر موصلت میورزند. شفر مذکور کارهای را که اداره ارسال کننده مجاز می شمارد، معین میسازد. بطور مثال شفر مذکور ممکن نشان دهد که آیا نهاد دریافت کننده میتواند معلومات مذکور را با سایر سازمان ها شریک سازد، یا در محکمه از آن استفاده نماید یا آنها را بدون مشوره قبلی با نهاد فرستنده در کدام گزارشی بگنجاند.

بسیار کم اتفاق می افتد که دولتها معلومات استخباراتی را برای ادارات مربوط عملیات صلح، بطور مستقیم فراهم سازند. موجودیت چنین یک همکاری با ارزش تلقی میگردد، مخصوصاً وقتی کدام اداره استخباراتی در یک مأموریت بخودی خود بصورت درست کار نکند، اما حتی اگر یک واحد استخباراتی یک مأموریت صلح، بصورت مؤثر نیز کار کند، دولت ها احتمالاً طرق و وسایل پیچیده بی را برای جمع آوری و تحلیل معلومات استخباراتی در مقایسه با پروگرام عملیات صلح داشته میباشند.

موجودیت نیرو های نظامی بین المللی در عملیات صلح، چالش ها و فرصت هایی را در رابطه به شریک ساختن اطلاعات استخباراتی به وجود می آوردند. یک تفاوتی میان استخبارات نظامی و جنایی اکثراً وجود می داشته میباشد. اما در کشورهای بعد از جنگ، اگرچه استخبارات نظامی توجه مساعی خود را روی فعالیت های جنایی متمرکز نخواهد نمود با اینهم بعضی اطلاعات جمع آوری شده یقیناً بطور مستقیم با مسلهء مبارزه علیه جرایم جدی ارتباط میگیرد. تداخل وظیفوی میان استخبارات نظامی و جنایی در هنگام تحقیقات جرایم جدی و جرایم جنگی بسیار واضح میشود. از آنرو این امر در کشورهای بعد از جنگ حایز اهمیت شمرده میشود تا تبادل معلومات میان پولیس و ادارات استخبارات نظامی، وجود داشته باشد. طوریکه خواهد در چوکات های زیرین نشان میدهد، این پروسه خالی از مشکلات خود نیست.

ناتوانی در شریک ساختن معلومات منتج به آزاد کردن متهمین به اعمال تروریستی میشود

در بوسنیا و هرزگوینا، SFOR (نیروی تأمین ثبات NATO) شخصی را به اتهام دست داشتن در فعالیت های تروریستی دستگیر کرد. متعاقباً اداره SFOR متهم مذکور را به ادارات محلی تنفیذ قانون سپرد، که باید او را رها میکردند. زیرا SFOR نمی توانست معلومات استخباراتی خود را شریک یا شواهدی را فراهم سازد که بتواند در محکوم ساختن او بکار برده شود.

مشکلات توقیف بر بنیاد معلومات استخباراتی

میکنند که مناسب بودن چنین یک اقدامی در مرحله بعد از جنگ و ستیزه قومی که تأمین صلح و نظم امور از اولویت های مهم شمرده شده و خلای قدرت اداری وجود دارد، ممکن است بحث برانگیز باشد. وقتی انتقادات از احکام اجرائی برای توقیف بالا گرفت دفتر ملل متحد UNMIK یک کمیته خاص متشکل از قضات بین المللی را با اطمینان مناسب امنیت، موظف نمود تا شواهد حساس را ارزیابی و معین سازند که آیا حکم ادامه توقیف در یک قضیه خاص بمب گذاری که چهار نفر متهم در آن ذیدخل بودند صادر شده بود یا نه به عوض توظیف قضات بین المللی موجود که در ساحه موجود و با شرایط محلی بلد بودند، قضات خاص به مقصد ارایه شده یعنی تصمیم گیری روی مسله توقیف در این یک قضیه رهسپار شدند. دلیلی که برای استخدام قضات بیرونی ارایه گردید این بود که آنها همه از قبل اجازه نامه امنیتی داشتند و باید که مواد دسته بندی شده را مرور و ارزیابی میکردند. نماینده سرمنشی ملل متحد OSCE و اداره مدعی العموم در کوسوو استدلال میکردند که تشکیل کمیته خاص وضعیت را بهبود نه بخشید و اینکه توقیف به وسیله حکم اجرائی هنوز در مغایرات با معیار های بین المللی قرار داشت. زیرا وکیل مدافع نمی توانست شواهد افشاً نه شده استخباراتی را به چالش بکشد. کمیته خاص مصمم شد که شواهد کافی وجود داشت تا توقیف متهمین را برای یک مدت معین توجیه کند. سرانجام تحقیقات در امر بدست آوردن شواهد کافی قابل قبول جهت به محاکمه کشاندن متهمین ناکام شد، از آنرو سه نفر از جمله چهار نفر متهمین رها شدند. فرد چهارم به اتهام بمب گذاری از طریق شواهدی که از DNA در یک سگرت اما در نقطه احتراق پیدا شد، پیوند داده شد.

توقیف بر بنیاد اطلاعات استخباراتی میتواند مشکلاتی را به بار آورد. برای چند سال بعد از آغاز فعالیت عملیات صلح در کوسوو، نماینده خاص سر منشی عمومی ملل متحد (SRSG) احکام اجرائی را صادر نمود که بر بنیاد آن توقیف افراد حتی بعد از صدور حکم محکمه در مورد آنها صورت گرفته میتوانست بطور مثال در بعضی موارد یک محکمه که کاملاً متشکل از قضات بین المللی بود، حکم رهایی یک فرد را بنابر نبود شواهد صادر کرد و حتی رهایی موصوف از طرف خانونال بین المللی مؤظف در قضیه نیز پیشنهاد گردید. در بعضی از این موارد SRSG بر اطلاعات استخباراتی KFOR که نمی خواست منبع استخبارات در محکمه افشاً شود تکیه میکرد. قضات و خانونال بین المللی تحت مقرر شماره 20/2001 صلاحیت آنرا داشتند تا اطمینان حاصل کنند که شاهدان بطور عام شناخته نه شده، اما خانونال افشاً معلومات استخباراتی به قضات را مطالبه مینمود. منابع استخباراتی افشاً معلومات را به چنین شکلی نمی خواست که صورت گیرد. یک دلیل فرضی نگهداشتن متهمین در توقیف تحت احکام اجرائیه آن بود تا وقت کافی برای بازجویی و تحقیقات بدست آید تا شواهدی که برای محکمه قابل پذیرش باشد بدست آید. اگر چه متهم در محکمه باید محاکمه می شد و صدور حکم اجرائی توقیف بعنوان یک اقدام موقت پنداشته میشد. بخش نظارت نظام حقوقی OSCE، سازمان های حقوق بشر بین المللی و مدعی العموم UNMIK استدلال میکردند که احکام اجرائی برای توقیف، اصل مستقل بودن قضاء را یا دخالت در نظام عدالت جنایی نقض می کند. مزید بر آن وقتی آنها تجدید نظر بر فیصله قضایی را فراهم ساخته نتوانستند، احکام اجرائی برای توقیف فاقد کد اساسی بر بنیاد داخلی و بین المللی شد. یک گزارش شورای اروپا اعتراف

مشکلات استفاده از استخبارات نظامی در یک قضیه مدنی

یک ادعای (غیبت از محل وقوع جرم) دوم گردید که از ادعای اول خاصاً در مورد محل و زمان وقوع جرم در جمله سایر جزئیات تفاوت داشت. شاهدان با پنج وکیل مدافع این ادعای دوم را تأیید کردند، و تنها یک نفر قربانی صرب توانست متهم را بشناسد. خرنوال کوسوو قضیه مربوط را حفظ کرد. خرنوال بین المللی بعد از اطلاع حاصل نمودن از موجودیت دفاعیه اول، قضیه مورد نظر را یکبار دیگر بعد از یکسال جنگ طرز العمل ها، دوباره رویکار نماید. متأسفانه در آن زمان یک تبدیلی نوبتی پرسونل یونیت مربوط KFOR صورت گرفته بود و آنها دوباره به کشور های شان رهسپار شده بودند و هیچ مستنطق اصلی نظامی خود را در کوسوو باقی نه گذاشته بودند، تنها یادداشت های بی نام یا دارای نام مستعار در دیتابیس های کمیوتری استخبارات نظامی باقی مانده بود. بناً دفاعیه اول به کار گرفته شده نتوانست تا بیانیه دوم را رد کند.

در کوسوو، یک نفر کوسوویی البانیایی تبار به اتهام قتل سه نفر صرب تبار کوسوو، بشمول یک نفر طفل چهار ساله، که در مقابل یک مغازه ایستاده بودند، دستگیر شد. یک عاملی که سرانجام به تبرئه متهم انجامید عبارت از تقسیم قسمت، قسمت کردن شواهد اتهام بود، که بعضی آنها به عنوان استخبارات نظامی دسته بندی شده بودند. وقتی که متهم، که استخبارات نظامی او را بحیث یک محرک جرم میشناخت، برای بار اول بازداشت شد، اداره KFOR با هر دو یعنی با شخص متهم و یک همدست متهم مصاحبه نمود. هر دو آنها شواهدی را فراهم کردند (که دال بر موجودیت آنها در یک pizzeria بود). که بعداً به وسیله KFOR به حیث استخبارات نظامی دسته بندی شد و بدین ترتیب این معلومات به پولیس بین المللی دفتر ملل متحد UNMIK، خرنوال کوسوو که بعداً مقرر شد، فراهم نه شدند. تحقیقات بعدی متهم و رفیق او که به وسیله قاضی بین المللی و پولیس بین المللی UNMIK بعمل آمد، منتج به

ایجاد واحد های استخبارات جنایی جهت رسیده گی به جرایم جدی

طوری که در فصل چهارم تذکر یافت، یک کشور بعد از جنگ نیازمند آن خواهد بود تا یک واحد مرکزی استخبارات جنایی (CIU) را در چوکات نیروی پولیس ملی ایجاد نماید. وظیفه این واحد استخباراتی هماهنگی استخبارات جمع آوری شده، ذخیره، تحلیل و شریک ساختن آنها خواهد بود تا بحیث یک مخزن مرکزی برای معلومات استخباراتی عمل نموده و امور مربوط به معلومات مذکور را تنظیم نماید. ایجاد مراکز غیر مرکزی نیز میتواند برای حوزه

یاد داشت تفاهم MOU در زمینه شریک ساختن استخبارات ملکی نظامی کمک میکند

یک سیستم کارا و فعال شریک ساختن استخبارات نه تنها مربوط به موجودیت اعتماد متقابل میان پولیس و اردو میگردد بلکه همچنان به توافقنامه هایی که نشان دهد چه چیزی باید شریک ساخته شود، چطور شریک ساخته شده میتواند و تحت کدام شرایط، ارتباط میگردد. در کوسوو پولیس بین المللی دفتر ملل متحد UNMIK و واحد پولیس نظامی KFOR یک یاد داشت تفاهم (MOU) را طرح نمودند که به اساس آن هر کدام این ادارات باید کمک های لازم را در عرصه معلومات و تحقیقات به سایر ادارات از طریق جمع آوری، افشاً و تبادل استخبارات مربوط فراهم نماید تا در زمینه تبادل معلومات مربوط به امنیت و جرایم، تسهیلات فراهم گردد. دفتر ملل متحد UNMIK و KFOR هر کدام یک مرجع ارتباطی مسؤل تبادل معلومات را مقرر نمودند. وظیفه این مرجع همچنان این بود که معیین نماید کدام معلومات باید شریک ساخته شود. دفتر ملل متحد UNMIK و KFOR همچنان موافقه کرده اند تا معلوماتی را که از سایر مراجع بدست میاورند بطور محفوظ نگهداری کنند.

ایجاد یک واحد استخباراتی در کوسو

یافته‌های کوسو KOCB یک رابطه کاری مؤثری را با KFOR و CIU و همچنان با خارنولان بین المللی در بخش عدلی و قضایی UNMIK تأمین نمود. رابطه مذکور بنابر آمیزش اهداف دارای اولویت، منجر به توقیف‌های قابل تعقیب عدلی و همچنان مراقبت‌های مخفی و تخنیکی گردید. پرونده هدفگیری با ایجاد واحد معلومات و عملیات حساس (SIU)، به وسیله وزارت عدلیه آمریکا، مؤثرتر گردید. سرانجام SIU از معلومات نظامی و استخبارات پولیس که به وسیله KFOR و CIU و همچنان KOCB جهت هدف قرار دادن مرتکبین کلیدی جرایم جدی، شریک ساخته می‌شد، استفاده مینمود. بعد از آن تحقیقات پولیس و مراقبت‌های مخفی و تخنیکی را جهت گردآوری شواهد قابل قبول برای اجراءات قانونی محکمه، بکار میبرد.

باوصف سیستم عالی که به دقت در کوسو و ایجاد شده بود، دفتر ملل متحد UNMIK باز هم دریافت که تبدیل معلومات استخباراتی به شواهد به آسانی انجام نمی‌گردد. مساعی دفتر ملل متحد برای تعقیب دریافت معلومات استخباراتی با نظارت و مراقبت‌های مخفی و تخنیکی، معمولاً شواهد کافی بدست نمی‌داد تا یک دو سیئه مؤفقانه و قابل تعقیب عدلی ترتیب گردیده بتواند. تنها در سال 2005 بود که UNMIK اولین نفر را در جرم سازمان یافته مواد مخدر که بیشتر بر بنیاد نظارت‌های مخفی و مکالمات تلفونی استوار بود، محکوم نمود.

ادارات مختلف در کوسو با دقت تشکیل شدند تا خلای موجود میان دفتر ملل متحد UNMIK را با پولیس، خارنوال و محاکم آن و همچنان خلای موجود میان KFOR و واحد‌های استخباراتی نظامی آنرا از بین برده و تا بتواند معلومات استخباراتی را بشمول استخبارات حساس نظامی به شواهد قابل قبول برای محکمه مبدل نماید. طور مثال در اوایل سال 2000 یک واحد استخباراتی مرکزی CIU مربوط به پولیس بین المللی تشکیل و در مرکز اصلی KFOR مستقر گردید. مرکز مذکور مسؤلیت جمع‌آوری معلومات مربوط به جرایم سازمان یافته و استخبارات مربوط KFOR، اجرای تحلیل‌ها، کشف گرایش‌ها، و توصیه‌های استراتژی‌های هدفمند را به اداره پولیس داشت تا بدین ترتیب از منابع اندک پولیس به وجه احسن استفاده بعمل آمده بتواند. از اینکه این پرونده برای انکشاف در ساحه بطی بود، از آنرو تشکیل احتمالی دفتر مبارزه با جرایم سازمان یافته کوسو KOCB را که به نوبه خود به نهاد تحلیل و تحقیق جرایم سازمان یافته پولیس مبدل گردید، سرعت بخشید. دفتر جرایم سازمان یافته کوسو معلومات استخباراتی را از CIU و سایر واحد‌های پولیس بین المللی UNMIK دریافت مینمود. دفتر جرایم سازمان یافته کوسو KOCB نیز همچنان گرداننده امور تخنیکی، مراقبت مخفی و همچنان تنظیم کننده امور مربوط به اجنت‌های مخفی و خبر رسانی برای تمام پولیس بین المللی UNMIK، مؤظف شده بود. در اواسط سال 2002 دفتر جدید و تشکیل جرایم سازمان

های مختلف مورد غور قرار گیرند. علاوه از این در بعضی عملیات صلح، سازمان‌های بین المللی و نیروهای نظامی میتوانند ساختارهایی را جهت شریک ساختن و هماهنگ ساختن استخبارات ایجاد کنند. طوریکه در چوکات فوق مورد بحث قرار گرفت، دفتر ملل متحد در کوسو UNMIK یک واحد مرکزی استخباراتی CIU را ایجاد نمود، که کارمندان آن از جمله پولیس بین المللی و کارمندان مستقر در قرارگاه مرکزی KFOR اكمال گردید. واحد مذکور با قوماندان پولیس دفتر ملل متحد و دفتر مربوط به مبارزه علیه جرایم سازمان یافته کوسو وصل گردید. در بوسنیا و هرزگوینا دفتر نماینده عالی، یک واحد مشابه را که بوسیله پرسونل بین المللی فعالیت میکرد، ایجاد نمود.

ایجاد یک واحد خاص استخبارات جنایی در سیستم ملی، برعلاوه تعیین طرز العمل‌های معیاری عملیات که مسایل متعدد بشمول پالیسی‌ها برای جلوگیری از دسترسی غیر مجاز به معلومات یا افشاً نمودن آن، نام و شفر کنترل‌های هویت و امور مربوط به مراقبت را تنظیم نماید، مقتضی وضع نمودن قوانینی نیز میباشد تا شرایط کار و صلاحیت واحد مذکور را معین سازد.

در نظر داشت ماهیت بسیار خاص و تخنیکی جمع آوری و تحلیل اطلاعات استخباراتی، پرسونل مربوط باید یک پروسه ارزیابی دقیق را سپری و کاملاً آموزش دیده باشد. وجوه مالی اضافی جهت فراهم ساختن منابع ضروری برای دفتر از قلم و کاغذ گرفته تا تجهیزات جمع آوری استخبارات، وسایط نقلیه، کمپیوترها و کارشناسان کمپیوتر نیز باید فراهم گردد. یونت مذکور همچنان به پالیسی ها و طرزالعمل ها جهت تأمین همکاری های متقابل، ارتباطات و هماهنگی با سایر ادارات مربوط به سیستم عدالت جنایی نیاز دارد.

ستراتیژی های تعیین اهداف

"تعیین اهداف" به پروسه اطلاق میگردد که از طریق آن شاخه های پولیس و خارتوالی نظام عدلی-جنایی اهداف بالقوه را برای بازجویی یا تعقیب عدلی، معیین میسازند. اهداف مذکور میتواند افراد معیین، سازمان های جنایتکار یا فعالیت های جنایی باشند. عواملی چون: اثرات بی ثبات کننده اهداف، یا خطری را که متوجه مردم میسازند و همچنان میسر بودن منابع و نتایج مطلوب، اکثراً چگونگی انتخاب اهداف را معیین میسازند. وقتی یک هدف تشخیص گردید، بعد از آن یک ستراتیژی تاکتیکی طرح میگردد. ستراتیژی های تعیین اهداف به اساس معلومات استخباراتی جنایی شکل میگیرند. طور مثال، معلومات استخباراتی جنایی ستراتیژیک یک تصویری را برای پولیس راجع به گرایش و اشکال جرایم و همچنان راجع به اینکه به کدام جرایم از رهگذر عکس العمل های ستراتیژیک باید اولویت داده شود، ارایه میکند، استخبارات جنایی عملیاتی میتواند درباره اینکه کدام متهمین باید مورد پیگرد قرار گیرند معلومات لازم را به پولیس و ستراتیژی ها مربوط به تعقیب عدلی، فراهم می نماید. این معلومات همچنان میتواند در زمینه تشخیص آن اهدافی برای مراقبت های مخفی و عملیات سری کمک کند که میتوانند به کشف شواهد قابل قبول در محکمه یا حداقل به کشف شواهدی منجر گردد که پروسه تعقیب عدلی و قضاوت را سرعت بخشد. در یک کشور بعد از جنگ، با در نظر داشت شرایط، استخبارات نظامی از نیرو های بین المللی، همچنان میتواند به پولیس و خارتوالان در زمینه طرح ستراتیژی های مربوط به تعیین اهداف کمک کند.

تمام ستراتیژی های تعیین اهداف، مقتضی گزینه های از قبیل اینکه چطور میتوان منابع موجود را به بهترین وجه تخصیص داد و یا اینکه آیا روی نوع خاص جرایم یا شبکه های خاص جنایی تمرکز گردد یا نه، میباشد. در اوضاع و احوال بعد از جنگ و ستیزه، یک مسئله دیگر نیز اکثراً مطرح میشود، و آن اینکه آیا نگرانی ها و هراس های سیاسی آنی مبنی بر ایجاد ناآرامی های اجتماعی باید نسبت به کار تعقیب عدلی مجرمین جرایم معیین جدی، مهمتر تلقی شود یا نه. این یک موضوع بسیار حساس شمرده میشود که اکثراً به آن پرداخته نشده است. ملاحظات سیاسی میتواند در اوضاع و احوال مختلف بروز نماید. بطور مثال:

- توقیف کسی که از نظر سیاسی نیرومند یا کسی که از جانب بعضی لایه های اجتماع قهرمان جنگ یا مقاومت پنداشته میشود، میتواند تظاهرات اعتراضیه و نارضایتی مردم و یا هم احتمالاً حتی آشوب و خشونت جدی را تحریک نماید. توقیف مذکور میتواند بحیث یک نقطه صف آرای برای افراطیون سیاسی که میخواهند ترس و ارباب، نارضایتی و اضطراب را دامن زنند، مبدل گردد. در این صورت ولو اگر ناآرامی مردم واقع نگردد، تشویشی که پیدا میشود ممکن است به تصمیمی منجر گردد که شخص توقیف شده مورد پیگرد عدلی قرار نگیرد.

- بحیث یک بخشی از موافقتنامه صلح، ممکن است بر بنیاد یک معامله سیاسی یکی از رهبرانی که در فعالیت های جنایی ذیدخل بود یا هنوز هم در آن ذیدخل میباشد، بطور عمدی شامل دولت گردد. چنین یک معامله ممکن است از ابهام خالی نباشد.
- یک رهبر ممکن است دولت یا جامعه بین المللی را به یک خطر ضمنی تهدید کند و آن اینکه اگر او توقیف یا مورد تعقیب عدلی قرار گرفته و یا هم محکوم شود، ناآرامی به وقوع خواهد پیوست.
- وضعیت امنیتی ممکن است چنان شکننده باشد که مرتکبین جرایم جدی که روابط خوب سیاسی دارند، میتوانند جنگ را مشتعل سازند. حتی اگر وضعیت آنقدر بی ثبات نباشد، ترسی که از این رهگذر به وجود می آید میتواند اتخاذ یک تصمیم سیاسی را مبنی بر منصرف شدن از یک توقیف یا تعقیب عدلی تسریع نماید.
- مساعی جهت توقیف یا تعقیب عدلی افراد معیین ممکن است بحیث شواهد از تبعیض علیه یک گروه خاص قومی یا مذهبی یا بحیث یک کوششی در جهت بیشتر شدن سهم منافع یک یا چند گروه سیاسی تلقی گردد.
- تعقیب قضایای جنایی علیه افراد معیین میتواند اهداف نظامی یا استخباراتی را زیر سوال قرار دهد.

اینکه این ملاحظات سیاسی اگر لازم باشد در نظر گرفته شوند، تا کدام سرحد باید در نظر گرفته شوند، یک مسئله قابل بحث شمرده میشود. بعضی ناظرین استدلال میکنند که ملاحظات سیاسی نباید در محاسبات قانونی و حقوقی بحث یک عامل تلقی شوند. و از آنرو آنانی که مرتکب جرم میشوند، صرف نظر از اینکه آنها کی هستند و پیامد های کوتاه مدت تعقیب عدلی آنها چه خواهد بود، بایست مسؤل شناخته شوند. ناظرین مذکور همچنان استدلال میکنند که در صورتی که غیر از این طوری دیگری عمل شود، در این صورت اصول بنیادی حاکمیت قانون زیر پا شده، سایر مساعی را جهت تأمین ثبات بعد از مرحله جنگ و کشمکش به تحلیل برده و پذیرفتن فرهنگ معافیت را متبازل خواهد شد. عده دیگری به این نظر اند که باید به ملاحظات سیاسی نسبت به بازجویی، توقیف و تعقیب عدلی برتری داده شود، زیرا مساعی مربوط به مبارزه علیه جرایم جدی خود قبل از همه بخشی از یک ستراتیژی سیاسی شمرده میشود که هدف آن حفظ ثبات است و یک جامعه بعد از جنگ در مقابل نزاع احتمالی چنین یک تعقیب عدلی بی تاب نخواهد آورد. با اینهم عده دیگری با این نظریه مخالفت میکنند و عقیده دارند که هر تصمیمی که در باره آن یا نی یک مسئله اتخاذ میگردد باید بر بنیاد شرایط موجود اتخاذ گردد. از این لحاظ ضرورت تأمین و حفظ ثبات در یک محیط بعد از جنگ ایجاب مینماید تا یک توازن محتاطانه منافع در نظر گرفته شود. طرفداران این نظریه از ارزیابی اول الذکر یعنی در نظر گرفتن شرایط موجود و پیامد های احتمالی اتخاذ اقدامات یا عدم اتخاذ آن و بعد از آن تصمیم در باره اینکه تأخیر در اقدام برای امر تأمین یک محیط امن و بر بنیاد حاکمیت قانون، مضر یا مفید خواهد بود، پشتیبانی میکنند. وضعیت گذشته پیامد های کنترل سیاسی بر پولیس و خائوالی نیز باید در نظر گرفته شوند.

کمپاین های آگاهی عامه

درک عمومی و حمایت یا حد اقل پذیرفتن هر ستراتیژی مربوط به جرایم جدی، در یک کشور بعد از جنگ و ستیزه حایز اهمیت زیاد است. جهت دریافت چنین حمایتی لازم است تا پروگرام های تماس و مشوره نزدیک با مردم و همچنان کمپاین های آگاهی عامه یا به اصطلاح نظامی، " عملیات معلوماتی " راه اندازی شوند. از نقطه نظر این بخش کتاب، اصطلاح "کمپاین های آگاهی عامه" طوری بکار خواهد رفت که هر دو یعنی معلومات عامه-ملکی و نظامی، آگاهی و مساعی در جهت رسایی به مردم را در برگیرد. از اینکه کمپاین های آگاهی عامه به وسیله مقامات نظامی یا ملکی صورت گیرد، کمپاین های مذکور باید دارای چهار هدف باشند: تا مردم بدانند که جهت مبارزه با جرایم جدی چه کار های صورت میگیرد؛ جهت تنظیم معلومات راجع به توقیف یا عملیات؛ جهت کسب مشروعیت از مردم برای مبارزه با جرایم جدی؛ و بلاخره یکجا کردن و انباشت حمایت مردم محلی.

اولین و مهم ترین هدف کمپاین های آگاهی عامه باید این باشد که مردم از ستراتیژی ها و طرز برخورد هایی که در رابطه به مبارزه علیه جرایم جدی و پولیس بکار گرفته میشوند، آگاه باشند. هرگونه تعدیلی که در چهار چوب حقوقی طرح شده برای جلوگیری از فعالیت های جنایی جدی صورت میگیرد (تعدیلات عمومی یا از نوع خاص)، باید بصورت درست به آگاهی عامه رسانیده شود. در این ضمن باید آن تأکیدی نیز بازتاب داده شود که در اقدامات مورد نظر به نفع جمعیت های محلی در نظر گرفته شده اند. در صورتیکه اقدامات جدید (چون: مراقبت های مخفی، استفاده از شاهدان همکار یا تشکیل نهاد های استخباراتی جنایی) با اقدامات رژیم استبدادی سابق رابطه پیدا میکند، این امر مهم است تا مردم راجع به اندازه و ماهیت این اقدامات و اینکه فعالیت آنها چگونه از رژیم گذشته متفاوت خواهد بود، آگاهی کامل دریافت کنند. این هم لازم است تا توضیح گردد که چطور از حقوق آنهايي که در معرض اجرای این اقدامات جدید قرار میگیرند، حراست و حمایت میشود. اشتباه در زمینه اتخاذ این اقدامات منجر به سؤ تفاهم عامه در رابطه به قوانین جدید شده و نا آرامی را مشتعل خواهد نمود. ارتقای سطح "سواد حقوقی" تا مردم از حقوق خویش تحت قوانین آگاهی حاصل نموده و تحقق آن را ادعا کنند، میتواند به تقلیل موارد سؤ رفتار پولیس منتج گردد.

هدف ثانی بی یک کمپاین های آگاهی عامه باید "تنظیم" معلومات راجع به توقیف های آشکارا یا عملیات مربوط به جرایم جدی باشد. معلومات نا درست در این باره و سؤ تفاهم در باره

چنین توقیف ها میتواند به نارضایتی های گسترده بی منجر گردد که میتواند به خشونت یا نجامد. این چنین وضعیت، خاصاً میتواند در یک وضعیت شکننده بعد از جنگ و ستیزه بروز نماید، جایی که هنوز تقسیم گروه ها به اساس قومی و غیره هنوز در هسته کشمکش قرار داشته یا جایی که جرایم جدی بشمول حملات انتقام جویانه، کشتار ها را که با انگیزه های قومی یا سیاسی، تحریک میکنند، جنبه مشروع

فقدان آگاهی عامه منتج به آشوب میگرد

در کوسو، تخفیف در مسایل مربوط به مالیات باعث بروز آشوب های گوناگون گردید. دفتر ملل متحد UNMIK فاقد توانایی بود تا یک ماده مالیات بر فروشات را اجرا نماید و از آنرو در عوض آن مالیات بر فروشات را از اموال توريد شده به قلمرو کوسو، جمع آوری میکرد. در باره تصمیم مذکور معلومات اندکی برای مردم عامه فراهم ساخته شده بود. در جمعیت صرب های کوسو این نوع مالیات به عنوان مالیات بر واردات و بناءً بحیث نخستین قدم در راه اعلام یک دولت مستقل کوسو تلقی شد. از این رهگذر اگر یک کمپاین آگاهی عامه قبل از آغاز پروگرام جمع آوری مالیات مذکور صورت می گرفت، ممکن بسیاری از سؤ تفاهمات و مشکلات حل و از وقوع آن جلوگیری میشد.

آگاهی عامه ناکافی در باره گزینه‌های محافظت شاهدان

مقرره شماره 20/2001 تعدادی از تدابیر محافظت شاهدان را بشمول محافظت جلسات اجراءات قضایی محاکم، استفاده از نامهای مستعار، دور کردن موقت شخص متهم از محکمه و تشکیل یک واحد محافظت شاهدان را پیشبینی میکند. اگرچه ارتقای سطح اعتماد عامه در اینگونه پروگرام‌ها هنوز برای نظام عدالت جنایی کوسو و بحیث یک موضوع چالشی باقی مانده است. این امر به نقش مهمی تأکید میکند که کمپاین‌های آگاهی عامه در فراهم ساختن معلومات واضح و مؤثّق در باره تدابیر موجود محافظت آئنده شاهدانی که واجد شرایط محافظت شمرده شوند، بازی نموده میتواند.

پارتیزانی بخود بگیرد. توقیف تعدادی از یک گروه قومی یا سایر گروه‌ها که به ارتکاب جرایم جدید متهم اند میتوانند از جانب سایر اعضای گروه به نظر نامناسب دیده شوند. جهت اتخاذ اقدامات متقابل در برابر هرگونه نا سازگاری در جامعه، باید دلایلی که در عقب هر توقیف، یا محکومیت وجود داشته باشد، هرچه زودتر برملا ساخته شود. این اقدام کمک خواهد نمود تا با هرگونه معلومات نادرستی که به وسیله رسانه‌های جمعی یا وابسته گان افراد مطرح ارایه گردیده، مقابله

شود. مسلماً باید احتیاط کامل به خرج داده شود تا معیار احتمالی بی‌گناهی نقض نگردیده و اطمینان حاصل گردد که کمپاین‌های آگاهی عامه به عوض راه اندازی یک محاکمه به وسیله رسانه‌ها، روی فراهم نمودن معلومات مؤثّق متمرکز میباید. ضوابط اخلاقی باید وجود داشته باشد تا رهنمودهای را در این زمینه فراهم سازد که خائونالان و کلای مدافع کدام معلومات را در یک قضیه جنایی برای مردم افشا ساخته میتوانند. این تدبیر احتیاطی بنا بر شماری از دلایل و از جمله خود داری از غرض ورزی ذهنی در یک تصمیم قضایی، بی‌اعتنایی به محکمه یا نظام عدلی جنایی یا تحریک عکس العمل‌های منفی عامه، مهم تلقی میگردد.

هدف سوم آگاهی عامه و کمپاین‌های تماس‌های مستقیم با مردم بایست آن باشد تا سطح گسترده‌اش و مشروعیت از میان جمعیت‌های مردم برای مبارزه علیه جرایم جدی حاصل گردد. ممکن است سالها را دربرگیرد تا سیستم عدالت جنایی و پولیس در جامعه بعد از جنگ و کشمکش بتوانند مشروعیت لازم را در اذهان عامه مردم کسب کنند، مخصوصاً در صورتی که آنها مرتکبین عمده تخطی‌ها از حقوق بشری در گذشته بوده باشند. اگرچه ایجاد اعتماد در نظام عدلی جنایی یک معامله طویل‌المدت شمرده میشود، ولی بعضی مسایل ساده، مثلاً آشکار ساختن دلایل اجرای یک توقیف یا توضیح اینکه چرا جرایم جدی صلح و امنیت را به خطر مواجه میسازد، در زمینه کسب مشروعیت به ابتکارات مبارزه علیه جرایم از مردم کمک شایان توجه خواهد نمود. علاوه از این کمپاین‌های آگاهی عامه میتوانند در زمینه رسانیدن هردو، یعنی، ثقلت جرایم جدی برای یک توده از مردمی که ممکن است تأثیرات معکوس آنرا بالای مساعی مربوط به بازسازی نه پسندن، و همچنان پیشرفتی که در زمینه مبارزه با جرایم مذکور بعمل آمده، پیشرفتی که به سمت مخالف سوق گردد و هنوز به وسیله مردم شناخته نه شده، کمک نماید.

هدف چهارم آگاهی عامه و کمپاین‌های تماس مستقیم با مردم باید جلب حمایت فعال و سهمگیری مردم محلی باشد. یکی از بزرگترین مشکلاتی که در برابر تعقیب عدلی موفقانه جرایم جدی در جوامع بعد از جنگ وجود دارد، عبارت از بی‌میلی و عدم علاقه شاهدان است که بنا بر ارباب و ترس از انتقام نمی‌خواهند در محاکمه افرادی که به جرایم جدی متهم اند، شهادت دهند. ایجاد و نشر پروگرام‌های چون تلفون عاجل و مستقیم، بی‌نام و هویت، که بیست و چهار ساعت فعال باشد، صندوق‌های شکایات بی‌نام و اعطای انعام، میتواند به پولیس در زمینه فایق آمدن به این بی‌میلی کمک نماید. به همین ترتیب ممکن است شاهدان با شنیدن تغییرات در چهار چوب

حقوقی چون ایجاد پروگرام های محافظت شاهدان و تبدیل محل زیست آنها تشویق شوند تا یک قدم به پیش بردارند و در محکمه شهادی بدهند. مزید بر این وقتی یک سیستم کاملاً عاری از معافیت معرفی گردد (طوریکه در فصل سوم جزئیات آن توضیح شد) به مردم باید در مورد دلایل و مزایایی که در عقب این گونه اقدامات وجود دارد گفته شود.

تمام کمپاین های آگاهی عامه باید با دقت طرح شده و به وسیله یک آفیسر مربوط به آگاهی عامه و یا کدام کارشناس مناسب دیگر پیشبرده شود. در صورتیکه سازمان های بین المللی و منطقوی در یک کشور بعد از جنگ در نقش های رسانیدن کمک یا نقش های اجرایی دخیل میشوند، آنها باید اطمینان داشته باشند که آگاهی عامه به یک جنبه عمده مأموریت آنها مبدل میگردد. حین طرح اندیشه و پلان گذاری یک کمپاین آگاهی عامه، این امر مهم است تا به پرسش های ذیل جواب پیدا شود: چه پیامی در نظر است که رسانیده شود؟، به کی رسانیده میشود؟ پیام مذکور چگونه باید به مردم رسانیده شود؟

هنگام رسانیدن این پیام ها باید همیشه محتاط بود. بسیاری وظایف مربوط به جرایم جدی پولیس از رهگذر فزیکتی خطرناک، از نظر سیاسی حساس میباشد، و از این لحاظ ممکن جهت بحث عامه مناسب نباشند. حین مطلع نمودن مردم از انکشافات مهم، کمپاین های آگاهی عامه نباید تحقیقات جاری را مختل نماید. اینکه پیغام مورد نظر به کجا رسانیده میشود، همچنان بر نحوه رسانیدن پیغام مذکور اثر میگذارد. در صورتیکه اکثریت مردم محلی بی سواد باشند، در این صورت کمپاین های کتبی به معنی ضیاع منابع خواهد بود، در این گونه شرایط پیغام ها باید از طریق رادیو، تیاترها، اتن یا مجالس و جرگه های عامه، به مردم رسانیده شود. این امر نیز لازم شمرده میشود تا در رسانیدن هر گونه پیغام ها و به هر نحوی که قرار باشد به مردم رسانیده شوند، حمایت رهبران محلی، بزرگان یا نماینده گان برجسته جامعه مدنی در این رابطه جلب گردد. در رابطه با اینکه پیام های مورد نظر در کجا رسانیده شود، این امر حایز اهمیت است تا باخطر داشته باشم که ابتکارات مربوط به جرایم جدی باید در مراکز تجمع مردم در خارج از پایتخت پخش و نشر شده، به مردم رسانیده شوند. اینکه پیام مورد نظر چگونه رسانیده میشود نه تنها به نحوه فزیکتی رسانیدن (مثلاً از طریق کمپاین های تحریری، کمپاین های رادیویی یا مجالس و گردهم آبی های عامه) مربوط میگردد، بلکه همچنان به نحوه و محتوای پیام نیز بستگی دارد. هر گونه

گنجاندن یک کمپاین آگاهی عامه در ستراتیژی مبارزه علیه مواد مخدر در افغانستان

کتاب ها کمیدی، تخته های اعلانات، رسالات، چسپ ها، پوسترها، شعارها، اعلانات ترانزیتی و جنتری ها ظاهر میشوند. در اواخر سال 2005 و اوایل سال 2006، حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان این پیام را در بیانیه های متعدد عامه که بر ضد کشت کوکنار ایراد گردیده بود و همچنان ضمن یک سلسله جلساتی که با رهبران سیاسی و قبیلوی داخلی داشت، جهت جلب حمایت مردم از مساعی ضد مواد مخدر، بر جسته ساخت.

با درک اهمیت معلومات عامه در زمینه تقلیل کشت کوکنار و استعمال مواد مخدر، افغانستان یک کمپاین معلوماتی را راه اندازی نموده که روی اهمیت تأمین حاکمیت قانون، غیرقانونی بودن کشت تریاک و زبانی را که تریاک به حیثیت بین المللی افغانستان وارد مینماید و همچنان روی فراهم ساختن راه های معیشت بدیل برای دهاقین، تأکید مینماید. پیام های ضد مواد مخدر از طریق انواع مختلف رسانه ها، نه تنها رادیو و تلویزیون، بلکه همچنان از طریق

اشتباه در برطرف نمودن معلومات نا درست به تحریک آشوب کمک میکند

در ماه جنوری سال 2002 پولیس بین المللی دفتر ملل متحد UNMIK، سه نفر عضو اسبق اردوی آزادی بخش کوسوو را که تعدادی زیادی از البانیایی های کوسوو آنها را به دیده قهرمان مینگریستند ولی از جانب دفتر ملل متحد UNMIK آنها شدیداً به ارتکاب جرایم جنگی متهم بودند، توقیف نمود. حامیان سه نفر مذکور از احساسات سیاسی در منطقه بهره برداری نموده و در مطبوعات ادعا نمودند که توقیف مذکور به اشاره بلگراد صورت گرفته است، زیرا چنین پنداشته میشود که مردان مذکور، صرب های کوسوو را کشته اند. در حقیقت سه نفر دستگیر شده به ارتکاب قتل سایر البانیایی تباران کوسوو مورد بازجویی و تحقیق قرار میگرفتند. اتهامات مذکور باعث بروز بیدرنگ آشوب گردید که استقرار واحد های پولیس خاص را جهت فرونشاندن نا آرامی مطالبه مینمود. این واقعه اهمیت راه اندازی کمپاین های شفاف و متقاعد کننده عامه را جهت برطرف ساختن شایعات و معلومات نا درست و تعویض آن با معلومات مؤثق و قابل اعتماد، بیان میکند.

کمپاین های مربوط به آگاهی عامه که از جانب فراهم کننده گان کمک های خارجی راه اندازی میشوند باید مسایل مربوط به کلتور، رسم و رواج و تاریخ مردم محل و همچنان اینکه با محتوای پیام چگونه برخورد خواهند نمود، نحوه رسانیدن و دریافت کننده گان پیام، در نظر گرفته شوند.

نقش نیرو های نظامی بین المللی در مبارزه علیه جرایم جدی

در یک جامعه بعد از جنگ، نهادهای پولیس ملکی داخلی یا بین المللی (در صورت موجودیت صلاحیت اجرایی) باید مسؤلیت

تمام مسایل مربوط به حفظ نظم و قانون بشمول رسیده گی به مسایل مربوط به جرایم جدی را بدوش داشته باشند. تجارب گذشته نشان داده که در مراحل نخست دخالت بین المللی در یک وضعیت بعد از جنگ و کشمکش، چنان به نظر نمی رسد که پولیس داخلی یا بین المللی بتواند، با قضایای مربوط به جرایم جدی بصورت مؤثر برخورد نمایند. در بعضی جا ها مثلاً در هنگام عملیات صلح در سومالیا، کانگو (در هنگام مأموریت نخست ملل متحد در سالهای 1960)، پایوا غربی (Western Papua) و هایتی، اصلاً یک نیروی فعال پولیس وجود نمی داشته باشد. در جا های دیگر، اگر یک نیروی پولیس موجود هم باشد، ممکن است برای مبارزه با جرایم جدی مجهز نه شده باشد. علاوه از این، بسیاری کشورهای بعد از جنگ و ستیزه، ممکن است با فقدان یک ویا (اکثراً) به فقدان چندین منبع لازم برای مبارزه با جرایم جدی مواجه باشند. مثلاً نبود یک نظام قضایی با اعتبار یا محاکم فعال و تأسیسات توقیف که بتواند با معیار های بین المللی مطابقت داشته باشد، در این زمینه قابل یاد آوری میباشد.

با درک این مطالب که نیرو های نظامی بین المللی، نیرو های پولیس نیستند، ولی در مراحل ابتدای مساعی بین المللی جهت تأمین ثبات و صلح پایدار در کشور بعد از جنگ، چنین نیرو ها ممکن یگانه نیرو هایی باشند که قابلیت مبارزه با جرایم جدی و حد اقل اجرای بعضی جنبه های وظیفه، حفظ نظم و قانون را بطور روز مره داشته باشد. در بعضی موارد، ممکن است این امر یک بخشی از وظایف آنها شمرده شود تا این کار ها را انجام دهند، مخصوصاً وقتی وظایف آنها امر تأمین امنیت یا مصؤنیت مردم را در بر گیرد. در مراحل اول مأموریت در کوسوو، مثلاً در عدم موجودیت نیرو های پولیس ملی و بین المللی، نیرو های نظامی مؤظف شدند تا با خشونت های قومی در شکل قتل، اختطاف، چپاول و حریق های عمدی، مقابله کنند. این نیرو ها بر بنیاد بند

های 9 (ج) و 9 (د) فیصله نامه شماره 1244 شورای امنیت ملل متحد توظیف شدند تا به چنین خشونت ها رسیده گی کنند. قطعنامه مذکور به نیرو های بین المللی امنیتی صلاحیت میداد تا چنان "محیط مصؤنی را تأمین کند که امکانات برگشت مصؤن مهاجرین و بیجا شده گان داخلی را به خانه های شان فراهم نموده"، نظم و مصؤنیت عامه را "تا هنگامی تأمین کنند که نهاد های ملکی بین المللی بتوانند این مصؤلیت را بدوش بگیرند."

توانایی نیرو های نظامی بین المللی برای اجرای چنین وظایف از رهگذر هر دو یعنی از لحاظ چهار چوب وظایف آنها و همچنان از لحاظ منابع و محدودیت های سیاسی که از جانب اداره رهبری کننده عملیات صلح مثلاً ملل متحد یا اتحادیه آفریقا یا ناتو وضع میگردد، محدود میباشد. علاوه از این کشور هایی که نیرو های نظامی شان در مأوریت مورد نظر سهیم اند، توانایی آنرا دارند تا هر زمانی که بخواهند، محدودیت های را بر حدود و اندازه ذیدخل بودن خود در مأوریت مذکور، وارد سازند. این امر میتواند اندازه فعالیت قوماندان نظامی را در برخورد با موارد مربوط به جرایم جدی بطور قابل توجه متأثر سازد. بطور مثال، نیرو های یک کشور میتواند قابلیت توقیف مرتکبین جرایم جدی را داشته باشد، ولی نیرو های کشور دیگر ممکن از رهگذر امکانات قانونی، اقتصادی و سیاسی در این زمینه محدودیت ها داشته باشد.

یک وظیفه دیگر مربوط به تأمین حاکمیت قانون که نیرو های نظامی بین المللی در عملیات های گذشته صلح در آن زمینه نقش داشته اند، عبارت از ایجاد و اداره مراکز توقیف است. در مورد کوسوو، این ولایت به پنج سکتور تقسیم شده بود، هر بخش به وسیله نیرو های نظامی یک کشور مختلف اداره میشد. بعضی کشور هایی که در چهار چوب سازمان ناتو، KFOR فعالیت میکردند، از این امر ابا و ورزیدند تا بازداشت شده گان را در توقیف نگهدارند، یا برای خود تأسیسات توقیف ایجاد کنند. آن کشور های که در سکتور های مربوط شان مراکز توقیف را ایجاد نموده بودند، با اینکه آنها بحیث بخشی از KFOR فعالیت میکردند، پیشبرد امور مربوط به توقیف ها را نیز از رهگذر قانونی، مالی و سیاسی بدوش داشتند. در تیمور شرقی، حضور امنیتی تحت رهبری نیرو های استرالیا INTERFET یک مرکز توقیف را ایجاد و امور مربوط آنرا پیش میبرد. نیرو های مذکور، طرز العمل هایی را جهت تجدید مقررات توقیف وضع نموده و متهمین را تا زمانی در توقیف نگهداشتند که مقامات ملکی یعنی اداره انتقالی ملل متحد در تیمور شرقی (UNTAET) مصؤلیت حفظ نظم و قانون را در کشور بدست گرفت.

در عملیات صلح، جاییکه نیرو های نظامی در وظایف مربوط به حفظ نظم و قانون ذیدخل باشند، این امر یک عملکرد معیاری محسوب میگردد که باز داشت ها صرف در موارد خاص که "جرایم جدی" تلقی شوند، صورت میگیرد. از آنرو محدودیت منابع یا چهار چوب وظایف یا اولویت بندی مسایل مربوط، ممکن است باعث آن گردد که به بعضی موارد جرایم جدی پرداخته شود و به بعضی دیگر رسیده گی صورت نه گیرد. علاوه از نگرانی محدودیت منابع، بعضی انواع جرایم ممکن بخاطر آن مورد رسیده گی قرار نگیرند که ممکن یک وضعیت از قبل متشنج شده را شعله ور نسازد. یک نوع اولویت بندی مسایل مربوط نیز باید در نظر گرفته شود. در بوسنیا، وظیفه توقیف مجرمین جنگی در جریان شش ماه اول بعد از موافقتنامه دایتون که منجر به ختم جنگ شد در صدر مسایل مطرح در اجندأ نیروی اجرایی ناتو (IFOR) قرار نداشت. نیروی حفظ ثبات (SFOR) که به دنبال IFOR روی کار شد، در زمینه گرفتاری مظنونین جرایم جنگی زیاد علاقمندی نشان داد. اگر چه این وظیفه چند سال قبل از SFOR در اولویت قرار داشت، با پیشرفت عملیات صلح، این امر واضح شد که ثبات در بوسنیا و هرزگوینا و همچنان در سایر کشور های حوزه بالکان به آن مربوط است تا مجرمین جرایم جنگی مسؤل شناخته شوند. بنا این هم روشن شد که SFOR باید مجرمین مظنون جنگی را توقیف کند.

موجودیت مقررات برای دخالت بسیار مهم اند

میکنند. حکم اجرایی مذکور طرز العمل های توقیف نمودن افراد و مسایل مربوط به قانونی بودن توقیف آنها را معین میسازد. حکم نافذ شده بعدی که بنام حکم مراکز توقیف اجباری Order for Force Detention Centers یاد میگردد، مسایل اداری مربوط به مراکز توقیف را تنظیم و حقوق مختلف توقیف شده گان (حق ملاقات، غذا، سپورت، نظافت، تداوی طبی، اجرای مناسک دینی و غیره) و همچنان اینکه این حقوق چطور به اجرا گذاشته شود را معین میسازد.

در سومالیا، UNITAF (گروه کاری متحد تحت رهبری امریکا) از طریق مقررات مربوط به ROE صلاحیت یافت تا مردمان ملکی را که مرتکب جرایم میشوند و همچنان آتانی را که در جاده ها اسلحه حمل میکنند، بازداشت و به مقامات داخلی بسپارد. گروه کاری UNITAF با استفاده از این صلاحیت توانست در تقویت روند صلح و تأمین نظم در کشور، اقلاد در ابتدای فعالیت خود تا اندازهء نقش مهمی را ایفا کند. مقررات ROE مطابق قانون سال 1962 سومالیا طرح و ترتیب کننده کنندگان مسودهء آن با کارشناسان حقوقی داخلی از نزدیک کار کردند تا مقررات نظامی را با قوانین سومالیا متمم سازند.

ضرورت مقررات خوب تنظیم شده برای توظیف واحد های نظامی جهت اجرای وظایف مربوط به تنفیذ قانون (ROE)، نمی تواند اغرق آمیز باشد. موجودیت چنین مقررات برای موفقیت عملیات صلح ضروری پنداشته میشود. بطور مثال، مقررات ROE زیادی در هردو یعنی در تیمور شرقی و همچنان در ابتدای دخالت نظامی بین المللی در سال 1992 تا 95 در سومالیا، طرح شدند.

در تیمور شرقی در عدم موجودیت یک نظام مدنی عدالت جنایی تا به مسایل مربوط به جرایم جدی که در پی ختم جنگ ارتکاب میافتند، بپردازد، قوماندان نیرو های چند ملیتی INTEFERT (که تحت قطعنامهء شماره 1264 شورای امنیت ملل متحد تشکیل گردیده بود) پالیسی مؤقت مربوط به توقیفیان و خلع سلاح COMINTERFET را نافذ ساخت پالیسی INTEFERT به قوماندانی نیرو های چند ملیتی صلاحیت میداد تا افرادی را که به ارتکاب کدام "جرم جدی" دست زده، تحت مواد پالیسی مربوط بازداشت، خلع سلاح و توقیف نماید. یک حکم مربوط به توقیفیان، رسیده گی به امور مربوط توقیفیان در تیمور شرقی و همچنان تشکیل یک واحد تنظیم امور مربوط به توقیف را پیشبینی

از نیرو های نظامی بین المللی اکثراً مطالبه میگردد تا وظایفی را در رابطه به حفظ نظم و قانون، مخصوصاً در جایی به عهده گیرند که چهار چوب وظایف نیرو های مذکور (مثلاً در کوسوو) ایجاب دخالت در امر تأمین امن و نظم عامه را میدهد. حقیقت عینی اینست که فراهم نمودن یک حضور مسلح با قابلیت عملیات نظامی، ممکن به ذات خود در امر جلوگیری از جرایم جدی و ایجاد یک احساس عمومی امنیت در کشور ممد واقع گردد. این احساس مثبت میتواند به وسیله نیرو های نظامی بین المللی که توانایی ایجاد پوسته های امنیتی، تلاشی و ساینط نقلیه و همچنان افراد را برای موجودیت اسلحه و مهمات دارد، تقویت گردد. نیرو های مذکور میتوانند در این راستا در زمینهء مبارزه با جرایم جدی بی که به وقوع میپیوندد، نیز کمک کنند. طور مثال، در بوسنیا، IFOR فعالانه در تلاش آن بود تا مصونیت سیر و حرکت را طوریکه در موافقتنامه صلح دایتون معین گردیده بود، با متوقف ساختن گروه های جنگی سابقه برای ساختن پوسته ها که معمولاً جهت ایجاد ترس و ارعاب و همچنان مساعد ساختن زمینه ها برای اخاذی و اختطاف ساخته میشدند، تأمین نماید. در صورتیکه از نیرو های نظامی بین المللی خواسته شود تا چنان وظایف را پیش ببرند که آنها برای آن قواعد ذیدخل شدن ROE را داشته باشند. مقررات مذکور حدود صلاحیت و شرایط که این نیرو ها در آن عمل کنند را معین میسازد.

برعلاوه انجام این چنین وظایف، نیروهای نظامی بین‌المللی ممکن توانایی آنرا داشته باشند تا از آنها مطالبه گردد که در مبارزه علیه جرایم جدی سهمین شوند. بعضی نیروهای نظامی بین‌المللی ممکن قابلیت جمع‌آوری معلومات قابل ملاحظه استخباراتی را داشته باشند و به همین ترتیب نیروهای پولیس نظامی داخلی در بعضی وقایع احتمالی گسترده تر، ممکن است واحدهای پولیس نظامی مستنطقین جنایی داشته باشند که در زمینه برخورد با محلات وقوع جرایم دارای تجربه بوده و به این منظور تجهیز شده باشد. اگرچه وظیفه اولی مستنطقین جنایی نظامی آنست تا به مسایل مربوط به دسپلین داخلی رسیده گی کنند. اما تجارب آنها میتواند در

زمینه پرداختن به جرایم جدی مخصوصاً در زمینه جمع‌آوری شواهدی که بعداً از آن در پروسه تعقیب عدلی جنایی کار گرفته شود، کمک نماید.

نیروهای نظامی بین‌المللی در بوسنیا، کوسوو و در این اواخر در افغانستان شامل نیروهای قابل ملاحظه میباشند. اگر بصورت عمومی گفته شود نیروهای محافظ آموزش میبینند تا در هنگام جنگ بحیث بخشی از نیروهای نظامی کشورشان، ایفای وظیفه کنند. مثال‌های چنین نیروها شامل ژاندارم فرانسوی، کارابینی ایتالوی، هالندی، هسپانوی و ژاندارم ملی ارجنتاین میباشند. در عملیات صلح این گونه نیروها معمولاً ضمیمه نیروهای نظامی میباشند. اگرچه بعضی نیروها همچنان به وظایف پولیس ملکی بین‌المللی پیوسته اند. نیروهای مذکور وظایفی چون بازداشت‌های دارای سطح بلند خطرات، فراهم نمودن امنیت ساحوی برای تلاشی یا توقیف‌های دارای سطح بلند خطرات و حراست و محافظت از ساختمان‌ها و همچنان افراد آسیب‌پذیر را انجام داده‌اند. این نیروها معمولاً دارای قابلیت و تجهیزات لازم برای کنترل آشوب، و همچنان دارای تجارب مبارزه با جرایم سازمان یافته و سایر جرایم جدی در کشورهایشان نیز میباشند. آنها ممکن است از تجارب علمی در زمینه جرایم جنایی و دیتابیس‌ها نیز در کشورهایشان برخوردار بوده باشند، این امر میتواند به آنها این توانایی را ببخشد تا معلومات و اطلاعات استخباراتی را در مورد هویت مجرمین محلی و حدود و اندازه فعالیت‌های غیرقانونی آنها را از واحدهای تحقیق داخلی، بدست آورند. قوماندانان نظامی بین‌المللی ممکن توانایی آنرا داشته باشند تا از آنها در چنین شرایطی اینگونه منابع مطالبه شود. آنها همچنان ممکن است در واحدهای پولیس نظامی خود نیز توانایی مذکور را داشته باشند.

واحد‌های پولیس برای تأمین ثبات: اصطلاحات و بکارگیری آنها

در عملیات‌های صلح، نیروهای محافظین شهری بخشی از هردو یعنی اردو و نیروهای پولیس بوده‌اند. اصلاً به این واحدها نام‌های مختلف داده شده است: ناتو آنرا پولیس خاص "special police units"، ملل متحد آنرا واحدهای تشکیل شده، "formed police units" و اتحادیه اروپا آنرا پولیس یکجا شده "integrated police units" می‌نامد. خوشبختانه، مغشوش شدن ناشی از تفاوت نام‌ها رو به کم شدن است. زیرا اکثر سازمان‌ها اکنون از اصطلاح مشابه "واحد پولیس برای تأمین ثبات" "stability police units" کار میگیرند. این واحدها از روی نمونه‌های پولیس محافظ مثلاً ژاندارم فرانسوی و ژاندارم ایتالیایی، تشکیل میشوند. آنها به این منظور آموزش میبینند و تجهیز میشوند تا یک سلسله وظایفی مربوط به تأمین نظم و قانون را انجام دهند. در این جمله میتوان از وظایفی چون کنترل آشوب گرفته تا تحقیقات جنایی را یادآوری نمود. بعضی وظایفی را که واحدهای پولیس SPU انجام میدهند از رهگذر سلاح‌های خاص و تاکتیک‌های اجرا با تیم‌های (SWAT)، واحدهای مغشوش ساختن عامه با واحدهای واکنش سریع در پولیس امریکا و سایر کشورها همانند و مشابه میباشند.

وقتی نیرو های نظامی بین المللی در امر مبارزه با جرایم جدی ذیدخل باشند این امر حایز اهمیت است تا آنها در باره قوانین نافذ جنایی و طرز العمل های مربوط آن معلومات کافی داشته باشند. علاوه از این آنها باید دارای طرز العمل ها برای تحقیقات، بازداشت و توقیف بوده، آموزش های کافی دریافت و دارای یک سیستم مراقبت و حسابدی شفاف باشند تا از تخلفات جلوگیری و آنها را که مرتکب تخلف میشوند مسؤل نمایند. ذیدخل بودن حقوق دانان نظامی در مراحل اولیه پروسه پلان گذاری (قبل از آغاز عملیات و در مراحل اولیه استقرار نیرو ها) میتواند تسهیلاتی را در زمینه طرح ستراتیژی ها و تاکتیک های ضد جرایم جدی که با طرز العمل های نافذ نظامی و معیار های بین المللی حقوق بشر مطابقت داشته باشد، فراهم نمایند. به همین ترتیب ایجاد و استقرار هر چه زودتر یک تیم ملکی مرکب از پولیس و کارشناسان بخش عدالت جنایی، چون خرنوالان، قضات و کلای مدافع باید مورد غور قرار داده شود تا با نیرو های نظامی یکجا کار نموده و هنگامیکه با موارد جرایم جدی برمیخورند، به آنها مشوره های لازم را فراهم سازند. تا اندازه که امکان پذیر است پولیس ملکی محلی یا سایر کارشناسان داخلی بخش عدالت جنایی باید با نیرو های نظامی از طریق شریک ساختن دانش و معلومات راجع به وضعیت جرایم جدی محلی، سیستم عدلی جنایی و همچنان لسان و کلتور محل، کمک نمایند.

لازم خواهد بود تا نیرو های نظامی بین المللی در چهار چوب نافذ حقوقی در رابطه به تعقیب عدلی و محاکمه قضایای جنایی کار نموده و باید مساعی شان را با سیستم خرنوالی و قضایی مطابق به قوانین نافذ هماهنگ سازند. اشتباه در این زمینه میتواند منجر به آن شود که مرتکبین جرایم جدی بدون مجازات باقی مانده یا بطور مصؤن از توقیف قبل از محاکمه آزاد شوند. (بحث روی میکانیزم ها جهت تقویت شاخه های خرنوالی و قضایی تا آنها بتوانند امور مربوط به جرایم جدی را پیش ببرند، در فصل چهارم ملاحظه شده میتواند.)

در صورتیکه این امر قبلاً انجام نشده باشد عساکر باید آموزش داده شوند تا وظایف اساسی مربوط به حفظ نظم و قانون را مطابق به ROE مناسب و طرز العمل ها در هنگام گزیه های عادی شان انجام دهند. بهتر این است تا پولیس و کارشناسان حقوقی امور مربوط به آموزش مذکور را قبل از آنکه عساکر بوظیفه گماشته شوند باید انجام دهند. در صورتیکه چنین آموزش های داده نشده

باشد، کارشناسان داخلی و بین المللی باید عساکر مربوط را به مجرد مواصلت آنها به کشور در این زمینه آموزش دهند. این آموزش باید شامل درس هایی درباره قوانین نافذ، انجام بازداشت ها، حراست از محل وقوع جرم و محافظت آن، انجام و مستند سازی جستجو ها و تلاشی افراد و تأسیسات جمع آوری شواهد، مستند سازی و نگهداری شواهد و همچنان مصاحبه با و پرسیدن از شاهدان، باشد. مهمتر از اینها آموزش در زمینه ثبت و راجستر

اشکال متعدد کمک های نظامی

نیروهای نظامی بین المللی انواع متعددی از کمک ها را به سیستم عدالت جنایی اریه نموده است. از دو مثال در این زمینه یاد آوری میگردد:

- در بوسنیا، انجنیران نظامی در رابط به اعمار یک تأسیسات توقیف کمک نمودند.
- وقتی نیروهای مربوط به INTERFET بار اول در ماه سپتامبر سال 1999 به تیمور شرقی وارد شدند، پولیس نظامی آسترالیا وظیفه پیدا نمودن قبر ها و اجساد آنانی را که در جریان جنگ کشته شده بودند، بدوش گرفت. آنها از کمک دکتران نظامی، تجهیزات ثبت ویدیویی و کارگران صلیب سرخ محلی برخوردار بوده و با پولیس ملکی بین المللی که مؤظف تحقیقات در این زمینه بودند، زیاد همکاری نمودند.

پرسونل نظامی بحیث شاهدان در محاکم مدنی

نیروهای نظامی بین المللی، با توانایی آنها که عساکری را به حیث شاهدان فراهم نماید، اکثراً جهت تعقیب عدلی جرایم جدی، ضروری پنداشته میشود. در نتیجه عقد موافقتنامه ها با کشور میزبان، مصونیت عساکر مذکور در صورتیکه از آنها مطالبه گردد که در کدام محکمه مدنی شهادت ادا کنند، تأمین میگردد، از آنرو نیروهای نظامی باید موافقه نمایند تا عساکر شانرا جهت ادای شهادت به محاکم مدنی اعزام کنند. از اینکه عساکر اکثراً به نوبت در چهار یا شش ماه به صحنه میایند و میروند، از آنرو از اردو معمولاً مطالبه میگردد تا وسایل ترانسپورتی را برای انتقال دوباره عسکر مورد نظر به کشور میزبان فراهم نماید. طور مثال، دونفر از جمله سربازان KFOR انگلیسی که شاهدان عینی یک قضیه بودند از انگلستان دوباره به کوسوو پرواز کردند تا در باره قضیه یک ضبط بزرگ سلاح که در سرحد مقدونیا Macedonian صورت گرفته بود، در محکمه شاهدی بدهند. در یک قضیه دیگر عساکر KFOR امریکایی از گوام و هاوایی دوباره به کوسوو پرواز نمودند تا در باره دیدن یک متهم در یک پوسته امنیتی شاهدی ادا نموده و بدین ترتیب یک شاهدی مبنی بر غیابت متهم را در قضیه قتل

تروریستی غلط ثابت کنند. بدون اینکه اردو به داکتران مربوط خویش اجازه دهد تا در رابطه به معالجه عاجل مردمان ملکی که به ضرب گلوله یا بمب ها مجروح شده اند، شهادت دهند، بعضی قضایا بطور کامل ثبوت نخواهد شد. از اردو نیز مطالبه میگردد تا شاهدان کارشناس را در رابطه به استعمال بمب ها یا سایر موضوعات مربوط به حکم مواد منقلب نشده (EOD)، فراهم سازد. در کوسوو بدون شهادت کارشناسان EOD انگلستان تعقیب عدلی یک قضیه قتل که در اثر یک بمب گذاری تروریستی صورت گرفته بود، ممکن انجام شده نمی توانست برعکس، انکار دو کشور دیگر مربوط به کشور های KFOR که کارشناسان امراض روانی مربوط را اجازه ندادند که شاهدی بدهند، بدان منتج گردید تا تعقیب عدلی تحت فشار قرار گرفته و تصمیم گرفتند تا تنها از کارشناسان روانی کوسوو بی در آزمایش یک متهم کار گرفته شود. کارشناسان بین المللی ممکن به اندازه روانشناسان کوسوو بی که ممکن تحت فشار حاضر شده باشند که به نفع وکیل مدعی علیه شهادت دهند، آنقدر مطلوب دفاع نبودند. محکمه حکم مجازات متهم را کمتر جدی گرفت و در مجازات تخفیف داد.

دایمی و ذخیره شواهد میباشد. شواهد باید بزودی ممکن به مقامات ذیصلاح ملکی سپرده شوند، ولی تا این امر ممکن میگردد، شواهد مذکور باید ذخیره و میکانیزمی برای نگهداشت آن وجود داشته باشد تا اگر واحدهای نظامی بعدی مواصلت میوزند از این شواهد استفاده کرده بتوانند. (در کوسوو وقتی دوره کار چهار ماهه یا شش ماهه واحدهای نظامی بین المللی ختم شد، یونت های مذکور بعضی اوقات و وظیفه را بدون باقی ماندن اسناد یا شواهد ترک کردند و در بعضی موارد حتی شواهد را با خود بردند.) برای اطمینان از اینکه مساعی اولیه آموزشی ضایع نشود، آن ابتکارات باید به بخشی از نصاب تعلیمی معیاری مبدل گردد که به تمام واحدهای جدیداً مواصلت ورزیده نظامی بوسیله یک تیم از آموزگاران ملی و بین المللی تدریس گردیده بتواند. (آموزگاران مذکور میتوانند از جمله پولیس، خرنوالان یا قضات یا همچنان افسران نظامی باشند.) مواد تدریسی باید مورد تجدید نظر گرفته و وقتاً فوقتاً تجدید شوند تا نیروهای بین المللی بتوانند با چالش های امنیتی فزاینده برخورد نمایند.

انتقال از نیرو های نظامی بین المللی به پولیس ملکی

اگرچه این امر برای نیرو های نظامی بین المللی لازم خواهد بود تا در ابتدا با موارد جرایم جدی در اوضاع و احوال بعد از جنگ و ستیزه رسیده گی کنند، با آنهم نیرو های مذکور خواهند خواست تا نقش خود را در این زمینه بزودی ممکن به پولیس ملکی انتقال نمایند. طوریکه قبلاً مورد بحث قرار گرفت پولیس ملکی در این زمینه آماده فعالیت و مؤثر خواهند بود. از اینکه نیرو های پولیس ملکی ظرفیت های خود را بتدریج ارتقا بخشیده و ظرفیت های عملیاتی را ایجاد میکنند از آنرو این توانایی را خواهند داشت تا این وظیفه به نحوی از نیرو های نظامی بین المللی به آنها واگذار گردد که کوچکترین صدمه به مبارزه علیه جرایم جدی وارد نگردد.

وقتی وضعیت با ثبات گردد، قابلیت پولیس ملکی جهت پیش برد امور مختلفی که بوسیله پرسونل نظامی بین المللی انجام میگرفت، باید بطور منظم دوباره ارزیابی گردیده و در نتیجه ارزیابی معلوم خواهد شد که سپردن کدام وظایف به آنها و چه وقت مناسب خواهد بود. پروسه انتقال مذکور احتمالاً شامل یک مرحله انتقال تدریجی و وظایف خواهد بود. تنظیم یک چهار چوب کاری واضح برای همکاری ملکی - نظامی، ممکن است دشوار بوده و مقتضی یک یادداشت تفاهم (MOU) واضح و مؤثر باشد که با نقش ها و طرز العمل های مربوط سروکار داشته باشد. طور مثال، یک یادداشت تفاهم MOU باید عرصه های خاص مساعدت نظامی را معیین نماید، مثلاً حمایت نظامی برای نیرو های پولیس که بازداشت های توأم با سطح بلند خطر را انجام می دهند، یا عرصه های خاص شریک ساختن احتمالی اطلاعات استخباراتی. (سایر اشکال کمک در ذیل مورد بحث قرار داده میشود.) مسلماً ایجاد فضای اعتماد و روابط متقابل میان نیرو های نظامی و پولیس، از اهمیت کمتری نسبت طرح دقیق کلمات یادداشت تفاهم برخوردار نمی باشد.

ارزش یادداشت های تفاهم یا MOU

در کوسوو یک یادداشت تفاهم MOU، همکاری میان پولیس بین المللی UNMIK و واحد های پولیس نظامی KFOR را تنظیم مینماید. یادداشت های مذکور حاوی میکانیزم ها برای همکاری و پلانگذاری فعالیت های مربوط بشمول فعالیت های مربوط به جمع آوری اطلاعات استخبارات مخفی، جرایم سازمان یافته و تحقیقات مربوط به فعالیت های تروریستی، عملیات محافظت حاضر باشی، تنظیم امور مربوط گرد هم آبی ها و حمایت از عملیات توأم با سطح خطر بلند و همچنان تبادل معلومات استخباراتی، میباشد. بر بنیاد یادداشت مذکور مراجع ارتباطی در هر یک از ادارات ایجاد و معیین گردید که در ساحات معیین کدام یک یعنی نیرو های نظامی بین المللی یا پولیس بین المللی حق برتری یا تقدم را دار میباشد.

برعکس در تیمور شرقی، مقامات اداره انتقالی بین المللی و نیرو های نظامی در این امر موفق نه شدند تا کدام خطوط رهنما را برای همکاری های متقابل، بشمول رهنمود ها برای تبادل شواهد و سوابق، فراهم سازند. نتیجه، هنگام تسلیمی قضایا از طرف نیرو های نظامی به مقامات مدنی مغشوش بود.

پولیس ملکی و مقامات نیروی های نظامی بین المللی میتوانند هماهنگی میان شان را از طریق توظیف نمایندگان شان که به عنوان مراجع ارتباطی خدمت کنند، یا حتی با تشکیل یک تیم انتقال تسهیل نمایند. اشخاصی ارتباطی یا تیم های نامبرده میتوانند در زمینه انجام وظایف متعدد ذیل کمک نمایند: تشویق هماهنگی باهمی در عملیات مربوط به تامین نظم و قانون، هماهنگی در شریک ساختن اطلاعات استخباراتی و ایجاد میکانیزم های لازم و ترتیب و عقد پروتوکول ها برای انجام امور فوق الذکر، اطمینان از اینکه حین

بازداشت یا توقیف، تلاشی، بازجویی و مصاحبه و بحث با شاهدان و بازداشت متهمین، از طرز العمل های مناسب پیروی میشود، فراهم ساختن تسهیلات در زمینه تأمین هماهنگی میان نیروهای نظامی بین المللی و نظام قضائی در زمینه های تعقیب عدلی و محاکمه قضایای مربوط، بشمول اطمینان از اینکه شاهدان نیروهای نظامی بین المللی برای گواهی در محکمه حاضر اند و اطمینان از وضعیت شواهد جمع آوری شده در جریان تحقیقات که در محکمه قابل پذیرش خواهد بود.

میعاد و حدود سهم گیری نیروهای نظامی بین المللی، مسلماً مربوط به چگونگی وضعیت میگردد. چنین نباید پنداشته شود که امر انتقال به ساده گی و بدون مشکلات صورت گیرد، حتی بعد از آنکه بعضی وظایف از نیروهای نظامی بین المللی به پولیس ملکی انتقال نیز یابد، پولیس خود را مجبور خواهد یافت تا در بعضی موارد مهم و دشوار از نیروهای نظامی بین المللی مطالبه کمک نماید.

نقش نیروهای بین المللی در مبارزه علیه جرایم جدی نباید از مسولیت آن برای حفظ سرحدات و فراهم نمودن یک محیط مصون و امن در یک وضعیت بعد از جنگ و ستیزه جدا تلقی گردد. در حقیقت وظایف دوره گذار مبنی بر تأمین امنیت سرحدی و منطقوی موازی با مساعی پولیس ملکی جهت کنترل قاچاق و سائر فعالیت های جنائی، حرکت میکند. نیروهای نظامی بین المللی و پولیس ملکی باید مساعی شان را جهت کشف فعالیت های غیر قانونی سرحدی و رابطه آنها با جرایم سازمان یافته فراملیتی تشخیص نمایند. ¹⁴

کمک نیروهای نظامی بین المللی برای مقامات ملکی کوسوو

بودند که اکثراً تدارکاتی چون اسلحه را حمل میکردند. نگرانی هایی در این زمینه بروز نمود که برخورد های مسلحانه در مقیدونیا بطور عمیق کوسوو و منطقه گسترده تر از آنرا با کشاندن بلغاریا، یونان، سربیا و البانیا به یک جنگ، بی ثبات خواهد نمود. بدین ترتیب سیر و حرکت افراد و انتقال تدارکات و اسلحه در طول سرحد به مقدونیا بنا بر تهدیدی که به ثبات منطقه وارد می نمود تحت دسته جرایم جدی طبقه بندی شد. KFOR بحیث بخشی از وظایف اش مبنی بر تأمین محیط امن و مصون، در کوسوو شروع به توقیف آن عده افرادی نمود که در جستجوی عبور از سرحد بودند، KFOR آنها را به مقامات ملکی کوسوو تسلیم نمود تا مورد پیگرد عدلی قرار گیرند. در این چنین وضعیت دشوار نا ممکن بود که خطوط واضح میان وظایف KFOR و پولیس ملکی ترسیم گردد.

به تاریخ 28 جون 1999، یعنی دو هفته بعد از مواصلت KFOR اولین دسته پولیس بین المللی وارد کوسوو شدند. این یک تیم پیشرفته بود که جهت فراهم ساختن شرایط برای مواصلت نیروی گسترده بین المللی تشکیل شده بود. اولین عملیات مشترک پولیس بین المللی KFOR الی هفته اول ماه اگست سال 1999 صورت نه گرفته و پولیس بین المللی برای اجرای وظایف مربوط به تأمین نظم و قانون در پایتخت، پرستینا تا آخر آن ماه در رابطه به حفظ نظم و قانون بر اوضاع مسلط شده نتوانست. KFOR در سائر مناطق به برتری خود ادامه داد. تا اواخر سال 2002 پولیس بین المللی به کمک های قابل ملاحظه از جانب KFOR نیازمند بود. بر علاوه در سال 2001 گزمه های KFOR بطور مکرر افرادی را دستگیر کرد که میخواستند بطور غیر قانونی از کوسوو وارد مقیدونیا شده تا در یک شورش قومی مربوط البانیا تباران سهمیم شوند. این ها شورشیانی

نیروهای نظامی بین‌المللی در زمینه آموزش پولیس عراق کمک میکند

در عراق، تسلط ملکی برای مسائل مربوط به پولیس در ماه مارچ 2004 وقتی مضمحل گردید که مسولیت تنظیم، تجهیز، آموزش و تدریس پولیس عراقی و نیروهای سرحدی از اداره مؤقت ائتلاف (CPA) به نیروهای نظامی بین‌المللی انتقال نمود. این تصمیم در واکنش به رکود فزاینده در رابطه به پیشرفت بطی مساعی جهت ارتقای ظرفیت پولیس و در واکنش به یک تأکید واضح روی کمیت افراد آموزش دیده به عوض کیفیت آموزش، اتخاذ گردید. این تغییر منجر به تشکیل یک مرکز قوماندان مشترک چند ملیتی عراق گردید، که مسؤلیت هردو یعنی تیم مساعدت های آموزش نظامی ایتلاف (CMATT) و تیم

مساعدت در آموزش پولیس ملکی (CPATT) را بدوش داشت. اگرچه CPATT اکثراً از افسران اسبق پولیس امریکا اکمال شده بود، ولی قوماندانان آن پرسونل نظامی بود که در فراهم ساختن مشوره و کمک به مقامات ملکی از تجارب زیادی برخوردار بودند. ناآرامی قابل توجه در زمینه بدوش گرفتن این نقش به وسیله اردو وجود داشت، ولی در زمینه مقدار حرکت و ارتباطی که بعد از این به پولیس عراقی تزریق شد، نیز تردیدی وجود نداشت. تنها اردوی امریکا از چنان نیروی انسانی و منابع یا سازمان منسجم برخوردار بود که بتواند از عهده امور مربوط به چنین یک پروژه بزرگ بدرآید.

کمک نظامی به پولیس ملکی: یک نقش چند جانبه

احکام تلاشی و توقیف های مرتکبین جرایم جدی با سطح بلند خطر

- تأمین امنیت محاکم هنگامیکه قضایای در سطح حساسیت بلند مورد محاکمه قرار میگیرند
- بدرقه محافظتی گشت و گذار روزمره افراد و گروه های با سطح بلند خطر (مثلاً خائولان، قضات و کلای مدافع)
- محافظت حاضر باشی افراد و گروه های با سطح بلند خطر
- نقل و انتقال و محافظت شاهدان
- کمک هنگام بی نظمی ملکی چون تخلیه دفاتر محاکم و خائولان هنگام اعتراض های خشونت آمیز
- گرمه و کنترل سرحدی
- پروگرام های خلع سلاح، ملکی سازی و پروگرام های پیوستن مجدد بمنظور خلع سلاح جنگجویان سابق، جلوگیری از توزیع اسلحه و جذب مجدد جنگجویان به جامعه
- گرمه های مشترک در ساحات با سطح بلند خطر

نیروهای نظامی بین‌المللی میتواند پولیس ملکی را در مبارزه علیه جرایم جدی از طرق مختلف کمک نماید. بعضی از این طرق بطور معمول در عملیات صلح دیده میشوند. کمک های دیگر ندرتا مشهود میباشد. طور مثال، نیروهای نظامی بین‌المللی میتواند کمک های ذیل را فراهم سازد.

- کمک های لوژستیک و مادی چون وسایط زره دار، سلاح ثقیل، حمایت هوایی و تجهیزات مخابره
- اطلاعات استخباراتی
- کمک های علمی و پرسونل اختصاصی بشمول افسران پولیس نظامی و داکتران آموزش دیده تا در محل وقوع جرم کار کنند
- انجنیران نظامی و یونت های ساختمانی که در زمینه اعماریا ترمیم تاسیسات کمک کند
- محافظین نظامی محبس تا در زمینه محافظت محبوسین توأم با سطح بلند خطر کمک کند
- کمک تخنیکي یا امنیت ساحه در هنگام اجرای

فصل ششم

مشارکت بین المللی

اهداف این فصل عبارت اند از

- ارزیابی کمک های بین المللی در اجرای اصلاحات حقوقی و تشکیلاتی لازم برای مبارزه علیه جرایم جدی
- بحث روی اصول رهنمود های عمومی چنان کمک های بین المللی که بطور اخص روی ضرورت ارتقای پایدار ظرفیت های ملی متمرکز باشد
- توضیح انواع مختلف نقش های را که فعالین بین المللی میتوانند در عرصه مبارزه علیه جرایم جدی بازی کنند و بحث روی این که تعیین نوع و اندازه مناسب پادرمیانی یا دخالت بین المللی چقدر مهم میباشد
- فراهم ساختن رهنمود ها در زمینه بکار گیری مؤثر پرسونل بین المللی، بشمول موضوعات مربوط به گزینش، آموزش و همچنان شیوه های حساسدهی آنها

در فصل های گذشته این کتاب در باره نقشی که فراهم کننده گان مساعدت های بین المللی میتوانند در زمینه مبارزه علیه جرایم جدی ایفاء کنند، نظریاتی ارائه گردید. بنابر ماهیت شکننده و وضعیت جوامع بعد از جنگ و اثرات بی ثبات کننده جرایم جدی، در حقیقت، اگر قرار باشد جوامع مذکور بازسازی شوند، بعضی اشکال کمک های بین المللی لازم خواهد بود. در بعضی حالات ممکن، پادرمیانی مذکور در شکل فراهم ساختن پرسونل بین المللی که به عوض یا در پهلوی پرسونل داخلی بخش قضایی کار کنند، ضروری پنداشته شود، در اوضاع و احوال دیگر شاید یک سطح مراقبت و نظارت سطح بین المللی در این زمینه کافی پنداشته شود، در حالیکه در سایر موارد ممکن کمک های تخنیکی و فراهم ساختن جوه مالی یا تمام آنچه که عملی پنداشته میشود، در زمینه بازسازی کافی باشد. بدین ترتیب، درجه پادرمیانی و مداخلت به هر درجه و سطحی که باشد، ولی مؤثر ساختن مساعدت های بین المللی، مستلزم ارزیابی دقیق اهداف این چنین کمک ها، جنبه های عملی و بهترین شیوه های ارائه آن، میباشد.

این فصل با توضیح تعدادی از نظریات ابتدایی که باید رهنمای هرگونه مساعدت های بین المللی تلقی گردد، آغاز میگردد. در این نظریات، اهمیت تدوین قوانین جامع و طرز برخورد های هماهنگ و طرز ساختن ستراتیژی های مربوط در زمینه های انتقال مهارت های لازم به مقامات داخلی، شامل میباشد. سپس در این فصل، موضوع ضرورت اعطای صلاحیت پادرمیانی و دخالت بین المللی و متعاقب آن عواملی مورد بحث و ارزیابی قرار میگیرند که نوع مناسب دخالت بین المللی را معین میسازد. در اخیر، مجموعه از مسایل عملی بی مورد بحث قرار میگیرند که امور مربوط به استقرار پرسونل بین المللی در جوامع بعد از جنگ را که بمنظور سهم گیری در

مبارزه علیه جرایم جدی، صورت میگیرد، احتوا میکنند. در سراسر این فصل سعی می‌گردد تا ماهیت پیچیده ذاتی دخالت بین‌المللی تشخیص گردد، اما همچنان تلاش خواهد شد تا مشوره‌های عملی و رهنمودهای عمومی نیز راجع به اتخاذ اقدامات مؤثر ارائه شود.

ملاحظات عمومی

یک ستراتیژی مربوط به جرایم جدی باید جامع و همه‌جانبه باشد

هر وضعیتی که پادرمیانی و دخالت بین‌المللی را ایجاد میکند، منحصر بفرد و متحرک و پویانده بوده و تابع پالیسی‌ها و روابط اجتماعی کشور مورد نظر و همچنان روش‌ها و سلوک تغییر یابنده در خود کشور و به همین ترتیب در نهاد هایی می‌باشد که مساعدت‌های بین‌المللی را فراهم می‌سازند. معمولاً، در وهله اول مداخله در وضعیت بعد از جنگ، فعالین متعدد بین‌المللی و همکاری‌های دو جانبه زیادی، البته هریک با نهاد های اجرایی، دایره بوده و اولویت‌های مؤسساتی و تشکیلاتی خاص خود فعال می‌باشند.

از آنرو هرگونه مساعی جهت مقابله با جرایم جدی، مستلزم چنان یک ستراتیژی هماهنگ و جامع می‌باشد که عناصر مختلف و گوناگون مبارزه علیه جرایم را در یک پلان هماهنگ شده، توحید و منسجم سازد. طور مثال، تمرکز روی موضوع ظرفیت پولیس و نادیده گرفتن عناصر دیگر، چون خارتوالی و قضاء یا محابیس، بدون تردید با اشتباه توأم خواهد بود. به همین ترتیب، تدریس یا آموزش خارتوالان به جایی نخواهد رسید در صورتی که چهار چوب حقوقی بطور قابل ملاحظه دارای کاستی‌ها و خدشه‌ها باشد. از این لحاظ یک طرز برخورد باهم مرتبط باید در زمینه اتخاذ گردد. پادرمیانی و همکاری بین‌المللی با کشور بعد از جنگ باید کامل و دربرگیرنده مسایلی چون: طرز اداره، انکشاف اقتصادی، مسایل امنیتی و مصالحه و آشتی باشد. تمام این مسایل روی طرز برخوردی که با جرایم جدی صورت میگیرد، اثر گذار خواهد بود. طور مثال، فراهم نمودن فرصت‌های اشتغال در بخش‌های مشورع اقتصاد، میتواند یک اقتصاد نامشروع را که جرایم سازمان یافته بر آن تسلط دارد، تضعیف نماید. طرز برخورد مطلوب آنست تا فعالین بین‌المللی یک ارزیابی مشترک نیازمندی‌ها را طرح و روی عناصر کلیدی یک ستراتیژی مربوط به جرایم جدی باهم موافقه کنند. در صورتی که این امر ممکن نباشد، آنها باید اقل ارزیابی‌ها و ستراتیژی‌های خود را شریک ساخته و مساعی شانرا در عرصه پروگرام سازی، هماهنگ سازند.

هدف نهایی باید ارتقای ظرفیت ملی باشد

طوریکه در فصل اول خاطر نشان شد، در صورتی که برای کنترل پدیده جرایم جدی تلاش‌های عاجل صورت نگیرد، پدیده مذکور ممکن است وضعیت صلح شکننده را به مخاطره انداخته و زمینه‌های جنگ و کشمکش دوباره را فراهم نمایند. طوریکه تجارب عملیات صلح در کشور‌های بالکان نشان داده، موجودیت یک ستراتیژی مبارزه علیه جرایم جدی بایست یک جزء جدا ناپذیر عملیات صلح بین‌المللی در کشور‌های بعد از جنگ باشد. مقابله هر چه زودتر با قضایای مربوط به جرایم جدی از هردو رهگذر یعنی، هم از لحاظ از بین بردن عناصر و عوامل بی‌ثباتی و هم از لحاظ نشان دادن مؤثریت اداره جدی، مهم محسوب می‌گردد. اینچنین دست‌آورد‌های کوتاه مدت حایز اهمیت اند. اگر ارتقای ظرفیت پایدار ملی در کشور میزان از اهمیت بیشتری برخوردار نباشد، بدون تردید از اهمیت مشابه برخوردار می‌باشد تا به مشکل جرایم جدی، خود رسیده‌گی نموده بتواند. باید خاطر نشان ساخت که پالیسی سازان و پلانگذاران، اکثراً به عوض تمرکز روی ارتقای ظرفیت طویل‌مدت مؤسساتی و تشکیلاتی، به موفقیت‌های زود رس و آنی اهمیت

مشابه قابل می‌شوند. صرف منابع مربوط برای برخورد با مرتکبین جرایم جدی ممکن در امر ارتقای ظرفیت داخلی ممد واقع نگردد، و در حقیقت منابع مختص شده به این هدف را منحرف سازد. آنهایی که مسایل مربوط به همکاری های بین المللی را پلانگذاری میکنند، باید از ابتدای کار خود یک طرحی را برای تأمین مؤثریت امور مربوط بسازند که در برگیرنده ملاحظات آتی باشد.

- در بعضی موارد پادرمیانی های بیشتر، الزاماً از پادرمیانی ها و همکاری های کمتر، بهتر ثابت نمی شوند و در حقیقت غیر مؤثر یا غیر مؤلّد از آب بدر می آیند. یک چهار چوب وظیفوی یی که فعالین بین المللی مطابق آن تمام و وظایف مهم ضد جرایم جدی را انجام میدهند، همیشه متضمن مؤفقیت در زمینه نمی باشند. پرسونل بین المللی، به عنوان خارجی ها ممکن است حین فعالیت در یک محیط خارجی مشکلاتی داشته باشند، آنها اکثراً فاقد مهارت های لازم لسانی میباشند، با چهار چوب حقوقی کشور میزبان بلدیت نمی داشته باشند، و از اینکه بخشی از جمعیت بومی شمرده نمی شوند، ممکن از لحاظ فزیکتی از جمعیت محلی تجرید شده باشند. جهت رفع این مشکلات، فعالین بین المللی نیازمند همکاری های فعالین آزموده شده، مورد اعتماد و مصوّن ملی میباشند تا با آنها یکجا کار کنند. مزید بر این، اتکای بیش از حد به فعالین بین المللی تا وظایف مربوط به پولیس، خانونالی و قضا را انجام دهند، میتواند قابلیت کشور میزبان را در زمینه ارتقای ظرفیت خودی برای مقابله با جرایم جدی به تحلیل برد. از آنرو این حایز اهمیت زیاد شمرده میشود تا ایفای نقش های مناسب برای هردو، یعنی پرسونل بین المللی و ملی معین گردد.
- منابع برای تمویل مسایل مربوط به اكمال پرسونل و تجهیزات باید پایدار باشند. این امر به تنهایی خود کافی شمرده نمی شود تا تجهیزات و سایل لازم را بطور مناسب معین و تدارک نمود، بلکه دوتران بین المللی باید همچنان رهنمایی هایی را در باره طرز استفاده از آن، زیربنا ها برای تقویت آنها و همچنان زمینه های آموزشی را جهت حفظ و مراقبت و ترمیم آنها فراهم سازند. مثالهای ضیاع منابع دوتران، مثل کمبویو ترهای گران قیمت که بنا بر فقدان برق یا نبود قابلیت استفاده، نگهداری و ترمیم آنها، غیر قابل استفاده باقی مانده اند. به همین ترتیب معاشات متمم دوتران برای یک عده پرسونل مربوط به مبارزه علیه جرایم جدی برای یک مدت طولانی تا زمانیکه پروگرام مربوط ادامه دارد و حکومت ملی توانایی تمویل مکمل پروگرام مذکور را پیدا میکند، ضروری خواهد بود.
- هنگامی که یک پروگرام متمم طرح میگردد، یک ستراتیژی باید جهت انتقال مهارت ها از کارشناسان بین المللی به همکاران داخلی شان طرح گردد. زیرا وقتی فعالین بین المللی عزیمت میکنند، همکاران داخلی آنها سرانجام مسؤلیت مبارزه با جرایم جدی را بعهده خواهند گرفت. تدریس در میان پولیس، خانونالان، قضات و کلای مدافع و همچنان مؤظفین مجابس در صورتیکه ایجاب کند تا کارمندان بین المللی و ملی در یک وظیفه مشترکاً کار کنند و در آن برای کارمندان بین المللی که زبان یا زبان های محلی را نمی دانند به ترجمانان ضرورت باشد، بسیار مفید میباشد. انتقال مسؤلیت از فعالین بین المللی به کارکنان ملی باید از قبل پلان شده و با تفاهم برای آن آماده گی گرفته شده باشد. ولی اینکار باید طوری پلان شده باشد که در یک زمان معین صورت نگیرد، بلکه وقتی شرایط آماده شد، انتقال مذکور باید تحقّق یابد. در صورت عدم موجودیت چنین یک پلانی پرسونل بین المللی احتمالاً وظایف خود را در یک نقطه اجباری به پرسونل داخلی و اگذار خواهد نمود. مثلاً هنگام تنقیص بودجه، فعالین بین المللی مجبور میشوند که حتی اگر شرایط و

پرسونل داخلی برای گرفتن وظایف آنها آماده هم نباشد، و وظایف خود را ترک و رهسپار کشورهای شان شوند. زمان و آگذاری و وظایف و مسئولیت‌ها نباید بطور ساده بر بنیاد احصائیه‌ها تعیین شود (طور مثال تعداد افرادی که آموزش دیده اند)، بلکه اینکار باید از طریق یک ارزیابی کیفیت مبنی بر اینکه آیا کشور میزبان آماده به‌عهده گرفتن مسایل مربوط به رسیده گی به جرایم جدی میباشد، صورت گیرد. برعلاوه، انتقال مسئولیت‌ها باید بطور تدریجی و با در نظر داشت قابلیت تجدید نظر بر تنقیص پرسونل معیین که اگر پلان‌ها بطور مطلوب پیش نروند، مطابق به ظرفیت ادارات ملی برای پیشبرد آن و ظایفی که قبلاً آنرا پرسونل بین‌المللی انجام می‌داد، صورت گیرد.

- نقطه آغاز همکاری‌های بین‌المللی جهت مبارزه با جرایم جدی باید موجودیت ظرفیت بشری و حقوقی سیستم عدلی جنایی ملی باشد. در حالیکه در بعضی موارد چون در کوسو، و قتی تمام پولیسان و کارمندان بخش عدلی جنایی صرب تبار، ولایت مذکور را ترک گفتند، در آنجا یک خلای جدی حقوقی به وجود آمده و حتی یک تخته‌خالی کاندیدان هم در آنجا یافت نمی‌شد. فعالین بین‌المللی باید از هیچ آغاز می‌کردند. آنها باید با سیستم عدالت جنایی خود را وارد می‌کردند یا یک سیستم جدید مختصر شده را بر بنیاد طرز العمل‌های جنایی خود شان تشکیل می‌دادند، ولی این سیستم شاید نامناسب و ناکاره می‌بود. وقتی چندین موسسه بین‌المللی، هریک با ترجیحات عنعنات حقوقی خود (طور مثال قوانین مدنی تحقیقات و یا سیستم‌های قوانین عرفی) در مسئله ذیدخل باشند، مشکل پیچیده‌تر می‌شود. فعالین بین‌المللی ممکن است یک سیستم صدمه‌دیده یا از کار افتاده را اصلاح کنند، ولی نباید کوشش کنند تا بطور ساده قوانینی را تحمیل کنند که برای پرسونل عدلی و قضایی داخلی بیگانه و با شرایط ملی سازگار نباشد. تحمیل قوانین بیگانه الزاماً به راه‌های گریز و خلا‌ها در قوانین و ابهام و سردرگمی در میان اجرا کننده‌گان آن منتج خواهد شد.
- در صورتیکه کدام سیستمی به وسیله فعالین بین‌المللی جهت نیل به محکومیت‌ها و صدور فیصله‌های حبس، بکار برده می‌شود، سیستم مذکور باید تا حد ممکن از نزدیک با چهار چوب حقوقی کشور میزبان هماهنگ گردد. مزید بر این، اگر قوانین طرز العملی و مادی جنایی از چهار چوب حقوقی موجود ملی مشتق شود، بسیار احتمال آن وجود دارد که این گونه اشتقاقی از جانب فعالین ملی به دیده نامشروع دیده شده و احتمال اندک برای باقی ماندن آن در چهار چوب‌های حقوقی آینده وجود خواهد داشت. محکومیت‌های که تحت سیستم نامشروع تأمین گردیده به مجرد ترک گفتن صحنه به وسیله فعالین بین‌المللی، به کنار گذاشته خواهد شد.
- پرسونل ملی باید تا کامل‌ترین حد ممکن و به زودی هرچه عاجل‌تر که ممکن باشد، باید در امر پلان‌گذاری یک پادرمیانی یا دخالت بین‌المللی سهیم ساخته شوند. پلان‌ها برای وارد نمودن تغییرات در چهار چوب حقوقی، بطور اخص باید در مشوره نزدیک با حقوق دانان داخلی ترتیب گردد. چنین مشوره‌ها زمینه‌آترا فراهم خواهد نمود تا چنان یک سیستمی ایجاد گردد که بسیار مؤثر باشد، زیرا این امر تسلسل با عنعنات حقوقی ملی را تأمین مینماید. به همین ترتیب پروسه همکاری‌های متقابل یک احساس مالکیت و تصدی اصلاحات مورد نظر را در میان فعالین ملی تقویت بخشیده و وقتی دخالت و همکاری بین‌المللی پایان مینماید، دورنماها را برای آن‌عهده ریفورم‌هایی که آماده شده‌اند، بهبود خواهد بخشید. پروسه‌ها مهم اند، ذیدخل شدن در یک پروسه مشورتی میتواند به معنی تفاوت میان یک پروگرام، موفق و ناموفق باشد.

چالش‌های انتقال تجهیزات از ادارات ملل متحد به مقامات ملی

در سراسر علمیات ملل متحد در کوسوو، تمام تجهیزات، کمپیوترها، وسایل نقلیه و سایر موادی که در معرض استفاده پولیس بین‌المللی UNMIK قرار داشت، به اساس مقررات ملل متحد نمی‌توانست به مؤسسات کوسوو واگذار گردد. ضرورت تشخیص کمک‌های طرفین جهت مساعدت به بودجه ضعیف کوسوو، مساعی مربوط به انتقال صلاحیت از پولیس بین‌المللی به پولیس کوسوو را با تأخیر مواجه ساخت. در سال 2005، وقتی UNMIK در وسط پروسه تنقیص قرار داشت، پولیس بین‌المللی UNMIK در صدد آن برآمد تا افسران برحال پولیس کوسوو را به واحد‌های خاص خویش اضافه نماید تا تجهیزاتی که به وسیله واحد‌های مذکور بکار برده می‌شود، بتواند از مجموع بودجه کوسوو تمویل گردد. (یعنی، بودجه خود کوسوو که از حصول مالیات و سایر عواید بشمول وجوه کمکی دوتران ساخته می‌شود)، بودجه مذکور می‌توانست مصارف مربوط به کمپیوترهای مذکور، تجهیزات مخفی و از این قبیل اشیاء دیگر را تمویل کند. در حالیکه بودجه UNMIK این کار را نمی‌توانست.

• باوصف ضرورت واضح به کسب نتایج زود هنگام، همکاری‌های بین‌المللی در مبارزه علیه جرایم جدی باید به اصل رعایت معیارهای شناخته شده حاکمیت قانون پابرجا بماند. مخصوصاً وقتی عملیات اجرایی صلح روی دست باشد، ممکن است در چنین وضعیتی تمایلی وجود داشته باشد تا راه کوتاه ساخته شده و صلاحیت‌های غیر محدود به پرسونل بین‌المللی داده شود، و به ملاحظاتی سیاسی موقع داده شود تا نتایج را تعیین نماید. این گونه طرز برخورد نه تنها مساعی جهت تأمین حاکمیت قانون را زیر سؤال

میبرد، بلکه یک نوع اتکاف بر میتودهای غیر منظم و غیر پلان شده را نیز از خود بجا می‌گذارد. از آنرو تدابیر احتیاطی باید اتخاذ گردد تا تفکیک قوای سیاسی و قضایی را تأمین و احترام به پروسه مناسب طی مراحل و حقوق بشر به وجود آید.

اهدای صلاحیت

صلاحیت قانونی به فعالین بین‌المللی باید قبل از اینکه آنها قوانین را طرح، کارمندان را به سیستم پولیس، و نظام قضایی اعزام و کمک‌های تکنیکی را فراهم کنند، اعطا گردد. صلاحیت مذکور میتواند مستقیماً از درخواست کمک کشور میزبان ناشی شود. این صلاحیت میتواند در یک شکل از قرارداد تصویب شده بین‌المللی یا اسناد تقنینی باشد که از جانب قضاوت و څارنوالان ذیصلاح کشور میزبان جهت محاکمه قضایای معین تصویب شده باشد. بسیاری از کشورها دارای قوانین معین هستند که خارجی‌ها را از انجام این کار باز میدارد. از آنرو مساعی به وسیله کارشناسان خارجی در زمینه کمک در تحقیقات یک قضیه مربوط به جرایم جدی ممکن است همچنان با مانع مواجه شود، در صورتیکه مساعی مذکور با قوانین طرزالعملی که مقتضی جمع‌آوری شواهد قابل قبول به وسیله مقامات ذیصلاح ملی میباشد، در تناقض قرار گیرد. حتی پروگرام‌های چون آموزش و مشوره دهی، مقتضی موافقت مقامات ملی کشور دریافت‌کننده خواهد بود. بطور مثال، در افغانستان حتی با مشکلات بودجوی که دارد، مقامات مربوط پروگرام‌های آموزشی را که قرار بود به وسیله فعالین بین‌المللی ارایه گردد، وقتی دریافتند که پروگرام‌های مذکور غیر ضروری یا اضافی است، آنرا مسترد کردند.

به همین ترتیب، صلاحیت میتواند از چهار چوب وظایف تعیین شده به وسیله شورای امنیت ملل متحد یا یک سازمان منطقی چون سازمان امنیت و همکاری در اروپا، اتحادیه اروپا یا اتحادیه آفریقا که بطور مستقلانه یا با موافقتنامه صلح یا دعوت به وسیله کشور میزبان عمل نماید، مشتق گردد.

بطور مطلوب شرایط اهدای صلاحیت چنین چهار چوب های وظیفوی و قرارداد های صلح نیازمندی های مبارزه با جرایم جدی را طوریکه در چهار چوب کمک های همه جانبه معین میگردد، بازتاب داده و بدین ترتیب بخواست فعالین بین‌المللی که چنین وظایف را بدوش بگیرند، مربوط خواهد شد. در عمل شرایط اهدای صلاحیت اکثراً محصول منافع مشترک سیاسی، تفاهم ها و فرصت ها میباشد. در نتیجه، موافقت نامه های اهدای صلاحیت اکثراً (و بعضاً بطور عمدی) گسترده و مبهم میباشد. که اکثراً باعث در ابهام قرار گرفتن فعالین اجرایی مختلف میشود که دارای وظایف گوناگون در رابطه به حاکمیت قانون میباشدند. برعلاوه در رابطه به آن چهار چوب های وظیفوی که دارای تقسیم اوقات های زمانی اند، ممکن است چهار چوبهای زمانی مذکور بطور غیر واقعبینانه کوتاه سنجیده شده و مانع طرح یک ستراتیژی طویل المدت گردد که جهت مبارزه با جرایم جدی به آن نیاز است از اینکه بعضی از این اشتباهات اجتناب ناپذیر است، یک آگاهی فزاینده در جانب پالیسی سازان در رابطه به تهدید جرایم جدی و گزینه های پرداختن به آنها، میتواند در کم کردن مشکلات مذکور کمک کند. کمک مذکور میتواند در وهله اول پروسه پلانگذاری، یعنی وقتیکه مسوده چهار چوب وظایف و موافقتنامه های صلح ترتیب میشوند، یا اقلأ وقتی این امر ضروری تلقی گردد تا چهار چوب وظایف تفسیر یا تعدیل گردد یا سایر منابع اهدای صلاحیت، مثل یک موافقتنامه از کشور میزبان جستجو گردد، ممد واقع گردد.

انواع پادرمیانی یا دخالت

در زمینه نقشی که فراهم کننده گان مساعدت های بین‌المللی در مبارزه علیه جرایم جدی ایفا کرده میتوانند تفاوت های زیادی وجود دارد. از به عهده گرفتن مسؤلیت واقعی تحقیقات و محاکمه جرایم جدی گرفته تا مشوره دادن به فعالین قضایی داخلی، و از فراهم ساختن مساعدت های تخنیکی در زمینه اصلاحات حقوقی و تشکیلاتی، تا فراهم ساختن وجوه مالی و تجهیزات، همه را دربرمیگیرد. انواع وظایف را که فعالین بین‌المللی میتوانند انجام دهند بسیار زیاد است از جمله میتوان از وظایف آتی نام برد:

- ریفورم چهارچوب حقوقی
- نظارت از پروسه تحقیقات و اجراءات قضایی
- طرح، ارزیابی یا اجرای آن در زمینه انتخاب پرسونل قضایی
- گماشتن پولیس، قضات، خارنوالان، و کلای مدافع بین‌المللی و مؤظفین محاسب تا در پهلوی کارمندان داخلی کار کنند
- مشوره دادن به پولیس، قضات، خارنوالان، و کلای مدافع و مؤظفین محاسب در اجرای وظایف محوله شان
- ایجاد یا ریفورم میکانیزم های مربوط به حسابدهی مثلاً، بخش های امور داخلی، دفاتر معیار های مسلکی، ضوابط اخلاقی و میکانیزم ها برای تأدیب یا برطرفی از وظایف، برای پولیس ملی، خارنوالان، و کلای مدافع و همچنان قضات
- مشوره دادن یا ارزیابی امور اداری و تنظیم محاکم

نظارت از سیستم حقوقی در کوسوو

حقوق مربوط به محاکمه عادلانه و طی مراحل مقتضی دوسیه‌ها، از جمله موضوعاتی است که در گزارش‌های مذکور به آن پرداخته می‌شود.

در عده‌ای از موارد، پیشنهادات مندرج در گزارش‌های LSMS باعث تسریع بعضی اصلاحات معین گردیده است. طور مثال، بخش نظارتی مذکور LSMS نگرانی خویش را در رابطه به فقدان ضوابط حقوق بشر در مقررات UNMIK ابراز نمود. به تعقیب آن، در یک گزارش، بخش نظارتی مذکور خاطر نشان ساخت که با تشکیل یک کمیته نظارتی خاص حقوق بشر و ایجاد گروه کاری مشترک OSCE-UNMIK یک بهبود واضح در وضعیت مورد نظر به وجود آمده است. توصیه‌های بخش نظارتی همچنان در زمینه تحریک مساعی مربوط به بیوستن اقلیت‌ها به نظام عدلی از طریق استخدام قضات و خائرنوالان از جمله اقلیت‌ها و ایجاد محاکم در جمعیت‌های اقلیتی، اثرگذار بود.

در کوسوو، وظایف بخش نظارت سیستم حقوقی (LSMS) مربوط به OSCE آنست تا سیستم قضایی کوسوو را از لحاظ مطابقت آن با معیارهای حقوق بشر داخلی و بین‌المللی نظارت و پیشنهادهای را برای طرفی‌ارایه نماید که برآورده شده این معیارها را تأمین نماید. بخش نظارتی مذکور LSMS نظام قضایی را نظارت و چهارچوب حقوقی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بخش نظارتی مذکور LSMS، همچنان فعالین ملی و بین‌المللی مربوط و همچنان مؤسسات مربوط شانرا نظارت و گزارش‌های چاپی ربع‌وار را در رابطه به نظام عدلی جنایی نشر می‌کند. هدف از نشر این گزارش‌ها کمک به مقامات مربوط در زمینه تشخیص اولویت‌های اصلاحات، می‌باشد. موضوعاتی چون توقیف‌های غیر قانونی، نماینده‌گی ناکافی و کالت مدافع، مداخله در اصل مستقل بودن قضا، و اشتباهات در زمینه برآورده ساختن

- کمک در زمینه ایجاد و آموزش واحد‌های پولیس خاص
- ایجاد یا پیشبرد امور مربوط به پروگرام‌های محافظت‌شاهدان، کمک به پروگرام‌های ضبط‌دارایی و میکانیسم‌های مراقبتی
- طرح و ایجاد حوزه‌های قضایی خاص جهت محاکمه جرایم جدی
- فراهم ساختن مشاورینی که آنها با آن مقامات ملی یکجا کار نمایند که با مسایل مربوط به جرایم جدی سروکار دارند. وزارت‌های عدلیه و داخله، افسران مختلف پولیس و حوزه‌ها و همچنان دفاتر خائرنوالی و محاکم شامل آن می‌گردد
- فراهم کردن پروگرام‌های آموزش مهارت‌ها برای پولیس، خائرنوالان، قضات و سایر پرسونل مسلکی
- فراهم نمودن کمک‌های لوژستیکی و تجهیزات خاص، بشمول ترانسپورت مصوّن، کمپیوترها، وسایل علمی جنایی، وسایل مخابراتی و همچنان شبکه‌های (تلیفون‌های موبایل، تلیفون‌های ستلایت و لین‌های محفوظ انترنتی برای پیام‌های الکترونیکی)
- اعمار یا تمویل وجوه مالی زیربناها، شامل تالارهای محاکم، دفاتر خائرنوالی، قرارگاه‌های پولیس و محابس

تعیین نوع کمک

تصمیم در این زمینه که کدام نوع و تا کدام اندازه یک دخالت بین‌المللی مناسب تلقی می‌گردد، یک سلسله‌گسترده از عوامل باید ارزیابی و یک تعداد واقعیت‌های سیاسی و عملی باید در نظر گرفته شود. اینها قرار ذیل اند:

- ظرفیت‌های نظام عدلی جنایی محلی و پرسونل آن جهت پیشبرد قضایای جرایم جدی
- اینکه مصونیت پرسونل نظام عدلی جنایی محلی در معرض خطر قرار داشته و اینکه آیا در معرض تهدید مرتکبین جرایم جدی قرار دارند یا نه
- آیا تعصب‌های قومی، مذهبی یا سایر تعصب‌ها در میان پرسونل عدلی جنایی محلی ملاحظه می‌شود یا بطور واقعی موجود است
- آیا پرسونل سیستم عدلی جنایی داخلی از نفوذ بی‌مورد یا کنترل فعالین سیاسی آزاداند
- آیا پرسونل سیستم عدلی جنایی داخلی با سؤاستفاده‌ها به وسیله رژیم استبدادی یا سؤاستفاده‌های که در هنگام جنگ صورت گرفته، کدام وابستگی دارند یا معلوم می‌شود که کدام وابستگی داشته باشد
- آیا پرسونل سیستم عدلی جنایی داخلی به معیارهای بین‌المللی در زمینه پیشبرد امور مربوط به جرایم جدی وفاداراند
- آیا فعالین سیاسی داخلی در مبارزه با جرایم جدی متعهداند، یا اینکه آنها در آن دست دارند
- آیا فعالین سیاسی داخلی یا پرسونل عدلی جنایی کمک بین‌المللی را در زمینه فراهم نمودن پناه سیاسی برای خود مطالبه نموده‌اند
- آیا مردم داخلی یک نوع خاص دخالت بین‌المللی را مطلوب و با اعتبار تلقی خواهند نمود (یعنی باور خواهند داشت که دخالت مذکور مناسب و مؤثر است) یا آنرا یک دخالت ناخواسته تلقی خواهند نمود
- آیا مردم داخل کشور کدام فراهم‌کننده خاص کمک‌های خارجی (مثلاً یک سازمان بین‌المللی یا منظوقی یا کدام کشور خاص) را سراغ دارند که با اعتبار تلقی گردد
- علاقمندی و تعهد فراهم‌کننده‌گان کمک‌های خارجی مبنی بر فراهم نمودن منابع کافی تا از طریق آن مساعی ابتدایی شانرا پیگیری کنند
- توانایی فراهم‌کننده‌گان کمک‌های خارجی جهت تشخیص، آموزش و مساعدت با پرسونل شایسته و واجد شرایط (این موضوع بعداً در این فصل مورد بحث قرار می‌گیرد)
- درجه اثرات فراملیتی مشکل جرایم جدی
- تفاوت‌ها و مشابهت‌ها میان کلتورها، عنعنات حقوقی و سوابق تاریخی کشور میزبان و کشور‌های فراهم‌کننده کمک

جهت درک تمام عوامل مربوط، فعالین بین‌المللی نیازمند انجام یک تحلیل عینی راجع به اینکه یک جامعه بعد از جنگ به چه چیزها ضرورت دارد، کشور میزبان آماده پذیرش چه چیز می‌باشد، و کدام منابع میسر است، می‌باشند.

ارزیابی نیازمندی‌ها

در فصل دوم یک سلسله مسایل به تفصیل مورد بحث قرار گرفت که بایست قبل از طرح ستراتیژی جرایم جدی ارزیابی شوند. عنصر کمک‌های بین‌المللی در این زمینه باید بطور مستقیم جوابگوی ضعف‌های معیین در نظام عدلی جنایی و همچنان فکتورهای مربوط در یک محیط بعد از جنگ باشد، (مثلاً یک دولت ضعیف و آلوده به فساد اداری) که توانایی فعالین داخلی را برای اینکه وظیفه مورد نظر را خودشان انجام دهند، متضرر میسازد.

توظیف پرسونل بین‌المللی جهت تأمین عدالت، ممکن در شرایطی که کشور میزبان به فقدان پرسونل ورزیده جهت رسیده گی به امور مربوط به جرایم جدی مواجه باشد، همچنان وقتیکه پرسونل داخلی کشور میزبان در خطر، یا در معرض اجبار و اضطراب قرار داشته، یا اینکه پرسونل قضایی کشور میزبان بنابر عوامل قومی، دینی یا سایر عوامل علیه یا به طرفداری از متهم خود غرضی ورزند. معمولاً فوراً بعد از ختم جنگ قضات، خانونان، و کلای مدافع و پولیس ممکن است هنوز هم میسر و آماده خدمت باشند. در بعضی شرایط، پرسونل ملی که از سالهای حاکمیت احتمالاً استبدادی یا کشمکش‌های جدی قومی نجات یافته‌اند، ممکن است از منابع لازم تجربه یا اعتبار و بی‌طرفی لازمی که با معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی حقوق بشر و طی مراحل مقتضی دوسیه‌ها مطابقت داشته باشد، برای کار در محاکم یا سیستم محاسب برخوردار نباشد. در صورتیکه پرسونل ملی از منابع، تجربه و یا توانایی‌های مناسب برای انجام این عهده‌برخوردار هم باشند، باز هم آنها نیازمند مساعدت بین‌المللی خواهند بود، تا آنها را در انجام وظایفشان در یک محیط از لحاظ امنیتی بی‌ثبات یاری رسانند.

خود غرضی قومی نظام قضایی کوسوو را متأثر میسازد

بعد از تشکیل دفتر ملل متحد UNMIK در کوسوو در سال 1999، جامعه بین‌المللی یک تصمیم مقدماتی را مبنی بر تقویت جمعیت قضایی البانیایی تباران محلی کوسوو اتخاذ نمود تا امور عدلی مربوط را اداره کنند. این قوه قضائیه یک قومی خود را با قضایای مربوط به خشونت‌های قومی و جرایم سازمان یافته بی‌مواجه دید که در آن صرب تباران کوسوو نیز دخیل بودند. تصمیم مذکور در شرایطی اتخاذ شد که فوراً بعد از آن برخورد‌های میان صرب تباران طرفدار میلسویچ، و نیروهای امنیتی یوگوسلاویا و اردوی آزادی بخش البانیایی تباران کوسوو، صورت گرفت. برخورد قضایی برابر و یکسان که ممکن توقع میرفت در زمینه صورت نگرفت، ضربه روانی جنگ، گرایش‌های خود غرضی و تعصب واقعی، ارباب و تهدیدهای خشونت، همه در یک ترکیب، یک سیستمی را ایجاد کرد که علیه صرب‌های کوسوو از تعصب کار می‌گرفت (چوکات مندرجه صفحه 86-87 در فصل چهارم ملاحظه گردد). جامعه بین‌المللی با درک حقیقت مذکور، از تصمیم مقدماتی خود منصرف و تصمیم گرفت تا قضات و خانونان بین‌المللی را بکار بگمارند تا در قضایای حساس در پهلوی پرسونل البانیایی کوسوو کار کنند. تعداد زیاد از کارشناسان استدلال می‌کردند، اگر پرسونل بین‌المللی قبلاً گماشته میشد، میتوانست یک نظام قضایی مؤثر و بیطرف به زودی ایجاد گردیده و مانع ساختارهای قدرت جنایی میشد تا بر اقتصاد سیاسی مسلط گردد.

آن جوامع بعد از جنگ که با فقدان ظرفیت، دانش و منابع جهت مبارزه با جرایم جدی مواجه‌اند، اقلماً مقتضی کمک‌های خارجی در اشکال آموزشی، کمک‌های تخنیکی و فراهم ساختن وجوه مالی لازم خواهند بود. با در نظر داشت خصوصیت بی‌ثبات کننده جرایم جدی، و ماهیت شکننده و حساس جوامع بعد از جنگ، رویهمرفته اینگونه کمک‌ها کافی نخواهد بود. به گونه مثال، به مؤسسات عدلی و قضایی در جوامع بعد از جنگ طوری نگریسته میشود که آنها در سوء استفاده‌های مربوط به شرایط جنگ ملوس و یا در حقیقت در آن شامل و دخیل‌اند. به همین ترتیب پرسونل ملی نظام عدلی در زمان جنگ ضربه‌های روانی را تجربه

نموده اند یا آنهایی که ممکن است عضویت گروه‌های رقیب قومی، مذهبی یا سایر گروه‌های را داشته باشند که چنین ضربه‌ها را تجربه نموده اند، از آنرو آنها قادر نخواهند بود وظایف شانرا بشکل بی طرفانه انجام دهند و یا ممکن به کار آنها از جانب کدام گروه مخالف به دیده تعصب نگریسته شود. در این چنین شرایطی ممکن است کمک‌های اضافی خارجی لازم شمرده شود. در این جمله میتوان از اتخاذ تدابیری برای ایجاد اعتماد متقابل، بشمول میکانیزم‌های مراقبتی و حفاظتی، یادآوری نمود.

حتی اگر پرسونل داخلی خود غرض و متعصب هم نباشد، آنها ممکن است در برابر حملات خشونت‌بار گروه‌های مجرمین و همچنان گروه‌های "زهرآکین" (یعنی آنهایی که از شگوفایی صلح می‌ترسند زیرا آنها از یک محیط بی ثبات نفع می‌برند)، زیاد آسیب پذیر باشند. چنین گروه‌ها این امر را برای پرسونل داخلی ناممکن میسازد تا وظایف محوله را به حسن صورت انجام دهند. چنین شرایطی ممکن است انواع مختلف کمک‌ها، چون فراهم ساختن محافظت‌های شخصی، تشکیل واحد‌های خاص پولیس یا محاکم اختصاصی یا بخش‌های اختصاصی، و به همین ترتیب توظیف قضات، خارتوانان و پولیس بین‌المللی، در نقش‌های اجرایی را ایجاب نماید.

سطوح بالایی مقامات یک دولت متزلزل، ممکن توانایی مقابله با جرایم جدی را بدون قبول سقوط قدرت سیاسی نداشته باشند. به همین ترتیب مقامات داخلی کشور میزبان ممکن فاقد تعهد لازم برای مبارزه با جرایم جدی باشند، زیرا شبکه‌های جنایی در ساختارهای قدرت نفوذ نموده است، در این گونه اوضاع و احوال، یک دخالت نیرومند بین‌المللی که بدست گرفتن نقش اجرایی در عرصه‌های مربوط به فعالیت پولیس و صلاحیت‌های قضایی مربوط به رسیده‌گی به جرایم جدی را در برگیرد، ممکن است ضروری پنداشته شود.

بسیاری کشور‌های بعد از جنگ بعضی ترکیب‌های سناریو‌های فوق‌الذکر و همچنان چالش‌های دیگر منحصر به فرد را از خود تبارز خواهند داد. از این لحاظ، درک دقیق کمبود‌های یک وضعیت بعد از جنگ و کشمکش جهت تعیین مجموعه‌های درست و مناسب کمک‌های بین‌المللی مهم شمرده میشوند.

عوامل یا فکتور‌ها مربوط کشور میزبان

نهایت ضروری شمرده میشود تا آئنده عوامل اجتماعی، کلتوری و تاریخی در نظر گرفته شوند که بالای مؤثریت کمک‌های خارجی اثرگذار میباشند. بعضی جوامع ممکن از دخالت بین‌المللی استقبال کنند، در حالیکه دیگران ممکن آنرا با سؤطن عمیق تلقی کنند. به همین ترتیب ممکن است پرسونل بعضی کشور‌های معیین در مقایسه با پرسونل سایر کشور‌ها به آسانی پذیرفته شود. کشور میزبان ممکن مفکوره فعالیت پرسونل بین‌المللی را در یک ظرفیت اجرایی رد کند، اما میتواند در رابطه به مشاوران آموزگاران و فراهم‌کننده‌گان مساعدت‌های تخنیکی همکاری، مشتاق باشند. زیرا جوامع بعد از جنگ ممکن است با خط‌های قومی، مذهبی و غیره منقسم شده باشند. گروه‌ها مختلف در یک کشور ممکن در رابطه به دخالت بین‌المللی عکس‌العمل‌های مختلف از خود تبارز دهند. اکثر اوقات این گروه‌آسیب‌پذیر است که از دخالت نیرومند بین‌المللی استقبال میکند، در حالیکه آنهایی که قدرت را بدست دارند، ممکن با این امر مخالفت ورزند، زیرا دخالت بین‌المللی کنترل آنها را بالای کشور تهدید مینماید. از آنرو، در هر گونه وضعیت و

شرایط، دخالت بین‌المللی حین غور و بررسی تهدید جرایم جدی باید در مطابقت با این فکتور‌ها تنظیم گردد. در صورت فقدان مشروعیت و پذیرش جامعه بعد از جنگ، دخالت بین‌المللی ممکن ناکام شده و نتیجه معکوس دهد.

از اینکه هر کشور خصوصیات منحصر بفرد خود را دارد، از آنرو این امر حایز اهمیت شمرده میشود تا در برابر برداشت و نظریه مبنی بر اطلاق و اجرایی اتومات اموری که در جای دیگر اجرا گردیده مقاومت شود. مؤفقیت در یک جای یا محل به وسیله فکتورهای مختلف و پیچیده معیین میگردد، که از جمله از ماهیت جنگ و کشمکش و همچنان از سابقه تاریخی کشور در رابطه به دخالت خارجی میتوان یادآوری نمود. به نظر نمی‌رسد که این طیف گسترده و پیچیده عوامل در کشور دیگری تکرار شود. بطور مختصر باید گفت که، اوضاع و احوال مختلف طرز برخورد های مختلف را ایجاب میکند. به گونه مثال، از توظیف قضاات و خارتوانان بین‌المللی، بطور عموم در کوسوو استقبال شد و بعد از 6 سال مراقبت و نظارت بین‌المللی در بوسنیا و هرزگوینا نیز مورد رضایت قرار گرفت. این امر در افغانستان حتی مطرح هم نه شد، در آنجا از پولیس همکار بین‌المللی و مشاورین مبارزه علیه مواد مخدر و مشاورین خارتوانالی، محاکم و امور مربوط به محابس از کشورهای بسیار گوناگون و سازمان‌های مختلف، استقبال گردید.

تعهد و منابع

تعهدات سیاسی و مالی فراهم کننده گان کمک باید با ضرورت‌های وضعیت بعد از جنگ مطابقت داشته باشد. کمک در زمینه مبارزه با جرایم جدی، خصوصاً وقتی شامل توظیف پرسونل بین‌المللی باشد، یک تلاش گران قیمت، طویل‌المدت و خواستار اکمالات لوژستیک میباشند. طرق حل سریع برای حل مشکل جرایم جدی وجود ندارد. حتی در کشورهایی که از طرز برخورد پیچیده و معتدل در مبارزه با جرایم کار گرفته میشود، تعهدات متداوم و منابع وسیع لازم میباشد. در بعضی شرایط، قضایای انفرادی، خصوصاً جرایم پیچیده سازمان یافته و جرایم جنگی، میتواند پنج سال را در برگیرد تا جرایم مذکور مورد تحقیق و تعقیب قانونی قرار گرفته و محاکمه شوند. در هم شکستن شبکه‌های جنایی میتواند مدت بیشتر را در برگیرد. از آنرو فراهم کننده گان کمک‌های بین‌المللی باید برای پادرمیانی‌های احتمالی طولانی مدت آماده بوده، پرسونل و منابعی را که به مرور زمان تغییر خواهد یافت فراهم نموده بتوانند. بطور مثال، توظیف قضاات بین‌المللی ممکن بطور مقدماتی لازم باشد تا یکجا با قضاات داخلی روی قضایای مربوط به جرایم جدی کار کنند، اما به مرور زمان نقش بین‌المللی به تدریس یا نظارت تغییر خواهد یافت.

حقوق دانان زیادی روشی را پذیرفته اند که اگر منابع کافی به زودی بدست نیایند، در این صورت بهتر خواهد بود تا دخالت را در مقام اول بعهده نه گرفت. مسلماً در بعضی موارد وعده‌های پوره نه شده و توقعات میتواند اعتبار هر دو یعنی کمک بین‌المللی و دولت میزبان را تحت سوال قرار داده و عناصر جنایی را بیشتر تشویق کند. از اینکه عملیات کمکی بعد از جنگ بطور ضروری تعبیه شده و تعهدات احتمالاً قبل از تشخیص منابع صورت گرفته باشد، از آنرو مهم است تا محدودیت‌های احتمالی در زمینه آن منابعی تشخیص گردد که آماده خواهد شد، تا مطابق آن یک پلان کلی کمک ترتیب شده بتواند.

مسائل مربوط به توظيف پرسونل بين المللی

هر نقشی را که پرسونل بین المللی ایفا میکند، این یک اصل پذیرفته محسوب می‌گردد که افراد مناسب در وظایف مناسب با سازماندهی و تشکیلات مناسب، با منابع کمکی کافی میتواند در زمینه کنترل مشکل جرایم جدی اثرگذار باشد. اگرچه تجارب عملیات قبلی صلح نشان داده است که یک یا چند تا از سلسله عواملی، مثلاً طرز العمل خراب انتخاب پرسونل و طرز العمل های طاقت فرسای استخدام، فقدان امکانات آموزشی و نبود پاسخ گویی و میکانیزم های مراقبتی میتواند در بهترین صورت به نا مؤثر ساختن پروگرام ها و در بدترین صورت به تحلیل بردن اهداف و مقاصد گوناگون کمک، منتج گردد.

استخدام و طول مدت گماشتن

برای تأمین مؤثریت امور مربوط، پرسونل بین المللی بایست از هر دو یعنی مجموعه از مهارت های مسلکی برای تقشی که آنها بازی میکنند و یک شخصیت که با چالش های خاص یک محیط بعد از جنگ و ستیزه سازگار باشد، برخوردار باشند. این تذکر ممکن واضح تلقی گردد، ولی در عمل پرسونلی پیدا میشود که نه دارای آن مهارت ها و نه آن خصوصیات شخصی است تا وظایف محوله را که به او سپرده شده، انجام دهد. این عدم مطابقت یک کمبود جزئی پنداشته نمی شود، بلکه این نتیجه مشکلات متعددی است که فراهم کننده گان کمک های متقابل یا چند جانبه در زمینه استخدام پرسونل شایسته و واجد شرایط با آن مواجه میباشند. تعداد کاندیدان، با مهارت ها و تجارب لازم، اندک است تا با آنها به کار آغاز نمود. معمولاً طرز العمل های بطی و طاقت فرسای استخدام که به وسیله سازمان های چند جانبه متعدد بکار گرفته میشود، پیدا کردن پرسونل واجد شرایط را هنوز دشوارتر میسازد و در پر کردن بست های مورد نظر باعث تأخیر بیش از حد میگردد. اتکا بالای افراد خدمتی حکومت و (در رابطه با آن کشور ها و سازمانهای بین المللی که قراردادی فرعی اند) کمپنی های قراردادی خصوصی، کنترل فراهم کننده گان کمک را بالای شایسته گی های انتخاب پرسونل بیشتر تقلیل مبخشد.

کاندیدان واجد شرایط با سهم گیری در عملیات کمک های بین المللی با انواع دلسردی ها مواجه میشوند: قضات، خارتوانان، پولیسان بر حال و سایر افراد مسلکی این امر را دشوار درمیابند که حتی از وظایف دایمی شان رخصت بدون معاش بگیرند. مشوق های بسیار اندکی برای بعهده گرفتن یک وظیفه خارجی وجود دارد، این امر اکثراً ناممکن (و با در نظر داشت شرایط نا امن) و عاقلانه نیز پنداشته نمیشود که خانواده ها، پرسونل مورد نظر را به خارج همراهی کنند، به همین ترتیب کشور های متعدد دوتر علاقه ندارند تا بهترین کارمندان خود را به وظایف خارجی اعزام بدارند. برعلاوه اگر افراد مسلکی واجد شرایط خدمت هم کنند، آنها برای مدت نسبتاً کوتاه

قاضیان و خارتوانان بین المللی قرار داد های دراز مدت را امضاء میکنند

برعکس قرار داد های شش ماهه قابل تجدید که عموماً به قاضیان و خارتوانان بین المللی در کوسوو پیشنهاد می شد، بدون آنکه هیچ گونه مانعی جهت رها کردن کار در نیمه قرار داد موجود باشد، اداره ثبت محاکم رسمی بوسنیا، از ماه نومبر سال 2005 از خارتوانان بین المللی خواستار امضاء قرار داد های دوساله شد، و در صورتی که دوره کامل قرار داد تکمیل شود، مبلغ ده هزار یوروی اضافی را پیشنهاد می نماید.

چالش های موجود در زمینه تأمین پرسونل بین المللی واجد شرایط

شواهد قابل قبول، مجرمین خطرناک دوباره رها شدند.

مساعی جهت پرکردن بست های قضات و خائوالان بین المللی بطور مشابه بنا بر فقدان گروهی کارشناسانی که قابلیت ارزیابی و گزینش کارمندان واجد شرایط را داشته باشد، و همچنان طرزالعمل استخدام نا مؤثر، بیروکراتیک و طاقت فرسای ملل متحد با مانع و تأخیر مواجه شد. (دفتر ملل متحد UNMIK حتی پست های خالی را در صفحه اینترنتی مخصوص Galaxy که پست های خالی مربوط به سایر عملیات های صلح در آن اعلان میشود، اعلان نمی کرد). قتل و کمبود کاندیدان بدان منجر گردید که بعضی قضات بین المللی با تجارب تجارتي و غیر محاکم جنایی استخدام گردیده و از آنها توقع برده میشد تا قضایای پیچیده و بغرنج مربوط به جرایم سازمان یافته را مورد رسیدگی قرار دهند. قابلیت لسانی نیز بعضاً نادر و اندک بود. در یک مورد، یک قاضی بین المللی بقدر کافی به زبان انگلیسی بلد نبود، تا تصامیم و رأی هیأت قضایی را به زبان مأموریت مورد نظر بنویسد. به تدریج عملکرد های مربوط به استخدام بهبود یافت. دفتر ملل متحد UNMIK یک کمیته را با شرکت یک قاضی بین المللی جهت مصاحبه نهایی را برای استخدام قضات بین المللی و یک خائوالان بین المللی جهت مصاحبه نهایی را برای استخدام خائوالان بین المللی انجام دهند، تشکیل نمود.

مساعی ملل متحد در کوسوو جهت نیل به هدف بلند پروازانه کنترل کامل بالای وظایف محوله پولیس در سه ماهی بعد از تصویب مأموریت آن، بنابر مشکل حاد در زمینه استخدام افسران شایسته پولیس بین المللی با موانع مواجه شد. تقریباً یک سال بعد، کمتر از نصف بست های منظور شده پر شد. برعلاوه، با وجود ارزیابی دقیق ملل متحد، بعضی از افسران استخدام شده پولیس نا شایسته ثابت شده و بنا باید به کشور های اصلی شان دوباره اعزام میشدند. البانیایی تباران و صرب تباران کوسوو، در رابطه به تفاوت میان آن‌ده افسران پولیس بین المللی که آنها آنر مفید تلقی میکردند و آن‌های که نا شایسته یا بی کفایت خوانده میشدند، آزادانه ابراز نظر میکردند. در حالیکه تعداد افراد شایسته زیاد بود، با آنهم بعضی افسران بین المللی پولیس ملل متحد که با تحقیقات مربوط به جرایم سازمان یافته با سطح بلند حساسیت یا جرایم جنگی سروکار داشتند در رابطه به اساسات تحقیقات جنایی، تنظیم امور مربوط به محل واقعه و جمع آوری شواهد لازم تجربه اندکی داشتند. برعلاوه، آموزش های ابتدایی برای پولیس بین المللی به مسایل مربوط به طرزالعمل های جنایی در کوسوو بقدر کافی نه پرداخت و پولیس بین المللی از خائوالان و قضات بین المللی که میتوانستند در این زمینه کمک کنند استفاده نکرد. به عنوان یک نتیجه، راه اندازی نادرست تحقیقات، انجام نامناسب اوامر تلاشی و ترتیب نادرست دوسیه ها برای تعقیب عدلی، بدان منجر گردید که بنا بر نبود

خدمت میکنند. (یک دوره نوبتی معمول در کشور میزبان بنابر محدودیت های بیروکراتیک و عدم علاقه کاندیدان برای به عهده گرفتن وظایف با سطح میعاد بلندتر تنها 6 ماه است.)، این بدان معنی است که استخدام پرسونل جدید یک تلاش پایان نا پذیر محسوب میگردد.

این مشکلات بخوبی درک شده و بعضی پیشرفت های در زمینه رفع آن نیز صورت گرفته است. مساعی جامعه بین المللی در زمینه مبارزه علیه جرایم جدی و تقویت سیستم های عدلی جنایی در طول چند سال گذشته مخصوصاً در بوسنیا و کوسوو باعث آن شد تا یک تعداد قابل ملاحظه کارمندان با تجربه مسلکی بین المللی عرض وجود کنند. یک تعدادی از کشورهای دوزن، نهاد های چند جانبه و سازمان های غیر دولتی، میکانیزم های جدید را به وجود آورده اند تا مسایل مربوط به استخدام را بشمول "ایجاد ذخایر احتیاطی پرسونل" ایجاد گروه های پرسونل قبلاً

انتخاب شده و آموزش دیده، بهبود بخشند. باید تلاش گردد تا اطمینان حاصل شود که پرسونل با تجربه و مهارت‌های لازم جهت مبارزه با جرایم جدی شامل این میکانیزم‌های باشد.

حتی اگر پرسونل بین‌المللی تعهد نماید که برای مدت یک الی دو سال خدمت میکند، ولی معیاد واقعی خدمت مؤثر آنها محدود خواهد بود. این امر یک مدت زمان را در بر میگیرد تا با محیط بعد از جنگ تطابق حاصل شود، تا چهارچوب حقوقی محلی دانسته شود، تا فهمی از کلتور محلی حاصل گردد و تا اینکه ارتباطات شخصی ضروری جهت اجرای مؤثر وظایف با اداره محلی تأمین شود. در ساحه جرایم جدی، تحقیقات و محاکمه این جرایم میتواند سالها را در بر گیرد تا تکمیل شوند. از آنرو تغییر و تبدیل پرسونل در وسط کار یک تحقیقات یا محاکمه میتواند مشکلات جدی را به وجود آورد. نه تنها از رهگذر حافظه تشکیلاتی، بلکه همچنان تمام معلومات و دانش راجع به یک قضیه میتواند به چند یادداشت در یک دوسیه مربوط یک قضیه تنزیل یابد. این امر مخصوصاً در یک محیط گیج‌کننده که در آنجا برای مستند ساختن درست هر قدم وقت اندک وجود دارد، حایز اهمیت زیاد میباشد. در جاییکه کارنوبتی با معیاد های طولانی ممکن نباشد، معرفی پرسونل جدید بایست بشکل متناوب صورت گرفته، ریکارد ها و سوابق باید با احتیاط نگهداری شده و مسؤلیت ها باید به یک نحوه بی عیبی ممکن انتقال یابد. (طور مثال، یکجا کار کردن یک خائونال یا قاضی جدید التقرر با قاضی یا خائونال که معیاد خدمت او پوره شده برای چندین هفته، میتواند در این زمینه ارزشمند تلقی گردد.)

انتخاب پرسونل شایسته و واجد شرایط

پرسونل بین‌المللی باید دارای سه نوع مختلف مهارت ها و دانستنی های علمی باشند: تجربه قابل توجه در رابطه به وظیفه خاص شان، معلومات درباره چهارچوب حقوقی، سیستم قضایی، تاریخ، سیاست و همچنان زبانهای کشور میزبان، و به همین ترتیب مهارت های ارتباط با مردم این دانستنی ها و مهارت ها آنها را قادر خواهد نمود تا وظایف محوله را در یک محیط پراز پریشانی بطور مؤثر، انجام دهند.

پرداختن به جرایم جدی، مقتضی یک سلسله مهارت های خاص میباشد. قضات و خائونالانی که برای انجام وظیفه در یک کشور بعد از جنگ توظیف میشوند، باید در زمینه پیش برد امور مربوط به جرایم پیچیده و بغرنج از تجارب قابل ملاحظه برخوردار باشند. آنها باید از تجارب کار با یک گروه مختلف مظنونین و شاهدان، ترجیحاً با شاهدان بی میل و قضایی که در آن ارباب شاهدان مطرح باشد، برخوردار باشند. تجارب مسلکی در یک شهرک کوچک و از نظر قومی هم جنس، با تعداد اندک جرایم سازمان یافته و عدم موجودیت خشونت گروه های جنایتکار، ممکن است قضات و خائونالان را برای انجام وظیفه در یک شهر بزرگ یا پایتخت که در آن شاهدان و مظنونین از یک حلقه گسترده گروه های قومی، مذهبی و گروه های اقتصادی و اجتماعی مختلف، منشأ میگیرند، آماده نه سازد. خائونالان بایست از تجربه کار مؤثر با انواع خاص جرایم جدی که در جامعه بعد از جنگ و ستیزه متداول میباشد، مثل تروریزم، قاچاق مواد مخدر، تشبثات جنایی که در سطح جهانی فعالیت میکنند یا گروه های جنایتکاری که در ارباب و اخاذی دخیل میباشند، تجربه داشته باشند. آنها باید در زمینه هماهنگی با خائونالان خارجی و پولیس ورزیده بوده، تحقیقات مربوط به قضایای محوله را که در آن با شاهدان و قربانیان بی میل و آسیب پذیر سروکار خواهد داشت، انجام داده یا رهنمایی نموده و بتواند مجموعه کامل قوانین، وسایل و شیوه هایی را که در فصل سوم، چهارم و پنجم مورد بحث قرار گرفت، به این منظور بکار گرفته بتواند.

به همین ترتیب، آن‌عه افسران پولیس بین‌المللی که جهت انجام تحقیقات جرایم جدی، یا جهت تدریس و تربیه پولیس ملی گماشته میشوند تا خود این کار را انجام دهند، باید دارای مهارت‌های لازم در عرصه‌های ذیل باشند. بطور مثال، در عرصه‌های چون پرسش و گفتگو با شاهدان، طرح ستراتیژی‌های تحقیقات، جمع‌آوری معلومات از طریق مراقبت، ضبط و کنترل سری مکالمات و سایر تخنیک‌ها و روش‌های تحقیقات، مورد هدف قرار دادن فعالیت‌های نامشروع مالی و تطهیر پول، انجام تلاشی، هماهنگی تحقیقات با ادارات خارجی مربوط به تنفیذ قانون و مسایل مربوط به محافظت شاهدان. ممکن است این امر همچنان ضروری پنداشته شود تا آن‌عه افسران پولیس که در زمینه انواع خاص جرایم مثلاً در زمینه جرایم قاچاق انسان، جرایم مربوط به نوجوانان و جرایم مالی تجربه داشته باشند و به همین ترتیب پولیسانی با داشتن مهارت‌های خاص در عرصه تحقیقات، مثلاً تحلیل‌های علمی و مسایل مربوط به صدا و آواز، نیز استخدام شوند. این یک‌لست جامع و شامل همه جزئیات نیست ولی، ضرورت برای کاشناسان را شرح می‌کند. متأسفانه، با وصف این همه، این نیازمندی‌اکثر اوقات به عنوان نتیجه عجله و علاقه آماده‌گی جهت استخدام اولین نفر موجود، نادیده گرفته میشود. مشکل مذکور با انکشاف چهارچوب وظایف و پروگرام‌های آن هنوز پیچیده تر میشود که اکثراً مقتضی توظیف پرسونل برای یک هدف میباشد تا متعاقب آن وظیفه دیگر یا وظایف بیشتر اختصاصی در رابطه به جرایم جدی به عهده گرفته شوند.

دانستن جزئیات سیستم حقوقی کشور میزبان، یا حد اقل علاقمندی برای آموختن آن و احترام و رعایت آنها یک شرط قبلی دیگری شمرده میشود. نظام حقوقی یک کشور بعد از جنگ به هر اندازه که آسیب دیده باشد، ولی ندرتاً بطور کلی نابود شده است پرسونل بین‌المللی غیر مؤثر و به احتمال زیاد یک مانع خواهد بود، مگر اینکه آنها با آموختن خوب سیستم حقوقی محلی خود را آسوده سازند. آشنایی با ماهیت جنگ و کشمکش، تاریخ کشور یا منطقه و پالیسی‌های آن، مخصوصاً در رابطه به وضعیت جرایم جدی، ضروری میباشد، تا یک نفر بتواند کار کسی را در یک گستره وسیع تر ملاحظه نموده و تا از حساسیت‌های محلی قدردانی کند. دانستن یک لسان ملی بنابر دلایل واضح بسیار مطلوب شمرده میشود. پرسونل مورد نظر باید اقل در لسانی که جامعه بین‌المللی با آن عملیات را انجام میدهد خوب بلد باشد. پروگرام‌های آموزشی قبل از توظیف پرسونل را قادر خواهد ساخت تا به مجرد داخل شدن به کشور میزبان بیشتر از پیش مؤثر باشد.

برعلاوه شایسته‌گی‌های مسلکی، پرسونل مورد نظر باید بمنظور کار مؤثر در یک کشور خارجی که اکثراً یک محیط توأم با چالش‌ها میباشد، دارای یک سلسله مهارت‌ها و دانستنی‌های دیگر نیز باید باشد. محیط‌های بعد از جنگ که پرسونل بین‌المللی در آن بکار گماشته میشود، تقریباً همیشه با فقدان ساختارها بنیادی تشکیلاتی، منابع و زیر بنا‌های لازم جهت مبارزه با جرایم جدی مواجهه میباشد. ممکن است از پرسونل بین‌المللی مطالبه گردد که نه تنها مهارت‌های خاص (مثلاً مهارت‌های مربوط به تحقیق، تعقیب قانونی و قضاوت) مسلکی شان را بکار گیرند، بلکه همچنان در ساختن مؤسساتی که آنها در آن کار میکنند، مثلاً، طرح پالیسی‌ها، طرز العمل‌های عملیاتی، تنظیم بودجه و ایجاد میکانیزم‌های نظارتی و مراقبتی، نیز سهم بگیرند. برعلاوه قابلیت کار مشترک با مترجمین و تنظیم رتم و سجع سوالات و مباحث با در نظر داشت سطح مهارت‌های مترجمین ضروری میباشد. به همین ترتیب آمیزش با کلتور کشور میزبان، همچنان ضروری میباشد، از این رهگذر تجارب کار قبلی و زنده‌گی در کشور‌های بعد از جنگ باید در پروسه انتخاب، بسیار با ارزش تلقی گردد.

تعداد زیادی از کارشناسان سابقه‌دار بین‌المللی مربوط به مساعی مبارزه علیه جرایم جدی، مهارت‌های تأمین روابط با مردم و فروتنی را برای موفقیت، به اندازه مهارت‌های مسلکی، با ارزش تلقی می‌کنند. خود خواهی، تکبر و خوارشمردن دیگران پدیده‌های مضر بوده و اعتبار پرسونل بین‌المللی و سایر فعالین بین‌المللی را در چشم فعالین داخلی به تحلیل میبرد. احترام به کلتور ملی و حساسیت‌های یک جامعه برای یک کسی به عنوان فرد خارجی، برای بدست آوردن اعتبار مردم و انجام کار مؤثر با فعالین ملی حایز اهمیت زیاد می‌باشد.

منابع کمکی

بیشترین بخش پرسونل بین‌المللی جهت انجام وظایف در یک کشور بعد از جنگ، جایی که مواد عمده و زیربناها وجود ندارند، به حمایت مالی و مادی نیازمند خواهد بود. در عملیات‌های قبلی صلح، بعضی مساعی بین‌المللی بنا بر ناتوانی در فراهم ساختن سریع و چوه مالی و وسایط نقلیه، تجهیزات مربوط به تأمین ارتباطات، اساسیه و لوازم دفتر و همچنان لوازم آموزشی با موانع مواجه شده‌اند. پرسونل بین‌المللی همچنان به مترجمین شفاهی و تحریری و همچنان کارمندان اداری (طور مثال مامورین) ضرورت خواهند داشت. این منابع باید بعنوان بخشی از پروسه ارزیابی، از ابتدا پلانگذاری شود، تا از تأخیر و سکتگی در توانایی عملیات پرسونل جلوگیری بعمل آید. (فصل دوم ملاحظه شود.)

در بعضی عملیات صلح، کشورهای دوتر و سازمان‌های بین‌المللی یکجا باهم کار میکنند تا منابع مورد نیاز را فراهم سازند. بطور مثال، در آغاز پروگرام قضات و خارنوالان در کوسوو، OSCE و یک کشور دوتر، اساسیه، تجهیزات و کمپیوترها را تا هنگامی تدارک می‌کرد که

طرزاعمل‌های اداری دفتر ملل متحد UNMIK توانایی آنرا کسب نمود که معیین سازد چطور میتواند بودجه لازم را برای کارمندان بین‌المللی ملل متحد که در محاکم محلی کار میکنند، فراهم سازد.

مسایل امنیتی پرسونل یک عرصه دیگری است که فراهم نمودن منابع کمکی جهت مصونیت آنها ممکن ضروری باشد. پرسونل در این زمینه ممکن به هر چیزی مثل وسایل زیرپوش زرهی، تأمین ارتباطات و تأسیسات مصون و همچنان وسایط زرهی، ضرورت داشته باشند. در بعضی حالات پرسونل بین‌المللی ممکن به تیم‌های محافظت‌حاضر باش که آنها را به همه جای که آنها تأسیسات مصون خود را ترک

خلاف رفتاری به وسیله فعالین بین‌المللی در عملیات‌های صلح

خلاف رفتاری به وسیله پرسونل بین‌المللی در عملیات‌های صلح، بشمول عملیات در بوسنیا و هرزگوینا، برون‌دی، جمهوری دیموکراتیک کانگو، هایتی، آیوریکوست، کوسوو و لایبیریا ملاحظه شده‌است. در کوسوو، هجوم فعالین بین‌المللی با تکثر و افزایش فحاشی و قاچاق زنان، دنبال‌گردید. با در نظر داشت این مطلب که، مجرمینی که کار و بار فحاشی و قاچاق را کنترل می‌کردند، از نزدیک با افراطیون سیاسی بی‌پیوند داشتند که با حضور بین‌المللی مخالف بودند، اعضای جامعه بین‌المللی در عواید مارکیت سیاه که رقبای آنها را تقویت می‌کردند، بطور مؤثر شریک بودند. پولیس ملل متحد UNMIK، یک طرزاعمل سلوک و روش، یک واحد تحقیقاتی داخلی و یک نظام‌دسپلینی را در ابتدای عملیات صلح ایجاد نمود. کمشنر پولیس بطور منظم اقدامات دسپلینی بشمول عزیمت دوباره پرسونل به کشور اصلی شان را اتخاذ مینمود. اگرچه کشور‌های عضو ندرتا از اتخاذ اقدامات دسپلینی علیه اتباع‌شان ممانعت نموده‌اند، با آنهام اجراتی که در این زمینه صورت می‌گرفت، اعتبار UNMIK را در نزد مردم داخلی زیر سوال قرار میداد.

سؤ رفتار های حافظین صلح ملل متحد

اتهامات مکرر سؤ رفتار به وسیله پرسونل حفظ صلح ملل متحد، در هردو بخش نظامی و ملکی، سرمشی ملل متحد را بدان واداشت تا افرادی را جهت ترتیب یک گزارشی در این زمینه مؤظف سازد تا موضوع مذکور را مورد ارزیابی قرار داده و توصیه های را در زمینه چگونگی تأمین پاسخگویی ازایه کند. مشاور سرمشی ملل متحد در موضوعات مربوط به بهره برداری های جنسی و سؤ رفتار ها به وسیله پرسونل حفظ صلح ملل متحد، شهزاده زید آل حسین، سفیر کشور اردن در سازمان ملل متحد در ماه مارچ سال 2005 یک گزارشی را نشر نمود. گزارش مذکور مساعی موجود برای جلوگیری از سؤ رفتار را ناکافی خوانده و در پهلوی آن روش بهره برداری، بشمول بهره برداری جنسی و سؤ استفاده ها را گسترده قلمداد نموده بود. گزارش مذکور توصیه های وسیع را در زمینه ارایه و از سکرتریت ملل متحد و از کشور های عضو مطالبه مینماید تا جهت جلوگیری از بد رفتاری و تقویت میکانیزم های پاسخ دهی و مسؤلیت پذیری، بشمول اقدامات دسیپلینی و تعقیب عدلی جنایی به متخلفین، اقدامات لازم بعمل آید.

میکنند همراهی کنند، ضرورت داشته باشند. و یا اگر تأسیسات مصون میسر نباشد که آنها را 24 ساعت محافظت کنند. مصرف چنین تدابیر بسیار زیاد است، اما به آن می ارزد تا بطور مؤثر فعالیت نمود.

احساس مسؤلیت و حسابدهی

از اینکه اکثریت قاطع پرسونل بین المللی با درستی رفتار میکنند، ولی بعضی این موقف آنها را مورد سؤ استفاده قرار میدهند و بسیاری دیگر با کردن چنین کاری متهم میشوند. جهت محافظت از چنین اغوا و فریبکاری و اتهامات، آئعهه پرسونل بین المللی که با امور مربوط

به مبارزه با جرایم جدی سروکار دارند، بایست تابع طرز العمل های شفاف حسابدهی قرار داشته باشند. در بعضی عملیات های قبلی صلح، یک فقدان فرضی یا واقعی احساس مسؤلیت و حسابدهی، محدودیت های را در برابر مؤثریت و اعتبار آنها در نزد مردمان محلی به وجود آورد. علاوه از این فعالین جنایی ممکن سعی کنند تا به پرسونل بین المللی رشوت دهند، این امر مخصوصاً در شرایط نبود یک میکانیزم شفاف امکانات بیشتر میتواند وجود داشته باشد. با در نظر داشت اینکه مردم عامه معمولاً نخستین قربانیان جرایم جدی و یک متحد ضروری در شکل شاهدان و اطلاع دهنده گان در زمینه کنترل جرایم جدی شمرده میشوند، از آنرو کدام اشتباه در زمینه حسابدهی میتواند اشتباه کشته باشد. طرز العمل های شفافیت و حسابدهی، بشمول تدابیر پیگرد قانونی و دسیپلینی، باید در ابتدای کار یک عملیات گنجانیده شده و تدابیر مذکور باید برای هر دو یعنی پرسونل بین المللی و هم مردم عامه واضح ساخته شود.

آئعهه پرسونل بین المللی که از جانب سازمانهای بین المللی یا منظوقی در یک کشور بعد از جنگ گماشته میشوند، تحت پوشش تدابیر معافیتی بی قرار دارند که از میثاق های بین المللی یا موافقتنامه های دو جانبه، نشأت میکند. این گونه تدابیر جهت حفاظت پرسونل بین المللی در برابر ادعا های بیهوده به وسیله آنانی که در پی مغشوش ساختن اوضاع اند، ضروری میباشد. مثلاً ادعا های افترا که علیه پولیس بین المللی، خارتوالان و قضات نشانه گرفته میشوند و همچنان سایر اتهامات دروغی که جهت بی اعتبار ساختن درست کاری کارمندان بخش عدلی ساخته و پرداخته میشوند، ضروری شمرده میشود. معافیت مذکور اگرچه معافیت مطلق نیست، بلکه به آن اعمالی محدود میشود که در حیطه اجرای وظایف رسمی انجام میشود، و حتی اینجا هم معافیت در صورتی باطل شده میتواند که اگر آنها برای داعیه عدالت خدمت میکنند. از آنرو این امر ضروری پنداشته میشود تا آئعهه پرسونل بین المللی که در هنگام عملیات صلح مرتکب کدام جرم

میشوند، یا در یک سؤرفتار گنهکار ثابت میشوند، باید با در نظر داشت اهمیت و ضرر اعمال نا شایسته ارتکاب یافته، تابع پروسه تعقیب عدلی یا طرز العمل های دسپلینی شوند. معافیت خصوصاً وقتی که پرسونل بین‌المللی به محلی موظف میشوند که حقوق بشر در آنجا پایمال شده و معافیت مقامات به یک نورم و معیار، مبدل گردیده، قابل قبول بوده نمی تواند. پروسه تأمین یک سیستم مبنی بر حاکمیت قانون از مسول شناختن آنانی آغاز میگردد، که وظیفه آنها ایجاد چنین یک سیستمی است. در صورتیکه اتباع یک کشور بعد از جنگ در برابر اعمال شان مسول شناخته میشوند، به عین ترتیب باید با فعالین بین‌المللی نیز رفتار صورت گیرد. برخورد نا برابر در این زمینه مساعی برای تحقق اندیشه برابری در برابر قانون را مختل ساخته و اعتبار پرسونل بین‌المللی را در مجموع تضعیف مینماید.

سازمان های بین‌المللی و منظوقی و همچنان هر کشور دونر باید یک پالسی جز وار و مجموعه از رهنمود های را داشته باشد تا تعیین نمایند که چه وقت ابطال و فسخ معافیت تجویز شده میتواند. علاوه از اینها هر کشور سهم گیرنده باید اطمینان حاصل نماید که پرسونل بین‌المللی بی‌را که مؤظف میسازد، در برابر برخورد نادرست شان مسؤل میباشند. از آثرو پروگرام های آموزشی آنها باید شامل دانستن قوانین و پیامد های ارتکاب اعمال نا شایست باشد.

این حقیقت که پرسونل بین‌المللی بطور عموم به وسیله کشور یا سازمانی استخدام میگردد که آنها را برای انجام وظیفه اعزام و معاشات شانرا میپردازد و به همین ترتیب تعیین شرایط خدمت آنها میتواند باعث به وجود آمدن تضادم منافع یا مشکلات قومی شود. بطور مثال، ممکن است وضعیتی به وجود آید که منافع سیاسی یک سازمان استخدام کننده، خلاف پیامد های یک قضیه قرار گیرد که از طریق یک پروسه بیطرفانه اجرای احکام قانون به آن رسیده گی میشود. در این صورت مقدم ترین وفاداری پرسونل بین‌المللی باید نظام حقوقی و قوانینی باشد که موصوف مطابق آن کار میکنند. حد اقل، پرسونل بین‌المللی باید تابع عین ضوابط اخلاقی باشند که همکاران ملی آنها آنرا رعایت میکنند. ⁵⁴

مواد خواندنی و منابع مزید

خواننده گان با اصرار تشویق میشوند تا از اندوخته معلومات و تخصص ارائه شده در نشرات و صفحات اینترنتی فهرست شده در ذیل توجه مبذول دارند. دسته های که این کارها در آن تنظیم گردیده، رهنمایی های ممد بوده اما حتما آنها دارای وجوه مشترک میباشد و بدین ترتیب لازمی است تا خوانندگان همه دسته های مربوط را مرور نمایند.

حاکمیت قانون و اصلاحات قضائی

چیرترمن سیهون Chesterman, Simon. "عدالت زیر کنترل اداره بین المللی: کوسوو، تیمور شرقی و افغانستان." پروژه اکادمی بین المللی صلح در باره اداره انتقالی. سپتامبر سال 2002 http://www.ipacademy.org/PDF_Reports/JUSTICE_UNDER_INTL.pdf

این مقاله که روی تجارب افغانستان، کوسوو و تیمور شرقی متمرکز میباشد، اهمیت مربوط به اداره عدالت در عملیات صلح بعد از جنگ را برجسته میسازد و استدلال مینماید هنگامی که شرایط ایجاب نماید وظایف مربوط به حاکمیت قانون باید موقتا به پرسونل نظامی واگذار گردد.

هارتمن میکایل ای Hartman, Michael E. قضاات و خارتوانالان بین المللی در کوسوو: یک مدل جدید برای حفظ صلح بعد از جنگ. گزارش شماره 112 انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا، واشنگتن دی. سی. انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا اکتوبر 2003. همچنان بطور زنده روی <http://www.usip.org/pubs/specialreports/sr112.html> قابل دسترس میباشد.

این راپور نقش جامعه بین المللی و بخصوص قضاات و خارتوانالان بین المللی را در ایجاد یک نظام قضائی در کوسوو جهت جلوگیری از معافیت و سهم گیری در تامین حاکمیت قانون، ارزیابی میکند.

جونز Jones، ست جی Seth G، جرمنی ام ولسن Jeremy M. Wilson، اندیورتمیل Andrew Rathmell و جک رایل Jack Riley: تامین نظم و حاکمیت قانون بعد از جنگ و ستیزه. انتشارات سنتا مونیکا Santa Monica همچنان بطور الکترونیکی روی صفحه اینترنتی ذیل: http://www.rand.org/pubs/monographs/2005/RAND_MG374.sum.pdf قابل دسترس میباشد.

کوشش های بازسازی را در عراق، افغانستان و کوسوو مفصلا مورد ارزیابی قرار داده و آنها را با پروژه های کوچکتر ملت سازی در سومالیا، هایتی، بوسنیا و تیمور شرقی مقایسه می کند. کتاب متذکره با پیشنهادات مربوط به بازسازی و جامعه بعد از جنگ که شامل نسبت میان نیروها و نفوس و همچنان مساعدت های مالی و میعاد بازسازی میباشد، خاتمه میابد.

لورینز فدریک ام Lorenz, Frederick M. "همکاری های متقابل نظامی و ملکی در احیای حاکمیت قانون: مطالعات قضایا از موگادیشو Mogadishu تا متروویکا Mitrovica" در *عدالت بعد از جنگ* M. ed. چرف سومونی Cherif Bassiouni. نیویارک: مطبوعات انتقالی 2002.

لورنز Lorenz استدلال میکند از اینکه نیروهای بین المللی در اکثر عملیات کمک به تامین صلح در روی صحنه قرار دارند، از آنرو بار ارزیابی وضعیت نظام قضائی و اتخاذ اقدامات جهت اعاده حاکمیت قانون اکثرا بدوش نیروهای نظامی قرار می گیرد. مقاله متذکره به پیشنهاداتی بمنظور انکشاف همکاری متقابل نظامی و ملکی اشاره میکند.

مجموعهء قوانینی نمونوی برای عدالت بعد از جنگ. واشنگتن، دی سی. مطبعهء انستیتوت صلح امریکا، در سال 2007 آماده میشود.

این اثر دارای چندین جلد میباشد یک چهارچوب حقوقی را که با نیازمندی های جوامع بعد از جنگ مطابقت دارد. مجموعهء مذکور که با همکاری کمشنر عالی ملل متحد برای حقوق بشر و دفتر مواد مخدر و جرایم ملل متحد توسط انستیتوت صلح امریکا و مرکز ایرلندی حقوق بشر انکشاف داده شده، شامل یک "قانون جنایی نمونوی"، یک "قانون نمونوی طرز العمل اجراء جزایی"، یک "قانون نمونوی توقیف"، و یک "قانون نمونوی پولیس" میباشد. این اثر عملیات صلح، مأموریت بین المللی و دول ملی را قاذز میسازد تا قوانینی را تشخیص و تسوید نمایند که موافق معیار های بین المللی بوده و برای ایفای وظیفه دشوار احیای نظم و قانون در محیط های بعد از جنگ کافی باشد.

اوکانر O'Connor، و وین Vivienne، و کولیت رایچ Colette Rausch. "یک بستهء وسایل جهت مبارزه با چالش های اصلاحات حقوقی در کشور های بعد از جنگ: قوانین مدل برای عدالت جنائی بعد از جنگ" در *حفظ صلح بین المللی*، سالنامه عملیات صلح بین المللی The Yearbook of International Peace Operations، جلد 10 هاروی لنگهولتز ed. Harvey Langholtz، بورس کونداک Boris Kondoc، الن ولز Alan Wells و ایدن Leiden و وستن Boston: نشرات مارتینس نجهوف Martinus Nijhoff Publishers 2006.

با تمرکز خاص روی قوانین نمونوی برای عدالت جنائی بعد از جنگ (ذیلاً ملاحظه شود)، اصلاحات قانونی را بحیث عنصر مهم در عملیات صلح مطرح میکند.

اونیل O'Neill، ویلیام جی William G. تحکیم حاکمیت قانون در عراق: ده رهنمود از تجارب اخیر. واشنگتن دی سی: مرکز هنری ال ستیمنس Henry L. Stimson، ماه می 2003. <http://www.stimson.org/iraq/?SN=IR20030513561>

با در نظر داشت جنگ و کشمکش در عراق، اونیل استدلال میکند که اصلاحات قضایی جهت پیروزی عملیات صلح، دخالت نظامی در کار پولیس و جهت اصلاحات تأدیبی، حایز اهمیت زیاد میباشد.

اوسوالد Oswald، بروس Bruce. رسیده گی به قانون تشکیلاتی و خلای نظم: مسایل کلیدی و پیچیده گی ها برای عملیات حفظ صلح. بخش عملیات حفظ صلح ملل متحد، بهترین عملکرد های حفظ صلح، سپتامبر، 2005.

<http://pbpu.unlb.org/pbpu/library/Bruce%20Oswald%20DPKO%20final%20draft%2028%20Sept%202005.pdf>

با توجه به اینکه نیروهای حفظ صلح در جاهایی گماشته میشوند که در آنجا ساختارهایی عدالت جنائی ملی یا اصلاً موجود نبوده یا قادر به ایفای وظایف شان نمی باشند. این راپور استدلال میکند که ملل متحد و سایر ارگانهای ذی‌علاقه نیازمند آن اند تا گزینه‌های پالیسی و قواعد و همچنان نورم‌هایی را ایجاد نماید که بیشتر جوابگوی خلاهای موجود در قانون و نظم تشکیلاتی باشد که اکثراً عملیات حفظ صلح در آن به عمل مینماید.

دفتر کمشنر عالی ملل متحد برای حقوق بشر. حاکمیت قانون و سایل برای کشورهای بعد از جنگ : ترسیم سکنتور قضایی، نیویارک و ژنیو: ملل متحد سال 2006 همچنان در صفحه اینترنتی http://www.ohchr.org/english/about/publications/docs/ruleoflaw-Mapping_en.pdf قابل دسترس میباشد.

نتایج مشوره دو ساله با بخش‌ها و نماینده‌گی‌های ملل متحد، رهبران جامعه مدنی و کارشناسان ملی، گزارش OHCHR اساساً روی درس‌های اموخته شده در کوسو، سیرالیون و تیمور شرقی استوار است. عناوین مربوط به مسایلی چون ارزیابی این مسئله که آیا و چطور سیستم قضایی یک کشور به تشدید جنگ و ستیزه کمک میکند، تعقیب عدلی مرتکبین جرایم چون، قتل عام‌ها، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی، تأسیس کمیسیون‌های حقیقت یابی و همچنان به ارزیابی و نظارت دقیق سیستم‌های حقوقی بی که بعد از عملیات جنگی تشکیل گردیده اند، میپردازند.

شورای امنیت ملل متحد. حاکمیت قانون و عدالت انتقالی در جنگ و ستیزه در جوامع بعد از جنگ و ستیزه، شماره 3، S/2004/616، ماه اگست سال 2004. <http://www.un.org/Docs/sc/sgrep04.html>

این راپور یک ارزیابی مفیدی را از میکانیزم عدالت بعد از جنگ و ستیزه ارائه می‌دارد که شامل مباحثه در مورد نورم‌ها و معیارها برای مؤسسات سکنتور عدالت ملی و بین‌المللی میباشد. این راپور همچنان رابطه میان حفظ صلح و اصلاحات قضائی را بحیث امر قاطع جهت ارتقای ظرفیت‌های قضائی داخلی برجسته میسازد.

حقوق بشر

دفتر کمشنر عالی ملل متحد برای حقوق بشر، با همکاری International Bar Association نقش حقوق بشر در تنظیم امور مربوط به عدالت. یک کتاب رهنما در مورد حقوق بشر برای قضات، خارتولان و وکلای مدافع، سلسله آموزشی حرفه‌یی شماره 9. نیویارک و ژنیو: ملل متحد، 2003. همچنان در صفحه اینترنتی <https://webmcdev.oddl.fsu.edu/human-rights/print.html> قابل دسترس میباشد.

رساله مذکور مرکب از یک کتاب رهنما، رهنمودهایی برای فراهم‌کننده‌گان تسهیلات، میباشد. این منبع یک نصاب تعلیمی جامع مرکزی را در رابطه به معیارهای بین‌المللی حقوق بشر برای ماهرین رشته حقوق و قانون، فراهم میسازد. هر نقشه از این کتاب رهنما، بر علاوه ارائه معلومات اساسی در مورد قانون بین‌المللی حقوق بشر و حدود صلاحیت قضایی ارگان‌های جهانی و منطقوی و همچنان محاکم ملی به یک ساحت خاصی از حقوق بشر میپردازد. نقشه‌های مذکور شامل: "اسناد تقنینی عمده حقوق بشر منطقوی و میکانیزم‌ها برای اجرای آنها" همچنان "استقلالیت و بیطرفی قضات، خارتولان و وکلای مدافع" معیارهای حقوقی

بین المللی جهت محافظت از اشخاص محروم شده از آزادی شان" و "محافظت و جبران خسارهء قربانیان جرایم و تخطی های حقوق بشری" میباشد.

دفتر کمشنر عالی ملل متحد برای حقوق بشر. معیار های حقوق بشر و وظایف پولیس سلسله آموزشی حرفوی شماره Add.3/5، نیویارک و ژنیو، ملل متحد، سال 2004. همچنان در صفحهء انترنتی <http://www.ohchr.org/english/about/publications/docs/PTS5Add3.pdf> قابل دسترس میباشد.

این رساله طوری طرح و ترتیب گردیده که یک مأخذ قابل دسترس و قابل انتقال باشد. این منبع مفید به موضوعات عمدهء حقوق بشر که مورد نگرانی افسران پولیس میباشد، میپردازد. این موضوعات بطور مثال شامل، تحقیقات، بازداشت، توقیف و استعمال قوه، همچنان وضعیت اضطراری و وظایف پولیس در شرایط برخورد های مسلحانه، می پردازد. هر بخش خلاصه معیار های مربوط بین المللی حقوق بشر را ارائه نموده و شامل بخش عملی و همچنان توصیه ها و پیشنهادات برای بکار گیرنده گان آن میباشد.

عملیات صلح جویانه

آل Aall، پاملا Pamela، دگرمن دانیل میلتن برگر Lt. Col. Daniel Miltenberger و توماس جی ویس ایڈز Thomas G. Weiss, eds. رهنمود برای IGOs و سازمان های غیر دولتی و همچنان نیرو های نظامی در عملیات صلح و عملیات نجات. واشنگتن دی سی. نشرات انستیتوت صلح امریکا، 2001.

این رهنمود ساحوی فلسفه هایی تشکیلاتی ساختار های داخلی و شیوه های عملکرد IGOs، سازمان های غیر دولتی و و همچنان نیرو های نظامی در عملیات صلح و عملیات نجات را توضیح مینماید. رهنمود مذکور همچنان خصوصیات تعداد زیادی از سازمان های غیر دولتی و IGOs های را که در عرصهء بعد از جنگ و ستیزه فعال اند و به همین ترتیب نوع خدمت، سطح و اندازه آن، رشتهء اختصاصی، اسلحه و تجهیزات پرسونل نظامی را که احتمالاً در عملیات صلح و نجات گماشته شده اند، تشخیص مینماید.

چپاری لای Chiarelli، جنرال پیتر Peter W. و جگرن پاتریک R. میچایل Patrick R. Michaelis. "نیل به صلح": ضرورت عملیات طیف کامل. "تشرییه اردو"، ماه جولای - اگست سال 2005. همچنان در صفحهء انترنتی ذیل قابل دسترس میباشد:

<http://www.smallwars.quantico.usmc.mil/search/articles/chiarelli.pdf>

با توجه به یورش بر عراق در سال 2003، چپاریلای Chiarelli و میکایلینید Michaelis، در مورد اتخاذ یک طرز برخورد یک دخالت جامع تر نظامی در محیط های بعد از جنگ و کشمکش و توجه فزاینده به "طیف کامل" که توانایی پرداختن به، نه تنها نیازمندی های مقابله بلکه همچنان موضوعات مربوط به خدمت، اداره و آموزش های امنیتی را داشته باشد، استدلال میکنند.

کاوی Covey، Jack، میکایل Michael، دزیدزک Dziedzic و لیونادر هاوی اید Leonard R. Hawley. تلاش برای صلح پایدار: دخالت و پادرمیانی بین المللی و ستراتیژی های برای دگرگونی وضعیت جنگ و کشمکش واشنگتن: نشرات انستیتیوت صلح امریکا، 2005. با توجه به تجربه دست اول در کوسوو، کسانی که در تدوین این جلد سهم گرفته اند، بخوبی از چالش ها آگاه اند که باید در زمینه اتخاذ اقدامات عملی جهت ارتقای ظرفیت مؤسسات محلی جوامع بعد از جنگ و ستیزه اتخاذ گردند.

دورش Durch، ویلیام ج William، ویکتوریا ک. Victoria K. Holt، کارولین ر ایرال Caroline R. Earle و موریان ک شانهان Moira K. Shanahan. گزارش براهیمی و آینده عملیات صلح ملل متحد. واشنگتن، مرکز هنری ال، مرکز Stimson، 2003. همچنان در صفحه انترنتی ذیل قابل دسترس میباشد:

<http://www.stimson.org/fopo/pdf/BR-CompleteVersion-Dec03.pdf>

این گزارش اجرای پیشنهادات سال 2000 براهیمی را مورد ارزیابی قرار میدهد. (در ذیل ملاحظه شود) و بحث های را در رابطه به عناصر مربوط حاکمیت قانون در تأمین صلح و همچنان چالش های مربوط به اداره مؤقت مدنی را ارائه میدارد.

پریتو Perito، روبرت ام Robert M، Lone Ranger کجاست، وقتی ما به او نیاز داریم؟ جستجوی امریکا برای یک نیروی استقرار ثبات بعد از جنگ. واشنگتن: انستیتیوت صلح امریکا، 2004.

این کتاب چالش های را که در برابر تأمین امنیت پایدار در محیط های بعد از جنگ و کشمکش چون بالکان، افغانستان و عراق مورد مطالعه قرار داده و سوالات جدی را در رابطه به اینکه امریکا به کدام اندازه در خصوص بعد غیر نظامی عملیات برای تأمین ثبات آماده میباشد، مؤلف، ایجاد یک نیروی تأمین ثبات ملکی را برای امریکا مطالبه میکند (که بطور قابل ملاحظه از پولیس، گروه های قضایی مرکب از وکلای مدافع، قضات و مأمورین امور تأدیبی باشد)، تا با نیرو های نظامی در امور محوله برای تأمین ثبات همکاری نمایند.

پریتو Perito، رابرتم Robert M، ای دی ed. رهنمود برای آثانی که در عملیات مربوط به تأمین صلح و ثبات سهم میگیرند. واشنگتن دی سی: نشرات انستیتیوت صلح امریکا، 2006. یک نسخه تجدید شده و نو شده رهنمود Aall، Miltenberger و Weiss به سازمان های دولتی و غیر دولتی و همچنان به افراد نظامی شامل در عملیات صلح (در فوق ملاحظه گردد) این کتاب سازمان هایی را معرفی میکند که هنگام واکنش جامعه بین المللی به یک بحران، حضور پیدا داشته باشند. کتاب مذکور ملل متحد، سایر سازمانها و مؤسسات غیر دولتی و نقش های را توضیح میکند که به وسیله نهاد های ملکی دولت امریکا و اردوی امریکا در عملیات صلح بازی نموده اند.

بخش عملیات حفظ صلح ملل متحد، مرکز بین المللی آموزشی. رهنمود های عمومی برای عملیات های حفظ صلح، 1995.

http://www.un.org/depts/dpko/training/tes_publications/books/peacekeeping_training/genguide_en.pdf

این خطوط رهنما، چهارچوب، اشکال، اصول و عملکرد های مأموریت های حفظ صلح را توضیح و طرز برخورد های عام را پیشنهاد مینماید. علاوه از این رهنمایی هایی را برای حکومتا فراهم میسازد که بشکل پرسونل ملکی و نظامی در عرصه فوق الذکر سهم میگیرند.

بخش عملیات حفظ صلح ملل متحد، واحد بهترین عملکرد های حفظ صلح کتاب رهنما در باره عملیات چند بُعدی حفظ صلح ملل متحد. نیویارک: ملل متحد، 2003. در صفحه انترنتی ذیل قابل دسترسی میباشد:

<http://www.peacekeepingbestpractices.unlb.org/pbpu/handbook/START-Handbook.html>

این کتاب برای یک معرفی مختصر و عملی جنبه های مختلف عملیات حفظ صلح در نظر گرفته شده است. این کتاب دستی رشد این چنین عملیات ها را از دهه 1980 مورد بحث قرار داده و یک نظر عمومی را در باره اجزای متشکله مختلف آن: اردو، پولیس ملکی، امور سیاسی، حاکمیت قانون، حقوق بشر و بازسازی بشر دوستانه، فراهم مینماید.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شورای امنیت سازمان ملل متحد. گزارش هیأت مؤظف در باره عملیات صلح ملل متحد 21/89/2000-S/305-A - ماه اگست سال 2000. همچنان در صفحه انترنتی ذیل قابل دسترسی میباشد:

http://www.un.org/peace/reports/peace_operations/

اکثراً به "گزارش براهیمی" اشاره میشود (که به نام رییس آن، لخداری براهیمی Lakhdar Brahimi نامیده میشود). این مطالعه جامع را هیأت مؤظف سازمان ملل متحد برای عملیات صلح به درخواست سر منشی ملل متحد، بدوش گرفت. هیأت مذکور متشکل از افرادی که در جنبه های مختلف جلوگیری از جنگ و ستیزه، عملیات حفظ صلح تجربه داشتند، بود. هیأت مذکور کمبود های سیستم موجود را ارزیابی و پیشنهادات صریح، مشخص و واقعی را برای تغییر در این عرصه ارائه داشت. پیشنهادات و توصیه های هیأت مذکور روی موضوعاتی مربوط به هردو یعنی سیاست ها و ستراتیژی ها و همچنان عرصه های مورد ضرورت عملیاتی و تشکیلاتی متمرکز میباشد. گزارش مذکور برای آنانی که به چالش های گوناگون و وظیفه حفظ صلح علاقمند باشند، یک نقطه آغاز مفید شمرده میشود.

ویلیامز Williams، گارلند ایچ Garland H. صلح انجنیری *Engineering Peace* نقش نیروهای نظامی در حل مسایل مربوط به بعد از جنگ و ستیزه: واشنگتن دی سی. نشرات انستیتیوت صلح آمریکا، 2005.

این فعالیت به موقع، موضوعی را که ویلیامز آنرا "خلای بازسازی بعد از جنگ" مینامد در سه مورد: بوسنیا، کوسوو و افغانستان، تحلیل میکند و ضمناً نشان میدهد که دسته های انجنیری نظامی بطور با گروه های عملیات حفظ صلح همراهی نموده و مؤسسات مهم اجتماعی را احیاً میکنند.

حفظ نظم و امن عامه

ارزیابی نقش واحد های پولیس جهت تأمین ثبات، دوایت دی. آزینهاور Dwight D. Eisenhower سلسله امنیت ملی. 2005.

http://www.eisenhowerseries.com/pdfs/final_05/2005_PKSOI_Final_Report.pdf

این گزارش فشرده موضوعات مورد بحث در یک کنفرانس دو روزه را که در ماه اپریل سال 2005 دایر گردیده بود ارائه میکند. کنفرانس مذکور بمنظور انکشاف مزید دوکتورین یا پالیسی معمول و طرز العمل های عملیات برای جوانب ذیدخل در امر استخدام واحد های پولیس جهت تأمین ثبات (SPU) با یک تمرکز خاص توجه بر کوسوو، تدویر یافته بود. گزارش فوق الذکر، تصامیم مباحث را فشرده ساخته، و روی این نکته تأکید میوزد که تجارب آشوب ماه مارچ سال 2004 در کوسوو، ممکن است دوکتورین های آینده واحد های پولیس جهت تأمین ثبات را مطلع نموده و خلا های دوکتورینی و اختلافات در میان سازمان های بین المللی را که در ساحة واحد های پولیس مذکور کار میکنند، تشخیص مینماید.

اوکلی Oakley، رابیرت B Robert، میشل ج. دیزیدز Michael J. Dziedzic و ایولوت ام گولدبیرگ Eliot M. Goldberg. وظایف اجرایی پولیس در دنیای نا امن جدید. عملیات صلح و امنیت عامه. واشنگتن، دی سی. نشرات پوهنتون دفاع ملی، 1998. همچنان در صفحه انترنتی ذیل قابل دسترس است: http://www.ndu.edu/inss/strforum/SF_84/forum84.html.

ارزیابی قضیه یی مذکور به همکاری کمیسیون Carnegie در باره جلوگیری از جنگ مرگبار و مهلک و انستیتیوت صلح امریکا انجام گردیده که موضوع آن یک ارزیابی تاریخی و وظایف پولیس در عملیات صلح جوانه و پروسه حفظ امنیت عامه، بر بنیاد تجارب در کشور پانامه، کمبودیا، السلوادور، موزمبیق، سومالیا و هایتی، میباشد.

روش Rausch، کولت Colette. "تصور صلاحیت در کوسوو و تیمور شرقی: استدلال های حقوقی و عملی." وظایف اجرایی پولیس "تنفیذ قانون در عملیات صلح، ed. Renata Dawn. گزارش تحقیقی شماره 16 نشرات پوهنتون آکسفورد، سال 2003.

این گزارش یک ارزیابی اسناد تقنینی و اسنادی را فراهم مینماید که حاوی چهارچوب حقوقی برای اجزای متشکله پولیس در مأموریت ملل متحد در کوسوو و تیمور شرقی را تشکیل میدهد. همچنان مشکلاتی که در عملی کردن قوانین مربوطه، چالش هایی که در عملی کردن وظایف قانون و حساب دهی پرسونل بین المللی در یک عملیات سطح بالا دارند.

بریتانیا، وزارت داخله، خدمات ملی استخبارات جنایی. مودل استخبارات ملی. سال 2000. <http://police.homeoffice.gov.uk/operational-policing/index.html/national-intelligence-document>

این کتاب رهنما این موضوع را مورد غور قرار میدهد که چطور معلومات مورد تحقیق، انکشاف و تحلیل قرار گرفته میتواند، تا استخبارات مفید را در استقامت ستراتیژیک نیرو های پولیس، تصامیم راجع به منابع تاکتیکی، وظایف اوپراتیوی پولیس، و تنظیم خطرات، فراهم سازد.

بخش عملیات حفظ صلح ملل متحد. کتاب رهنمای پولیس ملکی ملل متحد، 1995.

http://www.un.org/depts/dpko/training/tes_publications/books/civilian_police/civpol_princ_guid.pdf

کتاب مذکور جهت کمک به اعضای انفرادی UNCIVPOL طرح گردیده و مسایلی چون: گزیمه، گزارش دهی، ارتباط، میانجی گری و مذاکرات را در بر میگیرد.

محاسب و تدابیر اصلاحی

کوئل اندریو Coyle, Andrew یک طرز برخورد انسانی با تنظیم امور مربوط به محاسب؛ لندن: مرکز بین المللی برای مطالعات مربوط به امور محاسب 2002 همچنان در صفحه اینترنتی http://www.kcl.ac.uk/depsta/rel/icps/human_reghts_prison_management.pdf نیز قابل دسترسی میباشد.

این کتاب بیوند های لازم میان معیار های بین المللی حقوق بشری و امور عملی مربوط به محاسب را تأمین میکند.

انجمن بین المللی اصلاح محبوسین: خطوط رهنمای عملی برای ایجاد مؤسسات خدمات اصلاحی در میان عملیات صلح ملل متحد، 2002. <http://www.icpa.ca/pages/publications.html>

در پاسخ به موضوع مطرح شده به وسیله گزارش براهیمی (در فوق ملاحظه گردد) این رهنمود ها به این منظور طرح گردیده بود تا یک منبع مشورتی و رهنمایی برای ماهرین بخش اصلاحات تأدیبی باشد که در تعدادی از عملیات صلح جویانه بکار گرفته شود. رهنمود های مذکور یک چهارچوب تئوریک را برای عملکرد های اصلاحی خوب و تنظیم امور مربوط آن در عملیات صلح، فراهم ساخته، و اسناد مأخذ های کلیدی چون: اعلامیه ملل متحد راجع به حقوق بشر، کنوانسیون ملل متحد در باره حقوق مدنی و سیاسی و همچنان مقررات حد اقل معیاری ملل متحد راجع به طرز رفتار با محبوسین، توحید میسازد.

بخش عملیات حفظ صلح ملل متحد، شعبه بهترین عملکرد های حفظ صلح کمک به نظام ملی محاسب: درس های آموخته شده و بهترین عملکرد ها برای عملیات حفظ صلح بخش عملیات حفظ صلح ملل متحد، 2005.

http://pbpu.unlb.org/pbpu/library/Prison_Support_Lessons_Learned_and_Best_Practices.pdf

این گزارش این موضوع را مورد توجه قرار میدهد که چطور یک سیستم فعال محاسب یک جزو لاینفک احیاء حاکمیت قانون و سکتور اصلاحات سکتور امنیتی را در یک جامعه بعد از جنگ تشکیل میدهد. با توجه به تجارب در لایبیریا و بخصوص در افغانستان، مطالعه و تحقیق مذکور این حقیقت را برجسته میسازد که یک طرز برخورد از پایین به بالا جهت ایجاد یک سیستم ملی محاسب میتواند در صورتی مؤثر باشد که اهداف واضح و منابع مقتضی آن بطور مناسب تدارک دیده شده باشد. این گزارش حاوی "درس های آموخته شده" زیاد در زمینه استفاده کارمندان محاسب، اجرای پروگرام ها، آموزش و ذیدخل ساختن دوتران است.

مبارزه با فساد اداری

بولونگیتا ایمیل (Bolongaita, Emil). کنترل فساد اداری در کشور های بعد از جنگ و ستیزه. مقاله فوق العاده شماره 26 ناتردیم (Notre Dame) در انستیتیوت جان بی. کراک Joan B. Kroc برای مطالعات بین المللی صلح. پوهنتون. Notre Dame، جنوری 2005. همچنان در صفحه اینترنتی: http://kroc.nd.edu/ocpapers/op_26_2.pdf بطور مستقیم قابل دسترس میباشد. یک تحلیل جامع تاثیرات تباہ کننده فساد بر اجندا های بعد از جنگ و ستیزه. Bolongaita استدلال میکند که مساعی ضد فساد باید یک عنصر هر موافقتنامه صلح را تشکیل داده و روی ضرورت میکانیزم های دقیقتر نظارت و ارزیابی پافشاری می کند.

لارج، دانیال، (Large, Daniel) فساد اداری در بازسازی بعد از جنگ و ستیزه: مقابله با دایره شیطانی. انجمن شفافیت لبنان/ UNDP، 2005.

<http://www.transparency-lebanon.org/Publications/Corruption%20in%20PWR.htm>
یک مجموعه مطالعات مفصل قضایا _ دورنما های تعیین شده (بشمول آنها تیکه لبنانی، بوسنیائی و هرزگووینائی و سیرالیونی میباشد.) در مورد تاثیرات فساد اداری بر بازسازی بعد از جنگ و رابطه فساد با جرایم جدی.

دفتر ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و جرایم، فساد: اسناد تقنینی بین المللی در باره فساد، چاپ دوم، نیویارک: ملل متحد 2005. همچنان بطور مستقیم در صفحه اینترنتی: http://www.unodc.org/pdf/crime/corruption/compendium_e.pdf قابل دسترس میباشد.

حاوی هر دو یعنی فشرده و هم متن مکمل اسناد قانونی بین المللی مربوط فساد از طرف ملل متحد، اتحادیه افریقا، شورای اروپا، سازمان کشور های امریکا، سازمان همکاری های اقتصادی و انکشاف و شورای اتحادیه اروپا.

دفتر ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و جرایم بسته و وسایل ملل متحد بر ضد فساد، چاپ سوم، ویانا، ملل متحد 2004. همچنان بطور مستقیم در صفحه اینترنتی: http://www.unodc.org/pdf/crime/corruption/toolkit/corruption_un_anti_corruption_toolkit_sep04.pdf قابل دسترس میباشد.

بسته اسناد که بطور متداوم تجدید شده، ساحات ذیل را تحت پوشش قرار میدهد: ارزیابی سطوح فساد، ارتقای ظرفیت تشکیلاتی، ممانعت اجتماعی، وضع قوانین ضد فساد، نظارت و ارزیابی، همکاری های حقوقی بین المللی و استرداد و محافظت دارائی ها.

مبارزه با جرایم سازمان یافته، نقل و انتقال غیرقانونی و تروریزم

آستین (Austin)، الکساندر (Alexander)، توبیز وون جینانت (Tobias von Gienanth)، و ویبکی هنسین (Wibke Hansen). جرایم سازمان یافته به مثابه مانع سر راه تأمین موفقانه صلح: تجارب حاصل شده از بالکان، افغانستان و آفریقای غربی. برلین: مرکز عملیات بین المللی صلح، 2003. http://www.zif-berlin.org/Downloads/Berlin-Workshop_2004.pdf

این راپور مباحثات هفتمین ورکشاپ بین المللی برلین را که در آن عناوینی چون تأثیرات جرایم سازمان یافته در زمینه تأمین موفقانه صلح و فعالین عمده، جرایم سازمان یافته و شیوه های آنها و حدود که تا آن مبارزه با جرایم جدی در عملیات صلح، جزء از مبارزه عمومی بین المللی علیه فعالیت های سازمان یافته جنائی میباشد جمع بندی نموده است.

پروژه پولیس منطوقی (CARPO) (CARPO) سترابیتی منطوقی در مورد وسایل علیه جرایم سازمان یافته و اقتصادی با اقدامات مشخص ساحه پروژه. سپتمبر 2005. http://www.stabilitypact.org/rt/Brijuni_Regional_strategy.pdf

جلسه عالی وزرا و افسران CARPO که در سال 2005 منعقد گردید یک ارزیابی بی از پیشرفت در مبارزه علیه جرایم سازمان یافته در اروپای جنوب غربی را ارائه داشته و محک های مشترک و ستراتیژی های سکتوری در مورد تحلیل جرایم و استخبارات جرمی، تحقیقات مالی و ضبط و توقیف عواید جنائی، وسایل خاص تحقیقاتی، محافظت شهود و تشریک مساعی در موضوعات جنائی را مورد بررسی قرار میدهد.

شورای اروپا. تروریزم: تخنیک های خاص تحقیقاتی. Croton-on-Hudson، نیویارک: شرکت نشراتی منهاتن (Manhattan) برای شورای اروپا، 2005.

این کتاب یک سروی عملکرد های ملی را در سی و هفت کشور عضو شورای اروپا و همچنان در کانادا و ایالات متحده را در بردارد. کتاب مذکور همچنان حاوی یک راپور تحلیلی بوده که روی تخنیک های خاص تحقیقات به ارتباط انفاذ قانون و پیگیری و همچنان روی موضوعات مربوط به حقوق بشر و همکاری های بین المللی در مبارزه علیه جرایم جدی متمرکز میباشد.

شورای اروپا. پروگرام هشت پا، مبارزه با جرایم سازمان یافته: سروی های بهترین عملکرد های شورای اروپا. ستراتزبورگ: Strasbourg نشرات شورای اروپا، 2004.

شامل مباحثات مربوط به برنامه های محافظت شهود، قرارداد های دو جانبه مساعدت های قانونی، برنامه های نظارت و مراقبت، موضوعات تشریک مساعی آنطرف مرز و کوشش ها بر بنیاد همکاری متقابل بر ضد قاچاق انسانها.

دی ریویر (De Ruyver)، برایس (Brice)، گیت ویمولین (Gert Vermeulen) و تام ویندر بیکن (Tom Vander Beken). *استراتژی های اتحادیه اروپا و آمریکا برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملیتی*. مطبوعه Antwerp: Maklu, 2002.

این جلد، مقاله های را که توسط علماء، رهبران سیاسی، افسران نظامی و اعضای ادارات تنفیذ قانون در یک کنفرانس که در مورد جرایم فراملیتی و توسط پوهنتون انستیتیوت Ghent برای تحقیق بین المللی در مورد پالیسی جنائی در سال 2002 دایر گردیده بود، جمع و توحید میکند. موضوعات مورد مطالعه شامل فعالیت های عملیاتی آنطرف سرحد، تبادل اطلاعات و معلومات، تعیین چهارچوب های قانونی بین المللی و منطوقی، جمع آوری معلومات استخباراتی، نقل و انتقال مواد مخدر، تطهیر پول، و جرایم انترنیتی میباشد.

لوبین (Lubin)، نانسی (Nancy)، الیکس کلیتس (Alex Klaitis)، ایگور بارسکی جین (Igor Barsegian). *جلوگیری از مواد مخدر در افغانستان و آسیای مرکزی: چالش ها برای مساعدت های بین المللی*. نیویارک: انستیتیوت جامعه باز، 2002. همچنان در صفحه انترنتی: http://www.eurasianet.org/policy_forum/lubin012902a.pdf

قابل دسترس میباشد.

این راپور مساعی ملل متحد و سایر نماینده گی های بین المللی را برای مبارزه با نقل و انتقال غیر قانونی مواد مخدر در محیط های بعد از جنگ و ستیزه که بطور وسیع بر افغانستان متمرکز میباشد، خلاصه مینماید. این گزارش شامل معلومات ساحوی در مورد تأثیرات مضر قاچاق مواد مخدر بر مساعی برای تامین ثبات در جوامع بعد از جنگ، میباشد. و جهت جلوگیری موثر پیشنهاداتی را ارائه میکند.

اوسوالد (Oswald)، بوریس (Bruce) و سارا فینین (Sarah Finnin). "مبارزه با قاچاق افراد با عملیات صلح" در *عملیات بین المللی حفظ صلح*. کتاب سال عملیات های حفظ صلح بین المللی جلد دهم نشرات Leiden، Alan Wells، Boris Kondoc، Harvey Langholtz و Boston: ناشران Martinus و Nijhoff، 2006.

این مقاله از "بسته آموزشی حقوق بشر برای عمله نظامی عملیات صلح" الهام گرفته، معضله روز افزون قاچاق افراد بمنظور بهره کشی اقتصادی یا جنسی در جریان عملیات صلح را مورد مطالعه قرار میدهد.

دفتر ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و جرایم. رهنمودی برای توحید اسناد تقنینی و اجرای اسناد تقنینی بین المللی علیه تروریسم. در:

http://www.unodc.org/unodc/terrorism_tools.html

یک ابزار عملی میباشد که در زمینه ترتیب قوانین جهت اجرای دوازده کنوانسیون ضد تروریسم جهت کمک به طراحان قوانین، تدوین گردیده است. رهنمود مذکور مخصوصاً برای کشور های دارای قوانین مدنی طرح گردیده و حاوی یک تعداد اقدامات عملی و همچنان قوانین نمونه میباشد.

دفتر ملل متحد برای مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم، بخش امور معاهدات. رهنمود قانون گذاری برای تطبیق کنوانسیون های ملل متحد بر ضد جرایم سازمان یافته فرا ملیتی و پروتوکول های منضمه آن. نیویارک: ملل متحد، 2004. همچنان در صفحه انترنیتی ذیل قابل دسترس می باشد.
http://www.unodc.org/unodc/organized_crime_convention_legislative_guides.html

شامل رهنمود های قانون گذاری برای کنوانسیون ضد جرایم سازمان یافته فرا ملیتی، پروتوکول برای جلوگیری، موقوف کردن، ضبط و مجازات قاچاق انسان، پروتوکول ضد قاچاق پناهنده گان از طرق زمینی، بحری و هوایی و پروتوکول ضد تولید و انتقال غیر قانونی اسلحه گرم.

معاهدات منطقوی و بین المللی

معاهدات اتحادیه آفریقا:

http://www.africa-union.org/Official_documents/Treaties_%20Convention%20Protocols/Treaties_Conventions_%20Protocols.html

حاوی یک لیست مکمل در رابطه به تمام معاهدات، کنوانسیون ها، پروتوکول ها و منشور های که از 1965 بدین طرف توسط اتحادیه آفریقا به امضاء رسیده است میباشد.

شورای معاهدات اروپا:

<http://conventions.coe.int/Treaty/Commun/ListeTraites.asp?CM=8&CL=ENG>

این لیست جامع شامل بیش از دو صد قرارداد که در معرض تصویب شورای اروپا قرار دارد میباشد. اسناد مربوط هر معاهده شامل متن مکمل و فشرده ای آن، یک چارت امضاء ها و تصدیق ها و همچنان تاریخ که در آن وقت به معرض اجراء گذاشته شده، میباشد.

سازمان معاهدات کشور های امریکا

<http://www.oas.org/juridico/english/treasub.html>

این صفحه انترنتی که از جانب دیپارتمنت امور بین المللی OAS فعالیت میکند، حاوی پیوند ها با متن مکمل معاهدات تصدیق شده میباشد. صفحه مذکور به ترتیب الفبا تنظیم گردیده است.

صفحات انترنتی مفید

انجمن امریکایی قانون بین المللی، منابعی در مورد جرایم فرامرزی و فساد اداری

<http://www.asil.org/inthenews/timelytopic/corruption/index.html>

یک منبع جامع با داشتن پیوند ها با بینش های ASIL مربوطه، اطلاعات، متن های مکمل کنوانسیون ها و سایر اسناد تقنینی سازنده، و همچنان سازمان های بین المللی و هیئات های قضائی بین المللی که برای مبارزه با فساد و جرایم فرامرزی اختصاص یافته اند.

مرکز روشنفکران برای واحد های پولیس ثبات (CoESPU)

<http://coespu.carabinieri.it/>

به مثابه یک بخشی از "پلان اقدامات G-8" در آموزش دادن به محافظین صلح نوع ژاندارم که در مرحله گذار بعد از جنگ کمک میکنند با یک تاکید بر کشور های افریقائی.

شورای اروپا

http://www.coe.int/T/E/GENERAL/portailEN_indexA-Z.asp

یک نقطه مفید آغاز برای شورا های مختلف اروپا - طرق ارتباطی مربوط، از رهگذر نوع به طور جامع بصورت الفبا ترتیب شده. این صفحه اینترنتی شامل پیوند ها با این مراجع و مأخذ میباشد:

- پروژه پولیس منطوقی CARDS (یک شورای مشترک اروپا/ پروژه منطوقی کمیسیون اروپا علیه جرایم جدی در اروپای جنوبی).

http://www.coe.int/t/e/legal_affairs/legal_co-operation/combating_economic_crime/3_technical_cooperation/CARPO/

- گروه کشور های ضد فساد اداری (مسئولیت نظارت رعایت اصول رهنمودی برای مبارزه علیه فساد اداری و اجرای اسناد تقنینی بین المللی که به دنبال پروگرام عمل علیه فساد اداری تدوین گردیده، را بدوش دارد.) <http://www.greco.coe.int>

- OCTOPUS (یک پروژه بین المنطوقی بوده و هدف آن تقویت مساعی ملی و بین المللی علیه فساد و جرایم سازمان یافته میباشد)،

http://www.coe.int/T/E/Legal_Affairs/Legal_co-operation/Combating_economic_crime/4_Corruption/Default.asp#TopOfPage

گروه کاری امور مالی راجع به تطهیر پول (FATF)

<http://www.fatf-gafi.org>

در سال 1989 تشکیل گردیده و یک نهاد بین الدولتی میباشد که مقصد آن طرح و ارتقای پالیسی های ملی و بین المللی برای مبارزه با پول شویی و تمویل فعالیت های تروریسی میباشد.

سازمان همکاری های اقتصادی و انکشاف (OECD)

<http://www.oecd.org>

در این سازمان OECD سی کشور عضویت داشته و در زمینه تأمین طرز اداره دیموکراتیک و اقتصاد بازار مشترکاً متعهد میباشد. سازمان مذکور به تدوین اسناد تقنینی پذیرفته شده بین المللی، تصامیم و توصیه نامه ها، میپردازد تا "قوانین بازی" را در عرصه های که موافقتنامه های چند جانبه برای کشور های انفرادی جهت پیشرفت در اقتصاد جهانی لازمی شمرده میشود، بهبود بخشد.

شفافیت بین المللی (TI)

<http://www.transparency.org>

TI یک سازمان غیر دولتی پیشرو میباشد که جهت مبارزه با فساد اداری اختصاص یافته است. سازمان TI از طریق سکرتریت آن در برلین و نودو نه نماینده گی خود در هردو سطح بین المللی و ملی جهت از بین بردن عرضه و تقاضای فساد اداری کار میکند.

کتابخانه ملل متحد در زمینه جلوگیری از جنگ و ستیزه، تأمین صلح و انکشاف

<http://www.un.org/esa/peacebuilding/Library/>

حاوی پیوند های متعدد و مطالعات توصیه شده در باره حفظ صلح و حل و فصل منازعات، بشمول گزارش های سرمنشی ملل متحد و شورای امنیت و مجمع عمومی و همچنان مقالات کار شده به وسیله متخصصین میباشد.

اداره حفظ صلح ملل متحد (UNDPKO)

<http://www.un.org/Depts/dpko/dpko/index.asp>

صفحه انترنتی عمده این اداره حاوی پیوند های بخش های مربوط و همچنان به صفحات انترنتی عملیات صلح گذشته و کنونی میباشد. بخش بهترین عملکرد های حفظ صلح (در سایت انترنتی <http://www.un.org/Depts/dpko/lessons/>) بطور خاص مهم شمرده میشود، زیرا انواع مختلف اسناد مربوط به تحلیل پالیسی و انکشاف و همچنان درس های آموخته شده هنگام عملیات های حفظ صلح ملل متحد را نشان میدهد.

دفتر ملل متحد برای مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم (UNODC)

<http://www.unodc.org>

دفتر UNODC یک سازمان پیشرو مبارزه علیه مواد مخدره غیر قانونی و جرایم در عرصه بین المللی محسوب میگردد. سازمان مذکور در سال 1997 تشکیل شده و در در سراسر جهان حدود 500 نفر کارمند دارد. وظیفه سازمان مذکور کمک به کشورهای عضو در مبارزه شان علیه مواد مخدر غیر قانونی، جرایم و تروریزم، میباشد.

دفتر کمشنر عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر (OHCHR)

<http://www.unhchr.ch>

یک اداره مربوط به سکرتریت ملل متحد بوده، و وظیفه OHCHR بهبود و حمایت از برخورداری کامل و برسمیت شناختن تمام حقوق مندرجه منشور ملل متحد در قوانین و میثاق های بین المللی در باره حقوق بشر میباشد. صفحه انترنتی اصلی این دفتر شامل پیوند ها به این چنین میثاق ها، مثلاً CEDAW، HRC، CERD، و CAT به همین ترتیب حاوی متون اصلی اسناد تقنینی جهانی راجع به حقوق بشر میباشد.

انستیتیوت صلح امریکا

<http://www.usip.org>

این یک انستیتیوت مستقل، بیطرف، و ملی میباشد که به وسیله کانگرس ایجاد و تمویل میگردد. وظیفه آن کمک به حل و فصل منازعات خشونت آمیز بین المللی و بهبود ثبات در وضعیت بعد از جنگ، گذار دیموکراتیک و ارتقای ظرفیت تأمین صلح، وسایل و ارتقای ظرفیت روشنفکران در سراسر جهان میباشد. انستیتیوت مذکور این وظایف را از طریق تقویت دیگران با دانش، مهارت ها و منابع و همچنان از طریق ذیدخل شدن مستقیم در مساعی تأمین صلح در سراسر جهان ایفا مینماید. برای گزارش های مربوط به جنبه های خاص منازعات بین المللی و حل و فصل این منازعات به صفحه ذیل مراجعه شود:

<http://www.usip.org/pubs/reports.html> and

<http://www.usip.org/pubs/peaceworks/index.html>

کتابخانه حقوق بشر پوهنتون مینیسوتا

<http://www1.umn.edu/humanrts>

یک منبع بسیار عالی برای دسترسی به کنوانسیون ها و وسایل تحقیق مسایل مربوط به حراست از حقوق بشر و جلوگیری از جرایم در سطح بین المللی میباشد. پیوند را به سایر صفحات انترنتی قرار آتی میباشند:

• مواد منطقی، www1.umn.edu/humanrts/regional.htm

• عنوان، www1.umn.edu/humanrts/instree/ainstls2.htm

• موقف تصویب یا الحاق، www1.umn.edu/humanrts/research/ratification-index.html

• رهنمود های تحقیق، www1.umn.edu/humanrts/bibliog/biblios.htm

بانک جهانی

<http://www.worldbank.org>

متشکل از دو اداره انکشافی بوده و مالکیت 184 کشور عضو محسوب میگردد. رسالت بانک جهانی تخفیف سطح فقر و ارتقای سطح زنده گی در جهان میباشد. بانک مذکور قرضه های را با فیصدی ریح کم و همچنان قرضه های بدون ریح و کمک های بلاعوض را به کشور های روبه انکشاف فراهم میسازد.

فهرست اصطلاحات

A

- زندان ابوغریب، 104
- دسترسی به شواهد و مدارک (افشا سازی)، 103-104
- طرز العمل های حسابدھی، 14، 137، 142، 153-154
- حدود صلاحیت قضایی شخصیت فعال، 98
- افغانستان، 9
- کمبود های ارزیابی، 32
- موافقتنامه، بن سال 2001، 40
- دیوان محاکمات مرکزی مربوط مواد مخدر (CNT)، 85، 91-92
- قانون ضد مواد مخدر، 92
- پولیس ضد مواد مخدر، 91
- قاچاق مواد مخدر، 8، 13، 98
- حدود صلاحیت های قضایی قلمروهای اضافی، 99
- سیستم عدلی و قضایی غیر رسمی، 25
- قضات و حقوق دانان بین المللی، 147
- ارزیابی سیستم عدلی و قضایی، 34
- ستراتیژی ملی ضد مواد مخدر، 90-91، 126
- کمبود های تاسیسات محابس، 105
- کمپاین های معلومات عامه، 126
- واحد های پولیس برای تأمین ثبات، 130
- گروه کاری پیگرد قانونی عمودی، 91
- منشور افریقایی در باره حقوق بشری و مردم، 47
- منشور افریقایی در باره حقوق و رفاه اطفال، 47
- موافقتنامه در باره حقوق بشر (ایل سلوادور)، 40
- الو، کمال، 106
- کنوانسیون امریکا در مورد حقوق بشر، 47
- آنگولا، 41
- دفتر خارنوالی امور مربوط به ضد مافیا، 13
- منشور اعراب در مورد حقوق بشر، 47
- کنوانسیون عرب برای جلوگیری از تروریسم، 49
- کنوانسیون عرب لیگ در باره همکاری متقابل لیگ در مورد مسایل مربوط به جرایم جنایی، 48
- موافقت نامه صلح و مصالحه ملی آروشا، 40
- ارزیابی ها
- عضویت گروه ارزیابی، 30-32
- معلومات اساسی، 18
- نتایج، 18
- سگتور عدلی جنایی، 21-28
- نگرانی های کلتوری و تاریخی، 146-147
- اهداف و ستراتیژی ها، 18، 35-37
- کمک های بین المللی، 145-146
- سهم داخلی، 31-32
- میتودولوژی، 32-37
- ماهیت مشکل، 19-21

- اراده سیاسی رسمی، 29
- تنظیم رأپورها، 33
- پروسه پلان گزارى، 18
- موقف عامه، 29-30
- چهارچوب مقرراتى، 28
- وسعت، 18-19
- محدوده زمانى، 10، 35
- تحقيق معلومات، 33-34

B

- موافقتنامه بن مصوب سال 2001، 40
- کنترول کردن مرز، 77
- بوسنیا و هرزگوینا، 9
- ارزیابى جرایم جدی، 38
- ارزیابى نظام عدلى، 34
- موافقتنامه صلح و مصالحه دایتون، 40، 51
- شورای عالی قضایى و خانونالى، 88-89
- هماهنكى استخبارات، 118
- دیوان محاکماتى جنایى ملی برای یوگوسلاویای سابق
- قضات و حقوق دانان بین المللى، 147، 148
- حضور نظامى بین المللى، 128-129، 131
- فساد ادارى رسمی، x، 8
- جرایم سازمان یافته، x، 80
- ضبط و توقیف عواید، 64
- دیپارتمنت خاص برای جرایم جدی، 88-90
- بخش خاص برای جرایم جنگى، 89-90
- پروگرام خاص برای عملیات فاچاق (STOP)، 80
- واحد های پولیس مربوط به تأمین ثبات، 130
- دیپارتمنت حراست و محافظت شهود، 111
- راپور براهیمى، 159، 160، 160
- بروندى، 40

C

- کمبودیا، 85
- پروگرام های حفاظت بسته، 12
- اصلاحات تشکیلاتى، 73، 106-109
- پلان گزارى و عملیات، 108-109
- نیاز های تیم، 107-108
- کولمبیا، 40
- ضبط و توقیف عواید ناشى از جرایم، 63-67
- کانگو، 127
- قوای امنیتی، 130-131
- سیستم پولیس نیز ملاحظه شود
- قوانین اساسى، 43
- موافقتنامه های همکارى، 62
- فساد. فساد ادارى رسمی ملاحظه شود
- کوت دى آیویر، 68، 152
- کنوانسیون شورای اروپا در مورد جرایم سایبر، 49
- کنوانسیون شورای اروپا در مورد تطهیر پول های سیاه، جستجو، ضبط و توقیف عواید ناشى از جرایم، 49، 65

- کنوانسیون شورای اروپا در باره قوانین اجراء جزایی در مورد فساد، 49
 محاکم. به سیستم های عدلی جنایی مراجعه شود.
 تدابیر نظارت و مراقبت پوشیده، 55-57
 جرم. جرایم سازمان یافته ملاحظه شود.
 مجمع قوانین اجراء جزایی جرایم جنایی، 43-44
 مجمع قوانین نمونه وی برای عدالت جنایی بعد از ستیزه، 52-53، 105
 انواع تعدیلات و اصلاحات، 51-53
 تدابیر حراست و محافظت شهود، 58-60
 استخبارات جنایی. استخبارات ملاحظه شود.
 واحد های استخباراتی جنایی، 120-122
 سیستم عدلی جنایی
 میکانیزم های حسابدهی، 142
 دیوان های محاکماتی بین المللی خاص، 84-85
 اداره و مدیریت، 143
 ارزیابی ها، 21-28
 پروگرام های حفاظت بسته، 12، 73، 106-109
 اصلاحات در مورد و کالت مدافع، 73-74، 100-104
 حدود صلاحیت های قضایی قلمرو های اضافی، 98-99
 تعقیب و پیگرد های خارجی، 97-99
 اصلاحات تشکیلاتی، 73-74، 80-99، 155-157
 حضور قوای بین المللی، 23-24، 132
 قضات و حقوق دانان بین المللی، 86-87، 89-90، 97، 140، 141، 142
 پرسونل بین المللی نظامی منحیث شهود، 132
 استقلال عدلی، 96، 145
 پرسونل، 74، 139-144
 اصلاحات در مورد خائوالی، 74
 امنیت، 26، 144، 152-153
 دیوان محاکماتی اختصاصی، 82-97
 ظرفیت سیستم، 25-27
 آموزش، 84
 شفافیت، 96
 انواع تعدیلات و اصلاحات، 51-53
 دیوان محاکماتی جرایم جنگی، 84
 پروگرام های حراست و محافظت شهود، 109-112
 همجنان کمک بین المللی، چارچوب حقوقی، سیستم پولیس، سیستم محاسب ملاحظه شود.
 جرایم سایبر، 49

D

- دانیلوک، راجوک، 59
 سیستم های اطلاعات اداری، 76
 موافقتنامه صلح و مصالحه دایتون، 40، 51
 اصلاحات در مورد و کالت مدافع، 73-74، 99-103
 دسترسی به شواهد و مدارک، (افشا سازی)، 103-104
 پروگرام های حفاظت بسته، 106
 حق دسترسی به مشورت، 101-103
 حق مشورت، 100-101
 آموزش، 142-143
 تعریفات، 3-5
 جمهوری دیموکراتیک کانگو، 9
 افشا سازی، 103-104
 دچند جک، زوران، 59، 94

قانون داخلی، 43-45
 همچنان چهار چوب های حقوقی ملاحظه شود
 تمویل کنندگان کمک بین المللی ملاحظه شود
 قاچاق مواد مخدر
 معاهدات بین المللی، 46، 48
 لسنت منابع، 164-166
 تضمین پروسه عادلانه طی مراحل، 14، 22، 46، 53

E

تیمور شرقی
 همکاری میان نیرو های نظامی و پولیس ملکی، 133
 حضور نظامی بین المللی، 128-129، 131
 هیأت قضایی جرایم جدی، 82، 84
 فیصله نامه های شورای امنیت ملل متحد، 50-51
 جنبه های اقتصادی جرایم جدی، 20-21
 کنوانسیون کشورهای جامعه اقتصادی افریقای غربی در باره مبادله مجرمین، 48
 ایناودی، لویگی آر، 94
 ایل سلوادور، 40
 خشونت های قومی، 6
 منشور اروپایی حقوق اساسی، 47
 کنوانسیون اروپایی در باره مبادله مجرمین و پروتوکول های اضافی آن، 48
 کنوانسیون اروپایی در باره حقوق بشر و آزادی های اساسی (ECHR)، 40، 47، 51
 کنوانسیون اروپایی در باره مساعدت های دو جانبه حقوقی در زمینه مسایل جنایی، 48
 محکمه اروپایی حقوق بشر، 55-56، 59-60
 دفتر پولیس اروپایی (یورو پول)، 117
 شواهد، تعریف، 117
 همچنان استخبارات ملاحظه شود
 کنوانسیون گزارش توضیحی به شورای اروپا در باره تطهیر پول، تحقیق، ضبط و توقیف عواید
 ناشی از جرایم، 64
 طرز العمل های مبادله مجرمین، 68-69
 معاهدات مبادله مجرمین، 46-47، 48
 حدود صلاحیت قضایی قلمرو های اضافی، 98-99

F

ضمانت های محاکمه عادلانه، 14، 22، 46، 53، 100-101
 کشور فی جی، 93
 قاچاق اسلحه ناریه، 49
 تعقیب و پیگرد های خارجی، 97-99
 نقش های خارجی. کمک های بین المللی ملاحظه شود
 منابع علمی مربوط به حل مسایل جرم، 76
 یوگو سلاویای سابق. یوگو سلاویا ملاحظه شود
 معافیت کامل، 61
 منابع تمویل مالی، 13
 کمبود های مربوط به جنگ و ستیزه، 73
 تعقیب و پیگرد های خارجی، 97-99
 کمک های بین المللی، 12، 18، 73، 141، 143، 147، 152-153
 پایداری، 139

G

اصول رهنمودی، 12-15

H

کشور هاییتی، 7، 9

حضور نظامی بین المللی، 127

پیشنهاد کمیسیون سه جانبه، 94

مأموریت ملل متحد، 7، 10-11

پروسه انکشاف کتاب رهنما

مؤلفین و ماهرین، 9

اصول رهنمودی، 12-15

مقصد و هدف، 10-12

یک طرز برخورد حقوق بشری در رابطه به تنظیم امور محاسب، 105

رسیدگی های مربوط به حقوق بشر

توقیف مظنونین، 119

ضمانت های مربوط به طی مراحل مقتضی و محاکمه عادلانه، 14، 22، 46، 53، 100-101

ریفورم های تشکیلاتی، 73-74

کنوانسیون بین المللی راجع به حقوق مدنی و سیاسی، 41

ناظرین بین المللی، 143

معاهدات بین المللی، 46-47

اصول بین المللی غیر الزامی، 50

اصول دیموکراتیک و وظایف پولیس، 75

تأسیسات و امور مربوط به مدیریت محاسب، 104-105

لست منابع، 157-158

تدابیر مراقبتی، 55-56

فیصله های شورای امنیت ملل متحد، 50-51

واحد های کمک به قربانیان، 79، 112

همچنان ریفورم های انجمن های وکالت دفاع ملاحظه گردد

معیار های حقوق بشر و اجرای آن برای پولیس، 75

فاچاق انسان، 40، 42، 152

معاهدات بین المللی، 46، 49

بازگشت مجدد، 80

لست منابع، 164-166

حسین، صدام، 59-106

ال-حسین، شهزاده زید راد زید، 153

I

معافیت از تعقیب عدلی، 61-63

اثرات جرایم جدی، 6-8

جمع آوری معلومات استخبارات ملاحظه شود

اصلاحات تشکیلاتی، 11-12، 73-113

پروگرام های حفاظت بسته، 73، 106-109

اصلاحات سیستم قضایی جنایی، 80-99

اصلاحات وکالت مدافع، 99-103

پیگیری های عدلی خارجی، 97-99

ریفورم پولیس، 74-81

ریفورم محاسب، 103-105

لست منابع، 155-157

حدود صلاحیت های خاص قضایی، 82-97

- پروگرام های حراست و محافظت شهود، 109-112
 استخبارات، 12، 77-79، 113-122
 تحلیل، 116
 تصفیه، 115
 واحد های استخباراتی جنایی، 120-122
 توقیف متهمین، 119
 منابع علمی مربوط به حل مسایل جرم، 76
 پروسه استخبارات، 115-116
 کمک بین المللی، 142
 استخبارات نظامی، 117-120
 شریک ساختن و هماهنگی، 117-118
 تدابیر مراقبتی، 55-57، 77-79
 کنوانسیون کشور های امریکا علیه تروریزم، 49
 کنوانسیون کشور های امریکا راجع به فساد اداری، 49
 کنوانسیون کشور های امریکا راجع به تبادل مجرمین، 48
 کنوانسیون کشور های امریکا راجع به ناپدید کردن اجباری افراد، 47
 کنوانسیون کشور های امریکا راجع به مساعدت های حقوقی دو جانبه، 48
 کنوانسیون کشور های امریکا راجع به اسلحه ناریه، 49
 کنوانسیون کشور های امریکا راجع به جلوگیری و مجازات شکنجه، 47
 مساعدت های بین المللی، 12، 18، 137-154
 طرز العمل های حسابداری، 137، 153-154
 محلات بدیل برای تعقیب عدلی، 73-74، 97-99
 تعیین صلاحیت، 137، 141-142
 نگرانی های کلتوری و تاریخی، 146-147
 کمک لوژستیک و تجهیزات، 141، 143
 منابع تمویل مالی، 139، 147، 152-153
 خطوط رهنما، 137-141
 قضات و حقوق دانان، 86-87، 89-90، 97، 140، 141، 142
 کمک نیروی نظامی، 23-24، 34، 113، 127-135
 سوء رفتار به وسیله پرسونل بین المللی، 152-154
 نظارت، 143
 ارزیابی نیازمندی ها، 145-146
 انتخاب پرسونل، 137، 148-153
 پولیس، 23
 آموزش پرسونل داخلی، 137، 139-140، 142-143
 انواع مداخله، 137، 142-147
 سازمان پولیس جنایی بین المللی (انترپول)، 117
 دیوان محکمه جنایی بین المللی برای یوگوسلاویای سابق، 59-60، 84، 90، 94
 معاهدات بین المللی، 40-41، 45-51
 درباره جرایم و تحقیقات جنایی، 48
 معاهدات راجع به تبادل مجرمین، 46-47
 معاهدات حقوق بشر، 46-47
 اثرات بالای قوانین داخلی، 46
 معاهدات مساعدت های حقوقی دو جانبه، 47-48، 70-71، 98-99
 اسناد تقنینی غیر الزامی، 50
 پروسه تصویب، 45
 لست منابع، 166
 معاهدات درباره قاچاق، 49
 همچنان ملل متحد، معاهدات بین المللی و معاهدات خاص منطقی ملاخطه گردد
 تحقیق جرایم جدی استخبارات ملاخطه شود
 عراق، 9

زندان ابو غریب، 104
 شبکه پیشرفته واکش نخست، 31
 محکمه مرکزی جنایی عراق، 93
 تیم آموزشی مشورتی پولیس ملکی (CPATT)، 76
 پروگرام های محافظت بسته، 106
 فعالیت های آموزشی پولیس، 76، 135
 تدابیر محافظت شاهدان، 59
 ایتالیا، 13
 ساحل عاج ساحل عاج ملاحظه گردد.

J

جنبی صادون، 106
 جووانویچ سویزدان، 59
 لست ارزیابی ظرفیت سیستم قضایی، 26-27
 نظام های قضایی. سیستم های قضایی جزایی ملاحظه گردد

K

کارازیچ، رادوان، 8
 کرزی، حامد، 91، 126
 کوسوو، 9
 دسترسی به انجمن های دفاع، 102
 هماهنگی میان نیروی نظامی و پولیس ملکی، 133-134، 149
 مرکز منابع و کالت مدافع جرایم جنایی (CDRC)، 100
 توقیف مظنونین، 119
 ارزش یا قیمت تجهیزات، 141
 خشونت های قومی، 6
 شروط تبادلده مجرمین، 99
 تمویل، 152
 کمیته نظارتی حقوق بشر، 143
 هماهنگی شریک ساختن اطلاعات استخباراتی، 119-121، 133-134
 قضات و حقوق دانان بین المللی، 100، 145، 147، 148
 پرسونل نظامی بین المللی به حیث شهود، 132
 حضور نظامی بین المللی، 128، 132
 نظارت بین المللی، 143، 145
 پولیس بین المللی، 149
 رویه قضایی جانبدار، 145
 اختطاف، 41
 اداره جرایم سازمان یافته کوسوو، 121
 چهارچوب حقوقی، 23، 41-42، 143
 استخبارات نظامی، 120، 133-134
 بدرفتاری های پرسونل بین المللی، 152
 جرایم سازمان یافته، 42
 هماهنگی پولیس، 133-134، 149
 فرار از زندان، 106
 کمبود های تأسیسات مربوط به محابس، 104
 قانون اجراء جزایی مؤقت، 102
 معلومات و آگاهی عامه، 124-125، 127
 مصونیت نظام قضایی، 26
 ضبط و مصادره عواید، 67
 واحد های پولیس مربوط به تأمین ثبات، 130

مأموریت ملل متحد ، 26
 فیصله نامه های شورای امنیت ملل متحد ، 50-51
 محکمه جرایم جنگی و تنش های قومی ، 84-87
 تدابیر محافظت شهود ، 59 ، 110-111 ، 125
 کریجیستورک ، کوجو ، 59

L

لست ارزیابی چهارچوب حقوقی ، 22
 چهارچوب های حقوقی ، 39-51
 ارزیابی ها ، 21-23
 عنعنه قانون عرفی ، 22 ، 25 ، 44-45
 نظام های محاکم ، 44
 قوانین جزا ، 43-44
 قوانین داخلی ، 43-45
 ضمانت های طی مراحل مقتضی و محاکمه عادلانه ، 14 ، 22 ، 46 ، 53 ، 100-101
 طرز العمل های تبادلۀ مجرمین ، 68-69
 تعقیب عدلی خارجی ، 98
 طرز العمل های معافیت ، 61-63
 اجرای قوانین ، 41
 اصلاحات تشکیلاتی ، 73-74
 مساعدت های بین المللی ، 142
 معیار های بین المللی ، 40
 مکلفیت های معاهدات بین المللی ، 40-41 ، 45-50
 طرق و وسایل تحقیقاتی ، 42
 اصلاحات حقوقی ، 10-11 ، 42
 انواع تعدیلات ، 51-55
 معاهدات مساعدت های حقوقی دو جانبه ، 47-48 ، 69-71 ، 98-99
 موافقتنامه های بدون تعقیب عدلی ، 62
 موافقتنامه های صلح ، 40 ، 51
 قوانین و طرز العمل های پولیس ، 44-45
 ضبط و مصادره عواید ، 63-67
 حوزه های قضایی خاص ، 96
 اقدامات مراقبتی ، 55-57
 فیصله نامه های شورای امنیت ملل متحد ، 50-51
 پروگرام های محافظت شاهدان ، 57-61 ، 109-112
 رهنمای مقننه برای UNTOC ، 56 ، 60 ، 61 ، 69 ، 71
 رهنمای مقننه برای کنوانسیون های ضد تروریسم جهانی و پروتوکول های مربوط ، 69 ، 71
 لایبیریا ، 9
 حمل و نقل یا قاچاق مواد مخدر ، 7
 طرز العمل های تبادلۀ مجرمین ، 68-69
 قاچاق انسان ، 40
 قضات بین المللی ، 95
 اصلاحات حقوقی ، 40
 نقل و انتقال محبوسین ، 105

M

سازمان های مافیا ، 13
 مواد لازم برای مقابله با جرایم جدی ، 12
 یاداشت تفاهم ، 133
 نیرو های نظامی ، 113 ، 127-135

- شکل مساعدت ها، 131-132
 استخبارات، 117-120، 130
 چهارچوب های حقوقی، 45
 یاداشت تفاهم، 133
 قواعد یادرمیانی یا ذیدخل شدن، 129-132
 واحد های پولیس جهت تأمین ثبات، 130
 انتقال صلاحیت به پولیس ملکی، 133-135
 بحیث شاهدان، 132
 میلو سویچ، سلوبودان، 23، 145
 قوانین نمونه برای عدالت جنایی بعد از جنگ و ستیزه، 52-53، 105، 156
 "قانون نمونه طرز العمل های جنایی"، 52، 53، 56، 57، 59-60، 63، 69، 71
 "قانون جزای نمونه"، 52
 "قانون نمونوی توقیف"، 52، 105
 "قانون نمونوی پولیس"، 52
 محمد باز، 99
 تطهیر پول، 49
 انگیزه های ارتکاب جرایم جدی، 19-20
 معاهدات مساعدت های حقوقی دو جانبه، 70-71، 98-99
 بوجود آورنده قرارداد معاهدات مساعدت های حقوقی، 71

N

- ارزیابی نیازمندی ها. ارزیابی ها ملاحظه شوند
 نیپال، 5
 نیپتون، بیون، 94
 موافقتنامه های بدون تعقیب عدلی، 62
 آیرلند شمالی، 5، 9

O

- کنوانسیون OAU در باره جلوگیری و مقابله با تروریسم، 49
 کنوانسیون OECD در فساد اداری مقامات دولتی، 49
 فساد اداری رسمی، x، 20، 29
 معاهدات بین المللی، 48، 49
 لست منابع، 163
 استخبارات عملیاتی، 114
 جرایم سازمان یافته، x، 5-6، 20، 42
 معاهدات بین المللی، 46، 48
 سیستم پولیس، 78
 لست منابع، 164-166
 ضبط و مصادره عواید، 63-67
 منشأ جرایم جدی، 5-6

P

- معاقت قسمی، 61
 حوزه قضایی شخصیت غیر فعال، 98
 موافقتنامه صلح، 51
 مرتکبین جرایم جدی، 20

- مسایل مربوط به پرسونل، 144
 طرز العمل های حسابدهی، 137، 153-154
 سؤ رفتار، 152-154
 شایسته گی ها، 150-152
 استخدام، 148-150
 نیرو های ذخیره، 149
 امنیت، 152-153
 پلان کولمبیا سال 1999، 40
 شرایط ادعای داوطلبی، 61-63
 سیستم های پولیس
 ارزیابی ظرفیت، 23-25
 اصول حقوق بشر، 75
 اصلاحات تشکیلاتی، 73-81
 استخبارات، 113-122
 هماهنگی استخبارات، 80، 117-118، 120-122
 مسایل داخلی، 79
 مساعدت های بین المللی، 142-143
 تحقیقات و استخبارات، 12، 77-79، 114-122
 چهارچوب های حقوقی، 44-45
 یاداشت تفاهم، 133
 قوانین نمونه وی برای عدالت جنایی بعد از جنگ و ستیزه، 52-53
 لست منابع، 161-162
 مقتضیات منابع، 76-77
 وظایف خاص، 77-79
 واحد های پولیس جهت تأمین ثبات، 130
 اقدامات مراقبتی، 55-57، 77-79
 ستراتیژی های مورد هدف، 113، 122-123
 تعلیم و تربیه، 77، 142-143
 انتقال صلاحیت از نیرو های نظامی، 133-135
 نوع تعدیلات، 51، 53-54
 کمک به قربانیان، 79، 112
 عوامل سیاسی در زمینه جرایم جدی، ix، x، 20-21، 29
 تعریف وضعیت بعد از جنگ و ستیزه، 4
 رهنمود های عملی برای تشکیل خدمات اصلاحاتی در عملیات تأمین صلح ملل متحد، 105
 فرامین ریاست جمهوری / شاهی، 44
 اصول جهت مقابله با جرایم جدی، 12-15
 سیستم های محاسب
 ارزیابی ظرفیت، 27-28
 اصلاحات تشکیلاتی، 73-74، 103-105
 قوانین نمونه وی برای عدالت جنایی بعد از جنگ و ستیزه، 105
 لست منابع، 162
 نقل و انتقال محبوسین، 79، 104-105
 عواید ناشی از جرایم، 63-67
 تعقیب عدلی جرایم جدی سیستم های عدلی جنایی ملاحظه گردد
 فحشا. قاچاق انسان ملاحظه گردد
 پروتوکول منشور افریقا راجع به حقوق مردم و حقوق زنان در افریقا، 47
 کمپاین های آگاهی عامه، 113، 124-127

R

- اصلاحات اصلاحات تشکیلاتی ملاحظه گردد
 مهاجرین، 20
 معاهدات منطوقی، 51-45
 گزارش سرمنشی ملل متحد راجع به حاکمیت قانون و عدالت انتقالی در جوامع دچار جنگ و
 ستیزه و بعد از آن، 84
 لست منابع، 169-155
 حاکمیت قانون، 10-11، 14، 128، 155-157
 روندا، 84

S

- کنوانسیون SAARC درباره جلوگیری و مقابله با قاچاق زنان و اطفال بمنظور فحشا، 49
 ضبط و مصادره عواید ناشی از جرایم، 63-67
 صربیا، 94
 همجنان کوسوو، یوگوسلاویا ملاحظه گردد
 سیرالیون، 9
 کمیسیون مبارزه علیه فساد اداری، 29
 طرز العمل های تبادلۀ مجرمین، 68
 منابع پولیس، 76
 محکمۀ خاص برای سیرالیون، 83-84
 کنوانسیون منفرد در باره مواد مخدر، 48، 69
 جزایر سلومن، 92، 100
 سومالیا، 104، 127، 129
 حوزه های قضایی خاص، 82-97
 واحد های پولیس جهت تأمین ثبات، 130
 تعریف کشور یا دولت، 4
 استخبارات ستراتیژیکی، 114
 ستراتیژی ها برای مبارزه علیه جرایم جدی، 113-135
 استخبارات، 113-122
 حضور نظامی بین المللی، 113، 127-135
 کمپاین های آگاهی عامه، 113، 124-127
 هدف گیری، 113، 122-123
 اقدامات مراقبتی، 55-57، 77-79
 پایداری مبارزه علیه جرایم جدی، 14-15

T

- تیم های واکنش تاکتیکی، 77
 ستراتیژی های مورد هدف، 113، 122-123
 حوزه قضایی داخلی، 98
 دهشت افگنی یا تروریسم، 42
 معاهدات بین المللی، 46، 48، 49
 لست منابع، 164-166
 قاچاق انسان، قاچاق انسان ملاحظه گردد
 معاهدات معاهدات بین المللی ملاحظه گردد
 انواع جرایم جدی، 19

U

71. مدل همکاری های حقوقی دو جانبه UNDCP در لایحه مسایل مربوط به جرایم،
 معاهده نمونه وی ملل متحد در باره تبعید مجرمین، 69
 عملیات صلح ملل متحد و اهداف همچنان تحت وضعیت خاص ملاحظه گردد
 فیصله نامه های شورای امنیت ملل متحد، 50-51
 معاهدات و اسناد تقنینی ملل متحد
 اصول اساسی استقلالیت قضا، 50
 اصول بنیادی در باره استعمال قوه و اسلحه ناریه، 50
 مجموعه از اصول برای محافظت افرادی که تحت هرگونه توقیف یا حبس قرار دارند، 50
 ضوابط اخلاقی برای مامورین مربوط به حاکمیت قانون، 50
 کنوانسیون علیه فساد اداری (UNCACA)، 48، 68
 طرز العمل ها راجع به استرداد مجرمین، 68
 شرایط مساعدت های حقوقی دو جانبه، 70-71
 کنوانسیون علیه نقل و انتقال غیر قانونی مواد مخدر و مربوط به امراض دماغی، 48، 66، 69
 کنوانسیون علیه شکنجه و سایر روش های ظالمانه، غیر انسانی یا توهین آمیز، 47
 کنوانسیون علیه جرایم سازمان یافته انتقالی (UNTOC)، 40-41، 48، 55
 طرز العمل های تبادل یا استرداد مجرمین، 67-69
 معافیت از تعقیب عدلی، 61، 63
 شرایط مساعدت های حقوقی دو جانبه، 70-71
 ضبط و مصادره عواید، 63-67
 اقدامات مراقبتی، 57
 تدابیر محافظت شهود، 58، 60-61
 کنوانسیون آدویه مربوط به امراض دماغی، 48، 69
 کنوانسیون برای نظارت از بعب گذاری های تروریستی، 49
 کنوانسیون برای نظارت از اعمال غیر قانونی علیه مصونیت هوانوردی ملکی، 48، 69
 کنوانسیون نظارت از اعمال غیر قانونی علیه مصونیت دریانوردان، 48، 69
 کنوانسیون در باره نظارت از تصرف غیر قانونی طیارات، 48، 69
 کنوانسیون در باره مساعدت های حقوقی دو جانبه در زمینه مسایل مربوط به جرایم میان
 کشورهای عضو اتحادیه اروپا، 48
 کنوانسیون جرایم و سایر اعمال معیین که در داخل طیاره ارتکاب میانند، 48، 69
 کنوانسیون زدودن تمام اشکال تبعیض علیه زنان، 47
 کنوانسیون در باره علامه گذاری مواد منفجره پلاستیکی برای مقاصد کشفی، 48، 69
 کنوانسیون درباره حفاظت فیزیکی مواد زروی یا هستوی، 48، 69
 کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه افراد مورد حمایت بین المللی، 48، 69
 کنوانسیون در باره حقوق طفل، 47
 اعلامیه راجع به زدودن خشونت علیه زنان، 50
 اعلامیه مربوط به محافظت تمام افراد از ناپدید شدن اجباری، 50
 اعلامیه در باره حقوق طفل، 50
 مسوده اعلامیه در باره حق محاکمه عادلانه و جبران خسارت، 100
 خطوط رهنما راجع به نقش خانونالان، 50
 کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری، 48، 69
 کنوانسیون بین المللی برای نظارت از بعب گذاری های تروریستی، 69، 98
 کنوانسیون بین المللی برای نظارت از تمویل مالی اعمال تروریستی، 48، 69
 کنوانسیون بین المللی در باره حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، 41، 47
 کنوانسیون بین المللی راجع به زدودن همه اشکال تبعیض نژادی، 47
 حداقل مقررات برای اداره امور قضایی مربوط نوجوانان، 50
 حداقل مقررات برای اقدامات غیر مراقبتی، 50
 پروتوکول علیه تولید و حمل و نقل غیر قانونی سلاح ناریه، 49
 پروتوکول برای مراقبت اعمال غیر قانونی علیه مصونیت منبر های نصب شده در جعبه های
 قاره بی، 49، 69
 پروتوکول برای نظارت اعمال غیر قانونی خشونت آمیز در میدان های هوایی که خدمات بین
 المللی هوایی ملکی را فراهم میسازند، 49، 69

پروتوکول جهت جلوگیری و مجازات قاچاق افراد، 49
 قواعد برای محافظت نوجوانانی که آزادی شان سلب گردیده باشد، 50
 حداقل قواعد معیاری برای طرز برخورد با محبوسین، 50
 ایالات متحده آمریکا، 13

V

واحد های کمک به قربانیان، 79، 112

W

دیوان محاکمه جرایم جنگی، 82-85
 منابع صفحات اینترنتی، 166-169
 افریقای غربی، 68
 پاپوای غربی، 127
 پروگرام های محافظت شاهدان، 12، 57-61
 قوانین اجراءات جزایی، 58-60
 اصلاحات تشکیلاتی، 73، 109-112
 مساعدت های بین المللی، 143
 سیستم های یونیس، 79
 کمیابین های آگاهی عامه، 125
 قوانین جابجایی مجدد، 60-61
 حقوق زنان، 47، 49-50

Y

یوگوسلاویا، 23
 دیوان محاکمه بین المللی برای یوگوسلاویا سابق
 چهارچوب حقوقی، 42
 پروگرام های محافظت شاهدان، 59
 همچنان بوسنیا و هرزگوینا، کوسوو و ملاحظه گردد

Z

الزوبیدی، عدیل محمد، 106

انستیتیوت صلح ایالات متحده امریکا

انستیتیوت صلح ایالات متحده امریکا یک اداره مستقل، بی طرف و فدرال بوده که توسط کانگرس جهت بهبود امور مربوط به جلوگیری، تنظیم و حل صلح آمیز کشمکش های مسلحانه بین المللی ایجاد شده است. انستیتیوت مذکور که در سال 1984 تاسیس گردیده وظایف مربوط به کانگرس را از طریق یک سلسله برنامه های که شامل بخش های اهدا و واگذاری تحقیقات، بورس های آموزشی، برنامه های تعلیمی مسلکی، پروگرام های تعلیمی از سطح لیسه ها تا موسسات تحصیلات عالی، تدویر کنفرانس ها، ورکشاپ ها، خدمات مربوط به کتابخانه و طبع و نشر، انجام داده است. هیئت عامل انستیتیوت توسط رئیس جمهور امریکا مقرر شده و توسط مجلس سنا تصویب میگردد.

رئیس هیئت عامل: J. Robinson West

معاون رئیس هیئت عامل: María Otero

رئیس هیئت اجراییه: Richard H. Solomon

معاون سرپرست هیئت اجراییه: Michael Graham

معاون رئیس: Charles E. Nelson

هیئت عامل

J. Robinson West (رئیس هیئت عامل)، رئیس هیئت عامل، انرژی PFC، واشنگتن، دی سی
María Otero (معاون رئیس هیئت عامل)، رئیس، انترناسیونال ACCION، بوستن، ماسسوجیست
Betty F. Bumpers، رئیس اسبق و موسس پیوند های صلح، واشنگتن، دی سی.
Holly J. Burkhalter، معاون رئیس امور دولتی، ماموریت بنی المللی عدالت، واشنگتن، دی سی.
James R. Schlesinger, Chester A. Crocker، پروفیسر مطالعات ستراتژییک، مکتب خدمات خارجی، پوهنتون جورج تاون (Georgetown).
Laurie S. Fulton، همکار، Williams و Connolly، واشنگتن، دی سی همکار سابقه دار، انستیتیوت

Charles Horner، همکار سابقه دار، انستیتیوت Hudson، واشنگتن، دی سی

Seymour Martin Lipset، پروفیسور پالیسی عامه پوهنتون، George Mason

Mora L. McLean، رئیس انستیتیوت افریقایی - امریکایی، نیویارک، نیویارک.

Barbara W. Snelling، سناتور اسبق امریکا و والی اسبق، Shelburne, Vt.

اعضای سابقه هیئت عامل

Barry F. Lowenkron، دستیار وزارت خارجه امریکا برای دموکراسی، حقوق بشر و امور کار

Peter W. Rodman، دستیار وزارت دفاع برای امور امنیت بین المللی

Richard H. Solomon، رئیس انستیتیوت صلح امریکا (غیرانتخابی)

Frances C. Wilson، جنرال قوای بحری امریکا، رئیس، پوهنتون دفاع ملی

مبارزه علیه جرایم جدی در جوامع بعد از جنگ و ستیزه

این کتاب به اساس دیزاین شماره 224 کا سلون طرح شده است. نوعیت نمایش
ظاهری آن، زور بیخ فشرده می باشد. جیف یوبانسیک (Jeff Urbancic) طرح
روی جلد و داخل آن را دیزاین نموده است. شرکت ارتباطات EEI صفحات آنرا
طرح نموده است، که توسط کیمبرلی می کیتچینون (Kimberly McCutcheon)
و EEI پروف آن خوانده شده است. فهرست اصطلاحات توسط جان ویلیامز
(Jan Williams) تهیه شده است. تصحیح کننده این کتاب نیگل کیونی
(Nigel Quinney) بود.